مجلّه

جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری

سال یازدهم، شمارهٔ ۴ | زمستان ۱۴۰۳، شمارهٔ پیاپی ۲۷

- برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک با تأکید بر مشارکت‌پذیری؛ نمونه مطالعاتی محله پونک جنوبی تهران (۲۹-۱)

  شیفته فرخی، سید مجید مفیدی شمیرانی، سمانه جلیلی صدرآباد

- تحلیل و اولویت‌بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان از دیدگاه خبرگان بخش‌های خصوصی و دولتی (۴۹-۳۱)

  مهدی کاظمی، علیرضا شکیبایی، سودابه بیجاری، محبوبه برزگرپور

- کاربست رویکرد انتقال حق توسعه در نواحی شهر زنجان (۷۰-۵۱)

  عظیم علی شائی، سعید نجفی، محمدتقی حیدری

- قابلیت‌های محیطی مؤثر بر خودآگاهی در مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر مشهد (۹۱-۷۱)

  حامد بیتی، مینو قره بگلو، المیرا کریمی پور

- ارزیابی عوامل مؤثر بر وفاداری به گردشگری در مقصد رشت (۱۱۳-۹۳)

  حسن احمدی، مهرداد مهرجو

- سنجش معیارهای اکولوژی شهری در بناهای بلندمرتبه مشهد بر پایه استاندارد بین‌المللی HQE (۱۳۱-۱۱۳)

  فرزانه رزاقیان، محمدرحیم رهنما، محمد اجزاء شکوهی

- ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه منظر شهری (نمونه موردی: سبزه میدان قزوین) (۱۵۱-۱۳۳)

  رضا جعفری‌ها، غزاله حیدری، زهرا لک

- عوامل مؤثر بر مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد تکاشت علّی (۱۶۸-۱۵۳)

  سعید خاتم، زهرا احمدی پور، مهناز خاتم

شاپا: ۲۵۳۸-۳۵۵۱

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری

سال یازدهم، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۴۰۳، شمارهٔ پیاپی ۲۷

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری

سال یازدهم، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۴۰۳، شمارهٔ پیاپی ۲۷

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد
مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور
سردبیر: دکتر محمّد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)**:**

عیسی ابراهیم‌زاده آکباد– استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی – دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور– دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمدرحیم رهنما– استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی – استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی– دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی– دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی‌اکبر عنابستانی– استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی– دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان– استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی : دکتر مصطفی امیرفخریان **کارشناس اجرایی دفتر مجله:** زهرا بنی‌اسد
ویراستار علمی ادبی : دکتر شیرین صباغی آبکوه **مترجم انگلیسی:** مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
ویراستاران این شماره: عبداله نوروزی **حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی :** الهه تجویدی **شمارگان:** ۳۰ نسخه
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیّات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰
تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۲۴، سردبیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۷۵
بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا– سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها– سالانه)
نشانی اینترنتی مجله: http:// jgusd.um.ac.ir E-mail:jud@ um.ac.ir

این مجله در جلسهٔ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورّخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی ـ پژوهشی دریافت و طی نامهٔ شمارهٔ ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی – پژوهشی" به نشریه"علمی" تغییر نام یافتند.

«این نشریه حاصل فعالیت مشترک دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن برنامه ریزی شهری ایران است»

این مجلّه در پایگاه های زیر نمایه می شود:

- **پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)**
- **پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)**
- **پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)**

بسم الله الرحمن الرحيم

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت‌بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همهٔ پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می‌شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقالهٔ ارسال‌شده نباید قبلاً در هیچ نشریهٔ داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقالهٔ خود را به مجلهٔ دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman12 با نرم‌افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ٤ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی‌متر) تایپ شود. متن به صورت دوستونی با رعایت فاصلهٔ ۱ سانتی‌متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید ازحدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحهٔ چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جداول، اشکال، خلاصهٔ فارسی و کتابشناسی).

٤. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با درنظرگرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

٦. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman13 ، نام نویسندهٔ مقاله با قلم سیاه Times New Roman10 عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شمارهٔ تلفن نویسندهٔ مسؤول در پاورقی آورده شود.

۷. چکیدهٔ مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل‌ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت Excel،Word ،PDF) و با دقت ٦۰۰ dpi ارایه شود. اندازهٔ قلم‌ها به‌خصوص، در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک‌شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، بی لوتوس سیاه ۱۲ و.سط‌چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹. ۱. صفحهٔ عنوان: در صفحهٔ شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجهٔ علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسؤول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسندهٔ مسؤول باید مشخص شود.

۹. ۲. چکیده: شامل: ۱. چکیدهٔ فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف‌ها، روش‌ها، نتیجه‌گیری و کلیدواژه‌ها (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته‌ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف‌نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیدهٔ انگلیسی باید مطابقت کامل با چکیدهٔ فارسی داشته باشد.

۹. ۳. مقدمه: شامل ۱– طرح مسأله(مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال‌ها و فرضیه ها)؛ پیشینهٔ تحقیق و مبانی نظری

۹. ٤. روش‌شناسی تحقیق: در برگیرندهٔ ؛ ۱– روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعهٔ آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده‌ها و اعتبارسنجی آن‌ها)؛ ۲– متغیرها و شاخص‌های پژوهش؛ ٤– قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹. ۵. یافته‌های پژوهش: ارایهٔ نتایج دقیق از یافته‌های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹. ٦. بحث: حاوی تفسیر نتایج و مقایسه یافته های مطالعه با مطالات پیشین و برجسته کردن نوآوری پژوهش

۹. ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها: شامل خلاصه ای از یافته ها، توضیح قابلیت تعمیم‌پذیری و کاربرد علمی یافته‌ها و ارایهٔ رهنمودهای لازم برای ادامهٔ پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها و پیشنهادهای احتمالی.

۱۰. نحوهٔ ارجاعات: منابع و مآخذ باید به صورت درون‌متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰. ۱ ارجاعات در متن مقاله باید به شیوهٔ داخل پرانتز (APA) نسخه ٦ باشد؛ به گونه‌ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ‌شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به‌عنوان نمونه: (شکوئی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷).

۱۰. ۲ در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایِ نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست‌نویسی APA نسخه ٦ تنظیم شود. (عناوین کتاب‌ها و مجلّات ایتالیک/ مورب شود).

نمونهٔ فارسی:

– رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی در ایران*. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

– عنابستانی، ع. ا.، شایان، ح.، و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعهٔ موردی: شهرستان بهمئی). *مجلهٔ برنامه‌ریزی فضایی*. ۱ (۳)، ۸۰–٦۳.

نمونهٔ انگلیسی:

- Bourne, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.
- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER). 1*(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نـام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۰. ٤. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامهٔ دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو با هم و با مسؤولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.

۱۰. ٥ . چنانچه مخارج تحقیق یا تهیهٔ مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحهٔ اول درج شود.

۱۰. ٦. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارایه شود.

۱۱. شیوهٔ ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محتـرم، جـدای از ارزشـیابی کیفـی مقـالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسندهٔ مقاله ارسال خواهد شد.

۱۲. مجلّه حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف‌داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعـهٔ آرشـیو مجله خارج خواهد شد و مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری هیچ مسؤولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۱۳. مسؤولیت ارایهٔ صحیح مطالب مقاله بر عهدهٔ نویسندگان مقاله است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقالهٔ آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.

۱٤. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانهٔ مجله (http://jgusd.um.ac.ir) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.

۱٦. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌اند از:

الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.

ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده مبسوط انگلیسی.

ج) فایل چکیده مبسوط (مکمل) مقاله: در محیط Word شامل چکیده مبسوط انگلیسی به همراه اصل نسخه فارسی آن و برگردان منابع فارسی به انگلیسی در قالب یک فایل.

۱۷. شرایط جزیی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارایه شده است.

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۷۹٤۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰٦۰

کد پستی: ۹۱۷۷۹٤۸۸۸۳ پست الکترونیکی jud@um.ac.ir

وب سایت:http://jgusd.um.ac.ir

فرم اشتراک (یک ساله/ دوشماره) **مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری**

این جانب ..... شغل ..... با ارسال فیش بانکی به مبلغ ..... ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره ..... هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجلّه و تیراژه‌ی آن از طریق پست پیشتاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شـماره حسـاب مـذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجلّه ارسال کنند.

نشانی: ..... کدپستی: .....

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی بازرگان (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر عیسی پیری (استادیار جغرافیا دانشگاه زنجان)
دکتر علی اصغر پیله ور (دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه بجنورد)
دکتر معصومه توانگر (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری جهاددانشگاهی خراسان رضوی)
دکتر محمد علی خلیجی (استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز)
دکتر محمّد رحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی سقایی (استادیار موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان)
دکتر کیان شاکرمی (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر رستم صابری فر (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر صدیقه لطفی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران)
دکتر ابوالفضل مشکینی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر میر نجف موسوی (استاد جغرافیا دانشگاه ارومیه)

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
■ **برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک با تأکید بر مشارکت‌پذیری؛ نمونه مطالعاتی محله پونک جنوبی تهران** شیفته فرخی، سید مجید مفیدی شمیرانی، سمانه جلیلی صدرآباد	(۲۹-۱)
■ **تحلیل و اولویت‌بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان از دیدگاه خبرگان بخش‌های خصوصی و دولتی** مهدی کاظمی، علیرضا شکیبایی، سودابه بیجاری، محبوبه برزگرپور	(۴۹-۳۱)
■ **کاربست رویکرد انتقال حق توسعه در نواحی شهر زنجان** عظیم علی شائی، سعید نجفی، محمدتقی حیدری	(۷۰-۵۱)
■ **قابلیت‌های محیطی مؤثر بر خودآگاهی در مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر مشهد** حامد بیتی، مینو قره بگلو، المیرا کریمی پور	(۹۱-۷۱)
■ **ارزیابی عوامل مؤثر بر وفاداری به گردشگری در مقصد رشت** حسن احمدی، مهرداد مهرجو	(۱۱۲-۹۳)
■ **سنجش معیارهای اکولوژی شهری در بناهای بلندمرتبه مشهد برپایه استاندارد بین‌المللی HQE** فرزانه رزاقیان، محمدرحیم رهنما، محمد اجزاء شکوهی	(۱۳۱-۱۱۳)
■ **ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه منظر شهری (نمونه موردی: سبزه میدان قزوین)** رضا جعفری‌ها، غزاله حیدری، زهرا لک	(۱۵۱-۱۳۳)
■ **عوامل مؤثر بر مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی** سعید خاتم، زهرا احمدی پور، مهناز خاتم	(۱۶۸-۱۵۳)

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

DOI: 10.22067/jgusd.2023.79446.1260
مقالهٔ علمی - پژوهشی

برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک با تأکید بر مشارکت‌پذیری؛ نمونه مطالعاتی محله پونک جنوبی تهران[1]

شیفته فرخی (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران)
shifteh95farokhi@yahoo.com
سید مجید مفیدی شمیرانی (استادیار شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران)
s_m_mofidi@iust.ac.ir
سمانه جلیلی صدرآباد (دانشیار برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)
s_jalili@iust.ac.ir

تاریخ دریافت: ١٤٠١/٠٨/١٤ تاریخ تصویب: ١٤٠١/١١/١٦

صص ٢٩-١

چکیده

شهرها با چالش‌های بسیاری روبرو هستند که یکی از این چالش‌ها بی‌توجهی به کودکان است و محلات به عنوان یکی از نطفه‌های حل مسائل شهر است که می‌توان از ظرفیت‌های آن بهره برد و کودکان به عنوان قشر آسیب‌پذیر باید نظر آن‌ها در رابطه با محیط زندگیشان مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد، به این دلیل که کودکان علایق بیشتری برای حضور در محله پیدا کند. بنابراین هدف پژوهش شناسایی راهکارهای برنامه‌ریزانه برای ایجاد محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت‌پذیری در محله پونک جنوبی تهران است که در پژوهش‌های اخیر کمتر به آن توجه شده است. بنابراین این پژوهش سعی دارد شاخص‌های مطرح شده در ابعاد مختلف محلات دوستدار کودک را با توجه به مشارکت‌پذیری مطرح نماید. روش تحقیق توصیفی –تحلیلی و نوع پژوهش از نوع کاربردی است و برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شد که ٣٨٠ پرسش نامه با توجه به جمعیت هر یک از بلوک‌ها به روش تصادفی ساده بین ساکنان محله با جامعه آماری ٣٥٤٠٨ نفر به دلیل اصل عدالت در انتخاب افراد در نمونه مطالعاتی برگزیده شده است و برای تحلیل پرسشنامه از تحلیل رگرسیونی استفاده شد یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان انجام فعالیت‌های متنوع توسط کودکان در بعد کالبدی، ایمنی کودک در برابر اتومبیل در بعد حمل‌ونقل بیشترین امتیاز و توجه به رنگ‌های موردعلاقه

---

١. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه¬ریزی شهری شیفته فرخی با عنوان « برنامه¬ریزی محلات دوستدار کودک با تاکید بر مشارکت پذیری نمونه مطالعاتی پونک جنوبی» به راهنمایی نویسنده دوم دکترسیدمجیدمفیدی شمیرانی و مشاوره نویسنده سوم دکتر سمانه جلیلی صدر آباد در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران است.

کودکان در بعد کالبدی، تهویه مسکن در بعد مسکن کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند. درنتیجه می‌توان با مشارکت کودکان محلات را به مکانی طبق میل و خواسته کودک تبدیل کرد که امنیت، حس تعلق، حضورپذیری در آن بالاست.

کلیدواژه ها: پونک جنوبی تهران، کودک، محلات دوستدار کودک، مشارکت‌پذیری.

۱. مقدمه

با افزایش شهرنشینی شهرها با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شدند که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در نظر نگرفتن حقوق و نیازهای واقعی کودکان است بنابراین کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر باید مورد توجه جدی برنامه‌ریزان قرار گیرند. محلات یکی از نطفه‌های اصلی حل مسائل و مشکلات شهری است. لذا باید از ظرفیت‌های محله‌ای برای حضورپذیری کودکان، افزایش حس تعلق، افزایش کیفیت زندگی و تقویت سرمایه اجتماعی استفاده شود. مسئولان، طراحان و برنامه‌ریزان باید کودکان را در تمامی مراحل مکان‌یابی، طراحی، ساخت و برنامه‌ریزی و مدیریت ببینند و طبق نظر و خواسته آن‌ها محله را برنامه‌ریزی کنند زیرا نگاه کودک به محلات با نگاه بزرگسالان متفاوت است بنابراین باید اصول محلات دوستدار کودک شناخته شود و طبق اصول و نیازهای کودکان این محلات را برنامه‌ریزی کرد. در گذشته محلات خودکفا بودند و نیازهای ساکنین خود را برطرف می‌کردند. کودکان می‌توانستند از کوچه و معابر برای سرگرمی و بازی با ایمنی بالا استفاده کنند. اما در حال حاضر این معابر در اختیار اتومبیل‌ها قرار گرفته‌اند و این فضاها برای کودکان قابل استفاده نیستند. کودکان بیشتر تمایل دارند درون منازل مسکونی باشند که این امر فرصت کشف و درک و ارتباط با محیط پیرامون و برقراری روابط اجتماعی را از آن‌ها گرفته است و باعث بروز مشکلات کم‌تحرکی و عدم سلامت جسمی و روحی کودکان شده است. محلات عمدتاً فاقد کیفیت برای استفاده کودکان و به دور از مشخصه‌های دوستدار کودک می‌باشند، که در آن دچار سردرگمی و ترس و احساس اضطراب می‌شوند با مشارکت‌دادن کودکان به آن‌ها اجازه داده خواهد شد که در ترسیم محل زندگی خود سهیم باشند که این امر سبب می‌شود محلات تبدیل به محلات دوستدارکودک شوند که به نیازهای کودکان در آن‌ها توجه شده است دلیل بررسی محله پونک جنوبی تراکم ساختمانی و جمعیتی بالا، وجود کاربری‌های ناسازگار مانند تعمیرگاه ماشین، طراحی مسیرهای خودرومدار و عدم توجه به ایمنی کودکان در برابر سواره و عدم رعایت سلسله مراتب راه‌ها و عدم توجه به مشارکت کودکان است. در کل سیستم مدیریت و حاکمیت به نحوه‌ای است که آشنایی کمتری با راه‌های مشارکت کودکان و نوجوانان دارند و به تأثیر این مشارکت در بهبود کیفیت محلات توجه شده است. محیط زندگی کودک می‌تواند به توسعه، پیشرفت و رشد سالمش کمک کند یا مانع از آن شود. آشنایی برنامه‌ریزان و مدیران با شیوه‌ها و روش‌های مشارکت باعث شناخت علایق و نیازمندهای واقعی کودکان درون محلات می‌شود که این امر موجب می‌شود کودکان در ترسیم فضای زندگی خود سهیم باشند و به احساس مهم بودن خود پی ببرند.

اصطلاح "کودک" با توجه به کنوانسیون اخیر حقوق کودک سازمان ملل که معنای کودک را به هر فرد تا هجده سال تعمیم می‌دهد. کودک به سال‌های پیش از نوجوانی و نوجوانی یا جوانی اشاره دارد (هارت[1] و همکاران، ۱۹۹۲، ص.٤) و طبق ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱/۱۰/۱۱، تمامی افرادی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند کودک محسوب می‌شوند لذا گروه سنی زیر ۱۸ سال از حمایت‌های مقرر در این دستورالعمل برخوردار می‌باشند (معاونت امور شهرداری‌ها دفتر برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری، ۱۳۹۷: ۳). کودک به تمامی افراد زیر ۱۸ سال گفته می‌شود که برای رشد کامل و هماهنگ شخصیت خود باید در محیط خانوادگی و در فضایی مملو از شادی، آرامش و محبت رشد یابند و باید برای زندگی اجتماعی آمادگی کامل پیدا کند و در سایه کرامت، آزادی، برابری و همبستگی رشد کنند (پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، ۱۳٦۸: ۹). بنابراین می‌توان گفت کودک به تمامی افراد زیر ۱۸ سال گفته می‌شود که به بلوغ کامل نرسیده‌اند و نیاز به حمایت دارد و می‌توان کودک را به ٤ گروه که شامل: الف) نوزاد (۰-۲ سال) ، ب) خردسال (۲-٦سال)، ج) بچه (۷-۱۲)، د) نوجوان (۱۲-۱۸سال) تقسیم کرد که هریک خواسته‌های متفاوت فیزیکی و روانشاسی در رابطه با محله خود دارند که شیوه های بیانی آن‌ها با هم متفاوت است که باید به این امر توجه شود و در این پژوهش منظور از کودک تمامی افراد زیر ۱۸ سال است و بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد هنگامی که سران کشورها گردهمایی تحت عنوان اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ برگزار کردند و نتیجه آن تحت عنوان دستور کار ۲۱ مطرح شد. کودکان و نوجوانان به‌عنوان گروه‌های سهیم در توسعه پایدار مطرح شد (کیانی و اسماعیل‌زاده‌کواکی، ۱۳۹۱، ص. ۳۲). ابتکار شهرهای دوستدار کودک در سال ۱۹۹٦ آغاز شد. تا در جهانی که هرچه بیشتر به سمت شهری شدن و تمرکززدایی پیش می‌رود، به چالشی که همان تحقق حقوق کودکان است پاسخ دهد. این برنامه ذینفعان محلی و یونیسف را گرد هم می‌آورد تا شهرها و جوامع محلی امن، فراگیر و پاسخگوی نیازهای کودک ایجاد کنند (تیوانت، ۲۰۱۸، ص. ۵). یونیسف ابتکار شهرهای دوستدار کودک (CFCI)[2] در طول دومین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد سکونتگاه های انسانی (Habitat II) در سال ۱۹۹٦ همراه با UN-Habitat راه اندازی شد تا به برنامه ریزان شهری و جوامع کمک کند تا با قرار دادن کودکان و نوجوانان در مرکز توجه به مشکلات شهری پاسخ دهند. راه حل های آنها CFCI یونیسف توسط CRC[3] پشتیبانی می‌شود (یونیسف[4]، ۲۰۱۹، ص. ۲). درسال ۱۹۷۷-۲۰۰۰ کارگاه بین‌المللی شهرهای دوستدار کودک آفریقا که چهارمین انجمن بزرگ بین‌المللی شهر دوستدار کودک بود که به ایجاد شبکه‌ای از موسسات علاقه‌مند به شهرهای دوستدار کودک و انتشار اطلاعات در مورد نوآوری هایی که در حمایت از کودکان صورت می‌گیرد و در سال ۲۰۰۰ دبیرخانه شهرهای دوستدار کودک CFC برای حمایت از این شبکه در حال تحول یونیسف و UN Habitat مجموعه مهم از مقامات محلی و شهردار بودند که در آن حرکت کرده بود و به

1. Hart
2. Child Friendly Cities Initiative
3. Child Rights Education
4. Unicef

ابتکار شهرداران مدافع کودکان را راه‌اندازی کردند (ریجو[1]، ۲۰۰۲، ص. ٤٧) و نشست سازمان ملل در مورد کودکان که در سال ۲۰۰۲ در نیویورک برگزار شد که سند آن تحت عنوان جهانی مناسب برای کودکان مطرح شد. کشورهای که کنوانسیون حقوق کودک را تصویب می‌کنند. باید کودکان را به‌عنوان شهروند بشناسند که حق ابراز عقاید و نظرات خود را دارند این امر مستلزم آن است که در شهرها اصلاحات قانونی و بودجه ای و تدوین استراتژی برای دگرگونی محیط زندگی کودکان در خانواده، محله و شهر مطرح کنند (ریجو، ۲۰۰۲، ص. ٤٥). اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی شهربندیگو استرالیا از طرف یونیسف به‌عنوان شهر دوستدارکودک و اولین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را از نظر یونیسف به خود اختصاص داده بود، معرفی و به رسمیت شناخته شد که در این شهرحقوق کودکان به‌عنوان اولویت اصلی و اساسی در تمامی رویکردها مورد توجه قرار گرفت (شهریزاده و مویدفر، ۱۳۹٦، ص. ۱۵۱). شهر اوز در استان فارس برای اولین بار در ایران به‌عنوان شهر دوستدار کودک در سال۲۰۱۰ از طرف موسسسه پژوهشی کودکان انتخاب شد (کیانی و اسماعیل‌زاده‌کواکی، ۱۳۹٦، ص. ٢٦). به طورکلی در بررسی پیشینه محلات دوستدار کودک و ارتقاء مشارکت‌پذیری، سیر تحول دوره‌ها و روندهای توجه به کودکان را در قالب مقالات و کتاب‌ها و پایان نامه‌ها می‌توان خلاصه نمود:

در سال ۱۳۸٦ پژوهش حسینی و همکاران نشان داد که دسترسی، مقیاس، شایستگی ، پاسخگویی، جذابیت، آسایش و ایمنی و مشارکت‌پذیری از عوامل مهم در برنامه‌ریزی واحدهای همسایگی هستند. سپس کامل‌نیا و حقیر در سال ۱۳۸۸ به اصول مورد نظر کودکان از طریق مشارکت که شامل: قصه‌گویی، جداول و جورچین‌ها، مدل‌سازی، برای ایجاد فضاهای سبز دوستدار کودک توجه ویژه‌ای کردند. متینی و همکاران در سال ۱۳۹۳ ساختار فضایی محلات دوستدار کودک می‌بایستی دارای ویژگی‌هایی چون حضور پذیری ، نفوذپذیری و هویت باشند. این ویژگی‌ها بستر مناسبی را برای رشد سالم کودکان فراهم می‌کند. دریسکل در سال ۱۳۹۵ بر روش‌های مشارکت کودکان که شامل مشاهده غیررسمی و حضوریافتن در اجتماعات کوچک مردمی، مصاحبه، بررسی نقاشی، جداول فعالیت‌های روزانه خانواده و شبکه‌های حمایتی، تئاتر و نمایش عروسکی، گشت‌های هدایت شده، نقشه‌برداری از رفتارها، پرسش‌نامه و پیمایش، بحث‌های گروه‌های کانونی و گروه‌های کوچک، کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای اجتماعی است. ایمانی و همکاران در سال ۱۳۹۵ محله را مهمترین مرکزی که کودک وقت خود را در آن می‌گذراند و مکان مناسبی برای بازی کودک می‌داند که باید به آن توجه ویژه‌ای شود و با مشارکت کودکان آن را برنامه‌ریزی کرد. شهریزاده استفاده از مشارکت کودکان، استفاده از علائم راهنما برای جهت‌یابی کودکان در محله، استفاده از مبلمان در مقیاس کودک و استفاده از رنگ‌های شاد در فضاهای شهری را از مولفه‌های مهم شهر دوستدار کودک می‌داند. کورد شاکری در سال ۱۳۹٦ در پژوهشی که انجام داد حق از آن خودسازی فضای شهری، حق بازی، حق مشارکت و شهرنشینی، حق زیستن و بهزیستن و حق فردباوری در اجتماع، مصادیق حق کوکان و نوجوانان به شهر هستند که باید در برنامه‌ریزی موردتوجه قرار بگیرند. نوری در سال ۱۳۹٦ در پژوهشی که انجام داد متوجه شد که

1. Riggio

ویژگی‌هایی که کودکان برای شهر دلخواهشان بیان نموده‌اند بر اساس جنس و منطقه متفاوت است. ویژگی‌هایی که برای کودکان مناطق پایین مهم بوده با نیازها و اولویت‌های کودکان بالای شهر متفاوت بود که باید در برنامه‌ریزی به این موارد توجه کرد. هارت و همکاران در سال ۱۹۹۲ در پژوهشی تحت عنوان مشارکت کودکان از توکنیسم تا شهروندی توجه به حق آزادی بیان کودکان که این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات چه به صورت شفاهی، چه کتبی یا چاپی، به شکل هنری یا از طریق هر رسانه بدون توجه به مرزها، جنسیت، عقاید از هر نوع به انتخاب کودک بتواند نظر خود را بیان کند را مهم دانسته است. وولکاک و استیل[1] در سال ۲۰۰۸ در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی شاخص‌های جوامع دوستدار کودک ایجاد جوامع دوستدار کودک به‌عنوان یک مفهوم حیاتی می‌داند و در این تحقیق بر شناسایی مشکلات موجود در جوامع و کشف راه‌های توانمندسازی کودکان برای مشارکت در جوامع دوستدار کودک متمرکز شده است و به بحث ایمنی و امنیت کودکان، استقلال و تحرک کودکان، اولویت‌بندی کودکان در مکان‌های اجتماعی، ایجاد فرصت برای کودکان برای شرکت در بازی در فضای باز، احساس مثبت نسبت به خود، رفاه و آسایش کودکان در محیط فیزیکی، فرصت‌های دسترسی کودکان به مناطق سبز و طبیعی اهمیت می‌دادند. ملون[2] در سال ۲۰۱۱ در پژوهشی تحت عنوان رویاپردازی و برنامه‌ریزی محله دوستدار کودک برای بروکس، ریچ، داپتو از کودکان خواسته شد لیستی از آنچه را در محله خود دوست دارند و یا دوست ندارند، فهرست کنند که در مرحله اول به داشتن یک محله آرام با افراد صمیمی توجه بسیار شده بود و در مراحل بعد پارک‌ها و زمین‌های بازی و مکان‌های طبیعی مورد بحث قرار گرفت. توجه به دسترسی به امکانات مانند کتابخانه‌ها، مراکز اجتماعی، کافه‌ها و مراکز تجاری و غیره برای کودکان بالای ۱۲ سال مدنظر بود. زرلینا و سلیمان[3] در سال ۲۰۲۲ در پژوهشی تحت عنوان به سمت برنامه‌ریزی نوآورانه محلات برای دوستدار کودک بودن در جاکارتا که بیان می‌کند کودکان نه‌تنها به یک محیط امن، سالم و پایدار برای رشد کودک نیاز دارند. بلکه کودکانی باید در شهرها ارزش‌گذاری و پذیرفته شوند. بنابراین باید جامعه بدون تبعیض داشته باشیم و محله به‌عنوان کوچک‌ترین واحد تقسیمات فضایی، اولین مکانی است که کودکان در آن با دنیای اجتماعی مواجه می‌شوند. بنابراین تحقق حقوق اجتماعی کودکان در ارتباط با محلات حائز اهمیت است. محلاتی پایدار با هویتی قوی باثبات اقتصادی، مشارکت‌پذیر، امکان تحرک‌مستقل، انعطاف‌پذیرتر و قابل زندگی‌تر باشند و در نهایت سبب تاب‌آوری شهر می‌شوند. دلیل بررسی محله پونک جنوبی تراکم ساختمانی و جمعیتی بالا، وجود کاربری‌های ناسازگار، نبود حس تعلق، طراحی مسیرهای خودرو مدار و عدم توجه به ایمنی کودکان در برابر سواره، وابستگی کودکان به حمل و نقل شخصی، کمبود فضاهای گذران اوقات فراغت متناسب با نیاز کودکان، فقدان عناصر جذاب متناسب با نیاز و خواسته کودکان، حس ناامنی پایین برای حضورپذیری و عدم رعایت سلسله مراتب راه‌ها و عدم توجه به مشارکت کودکان است. سیستم مدیریت و حاکمیت به نحوه‌ای است که آشنایی کمتری با راه‌های مشارکت کودکان و نوجوانان دارند

1. Woolcock & Steele
2. Malone
3. Zerlina1 & Sulaiman

و به تأثیر این مشارکت در بهبود کیفیت توجه شده است محیط زندگی کودک می‌تواند بـه توسـعه، پیشـرفت و رشـد سالمش کمک کند یا مانع از آن شود. آشنایی برنامه‌ریزان و مدیران با شیوه‌ها و روش‌هـای مشـارکت باعـث شـناخت علایق و نیازمندهای واقعی کودکان درون محلات می‌شودکه این امر موجب می‌شود کودکان درترسیم فضـای زنـدگی خود سهیم باشند و به احساس مهم بودن خود پی ببرند. این پژوهش با هدف شناسایی راهکارهای برنامه‌ریزانـه بـرای ایجاد محلات دوستدار کودک به منظور ارتقاء مشارکت‌پذیری کودکان در محله پونک جنوبی تهران و پاسخ بـه سـوال زیرانجام شده است:

الف) راهکارهای برنامه‌ریزانه برای ایجاد محلات دوستدار کودک بـه منظـور ارتقـاء مشـارکت‌پـذیری کودکـان در محله پونک جنوبی چیست؟

با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی محلات با توجه به نیازها وخواسته‌های کودکان بعد از گذشت چند دهـه از تجـارب طراحی و برنامه‌ریزی محلات نشان داد که بسیاری از آن‌ها نتوانسته‌اند بـه آفـرینش محـلات دوسـتدار کـودک منجـر شوند و همچنین کودکان را در برنامه‌ریزی مشارکت دهند. بنابراین در پژوهش پیش‌رو به بررسی نقـاط بررسـی نشـده و خلأهای موجود در میان پژوهش‌های قبلی پرداخته می‌شـود. بنـابراین در ایـن پـژوهش سـعی در بررسـی نیازهـای کودکان در برنامه‌ریزی محلات و ارتقاء مشارکت می‌شود.

۲. روش شناسی

۱.۲. روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی –تحلیلی است و نوع پژوهش از نوع کاربردی است. در ابتدا برای شناسایی اصـول برنامـه–ریزی محلات دوستدار کودک با تأکید بر مشارکت‌پذیری از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع معتبر جهانی بـرای اسـتخراج شاخص‌ها استفاده شده است که در نهایت ۲۷ شاخص در بخش برنامه‌ریزی محلات دوسـتدار کـودک بنـابر دفعـات تکرار شاخص و درصد تکرار در ٦ بعد که شامل: کالبدی، حمل و نقل، اجتمـاعی، محیطـی، مـدیریتی و مسـکن و در بخش مشارکت‌پذیری به ۱۸ شاخص در ٤ بعد که شـامل: آموزشـی، حقـوقی، اجتمـاعی و مـدیریت و برنامـه‌ریـزی تقسیم شده است. شاخص‌ها، زیر شاخص‌ها، دفعات تکرار شاخص توسط نظریه‌پردازان/ نویسـندگان، درصـد تکـرار شاخص و نوع شاخص(عینی و ذهنی) مشخص شده است که در نمونه مطالعاتی مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱. شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت‌پذیری کودکان

بُعد	نظریه‌پرداز/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان	زیر شاخص‌ها	دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
کالبدی	دوانی و پلاتر؛ مامفرد؛ جنبش نوشهرگرایی؛ لودر، ۲۰۰۷؛ لی و جین، ۲۰۰۶؛ ژانک و لی، ۲۰۱۰؛ گولد الن و گیلد، ۲۰۱۵؛ منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ اسلامی و امین زاده، ۱۳۹۰.	تنوعی از کاربری های مورد نیاز کودکان (اختلاط کاربری) در محله	کثرت (تراکم)، الگوی توزیع (نحوه ترکیب)، دسترس پذیری	۹	٤/۹٤	/۲۹ ۳۷	عینی
	دوانی و پلاتر؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ اسلام و همکاران، ۲۰۱٦؛ ضرغامی و باقری، ۱۳۹۷.	تراکم ساختمانی		٤	۲/۱۹		عینی
	لودر، ۲۰۰۷؛ لی و جین، ۲۰۰٦؛ ابوالقاسم‌پور، ۱۳۹٦	میزان انعطاف پذیری فضاهای مورد استفاده کودک در محله	کالبد: میزان تناسب مبلمان طبق نیاز کودک	۳	۱/٦٤		ذهنی
			عملکرد: برنامه‌ریزی فضاهای مورد استفاده کودک با توجه به جنسیت، معلولیت و گروه‌های متفاوت سنی				عینی
	پری، ۱۹۲۹؛ وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ مارتین و ورد، ۲۰۱۳؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ کیانی و اسماعیل زاده‌کوانی، ۱۳۹۱؛ شهریزاده و مویدفر، ۱۳۹۵؛ مویدفرو صفایی، ۱۳۹۸	دسترسی کودکان به فضاهای سبز و طبیعی	شعاع دسترسی: متر	۹	٤/۹٤		عینی
			پارک کودک: ۲۲۰-۲۵۰				
			بوستان محله‌ای: ۳۰۰-۳۷۵				
	پری، ۱۹۲۹؛ بارتون و همکاران،؛ جنبش نوشهرگرایی؛ منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱	دسترسی کودکان به مراکز خرید	شعاع دسترسی: متر	٤	۲/۱۹		عینی
			واحد تجاری –خرید روزانه: ۲۲۰-۲۵۰				
			واحد تجاری –خرید هفتگی: ٤۵۰-۵۵۰				
	بارتون و همکاران؛ لودر، ۲۰۰۷؛ لی و مین، ۲۰۰٦؛ وولکاک و وندی،	کیفیت دسترسی به فضاهایی	دسترسی آسان، سریع و راحت به فضاهای مناسب برای بازی	۱۲	٦/۵٤		ذهنی

ردیف	نظریه‌پرداز،/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان	زیر شاخص‌ها	دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
	۲۰۰۸؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ مارتین و ووود، ۲۰۱۳؛ زکیول اسلام و همکاران، ۲۰۱٦؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ کیانی و اسماعیل زاده‌کوانی، ۱۳۹۱؛ زیاری،۱۳۹۳؛ شهریزاده و مویدفر، ۱۳۹۵	مناسب برای بازی و فعالیت کودک	و فعالیت کودک				
	پری، ۱۹۲۹؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ زیاری، ۱۳۹۳	دسترسی کودکان به فضاهای مذهبی	شعاع دسترسی: ۳۰۰-۳۷۵ دسترسی آسان، سریع و راحت به فضاهای مذهبی	۳	۱/٦٤		عینی
	لی و مین، ۲۰۰٦؛ ابوالقاسم-پور،۱۳۹٦؛ مارتین و ورد، ۲۰۱۳؛ گارسیا و همکاران ،۲۰۲۰	میزان استفاده از عنلصر زیبا و جذاب کودکانه	رنگ آمیزی متناسب با ویژگی‌های کودکان	٤	۲/۱۹		ذهنی
			نورپردازی‌های مناسب در فضاهای مورد استفاده کودکان				ذهنی
			فرم‌های مورد علاقه و جذاب برای کودکان در محله				ذهنی
	جنبش نوشهرگرایی؛ لی و مین، ۲۰۰٦؛ مویدفر و صفایی،۱۳۹۸، وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ مویدفر و صفایی، ۱۳۹۸؛ کیانی و اسماعیل زاده کوانی، ۱۳۹۱	میزان بهره‌مندی از فضاهای باز برای استفاده کودکان در محله	اختصاص سطح مناسبی از محله به فضاهای باز عمومی مناسب کودکان	۵	۲/۷٤		عینی
			امکان انجام فعالیت‌های متنوع توسط کودکان				ذهنی
	دسترسی به خدمات اولیه و تسهیلات اساسی شامل:						
	گلدفلد و همکاران ۲۰۱٤؛ موید فرو صفایی،۱۳۹۸؛ هورلی،۲۰۰۷؛ ابوالقاسم-پو،۱۳۹٦	دسترسی کودکان به فضاهای بهداشتی و درمانی	شعاع دسترسی به درمانگاه محلی: ٦۵۰-۷۵۰متر	۵	۲/۷٤		عینی
	پری، ۱۹۲۹؛ جنبش نوشهرگرایی؛ بارتون و همکاران ؛ هورلی،۲۰۰۷ ؛ ابوالقاسم‌پور،۱۳۹٦، زیاری، ۱۳۹۳؛	دسترسی کودکان به کاربری آموزشی	شعاع دسترسی: متر	۱۰	۵/٤۹		عینی
			کودکستان: ۲۲۰-۲۵۰				

ابعاد	نظریه‌پرداز/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان	زیر شاخص‌ها	دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
	موید فر و صفایی، ۱۳۹۸؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤		دبستان: ۳۰۰-۳۷۵				
			راهنمایی: ٤۵۰-۵۵۰				
			دبیرستان: ٦۵۰-۷۵۰				
حمل و نقل	جنبش نوشهرگرایی؛ هورلی، ۲۰۰۷؛ وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ لودر، ۲۰۰۷؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ ابوالقاسم‌پور، ۱۳۹۳؛ موید فر و صفایی، ۱۳۹۸	دسترسی کودکان به حمل و نقل همگانی	زمان و فاصله دسترسی به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی با توجه به توان حرکتی کودکان نیم تا ۱ مایل	۷	۳/۸٤	/۹۵ ۲۱	عینی
	وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ موید فر و صفایی،۱۳۹۸، زیاری، ۱۳۹۳.	مسیرهای پیاده ویژه کودکان (پیاده مداری کودک)	اختصاص مسیرهای ویژه پیاده مداری کودک در دسترسی به مدارس (از خانه تا مدرسه)	۵	۲/۷٤		عینی
			میزان بهره مندی از تسهیلات مورد نیاز کودکان در مسیرهای ویژه پیاده‌مداری کودکان				عینی
			عرض مناسب مسیر پیاده-مداری				عینی
			مصالح مسیر پیاده‌مداری کودکان				عینی
			شیب مسیر پیاده‌مداری کودکان				عینی
	وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ موید فر و صفایی، ۱۳۹۸؛ زیاری، ۱۳۹۳.	مسیرهای دوچرخه ویژه کودکان	طول مسیر دوچرخه سواری	۵	۲/۷٤		عینی
			میزان برخورداری از تسهیلات مورد نیاز کودکان در مسیر دوچرخه‌سواری				عینی
			رضایت‌مندی از ایمنی کودک در مسیر دوچرخه‌سواری				ذهنی
	لودر،۲۰۰۷؛ لی و جین، ۲۰۰٦؛ وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ مارتین و ووود، ۲۰۱۳؛ گولد الن و گیلد، ۲۰۱۵؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ کیانی و اسماعیل زاده کوانی،	ایمنی کودکان در برابر اتومبیل	مدیریت ترافیک شامل (کنترل سرعت، زیر ساخت‌های آرام کننده ترافیک، خیابان‌های بن بست)	۱۲	٦/۵۹		عینی

ابعاد	نظریه‌پرداز،/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان	زیر شاخص‌ها	دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
	۱۳۹۱؛ زیاری،۱۳۹۳ ؛ شهریزاده و موید فر، ۱۳۹۵؛ موید فرو صفایی، ۱۳۹۸						
	دوانی و پلاتر؛ لی و جین، ۲۰۰٦؛ وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ ژانک و لی، ۲۰۱۰؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ مارتین و ووود، ۲۰۱۳؛ گولد الن و گیلد، ۲۰۱۵؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ کیانی و اسماعیل زاده کوانی، ۱۳۹۱؛ زیاری، ۱۳۹۳؛ شهریزاده و موید فر، ۱۳۹۵	تحرک و فعالیت مستقل کودک در محله	تحرک در داخل محیط بدون همراهی بزرگسالان	۱۱	٦/۰٤		ذهنی
اجتماعی	لی و جین، ۲۰۰٦؛ هورلی،۲۰۰۷؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ ثقه اسلامی و امین زاده،۱۳۹۰؛ منوچهری و همکاران،۲۰۲۱	تعاملات اجتماعی کودک	فرصت برای تماس اجتماعی و ایجاد دوستی و ارتباط برقرار کردن بین کودکان	٤٥٥	۲/۷٤	/۸۱ ۱٤	ذهنی
	ژانک و لی، ۲۰۱۳؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱؛ مارتین و ووود، ۲۰۱۳؛ ثقه اسلامی و امین زاده،۱۳۹۰	حس اجتماع در محله	اعتماد و احساس مسئولیت بین همسایگان (حس مراقب از فرزندان در اجتماع محله)	٤	۲/۱۹		ذهنی
	لی و مین، ۲۰۰٦؛ وولکاک و استیل، ۲۰۰۸؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ ابوالقاسم پور ،۱۳۹٦	تعلق خاطرکودکان به محله	احساس مسئولیت کودک نسبت به محیط و فضای زندگی خود	٥	۲/۷٤		ذهنی
			تمایل به مشارکت در امور مربوط به محله				ذهنی
	لودر،۲۰۰۷؛ لی و جین، ۲۰۰٦؛ وولکاک و وندی، ۲۰۰۸؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ مارتین و ووود، ۲۰۱۳؛ گولد الن و گیلد، ۲۰۱۵؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ کیانی و اسماعیل زاده کوانی، ۱۳۹۱؛ زیاری،۱۳۹۳ ؛ شهریزاده و	امنیت مورد نیاز کودکان	احساس امنیت کودک نسبت به محیط محله	۱۳	۷/۱٤		ذهنی

ابعاد	نظریه‌پرداز/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان		زیر شاخص‌ها	دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
	موید فر، ۱۳۹۵؛ موید فرو صفایی، ۱۳۹۸							
محیطی	لی و مین، ۲۰۰۶؛ هورلی،۲۰۰۷ ؛ منوچهری و همکاران،۲۰۲۱؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ شهریزاده و موید فر، ۱۳۹۵؛ ابوالقاسم‌پور، ۱۳۹۶	محیط سالم و پاک		رضایت از جمع‌آوری به موقع زباله‌ها و باقی نماندن زباله‌ها در محیط محله	٦	۳/۲۹	۹/۳۱	ذهنی
				فاصله ازکارگاه‌ها و مراکز آلاینده در محله				ذهنی
	لی و جین، ۲۰۰۶؛ هورلی،۲۰۰۷؛ منوچهری و همکاران،۲۰۲۱؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ ابوالقاسم‌پور، ۱۳۹۶	میزان آلودگی صوتی			٤	۲/۱۹		ذهنی
	منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ ابوالقاسم‌پور، ۱۳۹۶؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱	کیفیت هوا			٤	۲/۱۹		ذهنی
	لی و جین، ۲۰۰۶؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ مارتین و ووود، ۲۰۱۳	میزان توجه به آسایش اقلیمی مورد نیاز کودک			۳	۱/٦٤		ذهنی
مدیریتی	لودر، ۲۰۰۷؛ لی و جین، ۲۰۰۶؛ ژانک و لی،۲۰۱۰؛ هورلی،۲۰۰۷؛ ملون و دانشگاه سیدنی غربی، ۲۰۱۱ ؛ مارتین و ووود،۲۰۱۳؛ گولد الن و گیلد،۲۰۱۵؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ ابوالقاسم‌پور،۱۳۹٦؛ شهریزاده و موید‌فر، ۱۳۹۵؛ موید‌فرو صفایی، ۱۳۹۸ ؛کیانی و اسماعیل زاده کوانی، ۱۳۹۱، ثقه اسلامی و امین زاده،۱۳۹۰؛ منوچهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ یونیسف، ۲۰۱۸؛ زکیول اسلام و همکاران، ۲۰۱٦	مشارکت پذیری کودکان	آموزشی	آگاه سازی و آموزش به کودکان برای مشارکت فعال	۱۵	۸/۲٤	/۱۷ ۱۳	ذهنی
				توانمند سازی کودکان				ذهنی
				توجه به نقش کودکان به‌عنوان آموزش دهنده در جامعه				ذهنی
			انطباقی	توجه به حقوق قانونی کودکان در بحث مشارکت				ذهنی
				درنظر گرفتن قوانین				ذهنی

ردیف	نظریه‌پرداز،/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان	زیر شاخص‌ها		دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
			حامی کودکان					
			ارتقاء اعتماد اجتماعی	اجتماعی				ذهنی
			عدالت در مشارکت تمامی کودکان					ذهنی
			افزایش آگاهی اجتماعی نسبت به مشارکت کودکان					ذهنی
			همه شمولی در مشارکت کودکان					ذهنی
			داشتن سیاستهای انگیزشی برای مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی محلات	مدیریت و برنامه‌ریزی				ذهنی
			ایجاد فضایی آزادانه ایمن برای بیان نظرات کودکان					ذهنی
			زیرساخت‌های مناسب مشارکت کودکان					ذهنی
			در نظر گرفتن کودکان در طرح‌ها و برنامه ها					ذهنی
			مشارکت شفاف					ذهنی
	مارتین و وود،۲۰۱۳ ؛ لودر ، ۲۰۰۷؛ گلدفلد و همکاران ؛ ۲۰۱٤؛ لی و مین،۲۰۰٦؛ موید فرو صفایی، ۱۳۹۸	توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله	تعریف فعالیت‌های متناسب با گروه های سنی مختلف کودک در محله		٥	۲/۷٤		ذهنی
	ابوالقاسم‌پور، ۱۳۹٦؛ شهریزاده و موید فر،۱۳۹٥؛ لودر، ۲۰۰۷؛ هورلی،۲۰۰۷	مدیریت از پایین به بالا	حمایت NGO های محلی از کودکان آسیب پذیر		٤	۲/۱۹		ذهنی
			وجود شوراهای مشورتی					عینی

ابعاد	نظریه‌پرداز/ نویسندگان	شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک به‌منظور ارتقاء مشارکت-پذیری کودکان	زیر شاخص‌ها	دفعات تکرار شاخص	درصد تکرار		نوع شاخص
			کودکان در محله				
مسکن	لودر، ۲۰۰۷؛ گارسیا و همکاران؛ لی و مین، ۲۰۰۶	گزینه‌های متفاوت مسکن در محله	گزینه‌های متنوع از مسکن ویلایی و آپارتمانی	۳	۱/٦٤	۳/۲۸	عینی
	گارسیا و همکاران؛ گلدفلد و همکاران، ۲۰۱٤؛ لی و مین، ۲۰۰٦	مسکن مناسب کودک در محله	میزان آرامش مورد نیاز کودک در مسکن	۳	۱/٦٤		ذهنی
			میزان فضاهای انعطاف پذیر مناسب کودک در واحدهای مسکونی				ذهنی
			میزان روشنایی و تهویه مناسب کودک				ذهنی
			دسترسی به خدمات عمومی				عینی

مدل مفهومی پژوهش در ٦ بعد که شامل: کالبدی، حمل و نقل، اجتماعی، محیطی، مسکن، مدیریتی در بخش برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک و در ٤ بعد حقوقی، اجتماعی، مدیریت و برنامه‌ریزی و آموزش در بخش مشارکت‌پذیری کودکان ارائه شد.

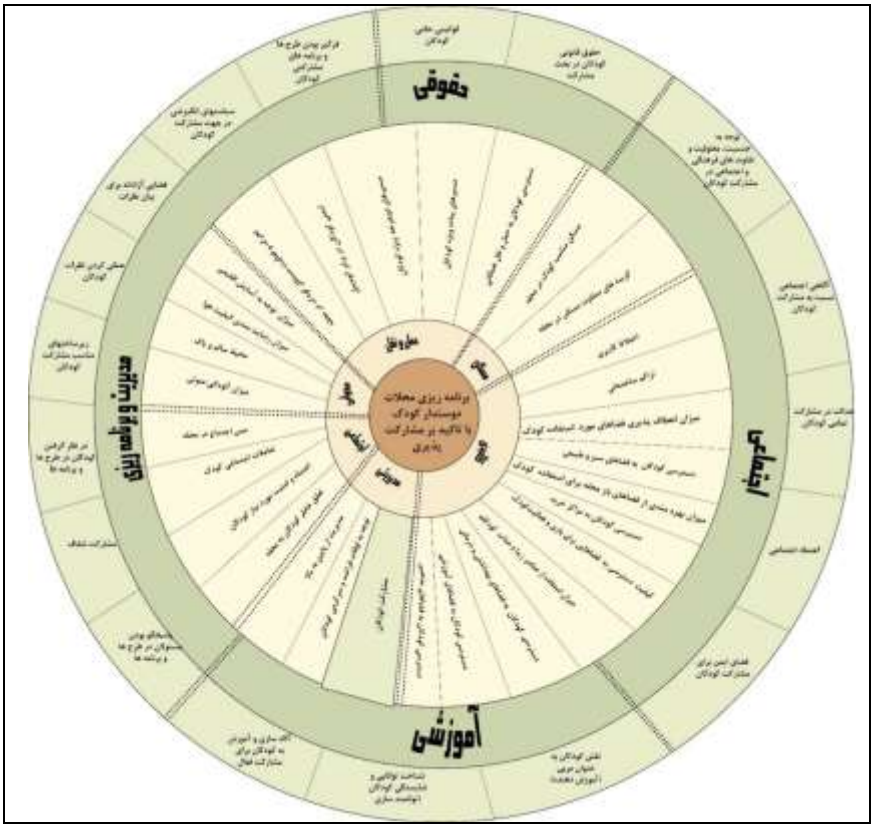

شکل ۱. جمع‌بندی شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک با تاکید بر مشارکت‌پذیری

سپس شاخص‌های ذهنی در ارتباط با شناسایی خواسته‌ها و نیازهای کودکان در محلـه و شناسـایی راه‌هـای ارتقـاء مشارکت‌پذیری با روش‌های کیفی مورد سنجش قرار گرفته است. در تدوین پرسش‌نامه از مقیاس لیکـرت بـا طیـف پنج واحدی بهره گرفته شده است و امتیازدهی از ۱ تا ۵ برای سوالات مثبت و ۵ تا ۱ برای سؤالات منفـی درنظـر گرفتـه شده است.

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. حجم جامعه آماری در ایـن پـژوهش محلـه پونـک جنوبی با جمعیت ۳۵٤۰۸ نفر است که حجم نمونه ۳۸۰ نفر و با توجه به جمعیت هـر یـک از بلـوک هـا بـه روش تصادفی ساده نمونه گیری انجام شده است به این دلیل که همه‌ی افراد محلـه‌ی پونـک جنـوبی از شـانس مسـاوی و اصل برابری برای انتخاب شدن در نمونه مطاالعاتی برخوردار باشند و برای آنکه پاسـخگویی بـه پرسـش‌نامـه گویـای نظر تمامی افراد محله پونک جنوبی باشد در فضای مجازی قرار گرفته است و نتایج پرسش‌نامه بـا اسـتفاده از نرم‌افـزار SPSS و با تحلیل رگرسیونی چند متغیره با روش گام به گام مورد سنجش قرار گرفته است به این دلیل کـه رابطـه‌ی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشخص شود و میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تبیـین شـود بنـابراین درجه اهمیت شاخص‌های برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک با تاکید بر مشارکت‌پذیری در محله پونـک جنـوبی در هر بعد مشخص شده است که در تبیین متغیر وابسته دارای اهمیت هستند که از بین ٤۲ عامل ۱۱ عامل امتیـاز بـالاتری

را در هر بعد کسب کرده‌اند که نشان‌دهنده درجه اهمیت آن شاخص‌هاست که در این راستا پیشنهادهای که محله پونک جنوبی را به سمت دوستدار کودک بودن سوق می‌دهد ارائه گردیده است و در انتهای پژوهش با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل پرسش‌نامه و تحلیل عینی شاخص‌ها راهکارهای نهایی جهت ایجاد محلات دوستدار کودک با تأکید بر مشارکت‌پذیری در محله پونک جنوبی مشخص شده است.

۲.۲. محدوده موردمطالعه

محدوده موردمطالعه محله پونک جنوبی تهران است. که در ناحیه سه، منطقه پنج تهران واقع‌شده است. که از شمال به خیابان شهید میرزا بابایی و محله پونک شمالی، از شرق به بزرگراه اشرفی اصفهانی و منطقه ۲ شهرداری تهران، از جنوب به محله باغ فیض و بزرگراه شهید همت و از غرب به بزرگراه شهید ستاری و محله جنت‌آباد مرکزی محدود است (اشرفی و عبادی،۱۳۹۹). و مساحت آن حدود ۱۶۶.۳ هکتار است و جمعیت آن طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۳۵۴۰۸ است و جمعیت کودک آن افراد زیر ۱۸ سال آن ۷۲۹۱ نفر است که حدود ۲۰.۵ درصد از جمعیت محدوده را شامل می‌شود که نیاز به برنامه‌ریزی دارند.

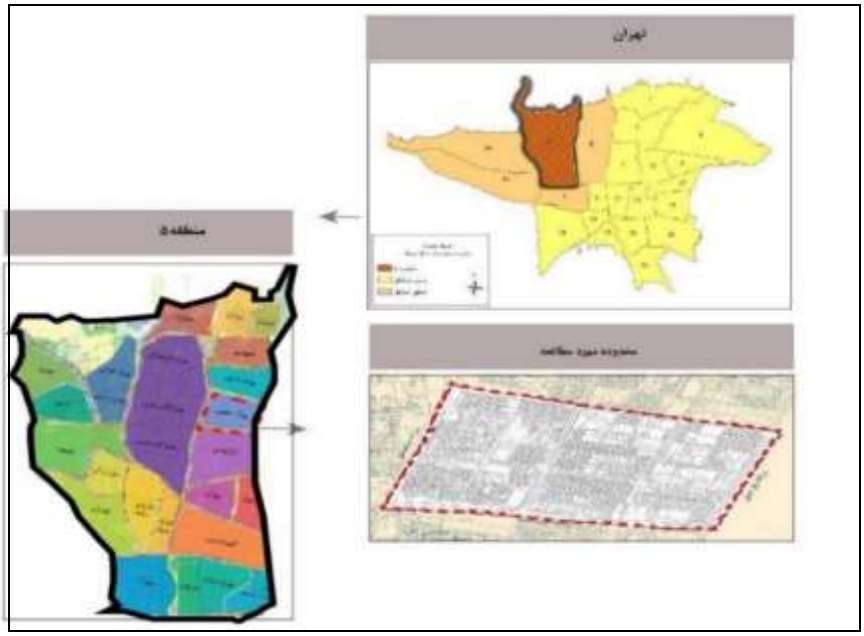

شکل۲. محدوده موردمطالعه (شهرداری منطقه۵ ، ۱۳۸۸).

۳. یافته‌ها

پژوهش مدنظر در دو بخش برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک و مشارکت‌پذیری انجام شده است و شاخص-های مرتبط با آن به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم شده‌اند که شاخص‌های ذهنی از طریق پرسش‌نامه و برای تحلیل آن از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است که شاخص‌ها به عنوان متغیر مستقل نسبت به سوال کلی که در هر بعد به

عنوان متغیر وابسته شناخته می‌شود سنجیده می‌شوند. در گام اول مدلی که ضریب تعیین تعدیل شده بیشتری دارد به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود که مدل‌های برتر انتخابی در تمامی ابعاد در جدول۳ مشخص شده است.

جدول۲. ارائه مدل برتر برگزیده در ابعاد مختلف

بخش	مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک	مدل انتخابی بعد کالبدی	۰/٦۱۱	۰/۳۷۳	۰/۳۵۹	۰/٦۸٤
	مدل انتخابی بعد مسکن	۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۰/۱۵۳	۰/۷۱۹
	مدل انتخابی بعد حمل‌ونقل	۰/۵۸٤	۰/۳٤۲	۰/۳۳٦	۰/۵٦۰
	مدل انتخابی بعد اجتماعی	۰/٤۵۲	۰/۲۰٤	۰/۱۹٦	۰/٦۲٦
	مدل انتخابی بعد محیطی	۰/۷۸۱	۰/٦۱۰	۰/٦۰۹	۰/۵۰٤
	مدل انتخابی بعد مدیریتی	۰/۳۹۰	۰/۱۵۲	۰/۱۵۰	۰/٦۸٤
مشارکت‌پذیری	مدل انتخابی بعد مدیریت و برنامه‌ریزی	۰/٤٦۵	۰/۲۱٦	۰/۲۰۸	۰/٦٦۲
	مدل انتخابی بعد آموزشی	۰/٤۰۲	۰/۱٦۱	۰/۱۵۵	۰/۷۹۰
	مدل انتخابی بعد اجتماعی	۰/۲۹٦	۰/۰۸۸	۰/۰۸۰	۰/۷۰۵
	مدل انتخابی بعد حقوقی	۰/۳۷۹	۰/۱٤٤	۰/۱۳۹	۰/٦۲۸

در گام دوم مدل نهایی متغیرهای تبیین کننده متغیر وابسته بر اساس متد StepWise انتخاب می‌شود مدلی که ضریب تعیین تعدیل شده بیشتری دارد انتخاب می‌شود بر این اساس مدل با امتیاز بیشتر جهت تحلیل‌های بعدی انتخاب می‌شود و در جدول ٤ متغیرهای تبیین کننده متغیر وابسته در دو بخش محلات دوستدار کودک و مشارکت‌پذیری در ابعاد و شاخص‌های مطرح شده بررسی شده است.

جدول۳. مدل نهایی متغیرهای تبیین کننده متغیر وابسته

ابعاد محلات دوستدار کودک	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	آزمون t	سطح معناداری	ابعاد محلات دوستدار کودک	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	آزمون t	سطح معناداری
		خطای معیار	بتا (β)						خطای معیار	بتا (β)			
کالبدی	مقدار ثابت	۰/۱۷۰	۰/۹۳۳	-	۵/۴۸۰	۰/۰۰۰	مسکن	مقدار ثابت	۰/۱۹۴	۱/۳۹۲	-	۷/۱۸۵	۰/۰۰۰
	میزان انجام فعالیت‌های متنوع (بازی- سرگرمی) توسط کودکان	۰/۰۴۶	۰/۳۵۴	۰/۳۸۰	۷/۷۱۰	۰/۰۰۰		تنوع فعالیت کودک در مسکن	۰/۰۵۷	۰/۳۵۹	۰/۳۱۷	۶/۳۴۷	۰/۰۰۰
	کیفیت دسترسی به فضاهای مناسب برای بازی و فعالیت کودک	۰/۰۳۷	۰/۱۹۳	۰/۲۴۷	۵/۳۵۲	۰/۰۰۰		روشنایی مسکن	۰/۰۵۲	۰/۱۶۷	۰/۱۶۲	۳/۲۳۹	۰/۰۰۱
	میزان توجه به جنسیت	۰/۰۴۷	۰/۱۶۷	۰/۲۰۵	۳/۵۴۲	۰/۰۰۰							
	میزان توجه به نیاز کودکان خاص	۰/۰۳۴	۰/۱۰۱	۰/۱۵۶	۲/۹۷۲	۰/۰۰۳	حمل و نقل	مقدار ثابت	۰/۱۰۹	۰/۷۳۶	-	۶/۷۴۱	۰/۰۰۰
	بهره مندی از مبلمان مناسب کودک	۰/۰۴۰	۰/۱۲۱	۰/۱۵۱	۳/۰۲۲	۰/۰۰۳		ایمنی کودک در برابر اتومبیل	۰/۰۴۳	۰/۲۳۶	۰/۲۶۷	۵/۴۶۱	۰/۰۰۰
	میزان توجه به نورپردازی مناسب کودک	۰/۰۴۱	۰/۱۱۲	۰/۱۲۸	۲/۷۴۵	۰/۰۰۶							
	بهره مندی از فرم های مورد علاقه و جذاب برای کودکان	۰/۰۴۶	۰/۱۱۲	۰/۱۱۷	۲/۴۲۵	۰/۰۱۶		میزان توجه به پیاده مداری کودک در محله	۰/۰۳۴	۰/۱۷۳	۰/۲۴۰	۵/۰۲۸	۰/۰۰۰

ابعاد محلات دوستدار کودک	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	آزمون t	سطح معناداری	ابعاد محلات دوستدار کودک	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	آزمون t	سطح معناداری
		خطای معیار	بتا (β)						خطای معیار	بتا (β)			
اجتماعی	مقدار ثابت	۰/۲۲۷	۱/۵۳۹	–	٦/۷۷	۰/۰۰۰		مقدار ثابت	۰/۲۹۱	۰/۱۲۰	–	۲/٤۲٥	۰/۰۰۰
	تعلق خاطر کودکان به محله	۰/۰٤٤	۰/۲۲۰	۰/۲٤۳	٥/۰٤٤	۰/۰۰۰	محیطی	میزان توجه به آسایش اقلیمی در مسیرهای مورد استفاده کودک	۰/۰۳٦	۰/۲۲۰	۰/۲۷۰	٦/۰۱۹	۰/۰۰۰
								کیفیت هوا	۰/۹۷٤	۰/۰٤۰	۰/۱۸۱	٤/۲۰۱	۰/۰۰۰
	میزان توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله	۰/۰٤٤	۰/۲۲٦	۰/۲٤۲	-٥/۱۰۱	۰/۰۰۰	مدیریتی	مقدار ثابت	۱/٤٥۷	۰/۱۳٤	–	۱۰/۸٦۰	۰/۰۰۰
								میزان توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله	۰/۳۹۰	۰/۰٤۸	۰/۳۹۰	۸/۱٦۹	۰/۰۰۰
مشارکت پذیری	مقدار ثابت	۰/۱٤۳	۱/٥۲۷	–	۱۰/٦٤۳	۰/۰۰۰	مشارکت پذیری	مقدار ثابت	۰/۱۹۰	۲/۰۲۱	–	۱۰/٦۳۷	۰/۰۰۰
مدیریت و برنامه‌ریزی	سیاست‌های انگیزشی در جهت مشارکت کودکان	۰/۰٤۹	۰/۲٥٥	۰/۲۸۲	٥/۱۷۸	۰/۰۰۰	آموزشی	شناخت توانایی و شایستگی کودکان (توانمند سازی)	۰/۰٦۰	۰/۲۹٥	۰/۲٥۸	٤/۹۱۹	۰/۰۰۰

ابعاد محلات دوستدار کودک	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	آزمون t	سطح معناداری
		خطای معیار	بتا (β)			
	زیرساخت های مناسب مشارکت کودکان	۰/۰۵۲	۰/۱۶۹	۰/۱۷۳	-۳/۲۵۰	۰/۰۰۱
	مشارکت شفاف	۰/۰۵۶	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۲/۶۸۸	۰/۰۰۸
اجتماعی	مقدار ثابت	۰/۱۶۰	۲/۱۳۵	-	۱۳/۳۱۹	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۲۲۷	۰/۲۷۰	۴/۹۲۸	۰/۰۰۰
	میزان ایمنی برای مشارکت کودکان	۰/۰۳۸	-۰/۱۶۵	-۰/۲۴۵	-۴/۳۵۱	۰/۰۰۰
	آگاهی اجتماعی نسبت به مشارکت کودکان	۰/۰۵۱	۰/۱۴۷	۰/۱۴۹	۲/۹۱۲	۰/۰۰۴

ابعاد محلات دوستدار کودک	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	آزمون t	سطح معناداری
		خطای معیار	بتا (β)			
	آگاه سازی و آموزش به کودکان برای مشارکت فعال	۰/۰۴۷	۰/۲۰۶	-۰/۲۱۵	-۴/۴۰۸	۰/۰۰۰
	کودکان به عنوان مربی (آموزش دهنده) در جامعه	۰/۰۴۱	۰/۱۶۴	۰/۲۰۵	۳/۹۹۵	۰/۰۰۰
حقوقی	مقدار ثابت	۰/۰۹۶	۱/۸۶۱	-	۱۹/۳۹۶	۰/۰۰۰
	قوانینی حمایتی برای کودکان	۰/۰۴۲	۰/۲۱۲	۰/۲۷۹	۵/۰۶۶	۰/۰۰۰
	حقوق قانونی کودکان در بحث مشارکت	۰/۰۴۰	۰/۱۱۳	۰/۱۵۴	۲/۷۹۲	۰/۰۰۶

خروجی نهایی تحلیل رگرسیونی با روش گام‌به‌گام حاصل شده است. به دلیل اینکه متد گام به گام یا StepWise است، هر بار بعد از ورود یک متغیر، متغیرهایی که تاکنون وارد نشده اند مجددا مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر از سطح معناداریشان کاسته شد از مدل خارج می‌شوند. بنابراین در جدول نهایی متغیرهای تبیین کننده متغیر وابسته، بر اساس ترتیب ضریب استاندارد شده‌ی بتا (B) مشخص می‌شوند. در برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک در بعد کالبدی میزان انجام فعالیت‌های متنوع توسط کودکان با ضریب بتای ۰/۳۸۰، کیفیت دسترسی به فضاهای مناسب برای بازی و فعالیت کودک با ۰/۲۴۷ بیشترین وابستگی را با متغیر وابسته و بهره‌مندی از فرم‌های

مورد علاقه و جذاب برای کودکان با ۰/۱۱۷، میزان توجه به رنگ‌های مورد علاقه کودکان در محله بـا ۰/۰۳۷ کمتـرین وابستگی را با متغیر وابسته دارد و در بعد مسکن تنوع فعالیت کودک در مسکن با ۰/۳۱۷ بیشترین و تهویـه مسـکن بـا ۰/۰۹٤ کمترین و در بعد حمل‌ونقل ایمنی کودک در برابر اتومبیل با ۰/۲٦۷ بیشترین و میـزان توجـه بـه پیـاده مـداری کودک با ۰/۰۱۰ کمترین و در بعد اجتماعی تعلق‌خاطر کودکان به محله با ۰/۲٤۳ بیشترین و امنیت مورد نیـاز کودکـان بـا ۰/۰۳۲ کمتـرین و در بعـد محیطـی میـزان توجـه بـه آسـایش اقلیمـی در مسـیرهای مـورد اسـتفاده کـودک بـا ۰/۲۷۰ بیشترین و میزان آلودگی صوتی با ۰/۰٤۲- کمترین و در بعد مـدیریتی تنـوع فعالیـت در محلـه بـا ۰/۳۹۰ بیشترین و شوراهای مشورتی با ۰/۰۷۱ کمترین وابستگی را به متغیر وابسته خـود دارد و در بخـش مشـارکت‌پـذیری در بعد مدیریت و برنامه‌ریزی سیاست‌های انگیزشی در جهت مشارکت کودکـان بـا ۰/۲۸۲ بیشـترین و عملـی کـردن نظرات کودکان با ۰/۰٤۷- کمترین و در بعد آموزشی شناخت توانایی و شایستگی کودکان (توانمندسـازی) بـا ۰/۲۵۸ بیشترین و کودکان به‌عنوان مربی (آموزش دهنده) در جامعه با ۰/۲۰۵ کمترین و در بعد اجتماعی اعتمـاد اجتمـاعی بـا ۰/۲۷۰ بیشترین وآگاهی اجتماعی نسبت به مشارکت کودکان بـا ۰/۱٤۹ کمتـرین و در بعـد حقـوقی قـوانینی حمـایتی برای کودکان با ۰/۲۷۹ بیشترین و حقوق قانونی کودکان در بحث مشارکت بـا ۰/۱۵٤کمتـرین وابسـتگی را بـه متغیـر وابسته خود دارد. که باید نقاط قوت را تقویت و نقاط ضعف را برطرف کرد.

جدول ٤. خروجی نهایی تحلیل رگرسیونی

بخش	ابعاد	ضریب اهمیت	شاخص	ضرایب استاندارد شده (B)
برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک	کالبدی ۰/۱۳٤	۱	میزان انجام فعالیت‌های متنوع (بازی-سرگرمی) توسط کودکان	۰/۳۸۰
		۲	کیفیت دسترسی به فضاهای مناسب برای بازی و فعالیت کودک	۰/۲٤۷
		۳	میزان توجه به جنسیت	۰/۲۰۵
		٤	میزان توجه به نیاز کودکان خاص	۰/۱۵٦
		۵	بهره مندی از مبلمان مناسب کودک	۰/۱۵۱
		٦	میزان توجه به نورپردازی مناسب کودک	۰/۱۲۸
		۷	بهره مندی از فرم‌های مورد علاقه و جذاب برای کودکان	۰/۱۱۷
		۸	میزان توجه به رنگ‌های مورد علاقه کودکان در محله	۰/۰۳۷
	مسکن ۰/۰٤٦	۱	تنوع فعالیت کودک در مسکن	۰/۳۱۷
		۲	روشنایی مسکن	۰/۱٦۲
		۳	تهویه مسکن	۰/۰۹٤
	حمل و نقل ۰/۰۲۰	۱	ایمنی کودک در برابر اتومبیل	۰/۲٦۷
		۲	میزان توجه به پیاده مداری کودک	۰/۲٤۰
		۳	دسترسی مستقل کودک	۰/۰۱۰
	اجتماعی ۰/۰٤۱	۱	تعلق خاطر کودکان به محله	۰/۲٤۳
		۲	میزان توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله	۰/۲٤۲

بخش	ابعاد	ضریب اهمیت	شاخص	ضرایب استاندارد شده (B)
		۳	حس اجتماع در محله	۰/۰۴۹
		٤	امنیت مورد نیاز کودکان	۰/۰۳۲
	محیطی ۰/۱۸۰	۱	میزان توجه به آسایش اقلیمی در مسیرهای مورد استفاده کودک	۰/۲۷۰
		۲	کیفیت هوا	۰/۱۸۱
		۳	محیط سالم و پاک	۰/۰٤۲
		٤	میزان آلودگی صوتی	-۰/۰٤۲
	مدیریتی ۰/۰۱٦	۱	تنوع فعالیت در محله	۰/۳۹۰
		۲	میزان توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله	۰/۰۷۵
		۳	میزان حمایت NGO از کودکان آسیب پذیر	۰/۰۷۵
		٤	مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری	۰/۰۷۳
		۵	ایجاد شوراهای مشورتی	۰/۰۷۱
مشارکت پذیری	مدیریت و برنامه‌ریزی ۰/۰٤۰	۱	سیاست‌های انگیزشی در جهت مشارکت کودکان	۰/۲۸۲
		۲	زیرساخت های مناسب مشارکت کودکان	۰/۱۷۳
		۳	مشارکت شفاف	۰/۱۵۰
		٤	فضایی ازادانه برای بیان نظرات	۰/۰۸٤
		۵	در نظر گرفتن کودکان در طرح ها و برنامه ها	۰/۰۵٤
		٦	عملی کردن نظرات کودکان	۰/۰٤۷
	آموزشی ۰/۰۹۵	۱	شناخت توانایی و شایستگی کودکان (توانمند سازی)	۰/۲۵۸
		۲	آگاه سازی و آموزش به کودکان برای مشارکت فعال	۰/۲۱۵
		۳	کودکان به‌عنوان مربی (آموزش دهنده) در جامعه	۰/۲۰۵
	اجتماعی ۰/۰۳۰	۱	اعتماد اجتماعی	۰/۲۷۰
		۲	میزان ایمنی برای مشارکت کودکان	۰/۲٤۵
		۳	آگاهی اجتماعی نسبت به مشارکت کودکان	۰/۱٤۹
		٤	همه شمولی (جنسیت، معلولیت و تفاوتهای فرهنگی و اجتماعی) در مشارکت کودکان	۰/۰۹۳
	حقوقی ۰/۱۲۰	۱	قوانینی حمایتی برای کودکان	۰/۲۷۹
		۲	حقوق قانونی کودکان در بحث مشارکت	۰/۱۵٤

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان بیان کرد، بعد کالبدی در برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک در درجه اول اهمیت، بعد محیطی درجه دوم اهمیت، بعد مسکن درجه سوم اهمیت، بعد اجتماعی درجه چهارم و بعد حمل‌و نقل درجه آخر اهمیت قرار دارند. بنابراین طبق نظر والدین برای آنکه محله دوستدار کودک باشد باید به شاخص‌های ابعاد کالبدی و محیطی بیشترین توجه شده باشد بعد کالبدی به دلیل اینکه مشهود است و تمامی پیرامون انسان را در برمی‌گیرد برای والدین بسیار حائز اهمیت است که باید مورد طراحی و برنامه‌ریزی دقیق برای کودکان آن‌ها قرار

گیرد و محیطی که کودک در آن رشد می‌کند یک محیط سالم باید باشد که در درجه دوم اهمیت در نمونه مطالعاتی قرار داشته است و مسکن هم به این دلیل که کودکان زمان بیشتری را در آن سپری می‌کنند و اکثر فعالیت‌های خود را در آن انجام می‌دهند در درجه سوم اهمیت طبق نظر والدین قرار داشت و بعد اجتماعی در درجه چهارم اهمیت و بعد حمل‌و نقل در درجه آخر اهمیت به این دلیل که والدین اکثرا خودروی شخصی دارند و سرویس مدارس برای کودکان خود در رفتن به مکان‌های مهم مانند مدارس، آموزشگاه‌ها و غیره در نظر می‌گیرند در بعد کالبدی میزان انجام فعالیت‌های متنوع توسط کودکان بیشترین ضریب اهمیت را کسب کرده است به این دلیل که والدین تمایل دارند کودکان خود امکان انجام فعالیت‌های متنوع (بازی و سرگرمی) با توجه به جنسیت و گروه سنی درون فضاهای عمومی و جمعی داشته باشند و فرم‌های کودکانه و رنگ‌های مورد علاقه کودکان در محله پونک جنوبی کمترین ضریب اهمیت را کسب کرده است البته باید به این عامل هم‌با مشارکت و همکاری کودکان در کاربری‌های مانند مدارس، فضاهای بازی، پارک‌ها از فورم‌ها و رنگ‌های مورد علاقه کودک بهره برد. در بعد مسکن تنوع فعالیت توسط کودکان در مسکن بیشترین ضریب اهمیت را کسب کرده به این دلیل که امروزه با توجه به اینکه کودکان زمان زیادی را در منازل مسکونی می‌گذرانند باید در طراحی‌های پلان منازل مسکونی به این امر توجه شود و در بعدحمل‌ونقل ایمنی کودک در برابر اتومبیل بیشترین ضریب اهمیت را دارد به دلیل عبور جاده‌های شریانی درجه دوم از داخل محدوده ایمنی کودکان به شدت پایین است که باید با انجام تدابیری نظیر: کنترل سرعت، زیرساخت–های آرام کننده ترافیک، مناسب‌سازی تقاطع با محور پیاده این معابر را برای استفاده کودکان مناسب ساخت و ایمنی کودک در برابر اتومبیل را افزایش داد و میزان توجه به پیاده مداری کودک در درجه دوم اهمیت به دلیل وجود کاربری‌های فراوان موجود در محدوده در فواصل کوتاه می‌توان از این ظرفیت بهره برد و با انجام تدابیر لازم محورهای مخصوص پیاده‌رویی کودکان در دسترسی به کاربری‌های خاص با تمهیدات لازم ایجاد کرد و دسترسی مستقل کودک در درجه سوم اهمیت قرار دارد و در بعد اجتماعی تعلق خاطر کودکان به محله بیشترین ضریب اهمیت را کسب کرده که می‌توان از آن در جهت ارتقاء مشارکت‌پذیری بهره برد و امنیت مورد نیاز کودکان در محله کمترین ضریب اهمیت را کسب کرده است و در بعد محیطی میزان توجه به آسایش اقلیمی در مسیرهای مورد استفاده کودک بیشترین ضریب اهمیت که می‌توان با درختکاری، ایجاد سایبان در مسیر این عامل را افزایش داد در کل با افزایش هریک از عوامل که ضریب اهمیت بیشتری داشته متغیر وابسته بیشتر به محلات دوستدار کودک نزدیک می‌شویم و در بعد مدیریتی تنوع فعالیت در محله بیشترین که منظور محلات خودکفا است می‌توان فعالیت–های متنوع را با تنوعی از کاربری‌های مناسب کودکان معنا کرد که محله پونک جنوبی از اختلاط کاربری مناسبی (در قسمت‌های شمال شرقی و جنوب شرقی محله بین ۰/٦تا ۰/۸ و قسمت‌های مرکزی و غربی محله بین ۰/٤ تا ۰/۵۹) برخوردار است در بخش‌های که اختلاط کاربری کمتر است می‌توان کاربری‌های مورد نیاز کودکان را پیشنهاد داد و ایجاد شوراهای مشورتی با کودکان کمترین که البته باید به این موضوع در ارگان‌های مختلف مدیریتی و برنامه‌ریزی در محله پونک جنوبی توجه شود و در بعد ارتقاء مشارکت‌پذیری کودکان بعد حقوقی در درجه اول اهمیت، بعد

آموزش درجه دوم و مدیریت درجه سوم اهمیت و اجتماعی درجه آخر اهمیت طبق نظرخواهی از والـدین قـرار دارد. برای آنکه در یک محله مشارکت‌پذیری ارتقاء پیدا کند ابتدا باید حقوق و قوانین حـامی کودکـان وجـود داشـته باشـد سپس باید آموزش‌هایی در جهت توانمند سازی کودک در جامعه در جهت مشـارکت کارآمـد و مناسـب بـه کودکـان داده شود و بعد باید در بحث‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی کودکان درنظر گرفته شوند و سپس بایـد در جوامـع شـرایط مشارکت مانند زیر ساخت‌ها و فضای ایمن وجود داشته باشد تا کودکان بتوانند مشارکت واقعی داشـته باشـد. از بـین ٤٢ عامل ۱۱ عامل امتیاز بالاتری را در هر بعد کسب کـرده‌انـد کـه شـامل میـزان انجـام فعالیـت‌هـای متنـوع (بـازی-سرگرمی) توسط کودکان، کیفیت دسترسی به فضاهای مناسب برای بازی و فعالیـت کـودک، ایمنـی کـودک در برابـر اتومبیل، تعلق خاطر کودکان به محله، میزان توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکـان در محلـه، تنـوع فعالیـت‌هـای کودک در مسکن، میزان توجه به آسایش اقلیمی در مسیرهای مورد استفاده کودک، تنوع فعالیـت در محلـه، سیاسـت-های انگیزشی در جهت مشارکت کودکان، شناخت توانایی و شایستگی کودکان (توانمنـد سـازی)، قـوانینی حمـایتی برای کودکان است بنابراین برای برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک در راسـتای مشـارکت‌پـذیری در پونـک جنـوبی باید به ۱۱ عامل به صورت نهایی توجه شود.

٤. بحث

پژوهش حاضر به منظور دستیابی به شاخص‌های محلات دوستدار کودک است کـه مشـارکت‌پـذیری کودکـان در آن بالاست که پس از استخراج شاخص‌ها آن را بـر روی محلـه پونـک جنـوبی بررسـی کـردیم کـه نقـاط ضـعف و مشکلات موجود مشخص شد که از طریق راهکارهایی که ارائه دادیم سبب شد که از نقاط ضعف کاهسـته شـود و از نقاط قوت در جهت ایجاد فرصت تبدیل محله به محله دوستدار کودک که تمایل به مشـارکت در آن بالاسـت تبـدیل شود پژوهش حاضر بـا پـژوهش هـارت و همکـاران (۱۹۹۲)، وولکـاک و اسـتیل(۲۰۰۸)، ملـون (۲۰۱۱)، یونیسـف (۲۰۲۰)، استزرلینا و سلیمان (۲۰۲۲) همسو است . بطوری که هارت و همکاران (۱۹۹۲) اشـاره کـرده‌انـد کـه آزادی جستجو اطلاعات و بیان نظر و اعتقادات و نیازها را شرط اصلی مشارکت می‌داند همسو است و با پـژوهش وولکـاک و استیل (۲۰۰۸) که شاخص جوامع دوستدار کودک را توانمندسازی کودکـان بـرای مشـارکت و بـه ایمنـی و امنیـت، فرصت دسترسی به مناطق سبز و امکان بازی در فضای باز اشاره دارد همسو است و بـا پـژوهش ملـون (۲۰۱۱) کـه محله آرام با افراد صمیمی، دسترسی به پارک‌ها و زمین‌های بـازی ، دسترسـی بـه امکانـات ماننـد کتابخانـه‌ها، مراکـز اجتماعی ، کافه-ها و مراکز تجاری را از مولفه‌های دوستدار کودک می‌داند همسو است اما در پژوهشی که مارکتـا کیتـا در سال ۲۰۰٤ انجام داد تنوع منابع محیطی و دسترسی مستقل در محـیط را بـه عنـوان دو معیـار اصـلی محـیط‌هـای دوستدار کودک در نظر گرفته‌اند در صورتی که در پژوهش حاضر ۲۷ معیار را به عنوان معیارهای اصـلی محـیط‌هـای دوستدار کودک لازم دانسته است و هورلی در سال ۲۰۰۷ در کنار شاخص‌های محـلات دوسـتدار کـودک فقـط بـه تأثیر شورای متشکل از نوجوانان و فعالیت های سازماندهی شده توسط نوجوانان در بخـش مشـارکت‌پـذیری اشـاره

کرده است در حالی که در پژوهش حاضر تمامی زیر شاخص‌های مشارکت‌پذیری کودکان در ابعاد مختلف بررسی شده است. ژانگ و مین جین لی در سال ۲۰۱۰ ساختار ویژگی‌های محیطی محله را بررسی کرده است و به شاخص‌های در جهت ایجاد دوستدار کودک رسیده است اما هنگامی که ما از دوستدار کودک بودن صحبت می‌کنیم هدفمان آن است که با نظرخواهی و مشارکت به محلات دوستدار کودک برسیم که در این پژوهش به آن اشاره نشده است و گارسیا و همکاران در پژوهشی که در سال۲۰۲۰ انجام دادند بعد آموزشی، محیط، اجتماع و اقتصاد را سبب رشد سالم کودکان در محلات دوستدار کودک دانسته‌اند و به بعد مسکن، حمل و نقل و مدیریت اشاره‌ای نکرده‌اند که در پژوهش اخیر تمامی ابعاد در نظر گرفته شده است. بنابراین در پژوهش‌های انجام شده به ارتباط بین مشارکت‌پذیری کودکان در برنامه‌ریزی محلات دوستدار کودک کمتر توجه شده است. ابعاد و شاخص‌های محلات دوستدار کودک در ارتباط با ارتقاء مشارکت‌پذیری اشاره نشده است و با توجه به اینکه سیستم مدیریت در ایران متمرکز و از بالا به پایین است شناسایی راه‌های ارتقاء مشارکت‌پذیری کودکان در طرح‌ها و برنامه‌ها بسیار حائز اهمیت است.

۵. نتیجه گیری

با افزایش شهرنشینی شهرها با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شدند و محلات یکی از نطفه‌های اصلی حل مسائل و مشکلات شهری است. لذا باید از ظرفیت‌های محله‌ای در جهت افزایش حس تعلق، حضورپذیری، تعاملات اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی کودکان بهره برد پس از استخراج شاخص‌های محلات دوستدار کودک به منظور ارتقاء مشارکت‌پذیری، شاخص‌ها به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم شدند که عینی توسط جی‌ای‌اس و ذهنی توسط تحلیل رگرسیونی پرسشنامه سنجیده شد که نشان داد از بین ٤٢ عامل ۱۱ عامل به صورت نهایی برگزیده شدند که شامل میزان انجام فعالیت‌های متنوع (بازی–سرگرمی) توسط کودکان، کیفیت دسترسی به فضاهای مناسب برای بازی و فعالیت کودک، ایمنی کودک در برابر اتومبیل، تعلق خاطر کودکان به محله، میزان توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله، تنوع فعالیت‌های کودک در مسکن، میزان توجه به آسایش اقلیمی در مسیرهای مورد استفاده کودک، تنوع فعالیت در محله، سیاست‌های انگیزشی در جهت مشارکت کودکان، شناخت توانایی و شایستگی کودکان (توانمند سازی)، قوانینی حمایتی برای کودکان است. بنابراین برای ارتقاء مشارکت کودکان در ابتدا باید آموزش‌های به طور رسمی به کودکان پونک جنوبی داده شود و آن‌ها را توانمند سازد که بتواند در برنامه–ریزی‌های مربوط به محله پونک جنوبی مشارکت کارآمد و واقعی داشته باشند ، سپس باید زیر ساخت‌های مشارکت کودکان در سرای محله پونک جنوبی، شهرداری ناحیه ۳ و شهرداری منطقه ۵ فراهم شود و مسئولان محلی با ایجاد فضای ایمن و همه شمول کودکان را مشارکت دهند و می‌توانند ابتدا کارگروه‌هایی در رابطه با موضوعات کالبدی، حمل و نقل، اجتماعی، محیطی، مسکن و مدیریت و برنامه‌ریزی در محلات تشکیل دهد جهت امکان سنجی از وضعیت موجود در محله طبق شاخص‌های مطرح شده برای محلات دوستدار کودک و جمع‌آوری اطلاعات

پیرامون وضعیت کودکان سپس اطلاع رسانی در مورد طرح‌ها و برنامه‌های موجود در محله پونک جنوبی اتفاق بیفتد وسهیم شدن و مشارکت کودکان پونک جنوبی در فرآیند برنامه‌ریزی که برای هدایت موضوعات از معمار، برنامه‌ریز محیطی و شهری، روانشناس کودک و تعدادی تسهیل کننده برای ارتباط با کودکان و استفاده از نظرات کودکان در ارتباط با محله مورد نظرشان استفاده کنند که می‌توانند این نظر سنجی را برای کودکان زیر ۱۲ سال از طریق ترسیم نقاشی، قصه‌گویی، ثبت الگوهای رفتاری، عکاسی و برای کودکان ۱۲ سال به بالا از طریق مصاحبه با کودکان، جلسات هم اندیشی، ورکشاپ‌های با حضور کودکان، بازدید گروهی مسئولان به همراه کودکان از سایت، بحث‌های گروهی، ماتریس، تئاتر مشارکت دهند. امکان پایش و بازبینی طرح‌ها و برنامه‌ها بعد از اجرا توسط کودکان پونک جنوبی فراهم باشد که این گام سبب می‌شود کودکان نتیجه مشاکت خود را بطور مستقیم مشاهده کنند و نسبت به محله پونک جنوبی حس تعلق داشته باشند و احساس مراقبت و مسئولیت در قبال آن داشته باشند و همچنین طبق بررسی شاخص‌های عینی در محله پونک جنوبی نقاط ضعف و کمبودهایی وجود داشته است که با ارائه پیشنهادهایی سعی در رفع این کمبودها و مشکلات وجود دارد که این نقاط ضعف شامل پراکنش نامناسب کاربری فضای سبز در قسمت‌های شرقی و شمال غربی محله که کودکان دسترسی مناسبی به فضای سبز نداشتند و سرانه کاربری فضای سبز در محله مناسب نبود. سرانه فضای سبز درون محدوده ۱.۹۹ است و حدودا ٤.۲۳ درصد فضا را به خود اختصاص داده است. بنابراین بخشی از اراضی بایر درون محدوده به فضای سبز انعطاف‌پذیر مناسب کودکان اختصاص داده شده است و در برنامه‌ریزی فضاهای سبز دوستدار کودک در سطح محله به جنسیت، معلولیت، گروه سنی، تناسب فضاها با فعالیت کودک و اندازه و کیفیت آن توجه ویژه‌ای شود. توجه به دسترسی به فضاهای سبز و فضای باز نیز می‌تواند باعث تقویت تعامل اجتماعی برای کودکان و والدین، کاهش استرس و افزایش سلامت روان و افزایش فعالیت بدنی کودکان شود. می‌توان از فضاهای سبز هم به عنوان پاتوق‌های محلی برای مادر و کودک بهره برد. همچنین در بررسی کاربری درمانی کودکان ساکن در بلوک‌های شمال شرقی و غربی دسترسی مناسبی نداشتند. بنابراین کاربری درمانی در مقیاس محله در قسمت‌های که دسترسی مناسبی وجود نداشت پیشنهاد شد البته به این نکته نیز توجه شد که چون در اطراف محله پونک جنوبی کاربری درمانی مناسبی وجود دارد بنابراین مساحت کمتر و معقولی به کاربری درمانی اختصاص داده شد. با توجه به اینکه اراضی بایر حدود۱۱.۳٤ از محدوده را به خود اختصاص داده است بخشی از این اراضی در جهت ایجاد کاربری‌های مورد نیاز کودکان با توجه به کمبودها و عدم دسترسی مناسب در محدوده به فضای سبز، درمانی، مذهبی، فرهنگی و ورزشی اختصاص داده شد همچنین می‌توان از این اراضی بایر برای انجام فعالیت‌های متنوع کودکان بهره‌برد. محله پونک جنوبی فاقد لاین‌های دوچرخه‌سواری و پیاده‌مداری است و سرعت خودرو درون معابر شریانی درجه دو که از درون محله عبور کرده‌اند بسیار بالاست که این موضوع ایمنی و امنیت کودکان را در رفت‌وآمد بسیار کاهش می‌دهد بنابراین می‌توان با حداقل کردن فضا برای خودرو در معابر عبوری داخل محله و اختصاص بخشی از مسیر به دوچرخه‌سواری و پیاده‌مداری کودکان و با انجام تدابیری نظیر: کنترل سرعت، زیرساخت‌های آرام کننده ترافیک، اختصاص بخشی از معابر عبوری

به مسیرهای دوچرخه‌سواری و پیاده‌رویی کودکان، مناسب‌سازی تقاطع با محور پیاده این معابر را برای استفاده کودکان مناسب ساخت

در نهایت با توجه به بررسی شاخص‌های ذهنی و عینی محلات دوستدار کودک در راستای مشارکت پذیری در محله پونک جنوبی تهران اقدامات زیر مطرح شده است :

- ایجاد کاربری مذهبی برای دسترسی یکسان کودکان در قسمت شمالی محدوده
- توجه به اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در محله با تعریف فعالیت‌های متناسب با گروه سنی مختلف کودک در سرای محله
- ایجاد کاربری درمانی برای دسترسی یکسان کودکان در قسمت شمالی محدوده
- توجه به عناصر زیبایی شناسی از نگاه کودکان در فضاهای عمومی موجود در محله (خیابان ها ، پارک ها، فضاهای بازی ، مسیر خانه تا مدرسه) و در عناصر شاخص مورد استفاده کودکان که شامل بهره- مندی از فرم‌ها و رنگ‌ها دوستدار کودک در مبلمان و کالبد با مشارکت دادن کودکان
- استفاده از اراضی بایر در جهت ایجاد کاربری ورزشی و فرهنگی- تفریحی و برای انجام فعالیت‌های متنوع کودکان
- ایجاد کاربری فضای سبز برای دسترسی یکسان کودکان در بخش‌های مختلف محله
- فراهم کردن محیط تجربه و فراگیری علوم از محدوده‌های برنامه‌ریزی شده
- ایمن سازی معابر از طریق آرام‌سازی ترافیک و ایجاد لبه‌های حایل
- انعطاف‌پذیری فضاهای سبز موجود در محله از طریق: استفاده از مبلمان مناسب کودک، استفاده از نورپردازی مناسب، توجه به نیاز گروه‌های ویژه (اوتیسم، معلول، پیش فعال و غیره)
- ارتقاء ایمنی معابر از طریق اصلاح تقاطع
- محیط سالم و پاک از طریق کاهش آلودگی ناشی از کارگاه‌ها و مراکز آلاینده در محله
- فراهم کردن امنیت مورد نیاز کودکان در محدوده
- ایجاد مسیرهای دوچرخه و پیاده مخصوص کودکان
- ایجاد زیر ساخت لازم جهت مشارکت کودکان در سرای محله
- ایجاد شورای مشورتی کودکان در ارگان‌ها و سازمان‌های اجرایی برای مشارکت در فرآیند برنامه‌ریزی محله پونک جنوبی
- مشارکت کودکان و والدین در مراحل برنامه ریزی در محله
- استفاده از مشارکت کودک در برنامه‌ریزی از طریق آگاهی اجتماعی، ظرفیت سازی و ایجاد زیر ساخت‌های لازم برای مشارکت کودکان

- توجه به روش‌های مشارکتی کودکان که شامل: مصاحبه بـا کودکـان ، جلسـات هـم‌اندیشـی، ورکشـاپ هایی با حضور کودکان، بازدید گروهی مسئولان به همراه کودکان از سایت، بحث‌های گروهـی، نقاشـی کردن، قصه‌گوئی ، تئاتر، جداول و ماتریس‌ها

شکل۳. برنامه اقدام محله پونک جنوبی تهران

کتاب نامه

۱.ابوالقاسم‌پور، م. ل. (۱۳۹۶). *تحلیل فضایی – کالبدی شهر دوستدار کودک (مورد مطالعه: محلـه بهـار منطقـه هفـت تهران)*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشـته جغرافیـا و برنامـه‌ریـزی شـهری گـرایش آمـایش شـهر، تهـران: دانشـگاه خوارزمی،دانشکده علوم جغرافیایی

۲.تیوانت، ل. (۲۰۱۸). *کتابچه راهنمای شهرها و اجتماعات محلی دوستدار کودک*. تهران: یونیسف برای همه کودکان.

۳. ثقه الاسلامی، د.ع. ا.، و امین زاده، د .ب. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول بـه کـار رفتـه در محلـه ایرانـی و واحد همسایگی غربی. *هویت شهر*، ۱۳، ۳۳-٤٥.

٤.حسین‌زاده، ع. ح.، و فدائی ده‌چشمه، ح. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتمـاعی مـؤثر بـر مشـارکت شـهروندان در امـور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد). *مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهر)* ، ۵۹-۸۲.

۵.دریسکل، د. (۱۳۸۷). ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان، راهنمایی برای مشارکت و پژوهش مشارکتی. مهرنوش توکلی و نوید سعید رضوانی، مترجمان. چاپ نخست، تهران: نشر دیباچه.

٦.شهری زاده، ص.، و مؤیدفر، س. (۱۳۹٦). برنامه‌ریزی راهبردی شهر دوستدار کودک با تأکید بر خلاقیت کودکان (نمونه موردی: شهر یزد). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸(۲۸)، ۱۷۰-۱٤۹.

۷.صابری، د. ح.، و طهماسبی‌زاده، ع.، ف.، ش. (۱۳۹٦). فضاهای شهری دوستدار کودک :نگرش‌ها و شاخص‌ها. همدان: پنجمین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط‌زیست پایدار.

۸.صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف در ایران)(۱۳٦۷). پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد. تهران: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف در ایران)؛ مرجع ملی پیمان‌نامه حقوق کودک وزارت دادگستری) .

۹.کامل نیا، ح.، و حقیر، س. (۱۳۸۸). الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک (نمونه موردی : شهر دوستدار کودک بم). فصلنامه باغ نظر، ۱۲(٦)، ۸۸-۷۷.

۱۰.کورد شاکری، پ. (۱۳۹٦). *حق کودک به شهر؛ برنامه‌ریزی مقیاس محله مبتنی بر نیازهای فضایی کودکان و نوجوانان (نمونه مطالعاتی محلّه‌ی کوی نصر تهران)*. پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد شهرسازی گرایش برنامه‌ریزی شهری، تهران: دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.

۱۱.متینی، م.، سعیدی رضوانی، ن.، و احمدیان، ر. (۱۳۹۳). معیارهای طراحی محلات مبتنی بر رویکرد شهر دوستدار کودک (نمونه موردی: محله‌ی فرهنگ مشهد). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ٤(۱۵)، ۱۱۲-۹۱.

۱۲.معاونت امور شهرداری‌ها، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری. (۱۳۹۷). *دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک (اصول، ویژگی‌ها و ضوابط راهبردی برای شهرداری‌ها)*. تهران: وزارت کشور سازمان شهرداری و دهداری‌ها.

۱۳.مویدفر، س.، و صفایی، ف. (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک در راستای ارتقاء مشارکت نوجوانان (مطالعه موردی: شهر آباده). کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۷(۲)، ۲۷۷-۲٤۷.

14.Emma Martin, K., & Jane Wood, L. (2013). We live here too what makes a child-friendly neighborhood. *Wellbeing: A Complete Reference Guide*. Brisbane: Wiley-Blackwell publishing.

15.Goldfeld, Sh., Woolcock, G., Katz, I ., Tanton , R., Brinkman ,S ., O'Connor ,E ., Mathews, T. & Giles-Corti, B. (2015). Neighbourhood effects influencing early childhood development: conceptual model and trial measurement methodologies from the kids in communities study. *Social Indicators Research, 120*, 197-212.

16.Gould Ellen, I., & Glied, Sh. (2015). Housing, neighborhoods, and children's health, the future of children. *The future of Children, 25*(1), 135-154.

17.Hart, R. (1992). Children participation: from tokenism to citizenship. Florence: Unicef International Child Development Centre.

18.Horelli, L. (2007). Constructing a framework for environmental child-friendliness. *Children, Youth and Environments*. *17*(4), 267-292.
19.Lueder, R. (2007). Designing cities and neighborhoods for children. *Ergonomics for Children.* Taylor & Francis Group.
20.Malone, K., School of Education, U.W. S. (2011). *Designing and dreaming a child friendly neighbourhood for brooks reach Dapto*. Bankstown: University of Western Sydney.
21.Manouchehri, B., Burns, E. A., Rudner , J., & Davoudi , S. (2021). Creating a child-friendly neighborhood: Iranian school children talk about desirable and undesirable elements in their neighborhoods. Children, Youth and Environments, 31(3), 74-97.
22.Min, B., & Lee, J. (2006). *Children's neighborhood place as a psychological and behavioral domain*. Suwon: Ajou university.
23.Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment & Urbanization*, *14* (2), 45-58.
24.Unicef Iran, T, I. (2019). Child friendly cities initiative. The First National Conference on Child Friendly Cities.
25.Unicef. (2021). *Guidance on child and adolescent participation as part of phase iii of the preparatory action for a European Child guarantee*. Unicef.
26.Woolcock, G., & Steele, W. (2008). Child-friendly community indicators a literature review. South East Queensland: Griffith University.
27.Zakiul Islam, M., Moore, R. & Cosco, N . (2016). Child-friendly, active, healthy neighborhoods: physical characteristics and children’s time outdoors. *Environment and Behavior, 48*(5), 711-736.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

تحلیل و اولویت‌بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان از دیدگاه خبرگان بخش‌های خصوصی و دولتی

مهدی کاظمی (دانشیار مدیریت، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران، نویسنده مسئول)
mehdykazemi@uk.ac.ir
علیرضا شکیبایی (استاد اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران)
ashakibai@uk.ac.ir
سودابه بیجاری (کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران)
soudabebijari@aem.uk.ac.ir
محبوبه برزگرپور (دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران)
helmabarzegar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ١٤٠١/٠٩/١٩ **تاریخ تصویب: ١٤٠١/١٢/٠٨**
صص ٤٩-٣١

DOI: 10.22067/jgusd.2023.79767.1267
مقالهٔ علمی - پژوهشی

چکیده

جهت پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان از دیدگاه خبرگان بخش خصوصی و دولتی انجام شده است. جامعه آماری شامل خبرگان بخش های دولتی و خصوصی آشنا با مسایل گردشگری استان کرمان است.ابتدا مهم ترین موانع اصلی توسعه گردشگری با استفاده از مبانی نظری در چهار دسته کلی شامل موانع زیربنایی، موانع بازاریابی، موانع فرهنگی-اجتماعی و موانع مدیریتی و ساختاری شناسایی و ٢٠ زیر معیار برای این موانع تعیین گردید. به این ترتیب سلسله مراتب مراتب درخت تصمیم طراحی شد. آنگاه بر اساس نظر خبرگان و با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی داده ها موانع توسعه گردشگری استان اولویت بندی شده است. از دیدگاه جامعه مورد مطالعه، اولویت موانع مزبور به ترتیب عبارتند از؛ موانع زیربنایی با وزن ٠/٢٩٧، موانع بازاریابی با وزن ٠/٢٥٧، موانع فرهنگی-اجتماعی با وزن ٠/٢٣٥ و موانع مدیریتی و ساختاری با وزن ٠/٢١٤. ضعف خدمات هتلداری و رستورانداری با وزن ٠/١٧٥ حایز رتبه اول در میان زیر معیارهاست. استفاده ناکافی از صدا و سیمای شبکه استانی برای معرفی جاذبه ها با وزن ٠/١٠٥ در اولویت دوم و ناآگاهی عمومی از مزایای گردشگری با وزن ٠/٠٩١ سومین اولویت را در میان زیرمعیارها کسب کرده است.

کلیدواژه ها: گردشگری، موانع توسعه گردشگری،خبرگان بخش خصوصی و دولتی، فرایند تحلیل سلسله مراتبی، استان کرمان.

۱. مقدمه

گردشگری یکی از مهمترین منابع درآمدزایی خارجی کشورها در عصر حاضر است که مسائل مهمی از قبیل پیش‌بینی نیازها و جلب رضایت گردشگران فعلی و آتی را در برمی گیرد، به طوری که فعالان این حوزه را در رقابت جدی با یکدیگر قرار داده است (ژو و سان[1]، ۲۰۱۵، ص.۲۵۱). از آنجایی که گردشگری به عنوان یکی از منابع مهم و اصلی درآمدزایی و ایجاد اشتغال در جهان به شمار می‌آید، بسیاری آن را اولین گزینه برای درآمد زایی ارزی کشورها می دانند (کاظمی، ۱۳۹۲، ص.۱۶۲). درست است که گردشگری به تنهایی نمی‌تواند منجر به توسعه کشور شود ولی موارد جانبی آن است که به پیشرفت اقتصادی کشورها کمک می کند به گونه ای که با ورود گردشگران به تدریج نیاز به تغییر و ایجاد امکانات برای اقامت، جابجایی و سایر فعالیت های مربوطه، توسعه را نیز در پی دارد و در دراز مدت باعث افزایش امکانات و تاسیسات می شود (طباطبایی نسب و ضرابخانه، ۱۳۹٤، ص.۲۱۹). با فراهم آوردن فرصت‌های استراتژیک، علاوه بر گسترش تعاملات فرهنگی، موجب اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد و کاهش فقر نیز می‌شود (لچر و اوه[2]، ۲۰۱۵، ص.٤٦٨).

بخش‌های بزرگی از شهرهای ایران علی رغم پتانسیل بالا در حوزه گردشگری با معضلات عدیده‌ای از قبیل فرسودگی، ضعف زیرساخت‌های شهری، کمبود امنیت، رشد بی‌قواره گردشگری شهری و پراکنش ناموزون، منطقه‌بندی‌های خشک و غیر قابل انعطاف، دسترسی‌های نامناسب، نفوذپذیری پایین و فقدان هویت مکانی درگیر هستند. در طی چندین دهه گذشته تلاش‌های زیادی برای پاسخ به این مسایل از طریق تهیه سیاست‌های مداخلاتی و اجرای طرح‌های توسعه گردشگری شهری با عناوین مختلف گرفته است (شاهینی‌فر و شوهانی، ۱۳۹۹، ص.۲۵). به دلیل اهمیت گردشگری و نقشی که برای آن در جهت پیشرفت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قائل شده‌اند، مدیران و مسئولین منطقه‌ای و ملی در هرکجای دنیا برای گسترش این صنعت، برنامه‌ریزی و تلاش می‌نمایند (ژو[3]، ۲۰۱۳). با این وجود، محققین بر اهمیت بررسی عوامل و موانع توسعه گردشگری جهت برنامه‌ریزی صحیح در این صنعت و بهره برداری بهینه از آن در راستای ارتقای وضعیت اقتصادی کشورها اذعان دارند (کاس و بوز[4]، ۲۰۱۳، ص.۱٤۳). لازم به ذکر است که برخی از این عوامل و موانع مرتبط با بازار رقابتی و تقاضای مصرف کننده، و برخی دیگر مبتنی بر ایجاد محیطی مطلوب برای مشتریان و کارکنان خدمات گردشگری می باشند. از این رو نیاز به بررسی این عوامل و یا موانع توسعه گردشگری جهت شناسایی و دسته بندی آنها ضروری جلوه می نماید.

آمار ورود مسافران در سال (۱٤۰۱) طبق اعلام مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان نسبت به قبل از سال ۹۸ (قبل از شیوع کووید ۱۹) حدود ۳۸/۸درصد رشد داشت و میزان رشد اقامت در تاسیسات گردشگری نسبت به سال ۹۸ نیز ۲۷/۱ درصد بوده است، اما اگر محاسبه کنیم حدود پنج درصد مسافران ورودی به

1. Xu & Sun
2. Lacher & Oh
3. Xu
4. Koc & Boz

کرمان در استان اقامت کرده‌اند. این در حالی است که در تهیهٔ شناسنامهٔ منابع گردشگری استان نزدیک به ٤٥٣ منبع گردشگری با ارزش‌های بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی شناسایی و معرفی شده‌اند. اما ناشناخته ماندن جاذبه‌های گردشگری استان کرمان موجب شده این استان به جایگاه واقعی خود در زمینه جذب گردشگر نرسد (کمانداری و همکاران، ۱۳۹۹، ص.۲۹). با این وجود و با توجه به مشاهدات و تجربیات محققین طی دو دهه فعالیت در بخش گردشگری این استان، توسعه این صنعت در استان کرمان با توانمندی های موجود مطابقت ندارد. نتایج برخی تحقیقات اخیر نیز شاهدی بر این مدعاست (نجارزاده و کاظمی، ۱۳۹۳؛ خجندی و کاظمی، ۱۳۹۳). از دلایل توسعه نیافتن گردشگری استان کرمان می‌توان به نامطلوب بودن تبلیغات و ابزارهای بازاریابی، کمبود مراکز آموزشی و افراد آموزش دیده در مراکز گردشگری، نبود سیستم مدیریت کارآمد و قوی و ... اشاره کرد. اگر چه می توان در خصوص علل عدم توسعه مورد انتظار صنعت گردشگری در استان کرمان همچون بسیاری مناطق دیگر گمانه زنی هایی کرد، اما از آنجایی که رفع موانع یا به عبارتی حل نظام مند مسایل پیش از هر چیز مستلزم شناخت مناسب و همه جانبه آنهاست. بنابراین، هدف تحقیق حاضر شناسایی و اولویت بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان از دیدگاه خبرگان بخش‌های دولتی و خصوصی استان در حوزه گردشگری است.

پیشینه پژوهش در مقاله حاضر از دو قسمت پیشینه تجربی و پیشینه نظری تشکیل‌شده است که در ادامه به صورت مختصر هرکدام از آن‌ها توضیح داده‌شده است. تا قبل از همه‌گیری بیماری کرونا، گردشگری یکی از پررونق ترین صنایع در جهان به شمار می‌رفت؛ به طوری که از هر چهار شغل جدید راه اندازی شده در سال ۲۰۱۹، یک شغل مربوط به گردشگری بود و گردشگری به تنهایی، ۱۰/٤ درصد از تولید ناخالص داخلی در دنیا را به خود اختصاص داده بود. اما از سال ۲۰۲۰، این صنعت با مشکلات بسیاری مواجه شده است؛ به گونه‌ای که با ٤٧٠٠ میلیارد دلار ضرر و بیکاری ٦٢ میلیون نفر در سرتاسر جهان جزو تأثیرپذیرترین صنایع از این بیماری به‌شمار رفته است (دبلیو تی تی سی[1]، ۲۰۲۱). گردشگری امری رو به رشد و برگرفته از ضروریات زندگی امروزی به شمار می‌رود؛ از این رو نیازمند برنامه ریزی خردمندانه‌ای است تا ضمن به حداقل رساندن آسیب‌ها و هزینه‌ها بتوان منافع آن را ارتقا بخشید (شیخی نصب و همکاران، ۱۳۹۸، ص.۱۷۱). گردشگری فعالیتی میان بخشی و چند وجهی است و هر نظاره گری از دیدگاه خود به آن نگریسته و تحلیل و تفسیر خاصی به دست می دهد. از این رو، برای شناخت و درک کامل این پدیده باید آن را به مثابه یک سیستم تلقی نمود. گردشگری به عنوان یک پدیده انبوه، بزرگترین تحرک اجتماعی در پهنه جغرافیایی جهان به شمار می‌رود (علی اکبری، ۱۳۹۵). گردشگری یکی از صنایع رشدیافتهٔ نیمهٔ دوم قرن بیستم است و اغلب به مثابهٔ کلیدی برای رشد اقتصادی، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای درحال توسعه، استفاده شده است. همچنین این فعالیت به عنوان ابزاری قوی برای توسعه، رشد و تنوع

1. WTTC

اقتصادی، اشتغال و غیره عمل می‌کند (گارائو[1] و همکاران، ۲۰۱۸، ص.٦۹). به طوری که گردشگری در هزارهٔ جدید به بزرگترین منبع درآمد جهانی تبدیل شده (توحیدی[2]، ۲۰۱۱، ص.۱۵). طبق آمار سازمان جهانی گردشگری، تعداد گردشگران در سرتاسر جهان بیش از یک میلیارد نفر بوده که مبلغی بیش از ٦۰۹ میلیارد دلار را به طور مستقیم وارد چرخهٔ اقتصاد جهان کرده است (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۹).

در پیشینه تجربی به بررسی تعدادی از مقالات حوزه گردشگری و موانع توسعه آن پرداخته‌شده است. در حوزه توسعه گردشگری، پژوهش‌های داخلی و خارجی عمدتا متمرکز بر شناسایی راهکارها و موانع توسعه آن بوده و غالب آن‌ها به طور کلی به بررسی و شناسایی موانع توسعه گردشگری پرداخته‌اند(ویلیامز و زلینسکی، ۱۹۷۰؛ ده یادگاری و همکاران، ۱٤۰۰؛ علی اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ خجندی و کاظمی، ۱۳۹۳؛ وکیل حیدری، ۱۳۹۱؛ ابراهیمی، ۱۳۹٦؛ هو، ۲۰۱۹؛ بهبودی و همکاران، ۲۰۱۹؛ برون، ۲۰۰۹؛ ژانگ، سونگ و هانگ، ۲۰۰۹؛ زهرر، ۲۰۰۹؛ ژو و سان، ۲۰۱۵). ده یادگاری و همکاران (۱٤۰۰) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر قصد دیدار گردشگران از جاذبه‌های گردشگری استان کرمان با تأکید بر تبلیغات الکترونیکی؛ نتیجه گرفتند که تبلیغات الکترونیکی بر بازاریابی دهان به دهان الکترونیکی و تصویر مقصد تأثیر دارد. همچنین تصویر مقصد در نگرش به آن تأثیرگذار است. درنهایت نتایج نشان دهندهٔ تأثیرگذاری بازاریابی دهان به دهان الکترونیکی و نگرش به مقصد بر قصد دیدار است. علی اکبری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود تحت عنوان تدوین سناریوهای مؤثر بر آینده گردشگری پایدار شهرکرمان با رویکرد آینده‌پژوهی؛ نتایج نشان میدهد ۸۰ درصد وضعیت گردشگری کرمان در آینده مطلوب و ۲۵درصد ثابت و بحرانی است. شهر کرمان با سه گروه از سناریوهای توسعه گردشگری در آینده روبروست. مطلوب ترین سناریو گروه اول است که بر شالودهٔ رقابت پذیری، برنامه محوری و توسعه متوازن استوار است. امینی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "تدوین الگوی سه محوری توسعه صنعت گردشگری ایران با تأکید بر ورود گردشگران خارجی" بدین نتیجه رسیدند که الگوی تاثیرگذار در توسعهٔ صنعت گردشگری کشور در سه محور مبادی گردشگرفرست، حمل‌ونقل و مقاصد گردشگرپذیر داخلی است که در یک سلسله مرتب با عوامل اصلی و شاخص‌های مرتبط با آن‌ها است. ابراهیمی (۱۳۹٦) در مقاله " تاثیر صنعت گردشگری بر متغیرهای اقتصادی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی ایران پیرامون گردشگری روستایی استان کرمان و توسعه کارآفرینی با استفاده از مدل سوات" دریافت که با تاکید بر ویژگی های ارزشی بر لزوم توجه به متغیرهای اقتصادی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری تاکید می کند و مطالعه این عوامل را به برنامه ریزان توصیه می کنند. خجندی و کاظمی(۱۳۹۳) با انجام پژوهشی تحت عنوان " پیرامون گردشگری روستایی استان کرمان و توسعه کارآفرینی با استفاده از مدل سوات" و معرفی فرصت ها و تایید وجود جاذبه های متعدد و بکر گردشگری در این استان برخی موانع توسعه گردشگری از جمله موانع زیربنایی، مدیریتی و فرهنگی را شناسایی

1. Garau
2. Tohidi

کرده‌اند. وکیل حیدری(۱۳۹۱) با " تحلیل موانع موثر بر توسعه گردشگری روستای سردابه، شهرستان اردبیل؛ با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی" نشان داد که از بین موانع موثر در توسعه گردشگری روستایی، مانع ساختاری در شهرستان اردبیل موثرترین مانع فرآروی توسعه گرشگری روستایی بوده و موانع اجتماع–فرهنگی، زیربنایی و آموزشی در رده بعدی قرار گرفتند. محرابی (۱۳۹۱) با " بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران"؛ هفت عامل ساختاری را شناسایی کردند که عبارت بودند از: ۱– عامل زیر بنایی ۲ – عامل سیاسی، ۳– عامل فرهنگی ٤– عامل دولتی ٥– عامل انسانی ٦– عامل مدیریتی و ۷ – عامل اقتصادی که به ترتیب بیشترین تغییرات واریانس آزمون را توضیح می‌دهند. نتایج پژوهش، بیانگر این بود که ضعف امکانات زیربنایی و زیرساختی از مهمترین موانع توسعه گردشگری بوده و پس از آن موانع و مشکلات سیاسی و موانع فرهنگی بیشترین اثر را در عدم توسعه گردشگری داشته‌اند. هو[1] (۲۰۱۹) با انجام تحقیقی تحت عنوان "تأثیر حمل و نقل ریلی سریع السیر بر رشد گردشگری در شهرهای چین" دریافت که اثرات متفاوتی برای شهرهای با مقیاس متمایز (شهرهای کوچک، متوسط یا بزرگ) می‌شود؛ به طوری که شهرها (مقاصد گردشگری) که در زیرساخت حمل و نقل ریلی، توسعه یافته‌تر هستند از منافع بیشتری در ایجاد ارزش افزوده و رشد گردشگری نیز بهره‌مند می‌شوند. ژو و سان (۲۰۱۵) با " بررسی میزان تقاضای گردشگری برای خدمات عمومی" به این نتیجه رسیدند که خدمات عمومی در حوزه گردشگری از برخی عوامل تأثیرپذیرند شامل خدمات مشاوره گردشگری، زیرساخت ها، نیاز سنجی گردشگران، فعالیت های حفظ امنیت گردشگران و محیط بومی آرام و مطلوب. بر اساس نتایج تحقیق میدانی از سه شهر توریستی بیژینگ، شانگهای و جندو در چین، سه عامل زیرساخت های گردشگری، حفظ امنیت گردشگران و محیط بومی آرام و مطلوب تأثیر قوی تری نسبت به سایر عوامل دارند. برون[2] (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان " ایجاد مجتمع گردشگری: موسیقی و فرهنگ" انجام داد و به این نتیجه رسید که ایجاد مجتمع گردشگری به عنوان شناسایی و پیش‌بینی نیازهای گردشگران و فراهم کردن امکانات برای تامین نیازها و مطلع ساختن آنان و ایجاد انگیزه بازدید در آن‌هاست.آن‌ها همچنین بیان کردند که ایجاد مجتمع گردشگری موجب تامین رضایت گردشگران و تحقق اهداف سازمانی می‌شود. ژانگ، سونگ و هانگ[3] (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان " مدیریت زنجیره تامین گردشگری" بر اهمیت نقش بازاریابی در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری اذعان کرده و فعالیت‌های بازاریابی را پیشگام در توسعه گردشگری دانسته‌اند. زهرر[4] (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان " تجربه و طراحی خدمات" اینگونه نتیجه گرفته است که رابطه معناداری بین ابعاد سیاست‌گذاری و ابعاد بازاریابی وجود دارد و همچنین عمده‌ترین مشکلات و موانع صنعت گردشگری را، موانع تشکیلاتی و سازمانی، وجود سازمان‌های موازی، عدم هماهنگی بین سازمان‌های دست‌اندرکار گردشگری معرفی کرده است. ویلیامز و زلینسکی[5] (۱۹۹٦) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی عوامل موثر بر توسعه

1. Hou
2. Brown
3. Zhang, Song, & Huang
4. Zehrer
5. Williams & Zelinsky

گردشگری" و بررسی پدیده گردشگری عناصر متعددی را مدنظر قرار داده‌اند؛ از جمله می‌توان به آثار اشتغال زایی، درآمدهای اقتصادی ناشی از اقامت گردشگران، تعاملات اجتماعی–فرهنگی و آثار زیست محیطی اشاره کرد.

پژوهش‌های اندکی در خصوص شناسایی و اولویت بندی موانع توسعه گردشگری از دیدگاه خبرگان بخش‌های دولتی و خصوصی در حوزه گردشگری، در ایران و جهان انجام گرفته است. این پژوهش هم در چارچوب عنوان و هم روش پژوهش و نیز مطالعه موردی دارای نوآوری است و می‌تواند شکاف حاضر را پر کند؛ در ادامه به بررسی اجمالی برخی از این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود. بنابراین در راستای بررسی موانع توسعه گردشگری مطالعات داخلی و خارجی مختلفی انجام شده است، در پیشینه تجربی به بررسی تعدادی از مقالات حوزه گردشگری و شناسایی موانع توسعه آن پرداخته‌شده است. با عنایت به پیشینه تجربی تحقیق می‌توان به این شکل نتیجه‌گیری نمود که اکثر تحقیقات به بررسی و ارزیابی موانع توسعه گردشگری به روش‌های مختلف پرداخته‌اند. نوآوری تحقیق پیش‌رو با موضوع شناسایی و اولویت بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان مبتنی تصمیم‌گیری چند معیاره سلسله‌مراتبی فازی (مطالعه موردی استان کرمان)، به شناسایی و رتبه بندی تمامی معیارها و زیرمعیارهای متناسب با وضعیت بومی کرمان می‌پردازد که در این مورد تحقیقی انجام نگرفته است، ضمن اینکه تحقیقی در خصوص شناسایی و اولویت بندی موانع توسعه گردشگری در استان کرمان انجام نشده است، لذا این تحقیق بر آن است تا خلاءهای مذکور را پوشش دهد و راهنمای مفیدی برای دست‌اندرکاران این صنعت می‌باشد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مهم ترین موانع توسعه گردشگری در چهار گروه فرهنگی–اجتماعی، بازاریابی، زیربنایی و مدیریتی–ساختاری، قابل دسته بندی است.

این تحقیق به دنبال آن است که با استفاده از مبانی نظری و از دیدگاه خبرگان بخش های دولتی و خصوصی استان کرمان به سوال‌های زیر پاسخ دهد:

۱– موانع مدیریتی–ساختاری توسعه گردشگری استان کرمان کدامند و اولویت بندی این موانع از دیدگاه خبرگان چگونه است؟

۲–موانع فرهنگی–اجتماعی توسعه گردشگری استان کرمان کدامند و اولویت بندی این موانع از دیدگاه خبرگان چگونه است؟

۳– موانع بازاریابی توسعه گردشگری استان کرمان کدامند و اولویت بندی این موانع از دیدگاه خبرگان چگونه است؟

٤– موانع زیربنایی توسعه گردشگری استان کرمان کدامند و اولویت بندی این موانع از دیدگاه خبرگان چگونه است؟

۲. روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نوع تحقیق های توصیفی است. گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ انجام شده است. برای اولویت بندی موانع اصلی و زیر مجموعه هر یک از عوامل اصلی از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شده است.

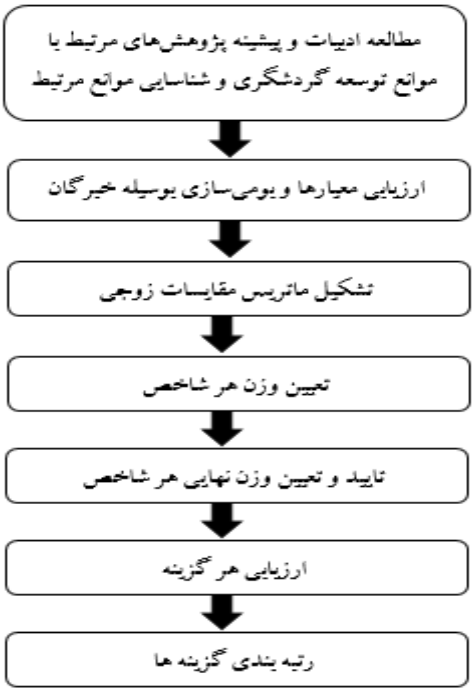

شکل ۱. مراحل انجام تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از خبرگان، کارشناسان و مدیران ارشد بخش دولتی و خصوصی مرتبط با صنعت گردشگری استان کرمان، همین طور آن عده از اعضای هیات علمی دانشگاه کرمان است که با موضوع پژوهش به صورت تخصصی ارتباط دارند. با توجه به محدود بودن اعضای جامعه مزبور، حجم نمونه به تعداد جامعه آماری ۴۲ نفر بوده و پرسشنامه‌ها توسط محققین به صورت حضوری در اختیار همه خبرگانی (۴۲ نفر) که شناسایی شدند قرار گرفته است. پس از ارایه توضیحات لازم به پاسخ دهندگان، پرسشنامه های تکمیل شده گردآوری شده است. همچنین برای اولویت‌بندی موانع و تحلیل سلسله مراتبی داده های به دست آمده، از نرم افزار Expert Choice استفاده شده است. پایایی پرسشنامه ها از طریق شاخص ناسازگاری[1](IR) تعیین می گردد. از آنجایی که شاخص ناسازگاری پرسشنامه های این تحقیق کوچکتر از ۰.۱ است، سازگاری ماتریس مقایسه های زوجی

1. Inconsistency Ratio (IR)

پرسشنامه های تحقیق قابل تایید است. براساس مطالعات انجام شده در این پژوهش مدل مفهومی روند تحقیق در شکل (۲) طراحی شده است که براساس آن موانع توسعه گردشگری استان کرمان با استفاده از ادبیات و پیشینه پژوهش و همچنین نظر خبرگان تعیین و سپس با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی وزن هر عامل را تعیین نموده و رتبه بندی کرده است.

۱.۲. تشریح معیارهای مورد استفاده در تحقیق

با توجه به مرور تحقیقات پیشین در خصوص موانع توسعه گردشگری و همچنین با توجه به خصوصیات و توانمندی های محدوده مورد مطالعه، موانعی جهت تحلیل و اولویت‌بندی موانع توسعه گردشگری استاد کرمان از دیدگاه خبرگان بخش خصوصی و دولتی مبنای عمل قرار گرفته است. با توجه به مطالعات فوق، تشریح موانع مورد استفاده در این تحقیق در جدول(۱) ذکر شده است.

جدول ۱. تشریح موانع مورد استفاده در پژوهش

معیارها	تشریح	منبع استنادی
موانع فرهنگی-اجتماعی (C1)	فقدان فرهنگ پذیرش گردشگر به مفهوم ناآگاهی عمومی از مزایای گردشگری، کمبود مراکز آموزشی و افراد آموزش دیده در بخش‌های مختلف صنعت گردشگری اشاره دارد.	ناصرپور و مدهوشی(۱۳۸۲)
موانع بازاریابی (C2)	کمبود و نامطلوب بودن تبلیغات و ابزارهای بازاریابی برای جاذبه های گردشگری یک منطقه در جهت جلب ترغیب گردشگران برای بازدید از آن منطقه	گوکلانی و کفچه(۱۳۹۰)
موانع زیربنایی (C3)	زیرساخت‌ها، وجود جاده های آسفالته، خطوط راه آهن، فرودگاه، عرضه سوخت، هتل‌ها و مراکز اقامتی، مراکز ارتباطی، دفاتر و آژانس‌های مسافرتی، بانک ها، بیمه‌ها، سیستم آب، برق و ...	اسماعیلی(۱۳۸۳)
موانع مدیریتی-ساختاری (C4)	نبود مدیر و سیسم مدیریت قوی و کارآمد جهت بهره‌برداری بهینه، از ظرفیت‌ها و منابع موجود و همچنین وجود شخصیت‌های حقیقی و حقوقی متعدد که در مورد یک موضوع واحد تصمیم‌گیری می‌نمایند.	شماعی و موسیوند(۱۳۹۰) موسایی و همکاران(۱۳۹۱)

۲.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان کرمان با وسعت بیش از ۱۸۰ هزار کیلومتر مربع در جنوب‌شرقی ایران واقع شده است. این استان از شمال به استان های خراسان جنوبی و یزد، از جنوب به استان هرمزگان، از شرق به استان سیستان و بلوچستان و از غرب به استان فارس محدود می شود. استان کرمان در حال حاضر مشتمل بر ۲۰ شهرستان است که مرکز آن شهر کرمان می باشند. شهر کرمان با جمعیت ۵۳٤٤٤۱ نفر، مرکز استان و شهرستان کرمان با مختصات جغرافیایی ۵۷ درجه تا ۵۷.۵

درجه طول شرقی و ۳۰.۱٤ درجه تا ۳۰.۱۹ درجه عرض شمالی که این موقعیت در سیستم متریک (UTM) معادل ۵۰۰۵۷۷ تا ۵۱۱۲۱٦ طول شرقی و ۳۳٤٤٦٤۱ تا ۳۳۵۳۸۸۱ عرض شمالی است، واقع گردیده است. در شکل (۲) استان کرمان در جنوب شرق ایران قرارگرفته است.

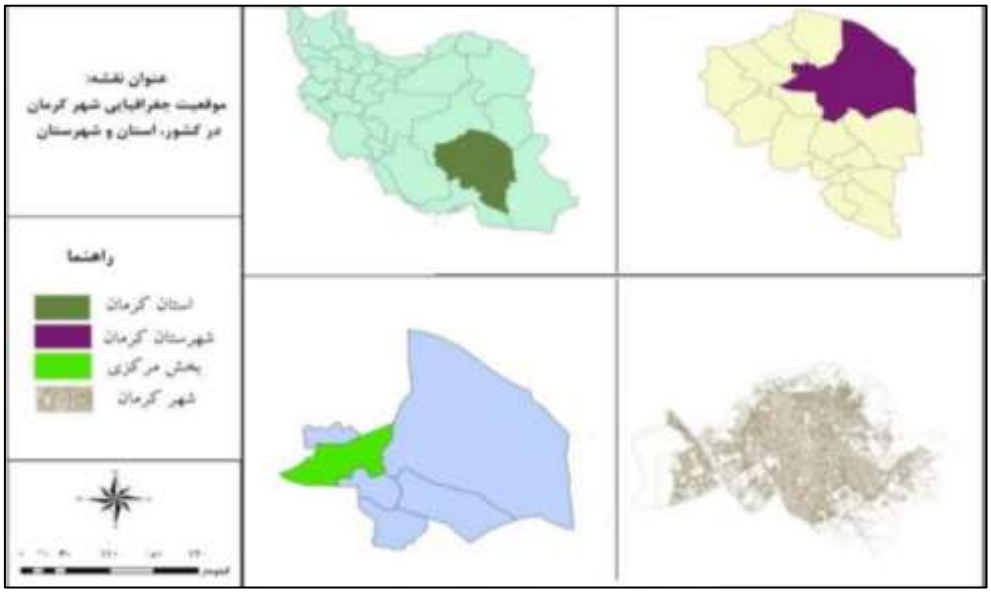

شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

۳. یافته ها

- مرحله اول: مطالعه مبانی و پیشینه پژوهش و ارزیابی معیارها و بومی‌سازی توسط خبرگان

با مطالعه ادبیات پژوهش مهم ترین موانع توسعه گردشگری در چهار گروه قرار گرفته است. از میان عوامل متعدد معرفی شده در مبانی نظری و توسط خبرگان، پس از جمع بندی و حذف موارد مشابه در نهایت با اجماع جمعی ۲۰ زیرمعیار به عنوان شاخص های نهایی گزینش شدند. موانع فرهنگی-اجتماعی با ۷ گویه؛ وجود برخی برخوردهای نامناسب، ناآگاهی عمومی از مزایای گردشگری، بیم از اثرات مخرب گردشگری بر فرهنگ محلی، عدم شناخت سلیقه گردشگران داخلی و خارجی، ضعف در تامین امنیت، کمبود افراد آموزش دیده در بخش های مختلف صنعت گردشگری، محدودیت های فرهنگی و مذهبی کشور؛ موانع بازاریابی با ۵ گویه؛ حضور کم در نمایشگاه های گردشگری در داخل و خارج کشور، فقدان برنامه منسجم و مدون بازاریابی، استفاده ناکافی از صدا و سیمای شبکه استانی برای معرفی جاذبه ها، کمبود کتب، مقالات، کاتالوگ، عکس و برنامه های تصویری از جاذبه های استان و عدم برگزاری همایش و جشنواره منظم دوره ای؛ موانع زیرساختی با ٤ گویه؛ ضعف سیستم حمل و نقل، ضعف خدمات هتلداری و رستورانداری، کمبود دفاتر و آژانس‌های مسافرتی، کمبود تاسیسات اقامتی؛ موانع مدیریتی و ساختاری با ٤گویه؛ ضعف مدیریت کلان در صنعت گردشگری، تداخل وظایف و ناهماهنگی بین سازمانهای

مختلف، نقایص طرح جامع توسعه گردشگری، میزان اختیارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اندازه گیری می شود. براساس معیارها و زیرمعیارهای فوق، درخت سلسه مراتب تصمیم ترسیم گردید. (شکل۳)

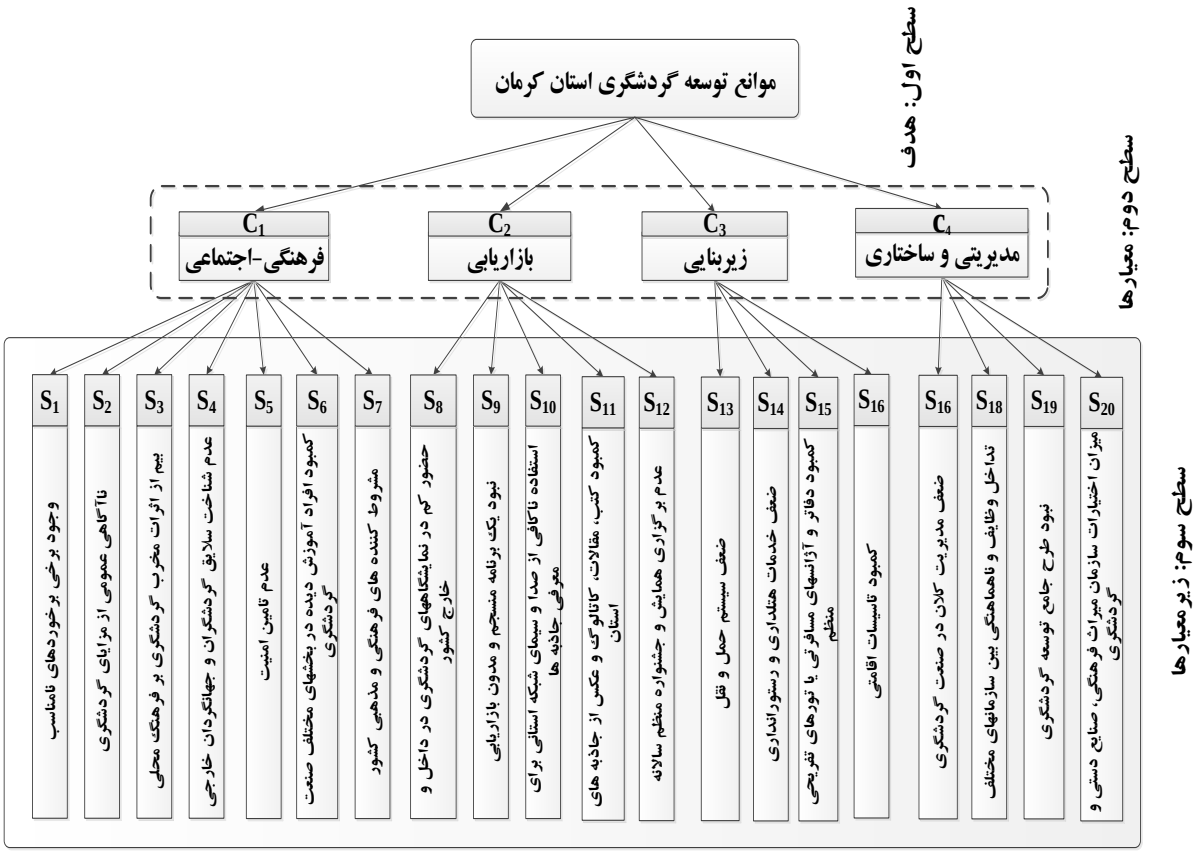

شکل۳. درخت سلسله‌مراتبی مربوط به این پژوهش

لازم پس از تشکیل درخت سلسله مراتبی موانع توسعه گردشگری استان (شکل۳)، از پاسخ دهندگان خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از عوامل را به صورت دو به دو (زوجی) ارزیابی کنند.

– مرحله دوم: تشکیل ماتریس مقایسات زوجی

با تشکیل ماتریس‌های قضاوت فردی، به منظور تلفیق نظرات پاسخ دهندگان از خانه‌های متناظر میانگین هندسی محاسبه گردید. به این ترتیب ماتریس قضاوت گروهی به دست آمد. در ادامه با وارد کردن ماتریس‌های قضاوت گروهی به نرم افزار، وزن‌های محلی عامل های شناسایی محاسبه شده است. وزن‌ها و رتبه های محلی عامل ها در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول۲. ویژگی‌های معیارهای پژوهش

فرهنگی-اجتماعی	S1	S2	S3	S4	S5	S6	S7	وزن	رتبه
S1	۱	۰/۲٤٤	٥/۳۳۳	۱/۳۲٤	۱/٤۳۲	۳/٥٤٤	٤/٥٤۲	/۱۸٦	۲
S2	٤/۰۹۸	۱	٦/٥٤۲	۳/٦٥۲	۲/٦٤۲	٤/۱۲٤	٤/۷٦۱	۰/۳۸٦	۱
S3	۰/۱۸۸	۰/۱٥۳	۱	۰/۳۳۳	۰/٤۳۱	۰/٤٦۱	۱/٥٤۲	۰/۰٤۷	٦
S4	۰/۷٥٥	۰/۲۷٤	۰/۰۰۳	۱	۱/٤۲۳	۲/٦٥۳	۳/٥٤۲	۰/۱٤٥	۳
S5	۰/٦۹۸	۰/۳۷۹	۲/۳۲۰	۰/۷۰۳	۱	۲/٥۲٤	۲/٤۱۳	۰/۱۲۳	٤
S6	۰/۲۸۲	۰/۲٤۲	۲/۱٦۹	۰/۳۷۷	۰/۳۹٦	۱	۱/٤۳۲	۰/۰٦۷	٥
S7	۰/۲۲۰	۰/۲۱۰	۰/٦٤۹	۰/۲۸۲	۰/٤۱٤	۰/٦۹۸	۱	۰/۰٤٦	٦
IR= ۰/۰٤۳۹۰۱۲									
بازاریابی	S8	S9	S10	S11	S12			وزن	رتبه
S8	۱	۰/۳۱۲	۰/۲۳۱	۰/۸۷۱	۱/٤۳۱			۰/۱۰٥	٤
S9	۳/۲۰٥	۱	۰/٦٥۱	۱/۲۱۳	۲/٤۱۳			۰/۲٤٦	۲
S10	٤/۳۲۹	۱/٥۳٦	۱	۳/٥۲۱	۳/٦۲٥			۰/٤۱۱	۱
S11	۱/۱٤۸	۰/۸۲٤	۰/۲۸٤	۱	۱/٦۱٥1			۰/۱٤٥	۳
S12	۰/٦۹۹	۰/٤۱٤	۰/۲۷٦	۰/٦۱۹	۱			۰/۰۹۳	٥
IR= ۰/۰۲۰۸٤۰٤									
عامل های زیربنایی	S13	S14	S15	S16				وزن	رتبه
S13	۱	۰/۲٥۱	۳/٦۱٥	۳/٦۱٥				۰/۰۲۳۸	۲
S14	۳/۹۸٤	۱	٥/٥۱٦	٥/٥۱٥				۰/٥۹۷	۱
S15	۰/۲۷۷	۰/۱۷۸	۱	۰/۷٥۱				۰/۰۷٦	٤
S16	۰/۲۷۷	۰/۱۸۱	۱/۳۳۲	۱				۰/۰۸۸	۳
IR= ۰/۰٤۱٥۸٥٥									
مدیریتی و ساختاری	S17	S18	S19	S20				وزن	رتبه
S17	۱	۰/۸۷۱	۱/۳۲۱	۲/۳۱۲				۰/۳۰۳	۲
S18	۱/۱٤۸	۱	۱/۳۸۷	۲/٥٤۱				۰/۳۳۷	۱
S19	۰/۷٥۷	۰/۷۲۱	۱	۱/۲۱۲				۰/۲۱٥	۳
S20	۰/٤۳۳	۰/۳۹٤	۰/۸۲٥	۱				۰/۱٤٦	٤
IR= ۰/۰۰٦٥۹٥٤۸									

- مرحله سوم: تعیین وزن و رتبه نهایی هر معیار اصلی

وزن نهایی معیارهای اصلی به صورت مستقیم از ماتریس قضاوت گروهی به دست می‌آید. وزن و رتبه چهار عامل اصلی شناسایی شده در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. وزن و رتبه نهایی معیارهای اصلی

رتبه	معیار	نماد	وزن
۱	زیربنایی	C3	۰/۲۹۷
۲	بازاریابی	C2	۰/۲۵۷
۳	فرهنگی-اجتماعی	C1	۰/۲۳۵
٤	مدیریتی و ساختاری	C4	۰/۲۱٤

نتایج حاصل نشان می‌دهد در میان موانع مورد مطالعه، موانع زیربنایی با وزن۰/۲۹۷دارای بیشترین وزن، موانع بازاریابی با وزن ۰/۲۵۷ در اولویت دوم، موانع فرهنگی-اجتماعی با وزن ۰/۲۳۵ در اولویت سوم و در نهلیت موانع مدیریتی و ساختاری با وزن ۰/۰۲۱٤ به عنوان موانع توسعه گردشگری استان کرمان رتبه بندی شدند.

- مرحله چهارم: تعیین وزن و رتیه هر زیرمعیار (عامل‌های فرعی)

به منظور دستیابی به وزن نهایی عامل های فرعی به صورت جمعی، وزن محلی هر یک از عامل های فرعی در وزن سطح عامل اصلی مربوطه ضرب می‌شود. بر مبنای محاسبات انجام شده زیر مجموعه موانع توسعه گردشگری استان کرمان به شرح جدول (٤) رتبه‌بندی شده است. همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است از دیدگاه خبرگان مشارکت کننده در این پژوهش، ضعف خدمات هتلداری و رستوران داری، استفاده ناکافی از صدا و سیمای شبکه استانی برای معرفی جاذبه ها و ناآگاهی عمومی از مزایای گردشگری با ضرایب ۰/۱۷۵، ۰/۱۰۵ و ۰/۰۹۱ به ترتیب مهم ترین موانع توسعه گردشگری استان کرمان شناخته شده‌اند.

جدول ٤. وزن و رتبه نهایی عامل های فرعی

رتبه	عامل فرعی	نماد	مربوط به گروه	وزن
۱	ضعف خدمات هتلداری و رستوران داری	S14	زیربنایی	۰/۱۷۵
۲	استفاده ناکافی از صدا و سیمای شبکه استانی برای معرفی جاذبه ها	S10	بازاریابی	۰/۱۰۵
۳	ناآگاهی عمومی از مزایای گردشگری	S2	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰۹۱
٤	تداخل وظایف و ناهماهنگی بین سازمانهای مرتبط با گردشگری	S18	مدیریتی و ساختاری	۰/۰۷۲
٥	ضعف سیستم حمل و نقل	S13	زیربنایی	۰/۰۷۰
٦	ضعف مدیریت کلان در صنعت گردشگری	S17	مدیریتی و ساختاری	۰/۰٦٥
۷	نبود یک برنامه منسجم و مدون بازاریابی	S9	بازاریابی	۰/۰٦۳
۸	نقایص طرح جامع توسعه گردشگری	S19	مدیریتی و ساختاری	۰/۰٤٦
۹	وجود برخی برخوردهای نامناسب با گردشگران	S1	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰٤٤
۱۰	کمبود کتب، مقالات، کاتالوگ و عکس از جاذبه های استان	S11	بازاریابی	۰/۰۳۷
۱۱	عدم شناخت سلیقه گردشگران	S4	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰۳٤
۱۲	میزان اختیارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	S20	مدیریتی و ساختاری	۰/۰۳۱
۱۳	عدم تامین امنیت	S5	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰۲۹

رتبه	عامل فرعی	نماد	مربوط به گروه	وزن
١٤	حضور کم در نمایشگاه های گردشگری در داخل و خارج کشور	S8	بازاریابی	۰/۰۲۷
١٥	کمبود تاسیسات اقامتی	S16	زیربنایی	۰/۰۲٦
١٦	عدم برگزاری همایش و جشنواره منظم دوره ای	S12	بازاریابی	۰/۰۲٤
١٧	کمبود دفاتر و آژانسهای مسافرتی حرفه ای	S15	زیربنایی	۰/۰۲۲
١٨	کمبود افراد آموزش دیده در بخش های مختلف صنعت گردشگری	S6	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰١٦
١٩	بیم از اثرات مخرب گردشگری بر فرهنگ محلی	S3	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰١١
٢٠	محدودیت های فرهنگی و مذهبی کشور	S7	فرهنگی-اجتماعی	۰/۰١١

همچنین رتبه بندی موانع گردشگری استان کرمان در شکل (٤) به صورت خلاصه آورده شده است.

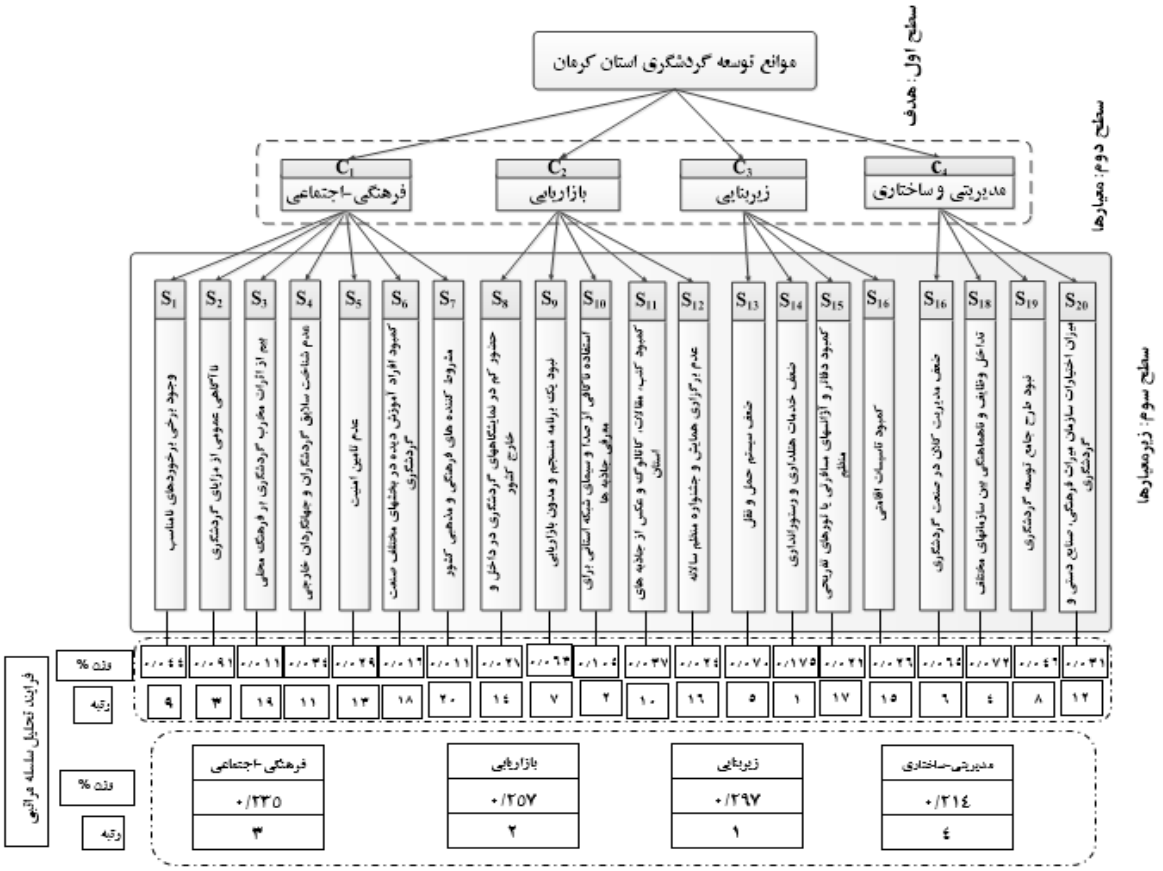

شکل ٤. رتبه بندی نهایی موانع توسعه گردشگری استان کرمان (ماخذ: یافته های پژوهش، ١٤٠٠)

٤. بحث

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که موانع مزبور به ترتیب شامل موانع زیربنایی (با وزن ۰/۲۹۷)، بازاریابی (با وزن ۰/۲۵۷)، فرهنگی-اجتماعی (با وزن ۰/۲۳۵) و مدیریتی-ساختاری (با وزن ۰/۲۱٤) می شود. این نتیجه با

یافته های پژوهش محرابی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران، همچنین با پژوهش برون (۲۰۰۹)، همخوانی دارد. وکیل حیدری (۱۳۹۱)، نیز در تحلیل موانع موثر بر توسعه گردشگری روستای سردابه شهرستان اردبیل، موانع زیربنایی را مهم ترین مانع توسعه گردشگری این روستا معرفی کرده است. مشاهدات نگارندگان نیز نشان می دهد که کمبودهای زیر بنایی از جمله اقامتگاه های مناسب شهری و بین راهی و ضعف سیستم حمل و نقل نه تنها از عوامل مهم نارضایتی گردشگرانی است که از کرمان بازدید می کنند بلکه از دلایل عدم تمایل تورهای بزرگ گردشگری کشور برای اعزام گردشگران به این استان محسوب می شود. با توجه به اینکه استان کرمان پهناورترین استان ایران است و بین شهرستان های استان فواصل زیادی وجود دارد، دسترسی به جاذبه های مناطق مختلف استان مستلزم تامین تسهیلات اقامتی و ترددی گسترده ای است. می توان زمان رسیدن به جاذبه های گردشگری استان را با ایجاد و اصلاح راه های استاندارد زمینی کو تاه کرد. از مزایای دسترسی ریلی سریع به طور مثال به بم، زرند، سیرجان، رفسنجان با سرمایه گذاری هدفمند بهره جست و ضمن ایمنی سفر از تلفات جاده ای نیز کاست. با توجه به پنج فرودگاه در شهرستان‌های مختلف استان کرمان با هواپیماهای کوچک و سبک مسافری یا بالگردهای تفریحی و حتی بالن می توان کریدور هوایی گردشگری بین شهرستانهای استان کرمان ایجاد و زمان دسترسی به جاذبه های استان را برای گردشگر کوتاه کرد تا حداکثر استفاده را از زمان حضور خود ببرد. همچنین با دادن تسهیلات لازم و سطح بندی دفاتر فعلی حمایت های موردنیاز، را از برنامه‌های دفاتر گردشگری علمی و حرفه ای انجام داد، به علاوه لازم است بخش دولتی با مشارکت در پروژه های زیر بنایی گردشگری، تسهیلات و معافیت های مالیاتی و کمک و تسریع در صدور مجوزهای لازم برای احداث هتل و اقامتگاه، همچنین بازسازی و استاندارد سازی هتل های فعلی به بخش خصوصی و سرمایه گذاران داخلی و خارجی داده و آنها را یاری نمایید. اگر چه پژوهش های محرابی و همکاران (۱۳۹۱) و وکیل محرابی (۱۳۹۱)، موانع اجتماعی-فرهنگی را دومین اولویت در میان موانع توسعه گردشگری مناطق مورد مطالعه نشان داده اند، اما یافته های این پژوهش موانع بازاریابی را پررنگ تر و در اولویت دوم قرار داده است. نتایج مطالعاتی از جمله خجندی و کاظمی (۱۳۹۳) و نجارزاده و کاظمی (۱۳۹٤)، نشان داده است که با وجود جاذبه های متعدد گردشگری استان کرمان به عنوان یکی از قطب های گردشگری کشور، به دلیل ضعف شدید بازاریابی گردشگری، جاذبه های بی نظیر و کم نظیر این استان برای بسیاری از هموطنان و حتی ساکنین استان نیز ناشناخته است. برای غلبه بر این مانع می بایست با دعوت از متخصصان حرفه ای و دانشگاهی بازاریابی در حوزه گردشگری، با تدوین برنامه ای مدون برای بازاریابی گردشگری استان توانایی ها، قابلیت ها و جاذبه های گردشگری استان در سطح محلی، ملی و بین المللی معرفی و تبلیغ شوند. انتشار کتابچه، کاتالوگ، بروشور و فیلم در مورد جاذبه های استان (حداقل به دو زبان فارسی و انگلیسی) و توزیع آن در رسانه های مختلف داخلی و خارجی و خصوصا اینترنت و شبکه های مجازی بسیار موثر است. مشارکت صدا و سیمای شبکه استانی و ملی در این زمینه به طور ویژه باید مورد توجه قرار گیرد. برگزاری جشنواره های منظم سالانه در محل جاذبه ها گردشگری و شرکت در نمایشگاه ها ی گردشگری در داخل و خارج از کشور بصورت منظم نیز از جمله

روش هایی اســـت که مورد تاکید صـــاحبنظران قرار گرفته اســـت (دیویس، ۲۰۱۵). عوامل فرهنگی–اجتماعی، از دیگرموانع توسعه گردشگری خصوصا در برخی کشورهای کم تر توسعه یافته است که در ادبیات موضوع بسیار به آن اشاره شده است(والین[1]، ۲۰۱۵؛ لی و بای[2]، ۲۰۱٦). نتایج این پژوهش نیز این عامل را به عنوان سومین اولویت از موانع توسعه گردشگری استان نشان داده است. قرار نگرفتن این عامل در اولویت اول و دوم از سویی حاکی از آن است که زمینه فرهنگی–اجتماعی برای توسعه گردشگری در این استان نسبت به دو عامل قبلی مساعدتر و آماده تر است. این امر می تواند ناشی از وجود فرهنگ مهمان پذیری و ارج نهادن به مهمانان در این استان باشد که از دیرباز شهرت داشته است. اما از سوی دیگر نمی توان منکر وجود برخی ذهنیت های غلط در مورد گردشگران و توسعه گردشگری شد که در برخی لایه های جامعه به چشم می خورد. با آموزش عمومی و آگاه سازی مردم نسبت به مزایای گردشگری می توان قابلیت های فرهنگی–اجتماعی در این زمینه را ارتقاء داد و باورهای غلط را از اذهان پاک کرد. تلاش برای متعهد کردن جامعه جهانی به حفاظت از محیط زیســـت، فرهنگ جامعه محلی و رعایت اخلاقیات در توسعه گردشگری خصوصا طی دهه گذشته در دستور کار بسیاری از سازمان ها و تشکیلات ملی و بین المللی قرار گرفته است. صدور منشور جهانی اخلاقیات برای گردشگری حاصل بخشی از این تلاش هاست(کاظمی،۱۳۹۲). همچنین بکارگیری نیروهای زبده و تحصیل‌کردهٔ گردشگری در بخش های مختلف این صنعت در استان، به رفع بسیاری از تنگناهای گردشگری استان خصوصا در بعد فرهنگی–اجتماعی کمک می کند. اگرچه بر اساس یافته های این پژوهش موانع مدیریتی–ســـاختاری در اولویت آخر قرار گرفته اســـت، امابا توجه‌به نقش کلیدی این عامل در مدیریت گردشگری استان و هماهنگی بخش‌ها و دستگاه های مختلف با یکدیگر، هر گونه نارسایی در این حوزه بر سایر عناصر صنعت گردشگری اثر مخربی می گذارد. کما اینکه در برخی پژوهش‌ها (از جمله ژانگ، سونگ و هانگ[3]، ۲۰۰۹) این مانع در اولویت اول معرفی شده است. مشکلات عمده مدیریت صنعت گردشگری استان تداخل وظایف و ناهماهنگی بین سازمان‌های مختلف است که هم باعث اتلاف وقت و سرمایه می شود و هم بعضا، با تداخل در کار یکدیگر عملاً اجرای هر برنامه‌ای را با مشـــکل مواجه می ســـازد. ایجاد یک کمیته هماهنگی که تصمیمات سازمان های مختلف را هماهنگ نموده و پل ارتباط این سازمانها با یکدیگر و فعالان بخش خصوصی گردشگری باشد ضروری میرسد. همچنین حضور مدیران و کارشناسان با تحصیلات دانشگاهی در زمینه گردشگری در دستگاه‌ها و مناصب ذیربط که همواره توسط صاحب‌نظران توصیه شده است، قطعا در رفع موانع مدیریتی–ساختاری کنونی گردشگری استان کارساز خواهد بود.

1. Wallin
2. Lee & Bai
3. Zhang, Song, & Huang

۵. نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه گردشگری استان کرمان از دیدگاه خبرگان گردشگری در این استان به‌منظور تسهیل و دستیابی به اهداف مدیریتی و برنامه‌ریزی گردشگری پایدار شهری و همچنین کاهش موانع توسعه گردشگری می‌باشد. پیشنهادات زیر جهت توسعه گردشگری استان کرمان ارائه می‌گردد:

- پیشنهادات زیربنایی

- ارائه خدمات بانکی مناسب به بخش خصوصی و مناطق گردشگری و اجرا دقیق معافیت های مالیاتی فعلی برای توسعه زیرساخت‌ها از جمله مجتمع‌های خدمات بین راهی، سرویس‌های بهداشتی، پارکینگ‌ها، راه های محلی استاندارد و...
- یکی از مشکلات زیربنایی کمبود دفاتر گردشگری حرفه‌ای و علمی است. لذا پیشنهاد می‌شود که با دادن تسهیلات لازم و سطح‌بندی دفاتر فعلی حمایت‌های موردنیاز، را از برنامه دفاتر گردشگری علمی و حرفه‌ای انجام داد.

- پیشنهادات بازاریابی

- از مشکلات عمده بازاریابی استان عدم وجود یک برنامه مدون و منسج بازاریابی است. لذا پیشنهاد می‌شود درصدد ساختن دوباره چرخ نباشیم و با دعوت از متخصصان بازاریابی در حوزه گردشگری از داخل و خارج از کشور در سطوح حرفه‌ای و دانشگاهی، توانایی‌ها و قابلیت‌های گردشگری استان بیشتر شناسایی شده و از طرفی دیگر بازارهای هدف گردشگری بازنگری جدی شوند.
- برگزاری جشنواره‌های منظم سالانه در محل جاذبه‌های استان کرمان را به تفصیل معرفی کرد و آخرین اطلاعات مربوط به گردشگری در سطح ایران، استان کرمان و حتی جهان به علاقه‌مندان عرضه شود و از شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، یوتیوب، روبیکا و... در این راستا استفاده شود.

- پیشنهادات فرهنگی-اجتماعی

- تشکیل انجمن علمی گردشگری در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و ارتباط آن با دانشگاه‌ها و اساتید گردشگری، مدرسین و محققین مذهبی حوزه و دانشگاه.
- دعوت از نویسندگان و روزنامه‌نگاران توریستی، برای معرفی هر چه بیشتر جاذبه‌های توریستی استان.

- پیشنهادات مدیریتی-ساختاری

- جلب هم سویی و همکاری کلیه سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با گردشگری در جهت رشد و شکوفایی صنعت گردشگری استان.

- ایجاد تشکل یکپارچه خصوصی در سطح ملی و ایجاد نمایندگی آن در استان و قانونمند کردن تشکل در مجلس شورای اسلامی برای حذف تشکل‌های موازی و ادغام آن‌ها

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود. اول، به‌کارگیری این پژوهش در مناطق دیگر کشور و استفاده از نظرات تعداد بیشتر کارشناسان در یک محیط تصمیم‌گیری گروهی. دوم، بررسی عواملی که می‌توانند نقش میانجی یا تعدیل‌کنندگی بر این سازه داشته باشند از قبیل؛ عوامل کلان اقتصادی مانند تورم و .... سوم، انجام پژوهشی مجزا در زمینه بررسی جامعه شناختی توسعه پایدار گردشگری استان.

مانند هر پژوهش دیگری تمامی دستاوردها و نتایج این پژوهش نیز تحت تأثیر برخی محدودیت‌ها بوده‌است؛ مانند: ۱) محدود بودن تعداد کارشناسان و خبرگان به‌منظور پاسخگویی به پرسشنامه؛ ۲) مشکل بودن تکمیل پرسشنامه AHP که علی رغم توضیحات، تعدادی از پاسخ دهندگان در این راستا با مشکل مواجه بودند که ضمن ارایه توضیحات بیشتر و لازم، موفق به تکمیل آن شدند؛ ۳) نبود اطمینان کافی در دقت و صحت هنگام پاسخ به سوال‌های پرسش‌نامه‌ها توسط آزمودنی‌ها بنا به دلایلی از جمله؛ بی‌حوصلگی پاسخ‌دهندگان، عدم درک پرسشنامه AHP، تعصبی بودن نسبت به استان خود و ... باعث شد تا آزمودنی‌ها پاسخ صحیح به برخی سوال‌ها ندهند، بنابراین مجبور به حذف بعضی از پاسخنامه‌ها شدیم.

کتاب نامه

۱. ابراهیمی، ع. (۱۳۹٦). تاثیر صنعت جهانگردی بر متغیرهای اقتصادی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی ایران. *مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول، کیش: سازمان منطقه آزاد کیش.

۲. امینی، م.، پرهیزگار، م.، ابوالحسنی، ا.، و خبازباویل، ص. (۱۳۹۷). تدوین الگوی سه محوری توسعه صنعت گردشگری ایران با تأکید بر ورود گردشگران خارجی. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۲ (۳۵)، ۷۷-۹۹.

۳. خجندی، م.، و کاظمی، م. (۱۳۹۳). تدوین استراتژی برای توسعه کارآفرینی در گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT (مورد مطالعه: روستاهای هدف گردشگری استان کرمان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

٤. ده یادگاری، س.، نوربخش، ف.، و خاطبی، آ. (۱٤۰۰). عوامل مؤثر بر قصد دیدار گردشگران از جاذبه های گردشگری استان کرمان با تأکید بر تبلیغات الکترونیکی. *فصلنامه گردشگری و توسعه*، *۱۱*(۳)، ۱۱۹-۱۳۲.

۵. شاهینی فر، م.، و شوهانی، ن. (۱۳۹۹). تحلیل نقش عوامل مؤثر بر بازآفرینی فضاهای شهری از منظر کاربران (مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر کرمانشاه). *مجله جغرافیا و توسعه فضای توسعه شهری*، *۷*(۲)، ۱۵۰-۱٦۷.

۶. شماعی، ع.، و موسیوند، ع. (۱۳۹۱). سطح بندی شهرستان های استان اصفهان از لحاظ زیرساخت های گردشگری با استفاده از مدل تاپسیس و ای اچ پی. *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، ۳(۱۰)، ۲۳-٤۰.

۷. شیخی‌نصب، م.، اذانی، م؛ مومنی، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۹). بازآفرینی بافت های تاریخی در راستای توسعه

گردشگری با رویکرد آینده نگاری (مطالعه موردی منطقه یک شهرداری اهواز). *مجله جغرافیا و توسعه فضای توسعه شهری*، ٦(٢)، ١٥٠-١٦٩.

٨. طالب نیا، ق، ا.، خوزین، ع.، و دنکوب، م. (١٣٩١). بررسی اولویت عوامل موثر در پیاده سازی و اجرای سیستم هزینه یابی برمبنای فعالیت با استفاده از فرایند تحلیل سلسله. *نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ٢(٢٦)، ٤٥-٦٢.

٩. طباطبایی نسب، م.، و ضرابخانه، ف. (١٣٩٤). تبیین مدل ارزش ویژه برند مقصد در صنعت گردشگری. *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ٢٤(٩٤)، ١٩٢-٢١٦.

١٠. علی اکبری، ا. (١٣٩٥). *جغرافیای گردشگری ایران*. تهران: انتشارات سمت.

١١. علی اکبری، ا.، مرصوصی، ن.، و جلال آبادی، ل. (١٣٩٩). تدوین سناریوهای مؤثر بر آینده گردشگری پایدار شهرکرمان با رویکرد آینده پژوهی. *فصلنامه علمی مطالعات مدیریت گردشگری*، *١٥*(٥٠)، ٣٥-٦٠.

١٢. کاظمی، م. (١٣٩٢). *مدیریت گردشگری*. تهران: انتشارات سمت.

١٣. کمانداری، م.، چهارراهی، م.، و قربانپور، ح. (١٣٩٩). پتانسیل‌های اکوتوریسم استان کرمان زمینه برای توسعه گردشگری آینده. *جغرافیا و روابط انسانی*، ٣(٢)، ٢٧-٤٢.

١٤. محرابی، ج.، خلیلی شورینی، س.، و خلفی، ا. (١٣٩٣). بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مدیریت توسعه و تحول*، ٩(٢)، ١-١٠.

١٥. موسایی، م.، هاشمی، س.، و ابراهیمی، م. (١٣٩١). بررسی جامعه شناسی توسعه پایدار گردشگری در ایران؛ موانع، چالش‌ها، راهکارها. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ٦(١٦)، ٢٥-٣٦.

١٦. مهرگان، م. (١٣٨٣). *پژوهش عملیاتی پیشرفته*. تهران: نشر کتب دانشگاهی.

١٧. نجارزاده، ن.، و کاظمی، م. (١٣٩٣). بخش بندی بازار گردشگری داخلی استان کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

١٨. وکیل حیدری، س. (١٣٩١). تحلیل موانع موثر بر توسعه گردشگری روستای سردابه، شهرستان اردبیل. *مجله جغرافیا*، *١*(١)، ٦٨-٨١.

19. Behboodi, O., Rajavi, M., & Zarei, A. (2019). Designing a model for measuring performance evaluation criteria in Iran's tourism industry. *Tourism and Development Magazine*, *7*(4), 82-61.
20. Brown, K.G. (2009). Island tourism marketing: music and culture. *International Journal of Culture, Tourism and Hospitality Research*, *3*(1), 25-32.
21. Davis, A. (2016). Experiential places or places of experience? Place identity and place attachment as mechanisms for creating festival environment. *Tourism Management*, *55*, 46-49.
22. Garau-Vadell, J.B., Gutierrez-Taño, D., & Diaz-Armas, R. (2018). Economic crisis and residents' perception of the impacts of tourism in mass tourism destinations. *Journal of Destination Marketing & Management*, *7*, 68–75.
23. Hou, X. (2019). High-speed railway and city tourism in China: A quasi-experimental study

on HSR operation. *Sustainability, MDPI, Open Access Journal*, *11*(6), 1-19.
24. Koc, E., & Boz, H. (2014). Psychoneurobiochemistry of tourism marketing. *Tourism Management*, *44*, 140-148.
25. Lacher, R.G., & Oh, C.O. (2012). Is tourism a low-income industry? Evidence from three coastal regions. *Journal of Travel Research*, *51*(4), 464-472.
26. Lee, S., Bai, B. (2016). Influence of popular culture on special interest tourist's destination image. *Tourism management*, *52*, 161-169.
27. Mehrabi, J., Khalili Shurini, S., & Khalafi, A. (2013). Studying the obstacles to the development of the tourism industry in the Islamic Republic of Iran. *Development and Transformation Management Quarterly*, *9*(2), 1-10.
28. Tabatabayi Nasab, M., & Zarrabkhaneh, F. (2014). Explaining the special value model of the destination brand in the tourism industry. *Urban and Regional Studies and Research Quarterly*, *24*(2), 192-216.
29. Tameljenovic, R., & Faulkner, B. (2000). Tourism and older residents in a sunbelt resort. *Annals of Tourism Research*, *27*(1), 93-114.
30. Tohidy, F. (2011). Economic impact of tourism industry. *International Journal of Business and Management*, *6*(8), 25-36.
31. Wallin, J. (2015). New approach to dark tourism inquiry: A response to Isaac. *Tourism management*, *51*, 331-334.
32. Williams, A. (2006). Tourism hospitality marketing: fantasy, feeling and fun. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*. *18*(6), 482-491.
33. World Tourism Organization. (2019). Governance for the tourism sector and its measurement. *Issue Paper Series*. Madrid: World Tourism Organization
34. WTTC (2021). Travel Tourism World Economic. Available at: https: /media/-/org.wttc.
35. Xu, G. (2013). Tourism and local development in China: case studies of Guilin. *Suzhou and Baidehi*. London: Routledge.
36. Xu, J., & Sun, M. (2015). Research on the tourist demands and evaluation for public tourism services in tourism and hospitality development between China and EU. *Springer Berlin Heidelberg*, *6*(45), 249-259.
37. Zehrer, A. (2009). Service experience and service design. *Managing Service Quality*.*19* (3), 332- 339.
38. Zhang, X., Song, H., & Huang, G.Q. (2009). Tourism supply chain management: A new research agenda. *Tourism Management*, *30*(3), 345-358.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

DOI: 10.22067/jgusd.2023.79987.1273
مقالهٔ علمی - پژوهشی

کاربست رویکرد انتقال حق توسعه در نواحی شهر زنجان

عظیم علی شائی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران)
azim_a746@pnu.ac.ir
سعید نجفی (دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)
najafysaied@gmail.com
محمدتقی حیدری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)
mt.heydari@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ١٤٠١/١٠/٠١ **تاریخ تصویب: ١٤٠٢/٠١/٣٠**
صص ٧٠-٥١

چکیده

مسائل و مشکلات ناشی از توسعه و گسترش فضایی شهرها و سیاست‌های تصمیم‌گیری با رویکردهای سنتی نه تنها سبب گردیده محلات مستعد توسعه از حقوق برابری برخوردار نباشند، بلکه باعث تخریب فضاهای میراث‌دار شهری شده‌اند. رویکرد انتقال حق توسعه تکنیک بازاری است جهت فراهم کردن سازوکارهای قانونی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در راستای انتقال حقوق توسعه به سایر نقاط شهری است. از این رو پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد حاضر، درصدد کاربست این مفهوم در توسعه فضاهای شهری زنجان است. روش تحقیق پژوهش حاضر براساس نوع، توصیفی-تحلیلی بوده و براساس هدف کاربردی-توسعه‌ای است. سعی برآن است نواحی مناسب برای اجرای رویکرد انتقال حق توسعه شناسایی و نواحی مستعد نیز براساس مدل تصمیم‌گیری ویکور رتبه‌بندی گردد. حجم و تعداد نمونه براساس روش گلوله برفی انجام و ٢٠ پرسشنامه تکمیل گردید. جهت اجرای مدل، تهیه و تحلیل نقشه‌های موضوعی از نرم افزارهای ArcGIS و Excel استفاده شد. نتایج نشان داد که پیش‌بینی‌های توسعه آتی شهر براساس ضوابط پهنه‌بندی متفاوت‌تر از وضعیت موجود بوده و پهنه‌های ارسالی توسعه در مرکز و جنوب شهر (منطبق بر نواحی ١-١، ٢-١ و ٣-١) قرار گرفته است. نواحی با رتبه مطلوبیت بالا برای دریافت توسعه شامل محلات گلشهرکاظمیه فاز ١ تا ٨، شهرک کارمندان، کوی فرهنگ، شهرک آزادگان، شهرک رجایی و کوچمشکی حاصل شده که طبق ضوابط شهرسازی، مستعد توسعه با توجه به سیاست-های بلندمرتبه‌سازی هستند. می‌توان نتیجه گرفت که اجرای پروژه انتقال حق توسعه در درجه اول نیازمند تعریف تشکیلات اجرایی در بدنه مدیریت شهری و پیش‌بینی در طرح‌های توسعه شهری با رویکرد برابری اجتماعی است.

کلید واژه‌ها: برابری اجتماعی، رویکرد انتقال حق توسعه، شهر زنجان، مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره، ویکور.

۱. مقدمه

امروزه برای انتقال شهرها به سمت پایداری دانش علمی لازم است. دانشی که علیرغم انبوهی چالش‌های شهری کمک کننده می‌باشد(بویانا[1]، ۲۰۲۱؛ باتی[2]، ۲۰۲۰؛ کاریم و همکاران[3]، ۲۰۲۲، ص.۱۳۵ به نقل از سیتاس[4] و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از مفاهیم مهم در انتقال به پایداری توسعه شهری، مفهوم انتقال حق توسعه[5] است. مفهومی که در آن چالش‌های کاربران مطرح بوده و نیازمند توجهات اساسی در جنبه‌های ساختاری، عملکردی، رابطه‌ای و شناختی سیستم‌های شهری است (رودریگز[6] و همکاران، ۲۰۱۹).پیشینه چنین جنبشی به سال ۱۸۹۸ در انگلستان برمی‌گردد که در آن جنبش باغ‌شهرها با هدف زمینه‌سازی برنامه‌ریزی فضایی با تاکید بر عرصه‌های طبیعی تاکید می‌گردید(سعیدی، ۱۳۸۷). در ایران نیز مساله رشد و توسعه شهرها به سمت و سوی زمین‌های اطراف اهمیت بالایی داشته است. این وضعیت در حالی است که کمتر شهری از شهرهای کشورمان را می‌توان سراغ گرفت که با مسائل و مشکلات ناشی از توسعه و گسترش فضایی دست به گریبان نباشند (ندایی‌طوسی و همکاران، ۱۳۹۹). از طرف دیگر تاکید بر توسعه درون‌زا و نارسایی، کمبود و ناهماهنگی در قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت و نحوه نظارت بر اراضی شهری، به ویژه وجود اشکال مختلف مالکیت و متولیان مختلف آن، یکی از عوامل اساسی در ناکامی طرح‌های جامع- تفصیلی و توسعه آتی شهرها محسوب می‌گردد(مهدی‌زاده، ۱۳۸۲، ص.۵۲۲). شهر زنجان از این امر مستثنی نبوده و محور توسعه‌ی شهر به گونه‌ای بوده است که حق توسعه در برخی از محلات فراتر از مصوبات طرح‌ها بوده سبب فراهم شدن زمینه‌های رانت شده است. از این رو راهی جز روی آوردن به رویکردهای نوین از جمله رویکرد برنامه انتقال حق توسعه که مبتنی بر احترام به حقوق مالکیت بوده، نمی‌ماند. در این روش تلاش بر این است که اراضی باارزش و ذخیره برای توسعه حفظ و حقوق مرتبط با آن به نواحی مستعد توسعه که در جریان توسعه شهری با هجوم زیاد فعالیت‌های ساخت‌وساز قرار گرفته‌اند؛ رعایت گردد.

مطالعات گسترده‌ای در مورد شاخص‌های انتقال حق توسعه انجام شده که در آنها به عوامل موثر بر اجرای آن اشاره شده است. عواملی مانند سایت دریافت مناسب (فولتون[7] و همکاران، ۲۰۰٤)، پیشینه و مطالعات بازار (کاپلوویتز[8] و همکاران، ۲۰۰۸)، عوامل بازار (پروتز و اساندریچ[9]، ۲۰۰۸)، سادگی (کارانجا و راما[10]، ۲۰۱۱)، مشارکت عمومی (فولتون و همکاران، ۲۰۰٤)، تسهیل کارگزاری شخص ثالث (ماچمر و کاپلوویتز[11]، ۲۰۰۲)، برابری اجتماعی

1. Buyana
2. Batty
3. Kareem
4. Sitas
5. Transfer Development Rights
6. Rodriguez
7. Fulton
8. Kaplowitz
9. Pruetz & Standridge
10. Karanja & Rama
11. Machemer & Kaplowitz

(مک کانل و والز[1]، ۲۰۰۹) و هزینه های مبادله (برونینگ[2]، ۲۰۰۷) نیز می توانند برای موفقیت ساخت پروژه‌های حفاظت از میراث مهم باشند. بسیاری از محققان عوامل موثر بر موفقیت انتقال حق توسعه را بر اساس برنامه‌های معروف اجرا کرده‌اند؛ در ایالات متحده، مانند ایالت مونتگومری[3] (با هدف حفظ کشاورزی)، نیوجرسی پاینلندز[4](جنگل، مزارع و شهرهای دیدنی چون لیالات دد، فلوریدا، لیورمور و کالیفرنیا[5] را مطالعه کرده‌اند(پروتز و پروتز[6]، ۲۰۰۷؛ ماچمر و کاپلوویتز، ۲۰۰۲). آکن[7] و همکاران (۲۰۰۸) بر اساس شواهد موجود در ایالت واشنگتن، چهارعامل را به عنوان عناصر کلیدی در برنامه‌های بسیار موفق پیشنهاد کرد. آنها (۱) اطمینان از سازگاری منطقه‌بندی، (۲) مطالعات بازار برای تنظیم دقیق برنامه‌های انتقال حق توسعه، (۳) تسهیل معاملات برنامه حق توسعه،(٤)مشارکت تمام ذینفعان دارند. اهداف ماچمر و کاپلوویتز[8] (۲۰۰۲) چارچوبی را برای ارزیابی انتقال برنامه‌های حقوق توسعه با استفاده از نظریه پایه‌ای تکرارشونده بر اساس ١٤ مطالعه موردی رویکرد انتقال حق توسعه در ایالات متحده ایجاد کردند. این ١٤ عنصر شامل: (۱) بنیاد سیاسی، (۲) فرآیند نظارتی منسجم، (۳) احساس مکان، (٤) منابع در منطقه به عنوان ارزش، (۵) منطقه به سرعت در حال رشد، (٦) پذیرش عمومی، (۷) مناطق دریافت مناسب، (۸) رهبری رویکرد انتقال حق توسعه، (۹) برنامه های اجباری، (۱۰) بانک انتقال حق توسعه،(۱۱)سازگاری با اهداف توسعه پایدار، (۱۲) ساده و مقرون به صرفه و (۱۳) توسعه تقاضاها و (١٤) الگوهای کاربری زمین است. کاپلوویتز وهمکاران[9] (۲۰۰۸) از یک نظرسنجی پستی خودگردان برای جمع‌آوری اطلاعات از مقامات برنامه‌ریزی لیالات متحده که بر ۱۰۹ برنامه انتقال حق توسعه نظارت دارند، استفاده کرد تا ویژگی‌های کلیدی مرتبط با موفقیت رویکرد انتقال حق توسعه را شناسایی کند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که برنامه‌های تکمیلی توسعه پایدار، مطالعات و پیش‌زمینه رویکرد توسعه برای یک برنامه موفق انتقال حق توسعه هستند. عوامل دیگری مانند اینکه چه کسی برنامه‌های انتقال حق توسعه را آغاز می‌کند، تعداد آغازگرها، نوع تقاضای توسعه در منطقه برنامه انتقال حق توسعه و تقاضای مسکن نیز بر موفقیت رویکرد انتقال حق توسعه تأثیر می‌گذارد. مک‌کلنل و والز[10] (۲۰۰۹) چندین عامل مهم پلیان‌دهنده فعالیت بازار رویکرد انتقال حق توسعه را شناسایی کردند، از جمله (۱) محدودیت‌های تراکم منطقه‌بندی پایه؛ (۲) پاداش تراکم؛ (۳) نرخ تخصیص رویکرد انتقال حق توسعه و (٤) تعداد حق‌توسعه مورد نیاز در هر واحد مسکونی اضافی. چان و هوو[11] (۲۰۱۵) ۲۲ عامل موفقیت حیاتی را تحت ۸ معیار تحت عنوان (۱) مقبولیت سیاسی؛ (۲)

1. McConnell & Walls
2. Bruening
3. Montgomery County
4. New Jersey Pinelands
5. Dade, Florida, Livermore, and California counties
6. Pruetz and Pruetz
7. Aken
8. Machemer & Kaplowitz
9. Kaplowitz
10. McConnell & Walls
11. Chan & Hou

رهبری رویکرد انتقال حق توسعه؛(۳) تسهیلات بانکی رویکرد انتقال حق توسعه؛ (٤) حمایت عمومی؛ (٥) برابری اجتماعی؛ (٦) مناطق دریافت‌کننده حق توسعه؛ (۷) سادگی؛ (۸) مشوق بازار ارائه کرده‌اند که بیشترین ارتباط را با موفقیت برنامه‌های رویکرد انتقال حق توسعه برای حفاظت از آثار و میراث تاریخی داشته است. باتوجه به اینکه مفهوم انتقال حق توسعه به صورت کاربردی در فضاهای شهری براساس شاخص‌ها متفاوت بوده است. در این تحقیق سعی شده است تحلیل‌ها مبتنی بر معیارهای بومی و داده‌های موجود در مدیریت شهری از جمله معیارهای کالبدی، جمعیتی، ضوابط طرح تفصیلی و گرایش به سکونت انجام گیرد.

انتقال حقوق توسعه یک ابزار جایگزین مبتنی بر بازار برای حفظ زمین با منافع عمومی است که می‌تواند توسط دولت محلی استفاده شود(مک کانل و والز، ۲۰۰۹؛ آکن و همکاران، ۲۰۰۸). در این چارچوب مابه التفاوت نسبت ارزش قطعه موجود و مجاز زمین قابل واگذاری و معامله در بازار آزاد است. درآمد حاصل از این فروش‌ها می‌تواند برای حفظ، نگهداری یا بهبود میراث ساخته شده، استفاده شود(لی[1]، ۲۰۰۸). این امر بار محدودیت بودجه دولتی را کاهش می‌دهد و انگیزه‌ای برای مالکان خصوصی برای حفظ ساختمان‌های خود ایجاد می‌کند. مهمتر از همه، جامعه بدون نیاز به خرید یا از سرگیری املاک از حفاظت سود می‌برد. هدف طرح انتقال حق توسعه، ایجاد یک راه حل " برد–برد" است(تی سانگ[2]، ۲۰۰۱). در ایران، بواسطه ناکارآمدی نظام هدایت توسعه شهری و طرح‌های توسعه، تغییرات سریع و نسنجیده در ضوابط ساخت وساز، رواج تصمیمات سطحی و غیرعلمی در قالب رویکرد آزمون و خطا، عدم بهره‌گیری از تجربیات جهانی و یا استفاده سطحی از روش‌های رایج در جوامع توسعه یافته و ابداع روش‌های مردود تأمین منابع مالی شهرداری مانند فروش تراکم مازاد و واگذاری تراکم سیار، حقوق توسعه، دائماً در معرض تغییر وضعیت و در واقع تغییر ماهیت از "حق" به "امتیاز" بوده‌اند، که این امر نیاز به شناخت و بهره‌گیری از روش‌های علمی در ارتباط با صیانت از حقوق توسعه (به عنوان یکی از حقوق شهری) را دوچندان کرده است(مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۲۰۱٤). محبوبیت مداوم انتقال حق توسعه را می‌توان تا حدی با تغییر رویکردهای بودجه عمومی، نظارتی و بوروکراتیک به برنامه‌ریزی و به سمت مکانیابی کارآفرینانه مبتنی بر انگیزه توضیح داد(چاپین[3]، ۲۰۱۲؛ فینستین[4]، ۱۹۹۱؛ ساقالین[5]، ۲۰۰۷).. در متن رویکرد انتقال حق توسعه ارتباط تنگاتنگی با قدرت نهفته است. قدرت به معنای توانایی تحقق اراده خود در روابط نامتقارن، از طریق آموزش، اجبار، متقاعدکردن یا کنار گذاشتن کسانی است که قدرت کمتری دارند(فریتز و بایندر[6]، ۲۰۲۰).تعداد مطالعاتی که تأثیرات قدرت را بر فرآیندهای انتقال حق توسعه تأیید می‌کنند؛ در حال افزایش است(بیلوچ[7] و همکاران، ۲۰۱٦؛ بریتاوت[8] و همکاران،

1. Li
2. Tsang
3. Chapin
4. Fainstein
5. Sagalyn
6. Fritz and Binder
7. Brethaut
8. Bieluch

۲۰۱۹). فریتز و ماینهرز[1] (۲۰۲۰) استدلال می کنند که انتقال حق توسعه را می‌توان با هر دو شکل مولد و سرکوب‌گر قدرت مشخص کرد که به نوبه خود مانع یا باعث تقویت متقابل تخصص می‌شود. ذینفعان ممکن است به دنبال تغییر قصد، ارزش‌ها و قوانین مشارکت در حق توسعه با سوق دادن رابطه‌های ذینفعان به حالت بی‌نظمی با استفاده از موقعیت یا نفوذ خود بر شبکه‌های شرکت‌کننده باشند(هیگر[2] و همکاران، ۲۰۱۲؛ بورگاس آیالا[3] و همکاران، ۲۰۲۰).برخلاف دیدگاه بسیاری از متون، ازیک طرف قدرت و از طرف دیگر برابری اجتماعی برای موفقیت برنامه‌های انتقال حق توسعه اهمیت زیادی دارند. هدف این معیار اطمینان از دسترسی و استفاده یکسان ذینفعان از دستاوردهای انتقال حق توسعه است، در حالی که تضادها در پروژه توسعه به حداقل می‌رسد. در این چارچوب، برابری اجتماعی شامل دو ذینفع اصلی یعنی عمومی و مالک ساختمان است. به عنوان مثال، عموم ممکن است شک کنند که آیا ساختمان دارای ارزش تاریخی، معماری، فرهنگی و زمینه‌ای کافی برای تضمین حفاظت از آن است یا خیر. علاوه بر این، برخی ممکن است ارزش استفاده عمومی آن را پس از حفاظت زیر سوال ببرند. گاهی اوقات، مردم ممکن است به انگیزه پشت چنین ابتکاراتی شک کنند و مشکوک به تبانی بین دولت محلی و توسعه دهندگان باشند. پیشنهاد می‌گردد که به جامعه اجازه داده شود تصمیم بگیرد که چه چیزی باید حفظ شود، حقوق توسعه کجا باید منتقل شود، یا نسبت انتقال باید چقدر باشد. کاربست مفهوم برابری اجتماعی در انتقال حق توسعه چنین برداشت می‌شود که سادگی یکی از عناصر کلیدی برای موفقیت انتقال حق توسعه است. به طور خاص، ضروری است که هم توسعه‌دهندگان و هم مالک بتوانند برنامه‌ها را درک کنند و اجرای برنامه‌های انتقال حق توسعه برای کارکنان شهرداری باید آسان باشد(دانر[4]، ۱۹۹۷؛ ماچمر و کاپلوویتز، ۲۰۲۰). اگر مالک و توسعه‌دهنده نتوانند فرآیند را درک کنند، یا درک آن زمان‌بر است، معمولاً تمایلی به مشارکت ندارند، زیرا پروژه‌های انتقال حق توسعه‌ها تنها راهی نیستند که می‌توانند به اهداف خود دست یابند. اگر اجرای این روش آسان نباشد، اشتباهاتی محتمل است که باعث تاخیر و افزایش هزینه تراکنش شود. این موانع مشارکت عمومی در پروژه‌های انتقال حق توسعه را دلسرد می کند. بنابراین، روش‌ها و ابزارهای اداری ساده، حمایت بیشتر گروه‌های ذی‌نفع را تضمین می‌کند(چان و هوو[5]، ۲۰۱۵، ص. ٤٠). مفهوم قانونی بهره‌گیری از روش انتقال حق توسعه، بر این نظریه استوار است که حقوق مربوط به مالکیت و توسعه زمین لزوماً یک ساخت حقوقی منسجم و یکپارچه، متفاوت از انواع دیگر حقوق قردی را تشکیل نمی‌دهند، بلکه حق ساخت نیز می‌تواند مانند هر کدام از حقوق دیگر از مجموعه حقوق فرد، مجزا گردیده و منتقل به فرد دیگری، بدون اینکه در حق مالکیت زمین تغییری حاصل گردد، شود. از طریق اجرای انتقال حق توسعه، عدالت در زمینه حقوق مالکیت و توسعه مالکین اراضی با ارزش یا در معرض تهدید، که نیاز به حفاظت یا عدم ساخت و ساز دارند، رعایت می‌شود (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۲۰۱٤).

1. Fritz and Meinherz
2. Hegger
3. Burgos-Ayala
4. Danner
5. Chan & Hou

۲. روش شناسی

روش تحقیق پژوهش حاضر براساس نوع، توصیفی-تحلیلی و براساس هدف کاربردی-توسعه‌ای است. سعی برآن است نواحی مناسب برای اجرای رویکرد انتقال حق توسعه در شهر زنجان با توجه به عوامل موثر بر آن شناسایی و نواحی مستعد نیز براساس مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره تعیین گردد. اولویت‌بندی معیارها جهت اجرا در مدل‌های تصمیم‌گیری نیز توسط کارشناسان و نخبگان برنامه‌ریزی شهری که با ویژگی‌های شهر زنجان آشنایی داشته؛ انتخاب گردیده و حجم و تعداد نمونه براساس روش دلفی انجام و ۲۰ پرسشنامه (توسط اساتید، کارشناسان شهرسازی شهرداری، دانشجویان رشته‌های برنامه –ریزی شهری در مقطع دکتری)تکمیل گردید. اجرای مدل در محیط نرم افزاری اکسل انجام شده و جهت تهیه نقشه‌های موضوعی از سیستم اطلاعات جغرافیایی(GIS) استفاده شده است. جدول شماره ۱ معیارهای تحقیق حاضر جهت تعیین نواحی ارسال و دریافت توسعه را نمایش می‌دهد.

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

جدول ۱. معیارهای تعیین نواحی ارسال و دریافت توسعه

ردیف	معیار	توضیحات
۱	تعداد طبقات	نواحی با تعداد طبقات بالاتر از میانگین تعداد طبقات کل شهری، گزینه‌های مناسبی برای نواحی ارسال است.
۲	متوسط اندازه قطعات و دانه‌بندی	نواحی که با مشکل ریزدانگی و متوسط اندازه‌ی قطعات کمتر از میانگین مواجه هستند گزینه‌های مناسبی برای انتقال حق توسعه به شمار نمی‌آیند؛ زیرا باید ظرفیت پذیرش تراکم بیشتر از میانگین شهر باشد.
۳	میزان نزدیکی پهنه‌ها به شبکه‌ی شریانی درجه ۱ و درجه ۲ شهری	نواحی نزدیک به شریان‌های اصلی شهر، شانس بالایی برای تعیین به عنوان نواحی ارسال دارند؛ زیرا ورود جمعیت ساکن به نواحی ارسال می‌تواند مشکلات زیادی در زمینه‌ی حمل‌ونقل ساکنان به وجود آورد و این نواحی می‌توانند این مشکل را برطرف کنند.
٤	میزان نزدیکی به نواحی خدمات شهری و مراکز تجاری	نزدیکی به مراکز تجاری روی مطلوبیت نواحی درنظر ساکنان احتمالی آینده بسیار تاثیرگذار است و درموفقیت طرح‌های انتقال حق توسعه موثر خواهد بود.
٥	روند گرایش ساخت‌وسازها	برای توسعه نواحی ارسال، طرح به توسعه‌دهندگان نیاز دارد؛ بنابراین، لازم است تا

ردیف	معیار	توضیحات
	به وسیله توسعه دهندگان در پهنه‌های مختلف شهری	نواحی دریافت، تقاضای توسعه تا حدودی وجود داشته باشد که با اجرای طرح، این تقاضا به دلیل مزایایی که با خود به همراه دارد، به میزان مطلوبی برسد.
٦	روند گرایش سکونت مردم در پهنه‌های مختلف شهری	در صورتی که نواحی دریافت در نظر ساکنین شهر، از مقبولیت نسبی برخوردار نباشد، درآینده نیز تقاضای کمی برای سکونت در این نواحی بین ساکنین شهر وجود خواهد داشت و می‌تواند طرح را در درازمدت با مشکل مواجه کند.
۷	بررسی طرح‌های بالادست و سیاست‌های کلان توسعه	یکی از ملزومات طرح‌های انتقال حق توسعه، همخوانی آن‌ها با طرح‌های بالادست و منطقه‌بندی توسعه شهری است؛ زیرا همیشه تقاضای ساکنان و توسعه‌دهندگان با طرح‌های بالادستی همخوانی ندارد و همسو شدن با نظر کارشناسان می‌تواند شهر را از مشکلاتی مانند توسعه‌ی خطی، توسعه‌ی پراکنده و ناموزون محفوظ دارد.
۸	شناسایی نواحی باارزش و دیگر مناطق نامناسب به منظور توسعه	درصورتی که نواحی ارسال، به درستی شناسایی و تعیین نشوند، موفقیت طرح‌های انتقال حق توسعه به خطر می‌افتد؛ بنابراین، لازم است با توجه به تجربیات جهانی، نواحی که ارزش حفاظتی بالایی دارند، شناسایی و به عنوان نواحی ارسال در طرح تعیین شوند.

مأخذ: (والز و مک کانل، ۲۰۰۷؛ منگینی[1] و همکاران، ۲۰۱۵؛ ابلیراس[2] و همکاران، ۲۰۱۲؛ نلسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ لینکوس[3]، ۲۰۱٦؛ پروتز و استانریج[4]، ۲۰۰۹؛ وانگ[5] و همکاران، ۲۰۲۰؛ فارسی فراشبندی و همکاران، ۱۳۹٦؛ صادقی و همکاران، ۱٤۰۰، ص. ۵۳۵)

در مدل ویکور ماتریس معیارها با استفاده از رابطه زیر تشکیل شده است :

$$X = \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \cdots & x_{1n} \\ \vdots & \vdots & & \vdots \\ x_{m1} & x_{m2} & \cdots & x_{mn} \end{bmatrix}$$

Xij عملکرد آلترناتیو i ام در رابطه با معیار j ام است. پس از تشکیل ماتریس، در این مرحله معیارها بی‌بعد شده و اهمیت آنها با استفاده از مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) تعیین می‌گردد. در این مرحله با توجه به ضریب اهمیت معیارهای مختلف در تصمیم گیری، وزن آنها تعریف می شود :

$$W = (w_1, \quad w_2 , \quad \dots \quad , w_n)$$

1. Menghini, Gemperle, Seidl. & Axhausen
2. Abelairas- Etxebarria & Astorkiza,
3. E. R. Linkous
4. Pruetz & Stanridge
5. Wang. Li. Feng & Shen

در مرحله بعد نیز معیارها نسبت به نقطه ایده آل مثبت و منفی سنجیده می‌شوند، ابتدا عدد ماکزیمم و مینیمم هر یک از معیارها را استخراج کرده و نسبت به آن‌ها ایده آل‌ها سنجیده می‌شود.. جهت بدست آوردن نسبت‌ها از رابطه زیر استفاده می‌گردد:

$$fj^* = \text{Max } f_{ij}$$
$$i = 1, 2, \ldots, m, \quad j=1,2,\ldots,n$$
$$fj^- = \text{Min } f_{ij}$$

اگر تمامی fj^* را به هم پیوند بزنیم یک ترکیب بهینه با بیشترین امتیاز خواهد داد (نقطه ایده آل مثبت) و در مورد fj^- نیز بدترین امتیاز (نقطه ایده آل منفی) ایجاد خواهد شد. در مرحله بعد نیز مقدار سودمندی(S) و مقدار تاسف(R) در سطح نواحی شهر زنجان را براساس فرمول‌های ذکر شده استخراج می‌گردند.

$$L_{1,i} = S_i = \sum_{j-1}^{n} w_j \times \frac{f_j^* - f_{ij}}{f_j^* - f_j^-} \ , \quad L_{\infty,i} = R_i = \text{Max}\left\{ w_j \times \frac{f_j^* - f_{ij}}{f_j^* - f_j^-} \right\}$$

$L_{1,i}$ به عنوان ثبات تفسیر می شود و می تواند برای تصمیم گیرندگان اطلاعاتی پیرامون ماکزیمم مطلوبیت گروهی یا اکثریت را فراهم آورد. به طور مشابه $L_{\infty,i}$ نیز به عنوان عدم ثبات تفسیر شده و اطلاعاتی پیرامون حداقل اثر فردی مخالف را برای تصمیم گیرندگان فراهم می آورد. و S_i بیانگر فاصله نسبی گزینه i ام از راه حل ایده آل مثبت (بهترین ترکیب) و R_i بیانگر حداکثر ناراحتی گزینه i ام از دوری از راه حل ایده آل مثبت می باشد. در نهایت مقدار محاسبه شده در انتها، رتبه هر یک از نواحی براساس متغیرها نمایش داده خواهد شد. براساس منطق ویکور هر چقدر عدد حاصل شده نزدیک به صفر باشد مطلوب و هر چقدر به سمت یک گرایش داشته باشد؛ نامطلوب می‌باشد(ای آی-سانتوی[1]، ۲۰۱۲).

$$Q_i = V\left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*}\right] + (1+V)\left[\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*}\right]$$

$$S^- = \text{Max}_i\, S_i, \quad S^* = \text{Min}_i\, S_i$$

$V \in [0,1]$ وزن برای استراتژی ماکزیمم مطلوبیت گروهی است .

$$R^- = \text{Max}_i\, R_i\,, \quad R^* = \text{Min}_i\, R_i$$

1. El-Santawy

۲. ۱. معرفی قلمرو تحقیق

شـهر زنجان به عنوان اولین و بزرگ‌ترین نقطه شـهری اسـتان با ٤٣٠٨٧١ نفر جمعیت در سـرشـماری ۱۳۹۵، با مسـاحتی حدود ٦٤٠٠ هکتار و ۳۱۹ کیلومتری شـمال غربی تهران در ۲۸۰ کیلومتری جنوب شـرقی تبریز، یکی از شهرهای میانه اندام کشور محسوب می‌شود. این شهر به چهار منطقه شهرداری و ٢٤ ناحیه شهری تقسیم می‌شود. سازماندهی فضایی این شهر متشکل از سه نوع بافت، بافت مرکزی، میانی و جدید می‌باشد. بافت مرکزی منطبق بر هسـته اولیه شـهر و محدوده بازار بوده، بافت میانی منطبق بر محلاتی مانند کوچمشـکی، کارمندان، آزادگان، کوی فرهنگ و... است که حدوداً تا سال ۱۳۷۰ بر محدوده شهری اضافه گردیده و بافت جدید منطبق بر سکونتگاه‌های جدیدالاحداثی چون گلشهرکاظمیه، پونک و... است که از سال ۱۳۷۰ تاکنون بر محدوده قانونی شهر افزوده شده‌اند. در این میان می‌توان به سکونتگاه‌های غیررسمی اشاره کرد که از دهه ۵۰ به بعد در شهر زنجان پدیدار گشته و شامل محلاتی چون اسلام آباد، بیسیم، کوی فاطمیه، کوی مهدیه و سایان و... اشاره کرد (شهرداری زنجان، ۱۳۹۷).

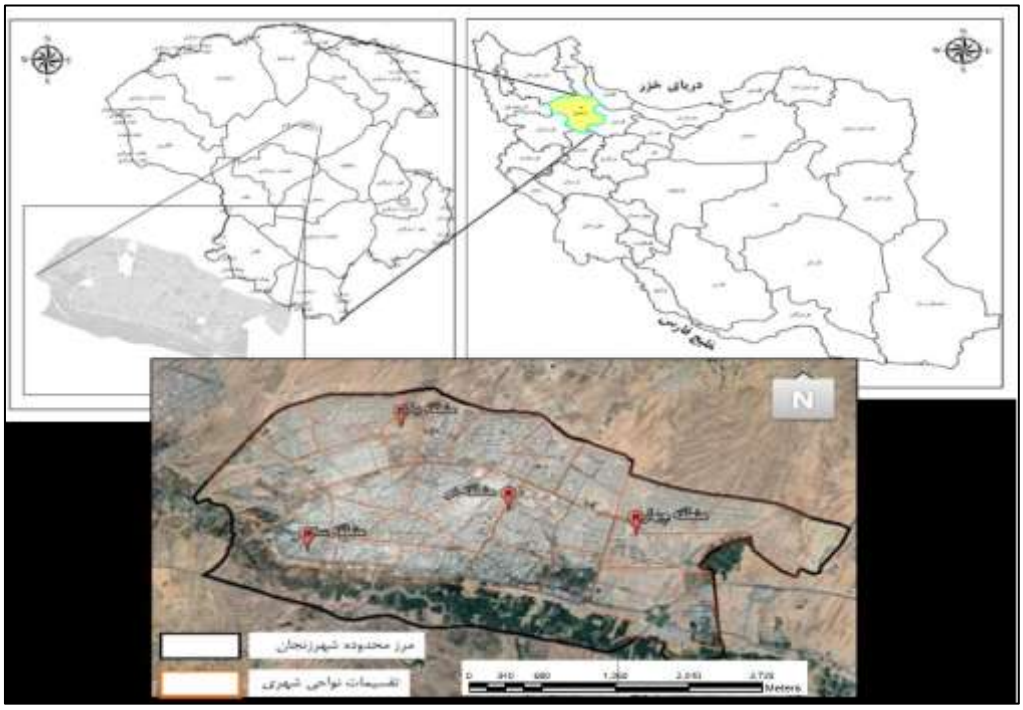

شکل ۲. موقعیت شهر زنجان در ایران و استان

۳. یافته‌ها

شهر زنجان براساس مطالعات و بازنگری طرح تفصیلی در سال ۱۳۸۸، به ۵ پهنه ضوابطی تقسیم‌بندی شده است. طبق گزارشات، هریک از پهنه‌ها با توجه به شرایط مختلف، ضوابط خاص توسعه داشته است. براساس وضعیت

موجود در پهنه ۱ ضوابطی، حداکثر طبقات ساخته شده برابر با ٤ طبقه با سطح اشغال میانگین ناحیه‌ای ٦٠ درصد و حداقل تفکیک ۳۰ مترمربع بوده است. همچنین با توجه به اینکه این پهنه دارای ۱۷٤٤ قطعه بوده، ۱۰۹۳ قطعه نیز کمتر از حداقل تفکیکی حاصل شده است. سکونتگاه‌های پهنه مربوطه عمدتاً غیررسمی و ناکارآمد بوده و ریزدانگی قطعات، شبکه معابر نامنظم، مصالح نامقاوم، آسیب‌پذیری بالا، جمعیت‌پذیری کمتر، عدم دسترسی به مراکز خدماتی و گرایش کمتر به ساخت وساز از ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها محسوب می‌گردد. پهنه ۲ ضوابطی شامل شیت بازار بوده و عمدتاً بناهای تاریخی و میراث‌دار شهر را در خود جای داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد از مجموع ۱۲۲۸ قطعه در این پهنه، ۹۹۷ قطعه کمتر از حداقل تفکیک بوده و عمدتاً ٤ طبقه با میانگین سطح اشغال ناحیه‌ای ٦٥ درصد توسعه یافته است. در حالی که انتظار می‌رود پهنه مربوطه در توسعه‌های آتی حفظ شده و زمینه‌های انتقال توسعه از پهنه میراث‌دار به فضاهای مستعد توسعه فراهم گردد. پهنه ۳ ضوابطی شامل بافت قدیم غیر از شیت بازار بوده که براساس یافته‌ها از مجموع ٤۲۱٥ قطعه موجود در پهنه، ۲۱۳۳ قطعه کمتر از حداقل تفکیک و ۸ طبقه و میانگین سطح اشغال ناحیه‌ای ٦٠ درصد حاصل شده است. از طرف دیگر این پهنه شامل بافت قدیمی و نوساز بوده و علیرغم اینکه ۲۰۸۲ قطعه دیگر بالاتر از حداقل تفکیک بوده می‌توان انتظار داشت در توسعه درون‌زا با توجه به ضوابط مورد توجه قرار بگیرد. پهنه ٤ ضوابطی شامل مابین بافت قدیم و بزرگراه ۲۲ بهمن بوده که یافته‌ها نشان می‌دهد که از مجموع ۳۳۱۹۱ قطعه موجود، ۱۹۹٤۷ قطعه کمتر از حدنصاب بوده وحداکثر طبقات موجود برابر با ۳۲ طبقه با میانگین سطح اشغال ناحیه‌ای ٦٦ درصد حاصل شده است. با توجه به اینکه این پهنه نیز تلفیقی از بافت‌های قدیمی، ناکارآمد و برنامه‌ریزی شده بوده در سال‌های اخیر به ویژه بافت برنامه‌ریزی شده مورد توجه ساخت‌وسازها و مدیریت شهری قرار گرفته و بیشتر از ضوابط پهنه‌ای و به صورت تراکم فروشی توسعه یافته است. پهنه ۵ ضوابطی شامل اراضی مابین بزرگراه ۲۲ بهمن تا محدوده شهر بوده که یافته‌ها نشان می‌دهد که از مجموع ۲۹۹٤٤ قطعه موجود، ۲۷۰۳۱ قطعه کمتر از حدنصاب بوده و حداکثر طبقات موجود برابر با ۲۱ طبقه با میانگین سطح اشغال ناحیه‌ای ۵۱ درصد حاصل شده است. جدول شماره ۲ ویژگی‌های شهرسازی پهنه‌های ضوابطی طرح تفصیلی شرح زنجان را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های شهرسازی پهنه‌های ضوابطی طرح تفصیلی شهر زنجان

ردیف	پهنه ضوابطی	حداقل تفکیک قطعات (مترمربع)	تعداد طبقات	تراکم ساختمانی(٪)	حداکثر ارتفاع (متر)	سطح اشغال (٪)
۱	پهنه یک	۱٤۰	دو طبقه روی پیلوت	۱٤۰	۹/۵	حداکثر سطح اشغال ۷۰
۲	پهنه دو	۲۵۰	حداقل ۲ و حداکثر ۳	حداقل ۱۲۰ و حداکثر ۱٦۰	۱۰	حداقل ٤۰ و حداکثر ۸۰

ردیف	پهنه ضوابطی	حداقل تفکیک قطعات (مترمربع)	تعداد طبقات	تراکم ساختمانی(٪)	حداکثر ارتفاع (متر)	سطح اشغال (٪)
۳	پهنه سه	۱۸۰	حداقل ۲ و حداکثر ۵	حداقل ۱۲۰ و حداکثر ۲۵۰	۱٦	حداقل ۵۰ و حداکثر ۷۰
٤	پهنه چهار	۱۸۰	حداقل ۲ و حداکثر ۱۰	حداقل ۱٤۰ و حداکثر ۳۰۰	۳۰/۵	حداقل ۳۰ و حداکثر ۷۰
۵	پهنه پنج	۲۵۰	حداقل ۲ و حداکثر ۱۰	حداقل ۱٤۰ و حداکثر ۳۰۰	محدودیت ارتفاعی ندارد	حداقل ۳۰ و حداکثر ۷۰

مأخذ: (مهندسین مشاور آرمانشهر، ۱۳۸۸)

همچنین تحلیل معیارهای انتقال حق توسعه براساس تقسیمات ناحیه‌ای در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از مجموع قطعات موجود در شهر زنجان، بیشترین متوسط اندازه قطعات مابین ۱۰۱ تا ۲۰۰ مترمربع با ٤۷/۲۰ درصد، کیفیت ابنیه قابل نگهداری با ٤۷/۱۲ درصد ، قدمت ۲۰ تا ۳۰ ساله با ۳۰/۷۲ درصد و عمدتاً یک طبقه با ٦۱/٤۱ درصد حاصل شده می‌باشد. نواحی منطبق بر مرکز شهر و سکونتگاه‌های غیررسمی به علت ریزدانگی قطعات در گروه کمتر از ۱۰۰ مترمربع با قدمت بیشتر از ۳۰ سال قرار گرفته است. در حالی که نواحی منطبق بر سکونتگاه‌های جدیدالاحداث عمدتاً قطعات مستطیل، شبکه معابر منظم، کیفیت قابل نگهداری و قدمت کمتر از ۲۰ سال و عمدتاً یک تا ۳ طبقه رشد یافته‌اند. همچنین یافته‌های شکل شماره ۳ در ارتباط با معیارهای حق توسعه در سطح شهر زنجان نشان می‌دهد که نواحی منطبق بر مرکز به علت فرسودگی و عدم محرک‌های توسعه و جذابیت برای سرمایه‌گذاران، جمعیت‌فرستی و... کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که نواحی منطبق بر فضاهای پیرامونی و بافت جدید به علت نزدیکی به مراکز خدماتی، تجاری محله‌ای و منطقه‌ای، شبکه‌های ارتباطی شریانی درجه یک و دو، نوساز بودن، قطعات منظم، شبکه معابر شطرنجی با عرض مناسب، جمعیت‌پذیری بالا و... در طی سال‌های آماری نشان از سکونت مهاجران را در خود داشته و بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. وضعیت معیارهای انتقال حق توسعه در سطح نواحی شهر زنجان

شاخص	طیف	درصد	شاخص	طیف	درصد
متوسط اندازه قطعات	۰ – ۱۰۰	۲۲/۳۲	قدمت ابنیه	کمتر از ۱۰ سال	۱۸/۷۹
	۱۰۱ – ۲۰۰	٤۷/۲۰		بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۲٦/۹۵
	۲۰۱ – ۳۰۰	۲۲/۷۷		بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۳۰/۷۲
	۳۰۱ – ٤۰۰	٤/۰۷		بین ۳۰ تا ۵۰ سال	۲۱/۵٦
	٤۰۱<	۳/٦٤		بیشتر از ۵۰ سال	۱/۹۸
	مجموع	۱۰۰		مجموع	۱۰۰
کیفیت ابنیه	درحال ساخت	۲/۲٦	تعداد طبقات	یک طبقه	٦۱/٤۱
	نوساز	۱۸/۳۱		یک تا سه طبقه	۳٤/٦٦

شاخص	طیف	درصد	شاخص	طیف	درصد
	قابل نگهداری	٤٧/١٢		سه تا پنج طبقه	٣/٦٠
	مرمتی	٣٠/٤٤		پنج تا هفت طبقه	٠/٢٢
	تخریبی	١/٨٧		بیشتر از هفت طبقه	٠/١٠
	مجموع	١٠٠		مجموع	١٠٠

مأخذ: (مهندسان مشاور نقش محیط، ١٤٠٠)

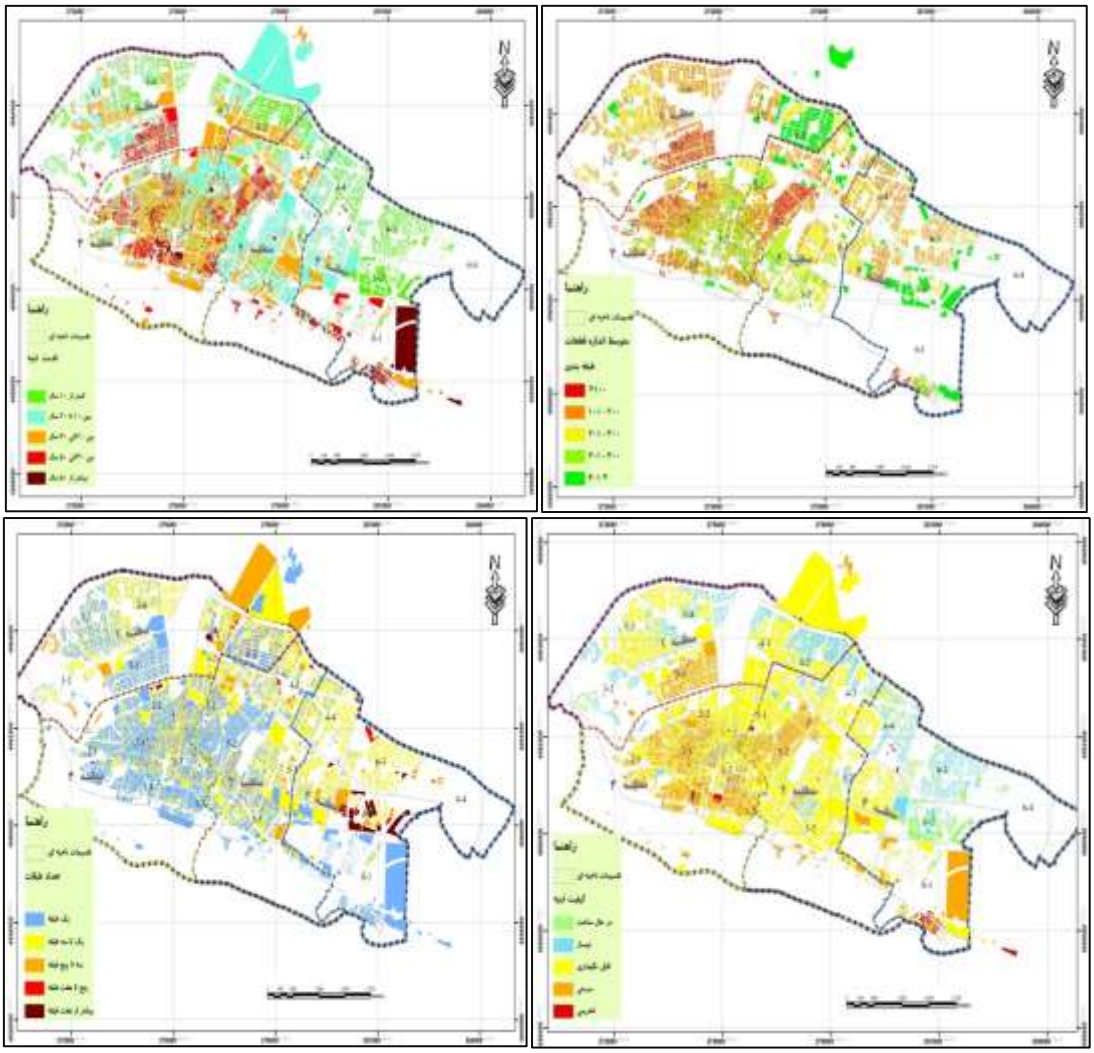

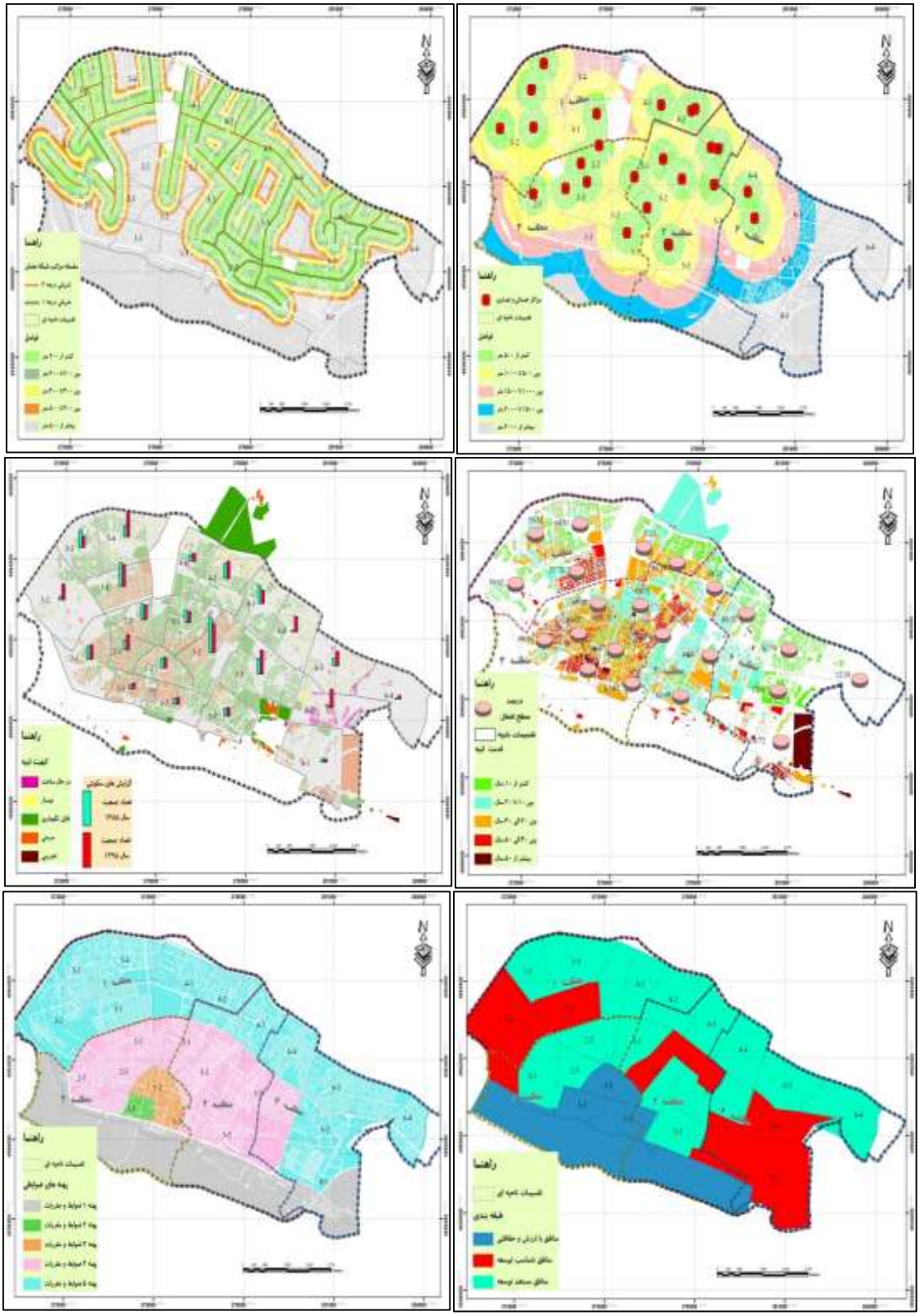

شکل ۳. وضعیت معیارهای رویکرد انتقال حق توسعه در سطح نواحی شهر زنجان

پس از توصیف معیارهای انتقال حق توسعه در سطح نواحی شهر زنجان، در این بخش معیارهای انتقال حق توسعه در مدل تصمیم گیری ویکور مورد سنجش قرار گرفته و سپس نواحی مطلوب در سطح شهر پهنه‌بندی خواهند شد. ابتدا ماتریس تصمیم‌گیری براساس معیارها تشکیل گردیده و در ادامه به انجام مراحل مدل و سپس ماتریس نهایی پهنه‌بندی ارائه خواهد شد. همانطور که در جدول شماره ٤مشاهده می‌گردد معیارهای کیفی طبق مشاهدات و یافته‌ها در یک طیف با اهمیت خیلی زیاد(۵) تا اهمیت خیلی کم(۱) طبقه‌بندی شده و شاخص‌های کمّی براساس میانگین معیارها طبق نتایج طرح جامع شهر زنجان(۱٤۰۰)در سطح نواحی استخراج شده است. در جدول ذیل، معیارهای تعداد طبقات، تعداد جمعیت، و دانه‌بندی جزو شاخص‌های کمّی و شاخص‌های نزدیکی به شریانی درجه ۱ و ۲، خدمات و مراکز تجاری، گرایش به ساخت‌وساز، گرایش به سکونت، طرح‌های بالادستی و نواحی باارزش جزو شاخص‌های کیفی می‌باشند. در میان شاخص‌ها بیشترین و کمترین اهمیت تاثیر طبق نظر کارشناسی برای شاخص‌های میانگین دانه‌بندی قطعات و روند گرایش به سکونت مردم با ۰/۲۰ و ۰/۰۵ بوده است. ضریب ویکور بین صفر تا یک بوده و شامل اعدادی که است که برای هر یک از معیارها حاصل شده است. ضریب هر چقدر به سمت صفر گرایش داشته باشد رتبه بالاتر و هر چقدر به سمت یک باشد، رتبه پایین‌تر خواهد داشت. بیشترین ضریب برای ناحیه ۱–٦ برابر با ۰/۹۵ و کمترین ضریب برای ناحیه ٤–٦ برابر با ۰/۱۱ حاصل شده است.

جدول ٤. ماتریس معیارهای رویکرد انتقال حق توسعه براساس مدل تصمیم گیری ویکور

ردیف	نواحی	میانگین تعداد طبقات	تعداد جمعیت	میانگین دانه بندی	نزدیکی به شریانی ۱ و ۲*	نزدیکی به خدمات و مراکز تجاری*	روند گرایش به ساخت و ساز*	روند گرایش به سکونت مردم*	بررسی طرح های بالادستی*	شناسایی نواحی باارزش*	ضریب ویکور	رتبه ویکور
۱	۱–۱	۰/۷۵	۷۹۲۹	۱٦۰	۱	۱	۲	۲	۲	۵	۰/۹۱	۲۱
۲	۱–۲	۱/۲	۱٤۹۰۷	۲۲۰	۲	۲	۳	۳	۳	۵	۰/۷۸	۱۸
۳	۱–۳	۰/۸	۹۰۷۵	۱۹۸	۳	٤	۲	۳	۳	۵	۰/۸۵	۱۹
٤	۲–۱	۰/۹	۱۹۷۱۹	۱۳۵	۳	۳	۳	۲	۳	٤	۰/٦۰	۱۳
۵	۲–۲	۱/۲	۲۰۳۰۹	۱۸٤	۲	۵	٤	۲	٤	٤	۰/٤۳	۸
٦	۲–۳	۱/۰۵	۲۰۸٦۷	۱۵۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۰/٦۷	۱٦
۷	۳–۱	۰/۹	۳۰٦۲٦	۱۰۰	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۰/۹۰	۲۰
۸	۳–۲	۱/۸۰	۲۲۰۸۱	۱۸٦	۳	۳	۲	۳	۳	٤	۰/٦۵	۱۵
۹	۳–۳	۱/۱۵	۱۵۵۳۲	۲۲٦	۵	۵	٤	۳	٤	۵	۰/۳۰	٤
۱۰	۳–٤	۱/٤۰	۳۳۸۹۹	۱۷۵	٤	۳	۳	۳	۳	۳	۰/۵۵	۱۲
۱۱	٤–۱	۱/۵٦	۱۱٦۵۰	۲۵۰	٤	۳	٤	٤	٤	۳	۰/۳۸	٦
۱۲	٤–۲	۱/٦۰	۲۳۸۷٦	۳۲۷	۵	٤	٤	۵	۵	٤	۰/۲٦	۳

ردیف	نواحی	میانگین تعداد طبقات	تعداد جمعیت	میانگین دانه بندی	نزدیکی به شریانی ۱ و ۲*	نزدیکی به خدمات و مراکز تجاری*	روند گرایش به ساخت و ساز*	روند گرایش به سکونت مردم*	بررسی طرح های بالادستی*	شناسایی نواحی باارزش*	ضریب ویکور	رتبه ویکور
۱۳	٤-۳	۱/٤۸	۱۸٤۱٥	۲٥٤	٥	٤	٤	٥	٥	٤	۰/٤٦	۱۰
۱٤	٤-٤	۱/٥٤	۲۱٤۲۸	۱۸۸	٤	۳	٤	۳	٤	۳	۰/٤۱	۷
۱٥	۱-٥	۱/۲٦	۱٥۰۱٤	۲۱٥	٤	٤	٥	٤	٤	٤	۰/٥۰	۱۱
۱٦	۲-٥	۰/۹۸	۳۹۷۸۰	۱۳۲	٤	۳	۳	۲	۳	۱	۰/٦٤	۱٤
۱۷	۳-٥	۱/٦۰	۳۳۷۰٥	۲۲۷	٤	۳	٥	٤	٤	۳	۰/۳۷	٥
۱۸	٥-٥	۱/۲۰	۱۲۰۳۸	۲٦۰	٤	۲	۳	۳	۳	٤	۰/٤٥	۹
۱۹	۱-٦	۰/۷۸	٤٥٦۲	۲٥۰	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۰/۹٥	۲۲
۲۰	۲-٦	۱/۸۰	۲٥۸۲۰	۱۱۱۳	۳	۳	۳	٥	٥	۲	۰/٦۸	۱۷
۲۱	۳-٦	۱/٥٥	۲۰٤۷۲	۲۳۰	٥	٤	٤	٥	٥	٥	۰/۱۸	۲
۲۲	٤-٦	۰/۸۹	٤٤۱۷	۹٥٦	٤	۳	٤	٥	٥	٥	۰/۱۱	۱
۲۳	وزن معیارها	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۱٦	۰/۰۸	۰/۰٥	۰/۱۰	۰/۰۸		

* ۱= اهمیت خیلی کم، ۲= اهمیت کم، ۳= متوسط، ٤= اهمیت زیاد، ٥=اهمیت خیلی زیاد

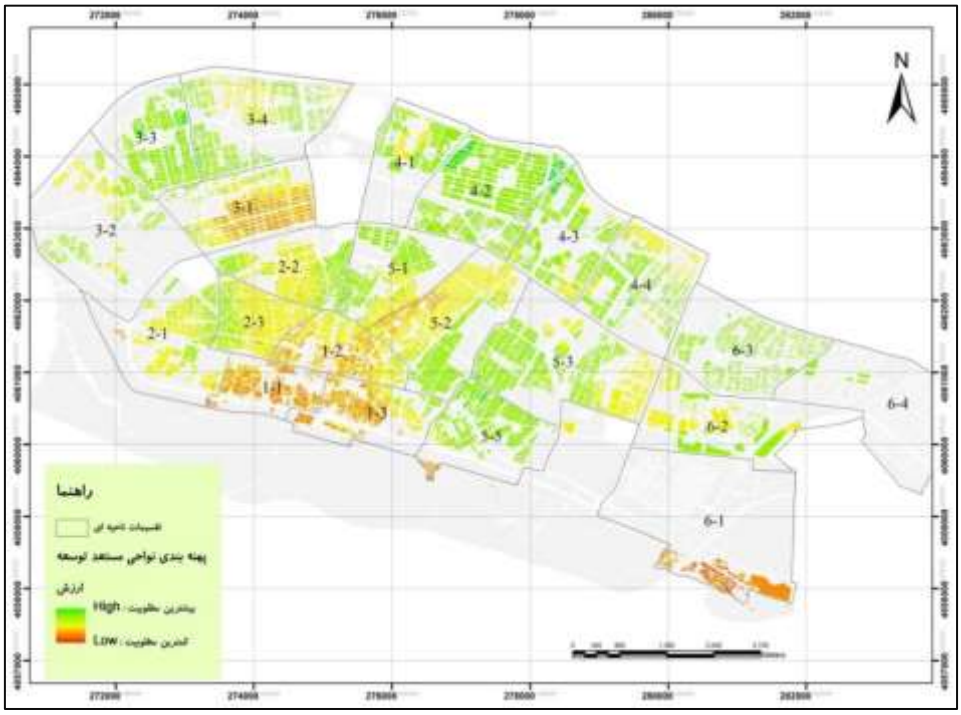

شکل ٤. پهنه بندی نواحی مستعد توسعه شهر زنجان

٤. بحث

در این پژوهش ابتدا با توصیف و تبیین پهنه‌های ضوابطی و خصوصیات هر یک آن‌ها، در ادامه با استفاده از مدل تصمیم‌گیری ویکور نواحی را براساس استعداد توسعه، رتبه‌بندی کرده و تمامی نقشه‌ها براساس اهمیت معیارها روی‌هم‌گذاری شده است. با توجه به اینکه موضوع مورد نظر اغلب در تحقیقات گذشته با رویکرد حفاظتی از اراضی کشاورزی استفاده شده، استفاده از آن در فضاهای شهری و رتبه‌بندی براساس مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره نیز کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. از این رو معیارهای انتخابی براساس یافته‌های تحقیقات گذشته چون عزیزی و همکار (۱۳۹۲)، صادقی و همکاران (۱٤۰۰)، اولاد قره‌گوز وهمکاران (۱٤۰۱) بوده است. همانطور که انتظار می‌رفت در نقشه نهایی پهنه‌های ارسالی توسعه در شهر زنجان به دو دسته عمده تقسیم شوند. دسته اول شامل اراضی با ارزش ویژه می‌باشد که به ترتیب ارزش‌های کشاورزی، تاریخی و معماری، منابع طبیعی گران‌بها و یا دارای چشم انداز عالی است که در مرکز و جنوب شهر (شامل نواحی ۱-۱، ۲-۱ و ۳-۱) قرار گرفته است. دسته دوم مربوط به اراضی فاقد سکونتگاهی چون پادگان و سایت‌های کارگاهی (نواحی ۵-۳ و ٤-۵ که در تحلیل‌ها به علت فاقد سکونتگاه حذف گردید) و بافت‌های ناکارآمد در محدوده شهر چون اسلام آباد (۱-۳)، بیسیم و ترانس (۲-۵)، کوی فاطمیه (۱-۲)، کوی سایان و مهدیه (۱-٦) و... باشد. براساس یافته‌های مدل ویکور، نواحی که در رتبه بیشتر مطلوبیت توسعه حاصل شدند نواحی ٤-٦، ۳-٦، ۲-٤، ۳-۳ و ۳-۵ منطبق بر محلات گلشهر فاز ۱ تا ۸، کارمندان، کوی فرهنگ و کوچمشکی، به علت متوسط اندازه مناسب، گرایش به سکونت مردم، گرایش به ساخت‌وساز، مناسب بودن طبق اسناد بالادستی، نزدیکی به مراکز خدماتی، تجاری محلی و منطقه‌ای، نزدیکی به شریان‌های درجه ۱ و ۲ شهری، قطعات منظم و شبکه معابر شطرنجی می‌باشند. اما نکته‌ای که از منظر عدالت اجتماعی و قدرت انتقال حق توسعه حائز اهمیت است اینکه در تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً سرمایه‌گذاری‌ها، ضوابط توسعه و تمایلات به سمت فضاهایی چون کارمندان و کوچمشکی کشیده شده است. این امر سبب می‌شود عدالت اجتماعی با توجه به خصوصیات مکانی و فضایی در انتقال حقوق توسعه رعایت نگردد. همانطور که نتایج تحقیق پورهاشم و زاده سینا (۱۳۹۱)، ندایی‌طوسی و همکاران (۱۳۹۹)، پورحسن‌زاده و احمدی (۱٤۰۰)، خالقی و همکاران (۱٤۰۰)، اولاد قره‌گوز و همکاران (۱٤۰۱) نشان داد که اجرای رویکرد انتقال حق توسعه در نظام شهرسازی ایران با چالش‌هایی روبرو است. از جمله می‌توان به چالش‌های حقوقی چون تعارض منافع حقوق مالکانه شهروندان، تخریب اراضی کشاورزی، تضاد با فرهنگ تراکم فروشی که در مدیریت شهری رواج داشته است. از طرف دیگر عدم ثبات مدیریتی و تغییرات مداوم در سیاست‌ها و تصمیمات اجرایی موجب بی‌اعتمادی مردم گردیده و تمایل به مشارکت را به حداقل ممکن می‌رساند.

۵. نتیجه‌گیری

کاربست مفهوم انتقال حقوق توسعه در چارچوب طرح‌های توسعه شهری، روشی نوین است که می‌تواند به اجرای موفق‌تر این طرح‌ها در ایران کمک کند. این امر از طریق ایجاد ارتباط درونی بین ابزارها و اهداف توسعه رخ می‌دهد. این پژوهش با اتکاء بر نتایج مطالعات و تجربیات جهانی و داخلی بیانگر آن است که پروژه‌های انتقال حقوق توسعه برای اجرا نیازمند زیرساخت‌های شهری و قانونی است و موفقیت این طرح‌ها در وهله‌ی اول در گرو شناسایی صحیح نواحی ارسال و دریافت و ایجاد ارتباط مناسب بین این مناطق است. تعامل بین توسعه و حفظ ارزش با توجه به نتایج طرح پیشنهادی واگذاری حق توسعه در شهر زنجان، حق توسعه از نواحی ارسالی که اهداف حفاظتی و مبدأ توسعه مورد نیاز است به نواحی پذیرنده به عنوان اهداف توسعه منتقل شود. با توجه به سیاست‌های حاضر راهکارهایی به منظور اجرای موفق‌تر پروژه انتقال حق توسعه پیشنهاد می‌گردد:

- استفاده از پتانسیل‌های موجود در در محلاتی چون کوی فرهنگ، آزادگان، شهرک رجایی، فرودگاه، مصلی با توجه به ابعاد قطعات، سیاست بلندمرتبه‌سازی و ارائه تسهیلات
- بازنگری منطقه‌بندی محدودیت طبقات به ویژه در محلات مستعد از جمله کوی فرهنگ، آزادگان، شهرک رجایی و.. شهر زنجان.
- جلوگیری از ضایع شدن حقوق نواحی منطبق بر بازار و محلات حسینیه، دباغلر.
- انتقال کاربری‌های اداری به محلات مستعد انتقال حق توسعه از جمله کوی فرهنگ، شهرک رجایی جهت مشاهده وضعیت محلات توسط مدیران و کارکنان.
- بخشودگی عوارض و استفاده از زیربنای بیشتر در ساخت‌وسازها به ویژه در نواحی مرکزی شهری از جمله حسینیه، دباغلر، بازار پایین.
- تسهیل دسترسی نواحی با مطلوبیت کمتر به مراکز خدماتی و تجاری محلی و منطقه‌ای در محلات کوی فرهنگ، آزادگان، شهرک رجایی، فرودگاه، مصلی.

کتاب نامه

۱.سعیدی، ع. (۱۳۸۷). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت.

۲.شهرداری زنجان. (۱۳۹۷). *آمارنامه شهرداری فصل سوم : مدیریت شهری*. زنجان: مدیریت برنامه ریزی و توسعه شهرداری زنجان.

۳.خالقی، ر.، داودپور، ر.، و نصراصفهانی، ر. (۱٤۰۰). امکان‌سنجی استفاده از روش انتقال حق توسعه برای افزایش تحقق‌پذیری خدمات شهری در شهر کرج(مطالعه موردی: محلات واقع در مناطق ۱ و ۲ شهری). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۱۰(۳۸)، ۱۳۹-۱۲۳.

۴.صادقی، ع. ر.، پیرودین، ا.، و خاک‌زند، م. (۱٤۰۰). امکان‌سنجی تحقق پروژه‌های انتقال حقوق توسعه براساس شناسایی و پنه‌بندی حوزه‌های مستعد توسعه(مطالعه موردی: شهر شیراز). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۲)، ۵۲۹-۵۵۳.

۵.فارسی‌فراشبندی، ح. ر.، آزده، س. ر.، و ملیکان بهابادی، م. (۱۳۹٦). امکان‌سنجی اجرای روش انتقال حق توسعه به منظور تامین زمین خدمات شهری در شهر شیراز. *فصلنامه مطالعات شهری*، ٦(۲۲)، ۳-۱٤.

۶.مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. (۱۳۹٤). *بازشناسی رویکرد حق توسعه در طرح های توسعه شهری*. تهران: معمارنیوز (سایت خبری تحلیلی معماری و شهرسازی).

۷.مهدی‌زاده، ج. (۱۳۸۲). *برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران*. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۸.ندایی‌طوسی، س.، کاظمیان، غ. ر.، و حردانی، ب. (۱۳۹۹). علل و موانع نهادی تبدیل رویکرد انتقال حقوق توسعه (TDR) به سیاست توسعه شهری با تاکید بر موردپژوهی (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهرداری اصفهان). *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، *۷*(۲)، ۱۱-۳۲.

۹.مهندسین مشاور نقش محیط. (۱٤۰۰). *طرح توسعه و عمران (جامع) شهر زنجان*. زنجان: وزارت راه و شهرسازی، اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان.

۱۰.مهندسین مشاور آرمانشهر. (۱۳۸۸). *بازنگری طرح تفصیلی شهر زنجان*. زنجان: شهرداری زنجان.

11.Abelairas-Etxebarria, P., & Astorkiza, I. (2012). Farmland prices and land-use changes in preurban protected natural areas. *Land Use Policy*, *29*(3), 674-683.

12.Aken, B. J., Eckert, J., Fox, N., & Swenson, S. (2008). *Transfer of development rights (TDR) in Washington State: Overview, benefits, and challenges*. The Cascade Land Conservancy.

13.Batty, M. (2020). The coronavirus crisis: What will the post-pandemic city look like? *Environ. Plan. B Urban Anal. City Sci.*, *47* (4), 547–552.

14.Buyana, K. (2021). Do global pandemics disrupt or seed transformations in cities? A systematic review of evidence. *Soc. Sci. Humanit. Open*, *4* (1), 100138.

15.Br´ethaut, C., Gallagher, L., Dalton, J., & Allouche, J. (2019). Power dynamics and integration in the water-energy-food nexus: Learning lessons for trans-disciplinary research in Cambodia. *Environ. Sci. Policy*, *94*, 153–162.

16.Bieluch, K. H., Bell, K. P., Teisl, M. F., Lindenfeld, L. A., Leahy, J., & Silka, L. (2017). Transdisciplinary research partnerships in sustainability science: an examination of stakeholder participation preferences. *Sustainability Science*, *12*(1), 87-104.

17.Burgos-Ayala, A., Jiménez-Aceituno, A., Torres-Torres, A. M., Rozas-Vásquez, D., & Lam, D. P. (2020). Indigenous and local knowledge in environmental management for human-nature connectedness: a leverage points perspective. *Ecosystems and People*, *16*(1), 290-303.

18.Chambers, J. M., Wyborn, C., Ryan, M. E., Reid, R. S., Riechers, M., Serban, A., ... & Pickering, T. (2021). Six modes of co-production for sustainability. *Nature Sustainability*, *4*(11), 983-996.

19.Chan, E. H., & Hou, J. (2015). Developing a framework to appraise the critical success factors of transfer development rights (TDRs) for built heritage conservation. *Habitat International*, *46*, 35-43.

20.Chapin, T. S. (2012). Introduction: from growth controls to comprehensive planning, to smart growth: planning's emerging fourth wave. *Journal of the American Planning Association*, *78*(1), 5-15.
21.Chilisa, B. (2017). Decolonising transdisciplinary research approaches: an African perspective for enhancing knowledge integration in sustainability science. *Sustainability Science*, *12*(5), 813-827.
22.Danner, J. C. (1997). TDRs-great idea but questionable value. *The Appraisal Journal*, *65*, 133e142.
23.El-Santawy, M. F. (2012). A VIKOR method for solving personnel training. *Int. J. Comput. Sci*, *1*(2), 9-12.
24.Fulton, W., Mazurek, J., Pruetz, R., & Williamson, C. (2004). *TDRs and other market-based land mechanisms: how they work and their role in shaping metropolitan growth*. Washington, DC: The Brookings Institution.
25.Fainstein, S. S. (1991). Promoting economic development urban planning in the United States and Great Britain. *Journal of the American Planning Association*, *57*(1), 22-33.
26.Fritz, L., & Binder, C. R. (2020). Whose knowledge, whose values? An empirical analysis of power in transdisciplinary sustainability research. *European Journal of Futures Research*, *8*(1), 1-21.
27.Gillis, D., Nelson, J., Driscoll, B., Hodgins, K., Fraser, E., & Jacobs, S. (2017). Interdisciplinary and transdisciplinary research and education in Canada: A review and suggested framework. *Collected Essays on Learning and Teaching*, *10*, 203-222.
28.Hegger, D., Lamers, M., Van Zeijl-Rozema, A., & Dieperink, C. (2012). Conceptualising joint knowledge production in regional climate change adaptation projects: success conditions and levers for action. *Environmental science & policy*, *18*, 52-65.
29.Jacobi, J., Llanque, A., Bieri, S., Birachi, E., Cochard, R., Chauvin, N. D., ... & Robledo-Abad, C. (2020). Utilization of research knowledge in sustainable development pathways: Insights from a transdisciplinary research-for-development programme. *Environmental science & policy*, *103*, 21-29.
30.Kareem, B., McClure, A., Walubwa, J., Koranteng, K., Mukwaya, P. I., & Taylor, A. (2022). Power dynamics in transdisciplinary research for sustainable urban transitions. *Environmental Science & Policy*, *131*, 135-142.
31.Kaplowitz, M., Machemer, P., & Pruetz, R. (2008). Planners' experiences in managing growth using transferable development rights (TDR) in the United States. *Land Use Policy*, *25*(3), 378e387.
32.Karanja, F., & Rama, I. (2011). Land use planning challenges and tools tradeable development rights: Design considerations. Australian Agricultural and Resource Economics (AARES) 2011 conference. Melbourne: Australia.
33.Linkous, E. R. (2016). Transfer of development rights in theory and practice: The restructuring of TDR to incentivize development. *Land Use Policy*, *51*, 162-171.
34.Li, P. (2008). Transfer of development rights approach: striking the balance between economic development and historic preservation in Hong Kong. *Surveying and Built Environment*, *19*(1), 38e53.
35.Menghini, G., Gemperle, F., Seidl, I., & Axhausen, K. W. (2015). Results of an agent-Based Market Simulation for Transferable Development Rights (TDR) in Switzerland. *Environment and Planning B: Planning and Design*, *42*(1), 157-183.
36.Mabbs-Zeno, C. C. (1981). Design of programs using transferable development rights to preserve farmland in the Northeast. *Journal of the Northeastern Agricultural Economics Council*, *10*(2), 57-62.
37.Machemer, P. L., Kaplowitz, M. D., & Edens, T. C. (1999). *Managing growth and addressing urban sprawl*. Michigan: Michigan State University

38.Machemer, P. L., & Kaplowitz, M. D. (2002). A framework for evaluating transferable development rights programmes. *Journal of Environmental Planning and Management, 45*(6), 773-795.
39.McConnell, V., & Walls, M. (2009). Policy monitor: US experience with transferable development rights. *Review of environmental economics and policy*, *3*(2), 288-303.
40.Nelson, A. C., Pruetz, R., & Woodruff, D. (2013). The TDR handbook: designing and implementing transfer of development rights programs. Island Press.
41.Pruetz, R., & Standridge, N. (2009). What Makes Transfer of Development Rights Work? *Journal of American Planning Association*, 75(1), 78-87.
42.Pizor, P. J. (1986). Making TDR work: a study of program implementation. *Journal of the American planning association*, *52*(2), 203-211.
43.Pruetz, R. (2003). Beyond givings and takings: saving natural areas, farmland, and historic landmarks with transfer of development rights and density transfer charges.
44.Pruetz, R., & Standridge, N. (2008). What makes transfer of development rights work?: Success factors from research and practice. *Journal of the American Planning Association*, *75*(1), 78-87.
45.Pruetz, R., & Pruetz, E. (2007). Transfer of development rights turns 40. *Planning & Environmental Law*, *59*(6), 3-11.
46.Rodríguez, L.F., Marshall, A.-M., Cotton, D., Koelsch, R., Koziel, J., Meyer, D., Steward, D., Heemstra, J., Padmanabahn, A., Classen, J., Meyer, N.J., Ruddell, B.L., Ryan, S.M., Cai, X., Habib, E., & Saundry, P.D. (2019). The development of the INFEWSER: a virtual resource center for transdisciplinary graduate student training at the nexus of food, energy, and water. *Front. Environ. Sci.*, 7, 38.
47.Schiffman, I. (2001). Alternate techniques for managing smart growth. Berkeley: Berkeley Public Policy Press.
48.Sagalyn, L. B. (2007). Public/private development: Lessons from history, research, and practice. *Journal of the American Planning Association*, *73*(1), 7-22.
49.Steger, C., Klein, J. A., Reid, R. S., Lavorel, S., Tucker, C., Hopping, K. A., & Waiswa, D. (2021). Science with society: Evidence-based guidance for best practices in environmental transdisciplinary work. *Global environmental change*, *68*, 102240.
50.Tsang, J. C. (2001). A speech on the transfer of development rights delivered by the Secretary for planning and lands, Mr John C Tsang, at the annual general meeting of the Hong Kong Institute of Architects, December 18. http://www. info.gov.hk/gia/ general/ 200112/ 18/ 1218098.htm
51.Walls, M. A., & McConnell, V. D. (2007). *Transfer of development rights in US communities: Evaluating program design, implementation, and outcomes: Resources for the future.* Maryland: University of Maryland.
52.Wang, B., Li, F., Feng, S., & Shen, T. (2020). Transfer of development rights, farmland preservation, and economic growth: A case study of Chongqing's Land Quotas Trading Program. *Land Use Policy*, *95*, 104611.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

DOI: 10.22067/jgusd.2023.79983.1272
مقالهٔ علمی - پژوهشی

قابلیت‌های محیطی مؤثر بر خودآگاهی در مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر مشهد[1]

حامد بیتی (دانشیار آموزش تاریخ معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)
h.beyti@tabriziau.ac.ir
مینو قره بگلو (استاد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران)
m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir
المیرا کریمی پور (دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران)
e.karimipour@tabriziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ١٤٠١/١٠/٠٩ تاریخ تصویب: ١٤٠٢/٠٣/٠٣
صص ٩١-٧١

چکیده

به اعتقاد صاحبنظران، اگر قرار باشد نسخه‌ای جهت تغییر و بهبود کیفیت زندگی انسان نوشته‌شود، باید بر اساس خودآگاهی باشد که آشنایی با خویش و پیرامون خود را در پی دارد. یکی از منابع خودآگاهی، محیط است. محیط‌زندگی، توانایی به کارگیری مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیطی جهت رسیدن به معیارهای خودآگاهی را دارد. از این حیث، مسکن که بیش‌از همه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی درحال‌تحول انسان قرار دارد و متعاقبا مجموعه‌مسکونی، به علت ضرورت شناخت شیوه تفکر و تلقی از یک کل‌یکپارچه، با توجه به اجتماع‌پذیری بالای این گونه‌مسکونی مطرح می‌شود. این نوشتار به عنوان رویکردی علمی، به دنبال رابطه بین محیط مجموعه‌مسکونی و خودآگاهی، بر اساس ترکیبی از تحقیق بنیادی و اکتشافی است که در فرایند اجرا به صورت ترکیبی(کیفی‌وکمی) می‌باشد. تحقیق‌کیفی به‌صورت توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات‌کتابخانه‌ای پرداخته و سپس به‌صورت اکتشافی، از طریق مصاحبه است. توزیع پرسشنامه در میان ساکنین مجموعه‌های‌مسکونی شهرمشهد و تحلیل با استفاده از الگوسازی معادله‌های‌ساختاری و تحلیل‌عامل‌تاییدی مرتبه‌دوم با نرم افزار اسمارت‌پی‌ال‌اس، انجام گردیده‌است. نتایج حاکی از آن است که خودآگاهی در ارتباط با محیط، دارای پنج‌سطح (تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متا) بوده و گذر رازآلود، تداوم‌سناریوها، سازماندهی‌عملکردی،

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد خودآگاهی» می‌باشد که با راهنمایی آقای دکتر حامد بیتی و مشاوره خانم دکتر مینو قره بگلو در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است. (پایان نامه مورد حمایت مالی و علمی از محل طرح ۱۵۰۲۰۲۲۰۰۳ از سوی اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی قرار گرفته است). پایان نامه مذکور به عنوان پایان نامه برتر تقاضامحور سال ۱۴۰۱، در راستای تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین از سوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز معرفی شده است.

هویت‌پذیری و حضورطبیعت بترتیب بعنوان مؤثرترین قابلیت‌های محیطی در سطوح مذکور می‌باشند. در تعیین اهمیت سطوح، سطح‌ماندگاری که امکان تشخیص‌خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط را فراهم می‌سازد، به عنوان مهمترین سطح‌خودآگاهی در مجموعه‌مسکونی تعیین گردید. در این میان، قابلیت‌های کالبدی بیش از سایر قابلیت‌ها در تامین سطوح خودآگاهی، مؤثر واقع‌شد و سایر قابلیت‌ها، به تنهایی امکان تامین سطوح‌خودآگاهی در مجموعه‌مسکونی را نداشتند.

کلیدواژه ها: خودآگاهی، قابلیت‌های محیطی، کیفیت زندگی، مجموعه مسکونی.

۱. مقدمه

زندگی خوب، حاصل زیستن و تامل‌بر زیست‌خویش است؛ که با نوعی آموزش در زمینه خردعملی[1] پیوند دارد و طی آن، انسان به شکوفایی و تکامل می‌رسد. بنابراین می‌توان آن را یک دوره آموزشی، جهت کشف لحظه‌به‌لحظه خود، شناسایی نقاط‌ضعف، آموختن از اشتباهات و درک کیفیت سپری‌شده در موقعیت‌های مختلف، جهت عمل بهتر در آینده درنظرگرف (ورنون، ۱۳۹۸، ص.۵۰-۱٤) و اگر قرار باشد نسخه‌ای جهت تغییر و بهبود کیفیت‌زندگی انسان نوشته شود، باید براساس خودآگاهی که اساسی‌ترین مسئله در روانشناسی است، باشد (روچات، ۲۰۰۳، ص.۷۱۷).

خودآگاهی نشان‌دهنده تاج دستاورد تکامل‌انسان است (مورین[2]، ۲۰۱۱، ص.۱۰۱۳) و این پتانسیل را دارد که تقریباً هر تجربه‌ای را افزایش‌دهد (آکرمن[3]، ۲۰۲۱). زیرا آشنایی با خویش و پیرامون خود، منجر به احساس هویت و شناخت شیوه‌های منطقی ارتباط‌با دیگران می‌شود؛ این آگاهی به انسان احساس حضور در عالم را القا می‌کند که خود جزئی از آن است، باید آن را بسازد و تعالی‌بخشد تا از این طریق به سمت کمال طی مسیرکند. اکثر مردم معتقدند که خودآگاه هستند اما طبق مطالعات انجام شده، تنها ۱۰-۱۵٪ از آن‌ها خودآگاه هستند (اریچ[4]، ۲۰۱۸)؛ زیرا انسان فطرتا فراموشکار است و مدام نیازمند تذکر و یادآوری است (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۳۳). در این میان، یکی از منابع خودآگاهی، محیط است (مورین، ۲۰۰٤، ص.۱۹۹).

محیط بر ذهن آدمی تأثیر می‌گذارد (انصاری و مؤمنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵) و در فهم انسان از محیط، اصلی‌ترین نقش را ادراک محیط دارا است که به معنای علم و آگاهی انسان از جهان بیرون و دنیای درون او است(نصیرسلامی و سوهانگیر،۱۳۹۲، ص.۱۰۰-۷۹). از اصلی‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند عامل آگاهی انسان گردد، مجموعه محیط و فضای زندگی انسان است که توانایی القای ارزش‌ها را به انسان دارد (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص.٤٦-۲۷). به عبارتی محیط زندگی تولنایی به کارگیری مجموعه‌ای از قابلیت‌ها را برای تأمین معانی‌ذهنی(افشاری و همکاران،۱۳۹٤،ص.۱۵)، جهت رسیدن به معیارهای خودآگاهی و زیست خوب دارد (باطنی خسرو شاهی، ۱۳۹٤، ص.۵۷). از این حیث،

1. Practical intelligence
2. Morin
3. Ackerman
4. Eurich

مسکن به عنوان شکل‌دهنده هویت‌فردی انسان و همچنین جامعه‌پذیری او، مورد توجه است (شورت[1]، ۲۰۰۶)؛ که بیش از همه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی در حال تحول انسان قراردارد و در واقع فرایندی است که در طول زمان، با تمام ابعاد وجودی انسان در می‌آمیزد، رشد می‌کند (پالاسما، ۱۳۸۹، ص.۱۱۷) و از دیدگاه نظری اسلام، فرد در آن به شناختی عمیق از خود در برابر محیط اطراف و پروردگارش دست می‌یابد(ثمین شریفی میاوقی و همکاران،۱۳۹۸،ص. ۳۹).

از یکسو هر گونه‌ای از مسکن، قابلیت‌های متناسب با معیارهای خودآگاهی درخور خود را می‌طلبد و از سوی دیگر کیفیت مواجه ساکنین هم با آن قابلیت‌ها متفاوت است. لذا مجموعه‌مسکونی، بعنوان کالبد زندگی‌جمعی و اهمیت بعد اجتماعی‌مسکن در آن (زاهدی و همکاران، ۲۰۰۹)، شناخت شیوه‌تفکر از یک کل را ضروری ساخته و بدین‌صورت نیازمند یک خودآگاهی است که ارزیابی خود، پیش بینی نحوه درک دیگران و اقدامات بر اساس باورها و ارزش‌های جمعی را شامل می‌شود (بامیستر[2]، ۲۰۰۵، ص.۷). در این راستا پژوهش به عنوان رویکردی علمی به دنبال رابطه بین محیط مسکونی و خودآگاهی است تا بر این اساس بتوان به این پرسش پاسخ داد که اولا «چه رابطه‌ای بین محیط و خودآگاهی وجود دارد؟» و دوما « چه قابلیت‌های محیطی از مجموعه‌مسکونی می‌تولند بر خودآگاهی مؤثر باشد؟». لذا مشهد به عنوان دومین کلانشهر ایران که بسیاری از توسعه‌های اخیرش، موجب گسست در ساختار فضایی محلات و از بین‌رفتن‌هویت‌کالبدی، ساختار اجتماعی پیوسته میان‌ساکنان و کاهش ارتباط چهره‌به‌چهره آن ها شده است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸، ص.۵۷)؛ به عنوان نمونه‌مورد بررسی انتخاب گردیده‌است.

بررسی پیشینه مطالعات این پژوهش، به دو بخش خودآگاهی و رابطه انسان–محیط قابل تقسیم است. در بخش مطالعات خودآگاهی، پرینس و الکساندر[3] (۲۰۱۷)، به ارتباط آن با هوش‌هیجانی اشاره‌کردند که درصورت عدم آن، انسان دچار ضعف در مهارت‌های‌اجتماعی می‌گردد. جیانانتی[4] (۲۰۲۱) در من می‌دانم چگونه می‌دانم، استدلال کرده‌است که آگاهی‌ادراکی شامل شکلی ساختاریافته از خودآگاهی است و آگاهی فرد ریشه در حقایق پدیدارشناختی دارد. کرومنس[5] و همکاران (۲۰۱۹) در کاوش خودآگاهی از بازشناسی تصویر خود و دیگران در آینه، دیدگاه‌های جدیدی را با استفاده از الگوی آینه‌ای برای تشخیص بدن ارائه می‌کنند. سانگ (۲۰۲۰) در طراحی پوستر پویا در مورد خودآگاهی رشد کودک، دریافت، مخاطبان به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول هیچ دانشی در مورد خودآگاهی ندارند و از درک استعاره‌ها عاجزند؛ دسته دوم افرادی هستند که دانش پیشینه‌ای از خودآگاهی دارند و بخشی از آثار را با حفاری زیاد، درک می‌کنند.

در بخش رابطه انسان و محیط، همانطور که باطنی خسروشاهی (۱۳۹٤) اشاره دارد، تأثیرات متقابل میان انسان و محیط کالبدی، از دو جهت کلی بررسی شده‌است: ۱) محیط کالبدی که رفتار انسان از آن نشأت می‌گیرد. ۲) رفتار

1. Short
2. Baumeister
3. Hannah Prince & Lucy Alexander
4. Andrea Giananti
5. Gaëlle Keromnes

انسان که محیط انسان ساخت را شکل‌می‌دهد که مطالعات پژوهش حاضر، بر اساس جهت اول انجام شده‌است. در این جهت برخی معتقدند که محیط، همانند فرهنگ بر انسان و رفتار او و همچنین بر تمایلات و انتخاب روش زندگی و همچنین بر اعتقادات‌انسان تأثیرمی‌گذارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، صاحبنظران متعددی(طاهری، ۱۳۹۸؛ نصیرسلامی و سوهانگیر، ۱۳۹۲؛ بدری، بقایی و افهمی، ۱۳۹٤) از ادراک سخن گفته‌اند؛ برای ادراک، موضوع عینی و ذهنی از محیط مطرح شده است و ارتباط بین این دو را در خلق و تغییر قابلیت‌محیطی دانستند. در راستای خودآگاهی عینی، دووال و ویکلاند[1] (۱۹۷۲) دریافتند که انتساب به خود زمانی بیشتر است که محرکی جهت معطوف‌کردن حواس‌به خودبه جای محیط باشد و فرانتز و همکاران[2] (۲۰۰۵) معتقدند، افزایش خودآگاهی عینی، در عین برجسته‌کردن ویژگی های درونی فرد، ارتباط با محیط را کاهش‌می‌دهد. همچنین ویکلاند در سال (۲۰۰۸)، نظریه تکامل یافته خودآگاهی عینی را در ارزیابی خودبه عنوان واکنش اولیه و سپس اجتناب از محرک‌هایی همچون آینه و فعالیت‌های حرکتی جهت تمرکز بر خود دانست. بنابرین می‌توان به اهمیت خودآگاهی، و تأثیر محیط پی‌برد. در این میان نکته‌ای که بدان پرداخته‌نشده، رابطه محیط و تأثیرش بر خودآگاهی است که در این پژوهش به مجموعه‌مسکونی از طریق قابلیت‌های محیطی، می‌پردازد:

خودآگاهی: انسان همه چیز را از راه آگاهی شناخته‌است (چالمرز[3]، ۱۹۹۵، ص.۱). آگاهی طبق تعریف عرفی به حالاتی از ادراک حسی و هوشیاری دلالت می‌کند که از هنگام بیداری انسان از خواب آغاز می‌شود و تا زمانی که دوباره به خواب رفته یا به حالت اغما و مرگ بیفتد و یا اینکه به هرشکلی «ناآگاه» شود، ادامه می‌یابد؛ البته رؤیا نیز حالتی از آگاهی است (سرل[4]، ۱۹۹۷، ص.۵). آگاهی از منظر کارشناسان، مشتمل بر آگاهی‌پدیداری، آگاهی‌دسترسی، آگاهی‌نظارتی و خودآگاهی می‌باشد (بلاک[5]، ۱۹۹۵، ص.۲۰٦). در خودآگاهی، فرد از تجربیات ادراکی خود آگاه است؛ بنابراین می‌توان خودآگاهی[6] را با خودآگاهی[7] مترادف قرار داد (جیانیتی، ۲۰۲۱، ص.۱۰۳۵). مسئله «آگاهی» با مسئله «خود» گره خورده‌است؛ زیرا تجربه آگاهانه بدون وجود تجربه‌کننده وجود ندارد (چرچلند، ۱۳۹۳، ص.۱۳۷). بلاک خودآگاهی را صاحب فهمی از «خود» بودن و تولنایی به کارگیری این فهم در تفکر تعریف‌می‌کند (همان: ۲۱۳). هر تجربه آگاهانه‌ای از جهان در بردارنده نوعی خودآگاهی است (گالاگروزاهاوی[8]، ۲۰۰۸، ص.٤٦). خودآگاهی، توانایی دیدن خود به روشنی و عینی از طریق تأمل و درون‌نگری است. اگرچه دستیابی به عینیت کامل درباره خود ممکن‌نیست زیرا این بحثی است که در طول تاریخ فلسفه همچنان ادامه دارد، اما مطمئناً درجاتی از

1. Duval & Wicklund
2. Frantz, Mayer, Norton & Rock
3. Chalmers
4. Searle
5. Block
6. Self-Awareness
7. Self-consciousness
8. Gallager&Zahavi

خودآگاهی وجود دارد (آکرمن[1]، ۲۰۲۱). نظریه خودآگاهی مبتنی بر این ایده‌است که شما افکار خود نیستید، بلکه موجودی هستید که افکار شما را مشاهده‌می‌کند. شما متفکر و جدا از افکار خود هستید (دووال و ویکلاند، ۱۹۷۲).

۲. روش شناسی

پژوهش ترکیبی از تحقیق بنیادی و اکتشافی است که در فرایند اجرا به صورت ترکیبی(کیفی و کمی) می‌باشد. تحقیق کیفی به‌صورت توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای پرداخته و سپس در روش تحقیق کمی طی چهار مرحله به‌ترتیب شامل ایجاد و توزیع پرسشنامه، سنجش پایایی داده‌ها، ارزیابی مدل بیرونی و سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق صورت گرفته‌است. این مقاله از نظر نتایج و پیامد و موضوع، کاربردی می‌باشد.

۱.۲. مطالعات کتابخانه‌ای

دو نوع متفاوت از خودآگاهی وجود دارد: نوع اول، در ارتباط با جهان می‌باشد که خود به نوع پیشتأملی[2] و تأملی[3] تقسیم می‌شود (جدول۲). خودآگاهی پیشاتأملی، آگاهی به غیر خود است و آگاهی تأملی به این صورت است که آگاهی به خود پس از آگاهی‌به‌غیر، صورت می‌گیرد. اکثر فیلسوفان ذهن معاصر، خودآگاهی و ارتباط با جهان را لازم و ملزوم یکدیگرمی‌دانند (فارل و مککلانس[4]، ۲۰۱۷، ص.۲-۱؛ نیدا روملین[5]، ۲۰۱۷، ص.۶۳؛ روستتال[6]، ۱۹۸۶، ص. ۳۳۵-۳۲۹؛ گالاجر و زهاوی[7]، ۲۰۰۸؛ ص.٤٦). در این میان افرادی مانند ابن‌سینا معتقدند علاوه بر آگاهی ضمنی و تلویحی به خویش، نوعی از خودآگاهی بی‌واسطه، صریح و از طریق درون‌نگری نیز وجود دارد که امروزه بسیاری از فلاسفه ذهن با مرتبه دوم خودآگاهی ابن سینا موافق نیستند مگر اینکه انسان ابتدا با جهان و متعلقات آگاهی ارتباط داشته باشد و در یک تأمل ثانوی به «خود» آگاهی یابد (اسحاقی نسب و زمانیها، ۱۳۹۹، ص.۱۲۹) که موارد گفته شده در جدول ۱ آمده‌است.

1. Ackerman
2. Pre-Reflective Self-Consciousness
3. Reflective Self-Consciousness
4. Farrell & Mcclellan
5. Nida-Rumelin
6. Rosenthal,
7. Gallager & Zahavi

جدول۱. انواع خودآگاهی در فلسفه ذهن

نوع ارتباط	بی ارتباط با جهان	در ارتباط با جهان	
نوع خودآگاهی	خودآگاهی صریح و بی واسطه به خویش (درون نگری)	مرتبه اول، پیشاتأملی(آگاهی به غیر از «خود»)	مرتبه دوم، تأملی((آگاهی به «خود»)، ضمنی و تلویحی
نظریه پرداز	ابن سینا: آگاهی صریح و بی واسطه به خویش دکارت:«خودتنهاباوری» (سولیسیزم[1])	اکثر فیلسوفان ذهن	ارسطو: از طریق معرفت به غیر و در ضمن آن، معرفت به خویش صورت می‌گیرد. مرلوپونتی: بازگشت سوژه به خود از طریق «دیگری». هایدگر: در پی آگاهی ما به هر چیزی، «خود» در ضمن این تجربه آگاهانه ظهور می‌یابد. اوانز[2]: اصولا داشتن آگاهی به «خود»، نیازمند توانایی درک خود از نگاه دیگری است. هگل: آگاهی از خویش با آگاهی از چیزهای دیگر امکان پذیر است. هابز: یک خودآگاهی صرفا به واسطه یک خودآگاهی دیگر وجود دارد. ارسطو در ضمن معرفت به غیر، معرفت به خویش صورت می‌گیرد(همان). هورسل: بیناذهنیت و میان اذهانی. ابن سینا: آگاهی ضمنی و تلویحی به خویش

ماخذ: (اسحاقی نسب وزمانیها، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۹؛ قربانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۵؛ مکاریک، ۱۳۹۰، ص. ۷۲؛ برمودز، ۱۹۹۸، ص. ۵۷۹؛ گالاگر و زاهاوی، ۲۰۰۸، ص.٦١؛ استپویچ، ۱۹۹۳، ص.۱۱۷؛ ضمیران، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۷؛ مکاریک، ۱۳۹۰، ص.۷۲)

خودآگاهی دارای سه منبع خود، محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است. اشیاء و ساختارهای موجود در محیط فیزیکی، باعث ایجاد تمایز شده و حاوی محرک‌های انعکاس‌دهنده می‌باشند. محیط اجتماعی نیز، از طریق تعاملات چهره‌به‌چهره و با مکانیسم مقایسه اجتماعی می‌تولند منجر به بازخورد از خود گردد (مورین، ۲۰۰٤، ص.۱۹۷). بنابراین طبق شکل۱، مباحث خودآگاهی بیشتر مرتبط با جهان و در دو بخش بیرونی و درونی است (سانگ،۲۰۲۰،ص.۲). خودآگاهی‌درونی شامل شخصیت، احساسات و خواسته‌های«خود» و درک تناسب و تأثیر خود با محیط است (بامسیستر[3]، ۱۹۹۹). در حالی‌که خودآگاهی‌بیرونی توسط دیگران و اجتماع نسبت به خود حاصل می‌شود (جیمز[4]،۱۸۹۰، ص.۲۹٤) و در نهایت نشان‌دهنده این‌است که بدانیم دیگران چگونه به‌ما نگاه می‌کنند (سانگ، ۲۰۲۰، ص.۲).

1. Solipsism
2. Evans Gareth
3. Baumsister
4. James

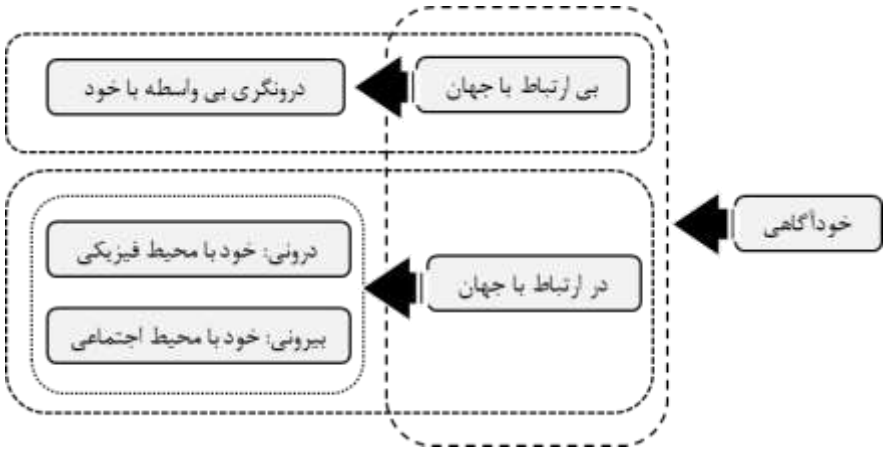

شکل ۱. انواع خودآگاهی و ارتباط آن با نوع خود

سطوح خودآگاهی: فیلیپ روچات، خودآگاهی فرد بالغ را شبیه به نظریه خودشناسی کودک در آینه (از بدو تولد تا ٤-٥ سالگی)، شامل پنج سطح، از سطح صفر«سردرگمی: بدون خودآگاهی» تا سطح پنج «متا: فراخودآگاهی» می‌داند. در واقع توسعه خودآگاهی شبیه به لایه‌های‌پیاز است که فرد بالغ تا لحظه‌مرگ، از طریق این لایه‌ها در نوسان است (روچات، ۲۰۰۳، ص.۷۲۸). سطح صفر(سردرگمی) که فرد از خود و جهان بی‌خبر است و جهان را بازتابی از خود نمی‌داند. در واقع هیچ دانشی در خصوص ادراکات ذهنی وجود ندارد اما اکثرا در این مرحله فکر می‌کنند که خودآگاه هستند و خوشحال از اینکه در وضعیت مثبت هستند در حالی که بیشتر خود را جذب می‌کنند (سانگ، ۲۰۲۰، ص.۸). در سطح یک (تمایز)، فرد متوجه تمایز خود و جهان و انعکاس آن می‌شود. در این سطح دو لایه وجود دارد یکی خودی که فکر می‌کنیم هستیم و دیگری خودی که واقعا هستیم و افراد اکثرا توسط عادت‌ها و واکنش‌هایی که بدان آگاه نیستند، کنترل‌می‌شوند (مانسون[1]، ۲۰۱۸). همچنین برای جلوگیری از درد این تناقض، به صورت ناآگاهانه به حواس‌پرتی روی می‌آورند. بنابراین برای کاهش حواس پرتی بهتر است به جای حذف یکدفعه آن، به‌تدریج از بین‌رود (سانگ، ۲۰۲۰، ص.۲)؛ همانطور که واتس (۱۹۷۰)، برخورد انسان با جهان را به‌آرامی و با ذوب‌شدن در ابهام برای وحدت با آن می‌داند و نقاشان چینی و ژاپنی جهت جذاب جلوه‌دادن کوه‌ها در نقاشی خود، قسمتی از آن‌ها را در مه فرو می‌برند تا جذاب‌تر شود (واتس[2]، ۱۹۷۰، ص.۸۱-۸۰). در سطح دو (موقعیت)، فرد می‌تواند جهان را به‌آنچه در درون خود درک می‌شود پیوند زند و بداند محیط امکان عمل را فراهم می‌کند. در سطح سه (شناسایی)، فرد در حین کاوش تصویرعینی خود، خود را می‌شناسد. در سطح چهار (ماندگاری)، فرد توانایی شناسایی خود فراتر از تصویرش را دارد؛ طوری که خود را در گذشته هم تشخیص دهد. در سطح پنج (فراخودآگاهی، متا)، فرد می‌تواند نه تنها از منظر اول شخص، بلکه از دیدگاه سوم شخص نیز شناخته‌شود. در واقع این سطح درک شکافی بین درک‌درونی و درک‌بیرونی توسط دیگران از خود است و موجب شبیه سازی ذهنیت

1. Manson
2. Watts

دیگران هنگام مواجهه با خود فانتزی می‌شـود. این نشـان می دهد که ما می توانیم رویدادها، رفتارها و خودمان را از منظر اول شخص و سوم شخص تجسم کنیم که بر نحوه درک افراد از رویدادها تأثیر می‌گذارد. دیدگاه اول شخص این است که رویداد را همانطور که آنها در زندگی واقعی می‌بینند، در حال رخ دادن است. دیدگاه سوم شخص این اسـت که رویداد را از منظر ناظر در زندگی واقعی ببینیم. این دیدگاه بر نحوه درک افراد از رویدادها تأثیر می‌گذارد. دیدگاه سوم شخص می‌تواند هزینه بر اما مفید باشد(رنی و همکاران[1]،۲۰۱۶). در این مسیر اکثرا معتقدند که در یک سـاخت مشـترک و در تعامل با دیگران شـکل می‌گید(روچات و اسـتریانو[2]،۱۹۹۹) و تنها رویکرد مؤثر، بازخورد ۳۶۰درجه ناشناس است. ارزیابی مبتنی بر جستجوی بازخورد از منتقدان دوست داشتنی(دوستان و خانواده) که با منافع مشترک، مایلند حقیقت را بازگو کنند. یک تجربه واقعاً چشم باز که فرهنگ بسیار خودآگاه و غنی از بازخورد ایجاد می‌کند (بنجامین[3]، ۲۰۱۹). بدین ترتیب، سطوح خودآگاهی در قالب محیط، طبق جدول ۲ تدوین می‌گردد.

جدول۲. سطوح خودآگاهی در محیط

سطح	شرح	منبع	نوع خودآگاهی
۰: سردرگمی	عدم تشخیص خود در محیط و بازتابش در آن	ــــــــــ	تأملی(درونی)
۱: تمایز	عدم تشخیص خود واقعی از خود متصور شده و کنترل فرد توسط حواس پرتی و عادت‌ها. توصیه:کاهش مرحله به مرحله حواس پرتی	خود محیط فیزیکی	تأملی(درونی)
۲: موقعیت	پیوند درون (خود) و بیرون (محیط) و درک محیط به عنوان فضای عملکردی	خود محیط فیزیکی	تأملی(درونی)
۳: شناسایی	ارائه تصویر عینی از خود توسط محیط در حین کاوش فرد	خود محیط فیزیکی	تأملی(درونی)
٤: ماندگاری	امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط	خود محیط فیزیکی	تأملی(درونی)
٥: (متا) فراخودآگاهی	امکان شبیه سازی ذهنیت دیگران توسط محیط و توانمند سازی فرد جهت دیدن مسائل از منظر سوم شخص	خود محیط فیزیکی محیط اجتماعی	تأملی(بیرونی)

قابلیت محیطی: قابلیت محیطی درصدد پاسخ گویی به نیازها و به فعلیت رساندن هستی وجودی انسان در زیستگاه وی پدید می‌آید. از این طریق می‌توان محیط ساخته‌شده را به گونه‌ای شکل داد که برازنده‌ی الگوی جاری یا دلخواه باشد(لانگ[4]،۲۰۰٤). لنگ عقیده دارد، قابلیت‌ها، الگوهای ویژه محیط ساخته‌شده‌است که از چگونگی طرح و مصالح به کار رفته در آن و نحوه انتساب آن به گروه خاصی از مردم حاصل می‌شود. مولفه های تشکیل‌دهنده محیط

1. Rennie, Harris & Webb
2. Rochat & Striano
3. Benjamin
4. lang

شامل فرم یا صورت، عملکرد و معنا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵) و بر این اساس قابلیت‌ها را می‌توان به شرح زیر دسته بندی کارآمدی کرد:

۱. قابلیت‌هایی که مردم نیاز دارند تا به گونه ای فیزیکی یا کالبدی با محیط تعامل پیدا کنند. این تعامل فیزیکی نیازهای اساسی مردم چون راه رفتن، خوردن، خوابیدن و غیره را تأمین می‌نماید. مولفه کالبدی به گفته کرمونا، بیانگر کیفیت‌هایی است که به کالبد محیط مربوط است.

۲. قابلیت‌هایی که مردم جهت ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ارتباطات میان فردی بدان نیازمندند. در این سطح قابلیت‌های فضای معماری واسطه ای برای رمزگذاری و رمزگشایی است. عملکرد از طریق ادراک، در ذهن متبادر شده و در اعماق آن جایگزین می‌گردد (گمبریچ[1]، ۱۹۶۳). به گونه‌ای که فضای ساخته شده لایه‌های عملکردی متفاوتی را به انسان آن هم بر اساس نیازهایش پیشنهاد می‌نماید. در دیدگاه روان شناسی محیطی، عملکرد شیء و محیط است که قابلیت لازم را برای انجام فعالیتی فراهم می‌سازد (مطلبی، ۱۳۸۵، ص.۵۸).

۳. قابلیت‌هایی که مردم برای ارضای خواهش‌ها و تعاملات نمادین، سمبلیک و رمزگونه به همراه ویژگی‌های فرهنگی و روحانی از محیط انتظار دارند (همان). در اینجا سطح عمیق‌تری از ارتباط مطرح است که اهمیت بیانی یا نمادی یک مکان می‌باشد (لینچ[2]، ۲۰۰۵) و محیط کالبدی این معانی و قابلیت‌ها را در این سطح فقط به انسان‌ها ارائه می‌نماید (مطلبی، ۱۳۸۵، ص.۵۸). بنابر این تقسیم بندی، با یک سه گانه قابلیت محیطی (فیزیکی-کالبدی، عملکردی، سمبلیک و نمادین) به بررسی قابلیت‌های محیطی مؤثر بر خودآگاهی می‌پردازیم.

۲.۲. مصاحبه

از آنجا که توده مردم نسبت به آنچه می‌خواهند، ناآگاهند یا دانش و جسارت به زبان آوردن آن را ندارند؛ این وظیفه بر عهده افرادی به اصطلاح قهرمان است تا غایتی که مدنظر را به تحقق برسانند (استیس به نقل از هگل، ۱۳۷۱، ص.۳۱٤). لذا مصاحبه به‌صورت اکتشافی با نمونه گیری گلوله‌برفی در میان خبرگان(اساتید هیئت علمی دانشگاه و متخصص در امر مسکن) تا رسیدن به اشباع نظری(سیدمن،۱۳۹۵،ص.۹۳) توسط ۳۳ نفر، ادامه یافت تا قابلیت‌های محیطی (کالبدی-فیزیکی، عملکردی، نمادین و سمبلیک) مؤثر بر سطوح خودآگاهی، مشخص گردند. تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها در دو سطح انجام گردید؛ بدین‌ترتیب که از سطح اول مصاحبه‌ها، قابلیت‌های کالبدی، عملکردی و نمادین متعددی بدست آمد. در سطح دوم که مبتنی بر انتزاع از مفاهیم سطح قبل بود، به دنبال کشف محورهای مشترک برای ارتباط بین آن‌ها، از طریق متن همه مصاحبه‌ها، مقوله‌هایی شکل گرفت که در جدول۳ نشان داده شده است.

1. Gombrich
2. Lynch

جدول۳. تفکیک قابلیت های محیطی مسکن متناظر با سطوح خودآگاهی

خودآگاهی	قابلیت محیطی		
سطح	قابلیت کالبدی	قابلیت عملکردی	قابلیت نمادین
۱: تمایز ایجاد تمایز و درگیری حواس مرحله به مرحله	عدم نمایش عمق جهت رازآلودی/ گذر نور و دید کنترل شده/تباین در فیلتربندی فضاها (هندسه،رنگ،مصالح،چیدمان و دما)/ گشایش فضایی در ارتفاع/ بازی با تاریک و روشن نور/ توجه بیشتر معطوف به نمای طبقات همکف با توجه به مخروط دید انسانی/ ترکیب فضای طبیعی و مصنوعی/ سازمان فضایی با رعایت سلسله‌مراتب و ایجاد پیش فضا و فضاهای واسط	در ورودی و آستانه‌ها ارائه موضوعات مختلف جهت انعطاف رفتاری	ظرفیت نمادین رنگ‌ها/ رنگ و عناصر تشدیدکننده مقیاس از باب دعوتگری/ موضوعات دیرآشنا جهت معطوف کردن توجه/ چیدمان نمادین جهت تعریف عملکرد خاص/ استفاده از شباک و فخرومدین/ نمادهای بصری
۲: موقعیت پیوند درون و بیرون و درک محیط به عنوان فضای عملکردی	عدم اطلاعات بیش از حد در فرم،رنگ،مصالح/ سناریو سازی و تداوم ارتباطات فضایی سلسله‌مراتبی پیوسته حاصل ویژگی‌های پیش و پس از خود در هر فضا/ همخوانی مبلمان و مقیاس‌ها متناسب با سناریوی فضا/ امنیت فیزیکی و روانی/ محل و ابعاد و دست انداز بازشوها/ فضاهای نیمه باز/ تعریف مسیرهای مختلف دسترسی از طریق کفسازی/ پیروی از سبک معماری متناسب با سلیقه جمعی	در اتصال فضاها بهم افزایش عمق تماشا در پیوند فضای باز و نیمه باز/ توانمند کردن محیط بیرون از خانه/ خوانایی و هدایتگری مسیرها با قراردادن آیکون‌هایی در طول راه/ صراحت کارکرد/ نورگیرها و داکت های مجزا	حضور بصری و شنیداری طبیعت/ فرهنگ سازی با چیدمان در فضاهای مشاع/ روانشناسی رنگ‌ها/ عناصر هویت پذیر/ برداشت استحاله شده از نماهای سنتی/ نمادهای فضایی که با حرکت در فضا درک شوند
۳: شناسایی ارائه تصویر عینی از خود توسط محیط در حین کاوش	شخصی سازی واحد مسکونی با توجه به فعالیت ساکنین/ چیدمان انعطاف‌پذیر/ تناسبات فضایی با توجه به نیازهای کارکردی/عدم تفکیک فضاهایی که می‌توانند مشترک باشند و واگذاری این تصمیم بر عهده ساکنین/ تعبیه فضا یا دیواری جهت تزیین با عکس و .. توسط کاربر حدفاصل حریم نیمه عمومی(نشیمن) و عمومی(پذیرایی)/ فواصل کاربری‌ها	در فضاهای داخلی سازماندهی عملکردی در تامین نیازهای کاربر با توجه به حالات مختلف روحی همچون ایجاد خلوتگاه/ طراحی مشارکتی/ امکان تغییر کاریری توسط کاربران	عناصری هویت پذیر در چیدمان داخلی/ آرایش فضا و مصالح و رنگ‌های نمادین جهت بازنمایی شخصیت ساکنین
٤: ماندگاری امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط	نمایش حرکت خورشید و ساعات مختلف روز توسط بازشوها/ میزان پیوستگی محیط طبیعی و مصنوع از طریق ابعاد و جهت بازشوها/ جهت گیری ساختمان/ تجهیز بام/ طراحی فضاهایی در دیوار جهت نمایش یادگاری‌ها و آثار موفقیت فرد/ بافت‌های	در کلیه فضاها توزیع عملکردها با توجه به نور و اولویت‌های کاربر/ افزایش عمر تماشای طبیعت توسط کریدور و پاسیو/ گلخانه در	ایجاد یک وضعیت دراماتیک از نور و دیگر عناصر زیبایی شناسانه/ فرم‌ها و عناصر استحاله‌شده هویت‌پذیر و بومی/ طاقچه/ فضاسازی نمادین توسط

خودآگاهی	قابلیت محیطی		
سطح	قابلیت کالبدی	قابلیت عملکردی	قابلیت نمادین
	خاص وابسته به تاریخ با امکان لمس و تجربه/ مصالح طبیعی و پرداخت‌نشده	فضاهای مشاع/ ارائه عملکرد در بام/ فضاهای انعطاف‌پذیر/ مسیرسبز برای پیاده و دوچرخه	چیدمان
۵: متا(فراخودآگاهی)	تعین هندسی/ مبلمان متحرک/ آتریوم با حضور طبیعت و مبلمان جهت گفتگو/ ایجاد گوشه‌های دنج و دارای دید به فضاهای جمعی/ رعایت حریم‌ها/ ایجاد فضای دیالوگ با فضاسازی غیرخطی و چیدمان مرکزگرا/ ایجاد مکث در فضاهای مشاع توسط طرح کف/ تعبیه عناصر مشترک همچون تابلو شارژ و قفسه امانات برای هر واحد در لابی/ ایجاد تنوع در طراحی لابی/ ایجاد کالبدهای آشنا جهت حضور جمع	در فضاهای مشاع و جمعی	کاربری جمعی با قدرت معنایی همچون نمازخانه/ آلاچیق/ کهن الگوهای خانواده/ نماد شدن شخصیت کلی مجموعه
بیناذهنیت		عملکردهای جمعی(بازی ها و تماشاخانه و باشگاه ورزشی)/ فضای برگزاری جشن‌ها در مناسبت های مختلف/ اختلاط کاربری‌های هم جنس/ تجهیز کاربری‌های جمعی جهت ترغیب کاربران به ترجیحشان نسبت به بیرون از مجموعه/ امکان شخصی سازی در فضاهای جمعی/ غربالگری ساکنین جهت انسجام فرهنگی	

در نهایت مدل مفهومی پژوهش طبق شکل ۲ ارائه می‌گردد.

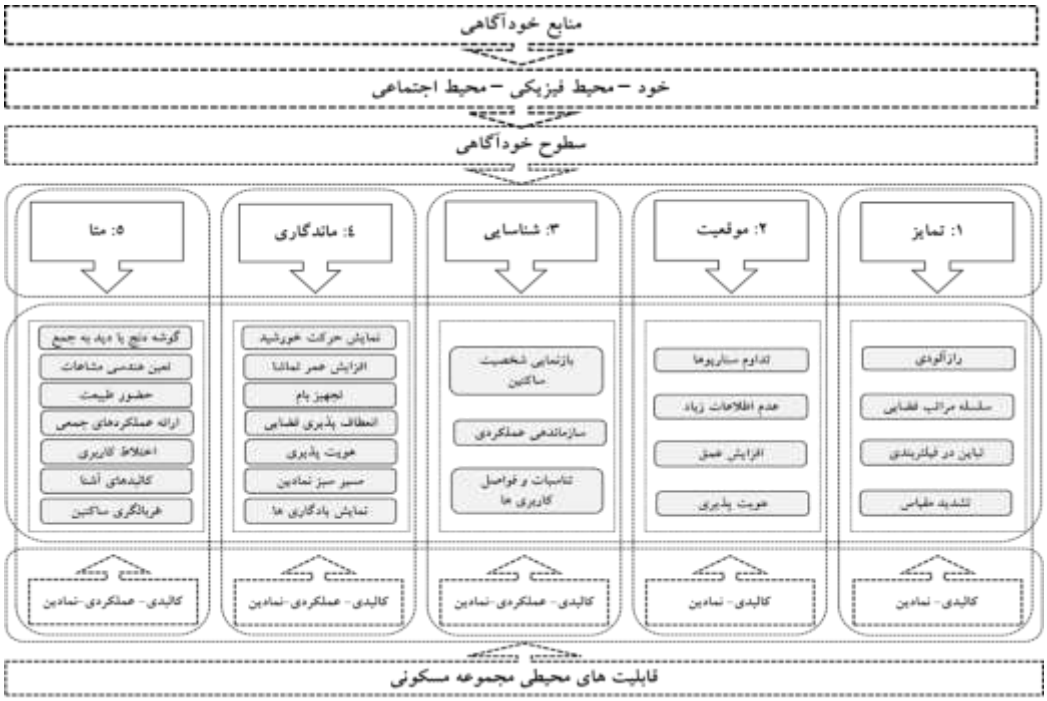

شکل۲. مدل مفهومی پژوهش

۳.۲. پرسشنامه

پرسشنامه به روش دلفی از مقوله‌های اصلی با تایید ۵نفر از اساتید دانشگاه، در قالب طیف لیکرت تنظیم گردیده و نمونه‌گیری بصورت تصادفی بین ۳۰۰ نفر از ساکنین سه مجموعه مسکونی واقع در منطقه۹ مشهد، به عنوان گروهی همگن از منظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، توزیع گشت.

٤.۲. سنجش پایایی داده‌ها

از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و در مواردی که پایایی کمتر از ۰/۵ بود، سؤالات نامرتبط شناسایی شد. بدین ترتیب بارعاملی سوال ۹ در مولفه موقعیت، ۰/۲۹۲ و بارعاملی سوال ۱۰ در مولفه شناسایی ۰/۲۹٦ بود و غیر از این دو سوال که از ادامه پژوهش کنار گذاشته‌شدند، سایر سؤالات، بارعاملی بیشتر از ۰/۳ را داشتند.

۵.۲. ارزیابی مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)

پایایی و روایی سازه‌ها و شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی مرکب برای هریک از سازه‌های مدل بیشتر از ۰/۷ محاسبه گردید. همچنین تمامی شاخص‌ها از پایایی لازم برخوردار بودند. به‌منظور بررسی روایی سازه‌های انعکاسی مدل، از روایی‌همگرا و روایی‌افتراقی استفاده شد. آلفای‌کرونباخ، معیار متوسط واریانس استخراج‌شده برای ارزیابی روایی‌همگرای تمامی سازه‌های‌انعکاسی مدل، بیشتر از ۰/۵ بوده و همبستگی سؤالات در متغیر«تمایز» از بیشترین میزان نسبت به سایرین برخوردار است. همچنین برای ارزیابی روایی افتراقی با استفاده از معیار فورنل–لارکر، جذر متوسط واریانس استخراج‌شده برای هر سازه از بالاترین همبستگی هر سازه با سایر سازه‌های مکنون بیشتر بوده و بدین ترتیب روایی‌افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری نیز تأیید گردید. در جدول٤ شاخص‌های پایایی و روایی‌همگرای متغیرهای پنهان ارائه شده است:

جدول٤. بررسی پایایی و روایی همگرای متغیرهای پنهان و شناسایی سؤالات نامرتبط

متغیرهای پنهان	تعداد سؤالات	سوال نا مرتبط	آلفای کرونباخ پس از حذف سوال	پایایی مرکب
تمایز	٤	-	۰/۷۸۲	۰/۸۵۸
موقعیت	۵	سوال۹ (توانمندی فضاهای باز)	۰/۵٤۳	۰/۷۱۰
شناسایی	٤	سوال۱۰ (طراحی مشارکتی)	۰/۵٦۹	۰/۷٤٦
ماندگاری	۷	-	۰/٦۷٤	۰/۷۷۵
متا	۷	-	۰/٦۸۵	۰/۷۷۱

داده‌ها طبق جدول۵، توسط دو آزمون تحلیل عاملی، کی.ام.اُ با شاخص ۰/۷۸۸و کرویت بارتلت دارای پی مقدار ۰/۰۰۰ با آماره کی دو ٤٦۲/۹۱۳ با ۳۰۰ درجه آزادی در سطح اطمینان ۹۵درصد معنادار، سنجیده شد که نشان از تفاوت معنادار بین ماتریس همبستگی جامعه مورد پژوهش و ماتریس همانی است؛ درواقع بین قابلیت‌های محیطی در داخل هر سطح از خودآگاهی، همبستگی بالایی وجود دارد.

جدول۵. شاخص کفایت نمونه گیری KMO و آزمون بارتلت در مرحله اول تحلیل عاملی اکتشافی

شاخص کفایت نمونه گیری کیسر- می‌یر-اولکین (KMO)		۰/۷۸۸
آزمون کرویت بارتلت	مجذور کای تقریبی	٤٦٢/٩١٣
	درجه آزادی	۳۰۰
	p-value	۰/۰۰۰

٦.۲. سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق

استفاده از الگویابی علی یا الگوسازی معادله‌های ساختاری با تحلیل عامل تاییدی مرتبه دوم انجام گردید. برای تحلیل عاملی مرتبه دوم به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار آماری اسمارت-پی ال اس[1] نسخهٔ ۳/۰ استفاده شد؛ چرا که هرگاه حجم مشاهدات اندک و یا فاقد توزیع نرمال است و یا در مدل، متغیر ترکیبی وجود دارد، ترجیح بر به‌کارگیری رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزارهای این چنین می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵، ص.۷۰). در مدل پژوهش، قابلیت‌های محیطی به صورت سازه‌های انعکاسی و ۵سطح خودآگاهی به صورت سازه ترکیبی مدل سازی گردید. به‌منظور ارزیابی اهمیت و اولویت هریک از قابلیت‌ها در سطوح مورد بررسی، بارعاملی محاسبه شد و معناداری بارهای عاملی با استفاده از روش بوت استرپ[2] برای به دست آوردن مقادیر t بررسی گردید. پس از آن، باتوجه به اینکه متغیر مرتبه دوم به صورت متغیر ترکیبی در نظرگرفته شد، به جای بارعاملی، وزن‌های مولفه‌ها، طبق شکل ۳، محاسبه شد.

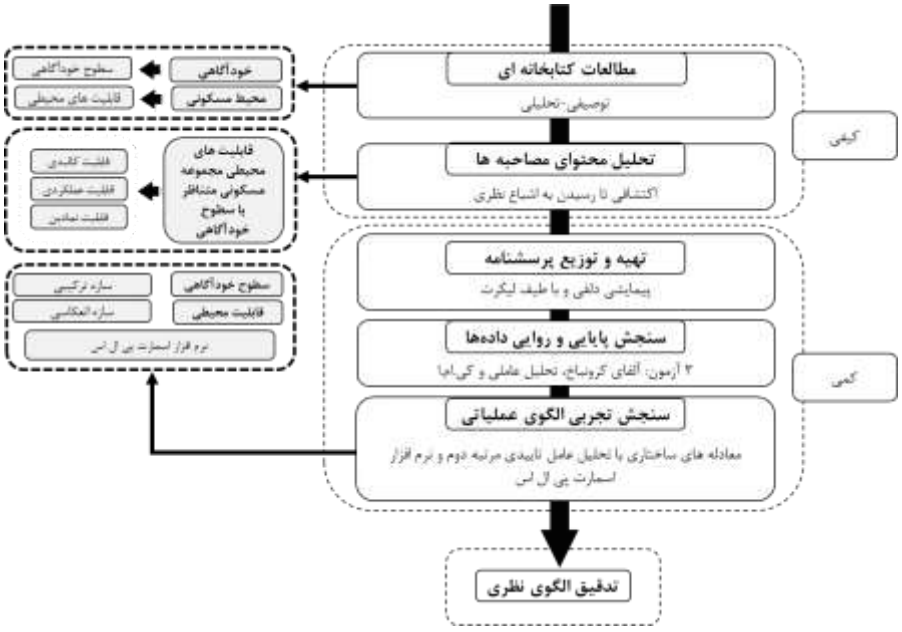

شکل۳. فرایند پژوهش

1. Smart-PLS
2. Bootstrap

در انتخاب نرم افزار جهت سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق، ابتدا نوع سازه‌ها مشخص گردید. همانطور که آزمون ها نشان دادند، بدلیل همبستگی بالای بین قابلیت‌های محیطی در هر سطح تشکیل‌دهنده و توانایی حذف‌شدن آن‌ها(سوال۹و۱۰)، نوع سازه آن‌ها انعکاسی است؛ در حالی که هر یک از سطوح خودآگاهی که بخشی از سازه خودآگاهی را شکل داده، بصورت مرحله‌ای طی می‌شوند و نمی‌توان هیچ یک را حذف کرد؛ همچنین همبستگی بالایی بین آن‌ها وجود ندارد؛ لذا سازه آن‌ها ترکیبی است (کلتمن[1] و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیر[2] و همکاران، ۲۰۲۱، ص.۱۸۵). از این جهت به دلیل وجود متغیرهای‌ترکیبی در مدل‌ساختاری پژوهش، نرم افزارهای مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس از جمله لیزرل در انجام محاسبات اینگونه مدل‌ها از کارایی کمتری برخوردار بوده (رینگل و وند[3]، ۲۰۰۵) و نرم افزارهای مبتنی بر حداقل مربعات‌جزئی، توانایی بالایی در انجام محاسبات اینگونه مدل‌ها دارند.

۳. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش به روشنی نشان‌می‌دهد که خودآگاهی دارای سه منبع خود، محیط‌فیزیکی و محیط‌اجتماعی است و دو نوع درونی و بیرونی دارد که در نوع درونی، خود (فرد) با محیط‌فیزیکی و در نوع بیرونی با محیط‌اجتماعی همراه می‌شود (تصویر۲). ادغام این‌دو محیط (فیزیکی و اجتماعی) توانایی تشکیل ۵ سطح در خودآگاهی را دارد که بترتیب شامل: تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری ومتا هستند که فرد با طی‌مرحله‌ای آن‌ها به فراخودآگاهی می‌رسد. لذا بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های آماری پژوهش (جدول٦)، اهمیت سطوح در مجموعه مسکونی به ترتیب ماندگاری، متا، تمایز، شناسایی و موقعیت هستند که در «سطح ماندگاری»، هر سه قابلیت کالبدی، عملکردی و نمادین هویت‌پذیری (در بافت و مصالح و فرم‌های استحاله‌شده)، فضاهای انعطاف‌پذیر (جهت بهره‌برداری در آینده) و نمایش حرکت‌خورشید به‌ترتیب با بارعاملی ۰/۸٦۹، ۰/۷۱۵ و ۰/۷۰٤مؤثر واقع شدند. «سطح متا» با قابلیت‌کالبدی حضورطبیعت با بارعاملی ۰/۷۳۵، جهت تعامل ، اهمیت یافت. «سطح تمایز» با قابلیت‌های کالبدی و نمادین رازآلودی، سلسله‌مراتب و تباین در فیلتربندی‌ها به‌ترتیب با بارعاملی ۰/۸٦۸و۰/۸٤۷و۰/۷۵۵ مؤثر بودند. «سطح شناسایی» با هر سه قابلیت کالبدی، عملکردی و نمادین سازماندهی عملکردی(در تامین نیازهای مختلف روحی) و بازنمایی شخصیت ساکنین در چیدمان داخلی با بارهای عاملی ۰/۸۹۳ و ۰/۷۷۳ و «سطح موقعیت» با قابلیت کالبدی تداوم سلسله‌مراتبی سناریوها با بارعاملی۰/۷٤۳مؤثر واقع شدند. نتیجتا طبق تصویر٤، قابلیت کالبدی بیش از قابلیت‌عملکردی و نمادین در خودآگاهی فضاهای مجموعه‌مسکونی دخیل است. بدین صورت که در مجموعه‌مسکونی، برای نمایش هر عملکرد و معنایی، باید از قابلیت های کالبدی بهره‌گرفت و این‌دو به‌تنهایی کاربردی ندارند.

1. Coltman
2. Hair
3. Ringle & Wende

جدول ٦. بررسی بارعاملی و معناداری سطوح خودآگاهی و قابلیت های محیطی هر یک در مجموعه‌مسکونی

وزن سطوح با PValues:0/000		قابلیت محیطی	نوع	بارعاملی	انحراف استاندارد	آماره t	P Values
تمایز	۰/۲۸۳	عدم نمایش عمق و رازآلودی با نور و دید کنترل شده و سایه روشن نور	کالبدی-نمادین	۰/۸٦۸	۰/۲۷۵	۳/۱۵۸	۰/۰۰۲
		سلسله‌مراتب در سازمان فضایی با ایجاد پیش فضا و فضاهای واسط	کالبدی	۰/۸٤۷	۰/۳٤٦	۲/٤٤۹	۰/۰۱۵
		تباین در فیلتربندی فضاها	کالبدی	۰/۷۵۵	۰/۲۵۱	۳/۰۱۰	۰/۰۰۳
		دعوت کنندگی از طریق تشدید مقیاس	کالبدی-نمادین	۰/٦۲۰	۰/۳٦٤	۱/۷۰۳	۰/۰۸۹
موقعیت	۰/۱٦٦	تداوم سلسله‌مراتبی سناریو سازی برای هرفضا	کالبدی	۰/۷٤۳	۰/۲٦۳	۲/۸۲٦	۰/۰۰۵
		عدم‌اطلاعات بیش از حد در فرم،رنگ،مصالح و..	کالبدی	۰/۵۹۸	۰/۳۹۲	۱/۵۲٦	۰/۱۲۸
		افزایش عمق تماشای طبیعت	کالبدی	۰/٦۸۱	۰/۳۱۸	۲/۱٤٤	۰/۰۳۲
		هویت پذیری با برداشت استحاله شده از گذشته	کالبدی-نمادین	۰/٤۲۵	۰/۳٤۲	۱/۲٤٤	۰/۲۱٤
شناسایی	۰/۱۷۸	بازنمایی شخصیت ساکنین در چیدمان داخلی	کالبدی-نمادین	۰/۷۷۳	۰/۲۳۹	۳/۲۲۸	۰/۰۰۱
		سازماندهی عملکردی در تامین نیازهای روحی ساکنین	کالبدی-عملکردی	۰/۸۹۳	۰/۰۷۳	۱۲/۲۸۷	۰/۰۰۰
		تناسبات فضایی و فواصل کاربری‌ها	کالبدی	۰/۳۹۸	۰/۳۹٤	۱/۰۱۰	۰/۳۱۳
ماندگاری	۰/۳۲٤	نمایش حرکت خورشید و ساعات مختلف روز جهت سازماندهی فضاها	کالبدی-عملکردی	۰/۷۰٤	۰/۱۳۱	۵/۳٦٤	۰/۰۰۰
		افزایش عمر تماشای طبیعت	کالبدی	۰/۵٦٦	۰/۱٤۵	۳/۹۰۱	۰/۰۰۰
		تجهیز بام	کالبدی	۰/۱۷۸	۰/۲٦٦	۰/٦۷۰	۰/۵۰۳
		فضاهای انعطاف پذیر جهت بهره برداری در آینده	کالبدی-عملکردی	۰/۷۱۵	۰/۱۷۰	٤/۱۹۲	۰/۰۰۰
		هویت پذیری با بافت های خاص وابسته به تاریخ و امکان لمس و تجربه، مصالح طبیعی و پرداخت نشده و برداشت استحاله شده	کالبدی-نمادین	۰/۸٦۹	۰/۰۵۳	۱٦/۳٤۱	۰/۰۰۰
		مسیر سبز با چیدمان نمادین	کالبدی-نمادین	۰/٦۹۷	۰/۰۸۳	۸/٤۰٦	۰/۰۰۰
		فضاهایی همچون طاقچه جهت نمایش یادگاری‌ها و آثار موفقیت	کالبدی-نمادین	۰/۱۵٦	۰/۲۲۰	۰/۷۰۷	۰/٤۸۰
متا	۰/۳۰۳	گوشه‌های دنج و دارای دید به فضاهای	کالبدی	۰/٤۸٤	۰/۲۷٦	۱/۷۵۰	۰/۰۸۱

وزن سطوح با PValues:0/000		قابلیت محیطی	نوع	بارعاملی	انحراف استاندارد	آماره t	P Values
		جمعی					
		تعین هندسی فضاهای مشاع برای ایجاد فضای دیالوگ	کالبدی	۰/٦۱۹	۰/۱۹۱	۳/۲۳۷	۰/۰۰۱
		فضایی همچون آتریوم با حضور طبیعت در لابی	کالبدی	۰/۷۳۵	۰/۱۲٤	۵/۹٤٦	۰/۰۰۰
		ارائه عملکردهای جمعی	عملکردی	۰/٦۱۰	۰/۱۵۰	٤/۰۷۵	۰/۰۰۰
		اختلاط کاربری	عملکردی	۰/۵۰۱	۰/۲۱۰	۲/۳۸۸	۰/۰۱۷
		کالبدهای آشنا	کالبدی-نمادین	۰/۳۰۷	۰/۲۸٦	۱/۰۷۳	۰/۲۸٤
		غربالگری ساکنین جهت انسجام فرهنگی	عملکردی	۰/٦۹۸	۰/۱۲۹	۵/٤۱۷	۰/۰۰۰

موضوع قابل تامل دیگر، تفاوت «عمق تماشا» در سطوح‌مختلف خودآگاهی طبق جدول ۳ می‌باشد؛ بدین صورت که در سطح تمایز بر عدم نمایش عمق تأکید شده‌است؛ یعنی قابلیت‌های‌محیطی باید درصدد کاهش عمق‌تماشا باشند تا حواس‌پرتی‌های فرد بتدریج کاهش‌یابد. در حالی که در سطح موقعیت، تأکید بر افزایش عمق‌تماشا از طریق پیوند فضاهای باز و نیمه باز و بسته شده‌است. در سطح ماندگاری نیز افزایش عمرتماشای‌عمق مدنظر بوده‌است؛ بطوریکه فرد بتواند در آن فضا مکث بیشتری جهت تماشا داشته باشد.

بحث دیگر در مورد سطح شناسایی است که به روحیات و شخصیت‌ساکنین می‌پردازد و بیش از پیش بر موضوع ساکنین به عنوان بهره‌برداران واقعی، اهتمام می‌ورزد. نکته مهم دیگر فراخودآگاهی (متا) بوده که به‌دنبال ایجاد بیناذهنیت از طریق تعامل است؛ یعنی هرچه فضاها توانایی جذب حداکثری از تجمع ساکنین را از طریق تعین هندسی، کالبدهای آشنا، حضور طبیعت و اختلاط کاربری داشته باشند، تعامل بین افراد در جهت شناخت ذهنیت همدیگر، به افزایش خودآگاهی در این سطح یاری می‌رساند. البته این موضوع در مجموعه‌مسکونی، باید با توجه به موضوعات مختلفی رعایت گردد؛ ازجمله ایجاد گوشه‌های دنج در فضاهای جمعی، که علاوه بر تامین حدودی از خلوت فرد در عین‌تماشا، می‌تواند عاملی دعوتگر جهت پیوستن وی به جمع باشد.

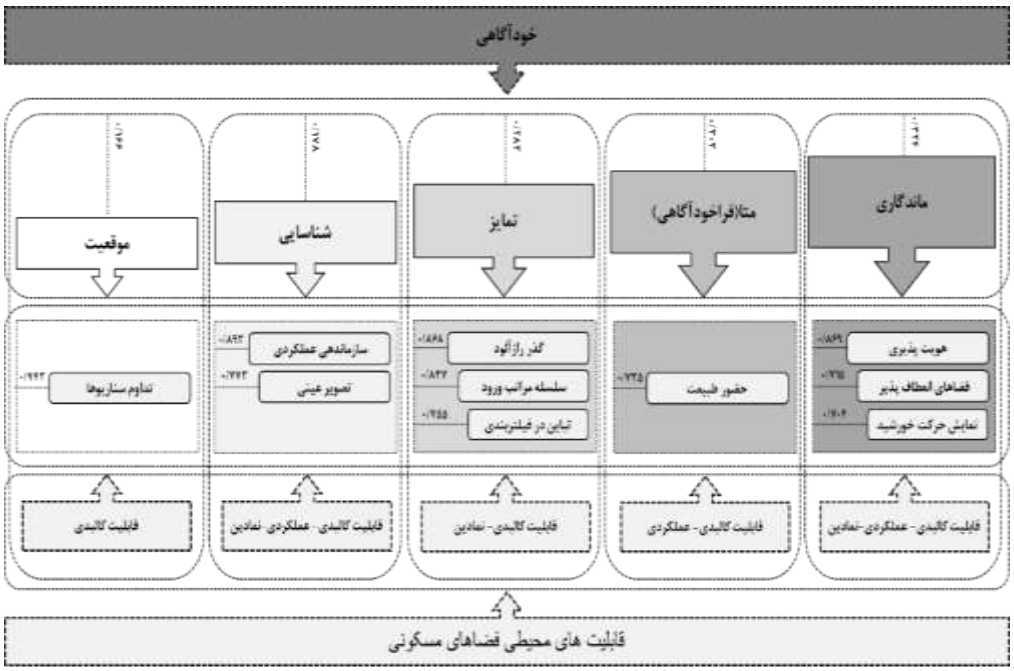

شکل ٤. تدقیق الگوی نظری پژوهش

٤. بحث

در بررسی شاخص‌های‌توصیفی(میانگین و انحراف استاندارد) گویه‌ها، میانگین سوال۹ «ارائه عملکرد خاص در فضای بیرونی در مولفه موقعیت» و۱۰«طراحی مشارکتی در مولفه شناسایی»، بیشتر از حد وسط (۳) در طیف لیکرت ۵ تایی بود که نشان دهنده این است که اکثر پاسخ‌دهندگان با آن موافق بوده‌اند، ولیکن به دلیل ایجاد ناسازگاری درونی با سایر سؤالات و همچنین بارعاملی کمتر از۰/۳، این دو سوال از ادامه پژوهش کنار گذاشته‌شدند.

آنچه پژوهش‌حاضر را در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، دووال و ویکلاند (۱۹۷۲) و فرانتز و همکاران (۲۰۰۵)، متمایز می‌سازد، این‌است که برخلاف همگی‌آن‌ها که ارتباط با محیط را در تقابل با خودآگاهی می‌دانستند؛ این پژوهش اتفاقاً به توانایی تأثیر محیط بر افزایش خودآگاهی پرداخته است؛ چرا که اصولا منابع خودآگاهی(خود، محیط فیزیکی، محیط اجتماعی) با محیط گره خورده است.

موضوع متمایز دیگر این‌است که همانطور که مقاله‌ای (جیانانتی، ۲۰۲۱) به حقایق پدیدارشناختی در خصوص آگاهی فرد اشاره کرده‌بود، این پژوهش، خودآگاهی در محیط را با استفاده از نظریه‌الگوی‌آینه بررسی‌می‌کند که مقاله کرومنس و همکاران (۲۰۱۹)، جهت تشخیص بدن از آن بهره‌مند شده بود؛ و روشن می‌گردد که برخلاف نظریه تکامل‌یافته خودآگاهی عینی (ویکلاند، ۲۰۰۸) که به اجتناب از آینه و فعالیت های حرکتی تأکید می‌ورزید؛ خودآگاهی در محیط مسکونی دارای سطوحی بوده که همانند مقاله سانگ (۲۰۲۰)، درک مخاطب، نیازمند دانش پیشینه‌ای بوده ولذا سطح شناسایی و ماندگاری (آگاهی‌از خود)، بر عناصرهویت‌پذیر (همچون آینه‌ای از خود) و

پیوستگی محیط (مصنوعی و طبیعی) و سازماندهی عملکردی فضاها تأکید دارد که این امر مستلزم حرکت در آن ها نیز می‌باشد.

۵. نتیجه گیری

کیفیت زندگی به نحوه‌شناسایی لحظه‌به‌لحظه خود توسط خودآگاهی بستگی دارد. در این میان نقش محیط‌زندگی به ویژه مسکن برای به‌کارگیری قابلیت‌های‌محیطی در جهت القای کیفیت‌مطلوب، بیش‌از سایرین است. بنابراین پژوهش در وهله اول باهدف کنکاش در رابطه بین محیط و خودآگاهی، مشخص‌گردانید که اولا خودآگاهی که مد نظر پژوهش بوده از نوع مرتبط با جهان است که دارای دو نوع درونی(خود(فرد) با محیط فیزیکی) و بیرونی(خود(فرد) با محیط اجتماعی) می‌باشد. محیط فیزیکی و اجتماعی باهم توانایی تشکیل ۵سطح در خودآگاهی را دارند که بترتیب شامل: تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری ومتا هستند و فرد با طی‌مرحله‌ای آن‌ها به فراخودآگاهی می‌رسد و می‌تولند در طراحی‌محیطی مورد توجه قرار گیرد. در وهله دوم برای رابطه محیط مجموعه‌مسکونی و خودآگاهی، قابلیت‌های محیطی مرتبط با هریک از سطوح معین شده و مورد سنجش پژوهش قرارگرفت. روشن‌گردید که حضور در مجموعه‌مسکونی در ابتدا نیازمند ایجاد «تمایز» جهت کاهش‌تدریجی حواس‌پرتی‌های روزمره است؛ لذا ایجاد جذابیت با نوعی رازآلودی و درگیری آرام آرام فرد توسط نور و دید کنترل‌شده و سلسله‌مراتب‌ورود و تباین در فیلتربندی‌ها ایجاد می‌گردد. برای درک فرد از «موقعیت»، تداوم سلسله‌مراتبی سناریوها جهت پیوند فرد با محیط ضروری است. سپس جهت «شناسایی» خود در محیط، روحیات فرد جهت سازماندهی عملکردی و بازنمایی شخصیت آنان در فضاها مهم جلوه‌می‌کند. برای تشخیص‌خود در شرایط و زمان‌های مختلف در سطح «ماندگاری»، هویت مرتبط با گذشته، انعطاف فضاهای‌مرتبط با آینده و همچنین حرکت‌خورشید جهت آگاهی از ساعات مختلف روز، اهمیت دارند. آخرین مرحله در سطح «متا»، جهت ایجاد بیناذهنیت توسط تعامل، نقش طبیعت پررنگ می‌باشد. بر این اساس قابلیت کالبدی در مجموعه‌مسکونی، بیش از سایر قابلیت‌ها توانایی القای سطوح خودآگاهی را دارا است و سایر قابلیت‌ها به تنهایی، امکان تامین سطوح خودآگاهی را ندارند. شایان ذکر است این پژوهش در مقیاس مجموعه‌مسکونی مورد بررسی قرار گرفته‌است؛ لذا اهمیت سطوح‌خودآگاهی و متعاقبا قابلیت‌های محیطی مؤثر بر آن‌ها نیز در سایر گونه‌های‌مسکونی، می‌تولند متفاوت بوده و موضوع بحث در پژوهش‌های‌آتی قرارگیرد. تفاوت قابلیت محیطی «عمق تماشا» در سطوح مختلف خودآگاهی نیز امکان بررسی بیشتر را دارا است. همچنین دو گویه حذف‌شده «ارائه عملکرد خاص در فضای‌بیرونی در مولفه‌موقعیت» و «طراحی‌مشارکتی در مولفه‌شناسایی» به علت ناسازگاری درونی، قابلیت بررسی در پژوهش‌های‌آتی را خواهند داشت.

کتاب نامه

۱.افشار، ز.، هنرفر، ر.، و قاضی، ر. (۱۳۹۸). ارزیابی شاخصه‌های مسکن در برج‌های مسکونی کلانشهر مشهد (نمونه موردی: مجتمع بلندمرتبه باران۱). کنفرانس بین المللی پیشرفت های اخیر در علوم اطلاعات، مهندسی و فناوری.

۲.انصاری، م.، و مؤمنی، ک. (۱۳۸۹). بررسی نقش عوامل‌محیطی بر رفتار انسان. *گزارش سازمان نظام‌مهندسی ساختمان استان فارس*، (۱۹)، ٦٦– ٦٧

۳.استیس، و. (۱۳۷۱). *فلسفه‌هگل*. حمید عنایت، مترجم، چاپ پنجم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب‌اسلامی.

۴.اسحاقی‌نسب، ا.، و زمانیها، ح. (۱۳۹۸). نسبت بین خودآگاهی و آگاهی به غیر در فلسفه ارسطو و ابن سینا. *ذهن*. (۸۲)، ۱۳٤–۱۰۹.

۵.باطنی خسروشاهی، ا.، و بلیلان اصل، ل. (۱۳۹٤). بررسی تأثیر فرآیند ادراک در رابطه انسان محیط و نقش آن در طراحی محیط شهری. کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر.

۶.پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.

۷.پالاسما، ی. (۱۳۸۹). هویت حریم خصوصی و مأوا. پدیدارشناسی مفهوم خانه در نقاشی. معماری و سینما، امیر امجد، مترجم، *ماهنامه صنعت سینما*، (۹۷)، ۱۲۱–۱۱٦.

۸.ثمین شریفی میاوقی، ا.، یعقوبی سنقرچی، م.، و حق لسان، م. (۱۳۹۸). ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی معماری مسکن مطلوب بر اساس نظام معرفتی اسلام (نمونه موردی: خانه‌های معاصر ارومیه). *آموزش و ارزشیابی*، ۱۲(٤۸)، ۶۲_۳۳.

۹.چرچلند، پ. (۱۳۹۳). *مادی‌انگاری حذفی و گرایش‌های‌گزاره‌ای (نظریه حذف‌گرایی در فلسفه ذهن)*. یاسر پوراسماعیل، مترجم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۰.خاکپور، ب.، هافی،ع.، و باوان پور، ع. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای نمونه کوی سجادیه در مشهد. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۲(۲)، ۸۱–٥٦.

۱۱.رسولی محلاتی، ه. (۱۳۷۸). *شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ‌اسلامی.

۱۲.سیدمن، ا. (۱۳۹٥). *مصاحبه به عنوان یک روش پژوهش کیفی؛ راهنمای پژوهشگران علوم تربیتی، اجتماعی و انسانی*. علی کوشا زاده، علیرضا جابری و سارا حسینی ارانی، مترجم، تهران: انتشارات مهکامه.

۱۳.ضمیران، م. (۱۳۸۳). مقوله بین الاذهان و دیالوگ. *فرهنگ اندیشه*، (۱۲)، ۱۲٦–۱۱۳.

۱٤.طاهری، ث.، و طاهری، ج. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل‌محیطی مؤثر بر سلامت روان در مجموعه‌های‌مسکونی (نمونه موردی: مجموعه‌های ٥۱۲ و ٦۰۰ دستگاه شهر مشهد). *هویت شهر*، ۱۳(٤۰)، ۷٤–٥۷.

۱٥.عزیزی، م.م.، و معینی، م. (۱۳۹۰). تحلیل رابطه بین کیفیت محیطی و تراکم ساختمانی. *هنرهای زیبا*، (٤٥)، ۱٦–٥.

۱۶.لنگ، ج. (۱۳۹٥). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

۱۷.مارکوس، ک.ک. (۱۳۸۲). *خانه: نماد خویشتن*. علی علیقیان، مترجم. *خیال بهار*، ۱۱۹–۳٦.

۱۸.مطلبی، ق. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. *هنرهای زیبا*، (۱۰)، ۵۲- ٦٧.

۱۹.مطلبی، ق. (۱۳۸۵). بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری. *هنرهای زیبا*، (۲۵)، ٦٤-۵۵.

۲۰.مکاریک، ا. (۱۳۹۰). *دانشنامه ی نظریه‌های ادبی معاصر*. مهران مهاجر و محمد نبوی، مترجم. تهران: آگه.

۲۱.نقی‌زاده، م. (۱۳۹۱). حس حضـور، مطلوب‌ترین برآیند ارتباطات انسـان با محیط. *نشـریه مطالعات معماری ایران*، ۱(۲) ، ٤٦_۲۷.

۲۲.نصیرسلامی، م. ر.، و سوهانگیر، س.(۱۳۹۲). راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت اثر متقابل انسان و محیط بر یکدیگر با رویکرد روان شناسی محیطی. *تحقیقات روانشناختی*، ۵(۱۹)،۱۰۰-۷۹

۲۳.ورنون، م. (۱۳۹۸). *زندگی خوب: ۳۰گام فلسـفی برای کمال بخشـیدن به هنر زیسـتن*. پژمان طهرانیان، مترجم، تهران: نشر نو.

24.Ackerman, C. E. (2021). *What Is Self-Awareness and Why Is It Important? [+5 Ways to Increase It.* https://positivepsychology.com/.

25.Baumeister, R. F. (Ed.). (1999). *The self in social psychology*. Philadelphia: PA: Psychology Press (Taylor & Francis)

26.Bermudez, J. L. (1998). *The Paradox of self- self-Consciousness*. US: MIT Press

27.Benjamin, B. (2019). Why most people lack self-awareness and what to do about It. *Training Magazine*. March 18, *https://trainingmag.com/why-most-people-lack-self-awareness-and-what-do-about-it* / (accessed 2020)

28.Block, N. (1995). On a confusion about a function of Consciousness, pp:208-214, In: *Philosophy of Mind*: Classical and Contemporary Readings, ed. David J. Chalmers. New York: Oxford University Press, 116–125

29.Chalmers, D. (1995). Facing up to the problem of consciousness. *Journal of Consciousness Studies*, *2*(3), 200-219.

30.De Dreu, C.K.W., van Knippenberg, D. (2005). The possessive self as a barrier to conflict resolution: Effects of mere ownership, process accountability, and self-concept clarity on competitive cognitions and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, *89*(3), 345–357.

31.Duval, S., Wicklund, R. A. (1972). *A theory of objective self-awareness*. Academic Press.

32.Eurich, T. (2018). What self-awareness really is (and how to cultivate it). *Harvard Business Review*. https:// hbr.org/ 2018/ 01/ what- self- awareness-really- is- and- how-to-cultivate-it. (accessed July 4, 2020).

33.Farrell, J., & McClelland, T. (2017). Consciousness and inner awareness. *Review of Philosophy and Psychology*; (8), 1-22

34.Gallager, Sh., & Zahavi, D. (2008). Consciousness and self-consciousness. *in The Phenomenological Mind*. New York: Routledge.

35.Giananti, A. (2021). I know how I know: perception, self-awareness. *Self-Knowledge, Synthase,* (198),10355–10375.

36.Gombrich, E. H. (1963). *Meditations on a Hobby Horse*. London: Phaidon Press.

37.James, W. (1890). *The principles of* psychology. New York: Holt.

38.Lynch, K. (2005). *A theory of city form*, (Seyed Hossein Bahrainy:trans).Tehran: University of Tehran

39.Lewis, M. (1990). Self-knowledge and social development in early life. In L. A. Pervin (Ed.), Handbook of personality: *Theory and research.* The Guilford Press, 277–300

40.Manson, M. (2018). The Three Levels of Self-Awareness. *MM.NET*. May 3. https:// markmanson.net/self-awareness (accessed 2020).
41.McLeod, S. A. (2008). Self-concept. *Simply Psychology*. www.simplypsychology.org/self-concept.html.
42.Morin, A. (2004), A Neurocognitive and Socioecological Model of Self-Awareness. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, *130*(3), 197–222.
43.Morin, A. (2011). Self-awareness Part 2: Neuroanatomy and importance of inner speech. *Social and Personality Psychology Compass*, (2), 1004-1017.
44.Nida-Rumelin, M. (2017). Self-awareness, Review of Philosophy and Psychology, *Springer*, (8), 55–82.
45.Rennie, L.J., Harris, P.R., & Webb, T.L. (2016). Visualizing actions from a third-person perspective: effects on health behavior and the moderating role of behavior difficulty. *Journal of Applied Social Psychology*, 26, 12410.
46.Rochat, P., & Striano, T. (1999). Social cognitive development in the first year. In P. Rochat (Ed.), *Early social cognition*. Mahaw, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
47.Rochat, Ph. (2003). *Five levels of self-awareness as they unfold early in life.* Atlanta: Department of Psychology, Emory University.
48.Rosenberg, M. (1979), *Components of Rosenberg's self-esteem scale*. *Conceiving the self.* New York: Basic Books.
49.Rosenthal, D.M. (1986). Two Concepts of Consciousness. *Philosophical Studies, 49*(3), 329-359.
50.Scheibe, K. E. (1985). Historical perspectives on the presented self. In B. R. Schlenker (Ed.), *The self and social life,* New York: McGraw-Hill.
51.Searle, J.R. (1997). *The Mystery of Consciosness*. New York: A New York.
52.Short, J.R.(2006). *Urban Theory Acritical Assessment*. New York: Pal.
53.Stepelevich, L. (1993). *Selected Essays on G.W.F Hegel*. Humanitics press international, Inc.
54.Xiong, Sh. (2020). *Self-awareness: A dynamic poster design about self-awareness child development*. NY: Rochester Institute of Technology Rochester.
55.Zahedi, M.J, SHirani, M, Alipour, P. (2009). The relationship between social capital and social welfare, Welfare social. *Scientific and research journal, 9*(32), 1870.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

DOI: 10.22067/jgusd.2023.80329.1281
مقالهٔ علمی - پژوهشی

ارزیابی عوامل مؤثر بر وفاداری به گردشگری در مقصد رشت

حسن احمدی (دانشیار شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)
hamed@guilan.ac.ir
مهرداد مهرجو (دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول)
mehrjoumehrdad@gmail.com

تاریخ دریافت: ١٤٠١/١٠/٢٨ **تاریخ تصویب: ١٤٠٢/٠١/١٥**

صص ١١٢-٩٣

چکیده

به منظور مدیریت بهتر رقابت در بازار گردشگری، مهم است که وفاداری گردشگر نسبت به مقصد درک شود. هدف پژوهش، بررسی تأثیر میانجی رضایت بر اثر انگیزه رانشی و کششی بر وفاداری است. هدف پژوهش کاربردی و از نظر روش پیمایشی و بر اساس "مدل معادلات ساختاری" است. جامعه آماری، از گردشگران داخلی و خارجی تفریحی شهر رشت، تشکیل شده‌است. از نمونه‌گیری خوشه‌ای و از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده استفاده شد. داده‌های پژوهش با رویکرد حداقل مربعات جزئی و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های تحلیل عاملی اکتشافی عوامل قابل توجهی را تعیین کرد، از جمله هشت عامل انگیزه سفر رانشی و ده انگیزه سفر کششی تحلیل‌های عاملی قابل قبول ارائه کردند. شاخص‌های نیکویی برازش نشان دادند که مدل اندازه‌گیری کلی، قابل قبول است و مدل پیشنهادی بر داده‌های جمع‌آوری‌شده با حجم نمونه تناسب دارد. رضایت و وفاداری مقصد به طور همزمان نیز نتایج قابل قبول ارئه کرده‌لند. این مطالعه قابلیت قلبل توجهی برای ایجاد کاربردهای دقیق‌تری در رابطه‌با رفتار مقصد،به ویژه در مورد انگیزه، رضایت و وفاداری به مقصد ارائه می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مدیران گردشگری مقصد، پیامدهای عملی متغیرهای انگیزشی را در نظر بگیرند، زیرا می‌توانند عوامل اساسی در افزایش رضایت از خدمات و محصولات مقصد و همچنین افزایش وفاداری مقصد را ارتقاء دهند.

کلیدواژه‌ها: انگیزه رانشی و کششی، رشت، رضایت انگیزشی، رضایت گردشگر، وفاداری مقصد.

۱. مقدمه

گردشـــگری در جهان به یکی از مهم‌ترین منابع درآمد و به‌عنوان گســـترده‌ترین فعالیت در جهان دارای اهمیت ویژه‌ای است. گردشگری مجموع فعالیتی است که در جریان مسافرت یک گردشگر اتفاق می‌افتد. این قبیل فرایند شامل فعالیت؛ برنامه‌ریزی سفر، مسافرت به مقصد، اقامت، بازگشت و حتی یادآوری خاطرات آن نیز می‌شود. فعالیت‌هایی که گردشـــگر نظیر خرید کالاهای مختلف و تعامل میان میزبان و مهمان را نیز در برمی‌گیرد (بال‌اوغلو[1]، ۲۰۰۱). عدم رضایت گردشگران از مقصد گردشگری، باعث می‌شود که بازار گردشگران دوام نداشته و آن مقصد به عنوان مقصدی نامطلوب شناخته می‌شود (خوارزمی و ابراهیمی، ۱۳۹٦). رضایت گردشگران باعث می‌شود تا این احساس رضایت در تمایل آنان به بازگشت و تداوم مسافرت به مقصد، از یک سو و تشویق و ترغیب دوستان و اشنایان به دیدار از شهر مقصد مرثر واقع شود و به این ترتیب موجبات تداوم و پایداری گردشگری و رونق اقتصادی در منطقه مورد نظر شود (طیب‌نیا، ۱۳۹۹). رضایت مشتری ارزیابی می‌کند که تا چه حد انتظارات مشتری از انجام دادن معامله برآورده شده است. در حالی که وفاداری مشتری ارزیابی می‌کند که چگونه ممکن است مشتری دوباره به مقصد بازگردد (مودودی‌ارخودی و همکاران، ۱۳۹۸). مشتری وفادار، مزایای دیگری نیز دارد، که می‌توان به افزایش مجدد بازدید و ارتباط زبانی مثبت اشاره نمود. وفاداری، به تعهد گردشـــگر به اســـتفاده و مصـــرف مجدد خدمات برمی‌گردد (هرنلندز- روخاس[2] و همکاران، ۲۰۲۲). توســـعه یافته وفاداری به مقصـــد، وفاداری مســـافر در حوزه گردشگری است (وانگ[3] و همکاران، ۲۰۲۲). وفاداری به مقصد، احساس و نگرشی است که گردشگران را به سمت مقصـــد ســـوق می‌دهد؛ که از مقصـــد مجدداً بازدیدکنند و آن را نیز به دیگران معرفی نمایند (هرنلندز- روخاس و همکاران، ۲۰۲۲). ژانگ، فو، کای و لو[4] (۲۰۱٤)، ســه تعریف اســاســی از وفاداری را بیان کردند: وفاداری نگرشـی، وفاداری رفتاری و وفاداری ترکیبی. تعریف اول؛ نگرش‌های مقصد براساس ارزش درک‌شده و هدف گردشگران از توصیه مقصد به دوستان و خانواده است. دومین تعریف به رفتار شخص حقیقی، مانند قصد بازدید مجدد از مقصد نگاه می‌کند، درحالی که ســومین تعریف، ترکیبی از دو تعریف قبلی اســت. تحلیل وفاداری گردشـگری در مدیریت گردشـگری یک مسـئله کلیدی اسـت (زو[5] و همکاران، ۲۰۲۲). به طور کلی، هرگونه فعالیت و فعل و انفعالی که در جریان سـفر یک سـیاحتگر اتفاق می‌افتد، فعالیت گردشـگری محسـوب می‌گردد (باسـتیدا و هوان[6]، ۲۰۱٤). جذب گردشـگران در سـاختار بازاریابی نوین بر پایه‌ی جلب مشـارکت‌های مردمی و با همکاری بخش‌های خصـوصـی، عمومی و دولتی امکان‌پذیر است. در حقیقت ارایه محصول نو در بازارهای هدف و جذب مشتریان جدید و قدیمی

1. Baloglu
2. Hernandez- Rojas
3. Wang
4. Zhang, Fu, Cai & Lu
5. Zou
6. Bastida & Huan

در یک فرایند سیستمی، نیازمند شناخت انگیزه‌های روحی و روانی گردشگران است (وانگ[1] و همکاران، ۲۰۱۵). از این رو، انگیزه موضوعی مهم در فعالیت گردگشری در مرکز توجه قرار دارد (کابر و آلبایراک[2]، ۲۰۱٦). انگیره رانشی، عوامل یا نشاخصای انگیزشی هستند که در اثر عدم تعادل یا تنش در سیستم انگیزشی به وجود می‌آیند و در واقع عواملی هستند که میل به سفر را ایجاد می‌کنند (یوسفی و مرزوکی[3]، ۲۰۱۵).. یوزال (۱۹۹٦) معتقد است عوامل رانشی انگیزه‌های اجتماعی- روان‌شناختی هستند که زمینه‌ی سفر افراد را فراهم می‌کند. یوزال و همکاران (۱۹۹۳) تأکید می‌کنند که عوامل رانشی خاستگاه‌محور هستند و به امیال نامحسوس و ذاتی مسافران مربوط می‌شوند (داوس[4]، ۲۰۲۲). به عقیده‌ی دَن (۱۹۸۱) در مبحث رانش سوالات از جنس «چرایی» (میل اجتماعی- روان‌شناختی) هستند. به بیان دیگر، نیروهای رانشی عوامل «میل به سفر» هستند و با تصمیم‌گیری درباره «انتخاب مقصد» مرتبط می‌باشند (ابوبکر[5] و همکاران، ۲۰۱٤؛ کیم[6] و همکاران، ۲۰۰۷). عوامل کششی برخلاف عوامل رانشی به ویژگی‌ها و جاذبه‌های صرفاً مقصد مربوط می‌شوند. آن‌ها مشخص می‌کنند که کدام یک از ویژگی‌های بیرونی افراد را جذب کرده و آن‌ها را به بازدید از مقصدهای خاص سوق می‌دهند(باتور[7] و همکاران، ۲۰۱٤). یوزال و هاگان (۱۹۹۳)، انگیزه کششی را ترکیبی از امکانات و خدماتی می‌دانند که در شرایط انتخابی باعث جذاب شدن مقصد می‌شوند. عوامل کششی «ویژگی‌های مقصد» یا «نیروهای جذب» هستند که به عوامل رانشی انگیزش پاسخ می‌دهند (پرایاگ[8]، ۲۰۱۲؛ سنگپیکول[9]، ۲۰۰۸؛ کرینر[10] و همکاران، ۲۰۱۵). محیط فرهنگی: از آنجایی که گردشگری مذهبی ارتباط عمیقی با گردشگری تعطیلاتی و فرهنگی، گروهی و اجتماعی دارد از فضاها و محیط‌های ذهنی اینگونه گردشگری‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد (عربشاهی و همکاران، ۱۳۹٦). بنابراین، محیط فرهنگی حاکم بر مقاصد گردشگری به نوبه‌ی خود بر جذب گردشگران (سوای نیت و قصدی که از حضور در آن مقصد دارند) مؤثر می‌باشد (شینده[11]، ۲۰۱۲). دسترسی: دسترسی به عنوان شاخص مکانی و زمانی در نظر گرفته می‌شود. سهولت در دسترسی به مقصد گردشگری به لحاظ وسایل ارتباطی زمینی و هوایی و همچنین نزدیکی به محل زندگی می‌تواند در جذب گردشگر مؤثر باشد (توث و دیوید[12]، ۲۰۱۰). مک‌کی و کرامپتون معتقدند انگیزه‌های گردشگری نشان‌دهنده یک روند فعال داخلی است. عواملی مانند نیازها و خواسته‌ها موجب تنش روانی در افراد می‌شود. بر همین اساس لی و همکاران (۲۰۱۷) بیان کرده‌اند انگیزه‌های گردشگری به منزله حالت‌های روانی فعال افراد است که آن‌ها را به سمت تحقق نیازهای گردشگری

1. Wang
2. Caber & Albayrak
3. Yousefi & Marzuki
4. Dawes
5. Abubakar
6. Kim
7. Battour
8. Prayag
9. Sangpikul
10. Kreiner
11. Shinde
12. Toth & David

هدایت می‌کند (لی[1] و همکاران، ۲۰۱۷). با تحریک نیازهای مسافران انگیزه‌های سفر ایجاد می‌شود و مسافران به اقداماتی برای برآورده ساختن نیازهای گردشگری و کاهش تنش خود ترغیب می شوند. از این رو انگیزه‌ها در رفتار مسافران بسیار مهم‌اند (هسو[2] و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، با هدف ارضای خواسته‌ها و نیازهای انگیزشی مسافران و جذب انان در محل‌های خاص باید به دو عامل انگیزشی رانشی و عامل جذب کششی توجه نمود. رضایت از سفر تجربیات، بر اساس این نیروهای فشار و کشش، به وفاداری مقصد کمک می کند. میزان وفاداری گردشگران به یک مقصد در قصد آنها برای بازدید مجدد از مقصد و در توصیه های آن ها به دیگران منعکس می شود بنابراین، اطلاعات در مورد وفاداری گردشگران برای بازاریابان و مدیران مقصد مهم است. این مطالعه یک رویکرد یکپارچه برای درک انگیزه گردشگران و تلاش برای گسترش آن ارائه می دهد (اوپرمن[3]، ۲۰۰۰). مطالعاتی تا کنون پیرامون عنوان پژوهش در فعالیت گردشگری انجام شده، نشان می‌دهد که پژوهشگرانی همچون صفدری و همکاران (۱۳۹٦)، انگیزه های رانشی موجود در محل زندگی تاثیر بسزایی در انتخاب مقصد دارند.به این ترتیب که افراد به دنبال کمبود و نقص های محل زندگی خود بوده و در کلان شهر تهران این نقص‌ها عبارت است از آلودگی، ترافیک، کمبود محیط و وسایل تفریح و آرامش روانی که افراد برای یافتن این نقص ها در ایام تعطیل به نزدیک ترین مکانی که این کمبود ها را جبران میکند، سفر میکنند. مودودی ارخودی و غلامی (۱۳۹۸)، در پژوهش کمی خود دریافتند که به منظور توسعه گردشگری و شناسایی انگیزه گردشگران از بین هفت شاخص بررسی شده، ماجراجویی (۰/۸۸۹) و استراحت (۰/۸۲٤) مهمتر هستند و شاخص‌های اجبار، سلامت، اجتماعی- فرهنگی و تعلق در رتبه‌های بعدی انگیزه گردشگران قرار دارند. کی[4]، کوهن[5] و ترایب[6] (۲۰۱۹)، معتقدند یکی از عوامل مهم در طبقه‌بندی و شناسایی انواع گردشگران شناخت انگیزشی آن‌ها می‌باشد که نقش مهمی در پیش‌بینی رفتار مصرف‌کننده در حوزه‌ی بازاریابی و همچنین تنظیم میزان عرضه و تقاضا در حوزه‌ی گردشگری را دارد. بررسی پژوهش‌های پیشین در حوزه‌ی گردشگری نشان می‌دهد که ویژگی‌های انگیزشی گردشگران تاثیر بسزایی در رویکرد، تمایلات و رفتار مصرفی آنها و پیش بینای رفتار مصرف‌کننده دارد (برنینی[7] و کرکولیکی[8]، ۲۰۱۵). کایامن و آراسلی[9] (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای به بررسی ارتباطات بین چهار بعد ارزش برند: آگاهی از برند، وفاداری به برند، ارزش ادراک شده و تصویر برند در صنعت هتلداری پرداخته‌اند و ادراک ارزش برند را از دیدگاه مشتری ارتقاء بخشیده‌اند. در این مطالعه محققان با استفاده از ابعاد کیفیت

1. Lee
2. Hsu
3. Oppermann
4. Cai
5. Cohen
6. Tribe
7. Bernini
8. Cracolici
9. Kayaman & Arasli

ادراک شده و بررسی رابطه آن‌ها با وفاداری و تصویر برند به این نتیجه رسیدنداند که ابعاد ارزش ویژه برند بر تصویر برند تأثیرگذارند.

پژوهش‌های انجام شده نشان‌دهنده اهمیت درک وفاداری گردشگران و عوامل مؤثر برآن است. تحقیق حاضر نیز به دنبال همین هدف اســـن و یافته‌های تجربی پژوهش‌های مذکور اســـتفاده کرده اســـت.با بیان حال بســـیاری از پژوهش‌های مذکور محدودیت‌ها و شـــکاف‌هایی داشـــتند که در تحقیق حاضـــر، آن‌ها رفع شـــدند؛ از جمله این محدودیت‌ها و شکاف‌ها، بررسی طیف گسترده‌ای از مراکز گردشگری شهر رشت به جای یک نوع خاص آن، است. بستر انجام تحقیق حاضر، شهر رشت است. با وجود فراهم بودن زمینه‌های بسیار مناسب برای جذب گردشگر در مقصد شهر رشت، هنوز توجه چندانی به نقش گردشگری در این شهر به منظور توسعه‌ی مقصد لحاظ نشده است. با توجه به منابع گردشگری فراوان در شهر رشت، می‌تواند درصد بالایی از تقاضا را به خود اختصاص دهد. گردشگری که از تجربه‌ی سفر به رشت راضی است و احساس مثبتی به آن دارد، مستعد سفر دوباره و تبلیغات شفاهی درباره رشت خواهد بود. بر طبق وضعیت رقابتی گردشگری، متولیان خدمات گردشگری در رشت، نیازمند توجه به مقوله‌ی وفاداری گردشگر مبتنی بر رضایت و انگیزه‌گردشگران هستند. وفاداری گردشگر به رشت، رکن اساسی برای پایداری این مقصد و عامل ایجاد مزیت رقابتی و موفقیت در بازار گردشگری تلقی می‌شود .همچنین با تمرکز بر وفادار ساختن گردشگران به شهر رشت تا حد چشم‌گیری از فشارِ بیش از ظرفیتِ حضور گردشگران در مرکز شهررشت کاسته میشود. با توجه به موارد مذکور، هدف کلی این پژوهش، بررسی اثرات انگیزه و رضایت گردشگران بر وفاداری به مقصد است. با توجه به طرح مسئله و هدف پژوهش، پرسش زیر برای دستیابی به هدف پژوهش تنظیم شده است:

- آیا بین انگیزه کششی و رانشی با رضایت گردشگر رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین رضایت گردشگر با وفاداری به مقصد رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین انگیزه‌های رانشی و کششی با وفاداری به مقصد رابطه معناداری وجود دارد؟

۲. روش‌شناسی

هدف پژوهش کاربردی و از نظر روش پیمایشی و بر اساس "مدل معادلات ساختاری" است. جامعه آماری، از گردشگران داخلی شهر رشت، تشکیل می‌شود که جامعه آماری پژوهش شامل ٦٧٩/٩٩٥ نفر طبق سرشماری مرکز امار ۱۳۹۵ در شهر رشت می‌باشد که تعداد نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸٦ نفر محاسبه شد. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، و از ابزار پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم برای جمع‌آوری و استخراج داده استفاده می‌شود. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری از رویکرد حداقل مربعات جزئی و از نرم افزارLISREL جهت بررسی داده‌ها و برازش دو مدل اندازه‌گیری استفاده می‌شود. برای برازش مدل ساختاری، از شاخص واریانس تبیین شده استفاده می‌شود. به همین منظور، برای سنجش نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف–اسمیرنف استفاده شد، که داده‌های پژوهش نرمال بوده‌اند.

جدول ۱. آزمون کولموگروف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن

Kolmogorov-Smirnov			Shapiro-Wilk		
Statistic	Df	Sig.	Statistic	Df	Sig.
۰/۵۰۲	۳۸۵	۰/۳۱٤	۰/۸٤۳	۳۸۵	۰/۷۳۸

میزان شاخص واریانس تبیین شده، بیش از ۰/۲۵، ۰/۵ و ۰/۷۵ به ترتیب نشان‌دهنده توانایی اندک، متوسط و قابل توجه تغییرات متغیرها است. برای سنجش پایایی، ضرایب بار عامل سنجیده شد و گویه‌ایی که بارعاملی آن‌ها کمتر از ۰/۷ بود حذف شد و برای اطمینان از برازش مدل اندازه‌گیری و پایایی و روایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب استفاده می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ و مرکب، باید به ترتیب بیشتر از ۰/۷ و ۰/۸ باشند که پایایی گویه‌ها در این صورت مورد قبول است و روایی پرسشنامه‌ها نیز از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) که حد مطلوب برای اطمینان از وجود روایی، حداقل میزان ۰/۵ است، استفاده می‌شود.

جدول ۲. ضرایب پایایی و روایی شاخص های پژوهش

شاخص‌ها	α	CR	AVE
انگیزه رانشی	۰/۸۰۲	۰/۸۵۳	۰/۷۲۷
انگیزه کششی	۰/۷٦٤	۰/۹۲٤	۰/۷۱۹
رضایت گردشگران	۰/۸۳٤	۰/۸۷۳	۰/۷٦۸
وفاداری به مقصد	۰/۸٦۱	۰/۸۹۸	۰/۷۱۸

شهر رشت به‌عنوان مرکز استان گیلان در جلگه مرکزی گیلان و در ٤۹ درجه و ۳٦ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱٦ دقیقه عرض شمالی واقع شده‌است و مساحتی بالغ بر ۸۱۱۸/٤۰ هکتار دارد و در وضع طبیعی خود جزء کوچکی از جلگه گیلان و دشت‌های جنوبی دریای خزر محسوب می‌شود و در سال ۱۳۹۵ از ۹۵٦۹۷۱ نفر جمعیت برخوردار است. با فراهم بودن امکانات رفاهی، تفریحی و همچنین طبیعتی بکر و بی‌نظیر، در این منطقه، گردشگری رونق فراوانی گرفته و به همین دلیل، مراکز تفریحی رشت رو به فزونی است. مراکز تفریحی رشت شامل مجموعه‌ای از انواع سرگرمی‌های جدید است که به شدت مورد استقبال افراد و به خصوص جوان‌تر قرار گرفته. مسافران رشت، علاوه بر لذت بردن از محیط طبیعی، می‌توانند با انتخاب یکی از این مراکز تفریحی، سفر خود را خاطره‌انگیزتر و تفریحات جدیدی را تجربه کنند.

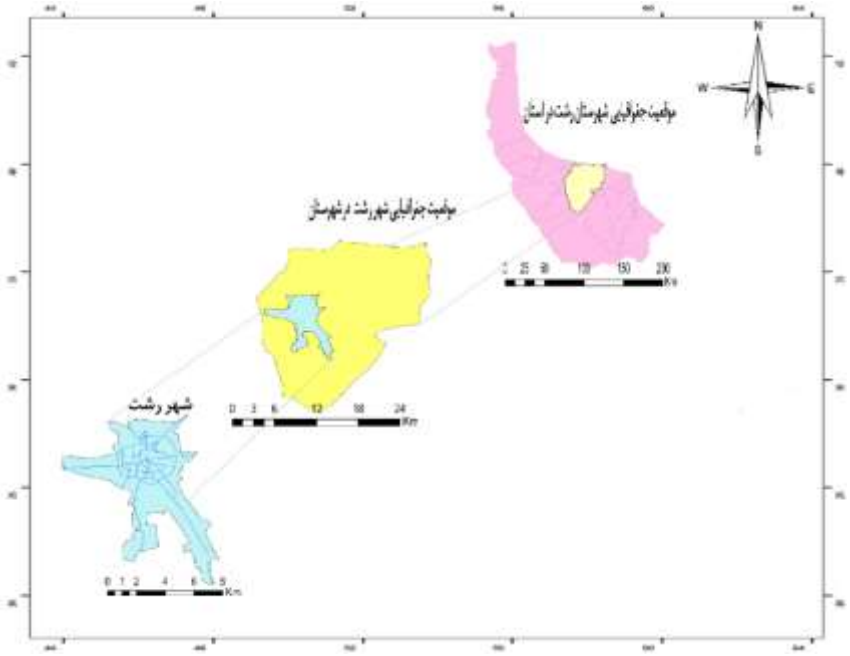

شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهر رشت در شهرستان، استان و کشور

۳. یافته‌ها

شاخص‌های چهارگانه پژوهش (دو برون‌زا – (۱) انگیزه سفر فشاری و (۲) کششی؛ و دو درون‌زا – (۱) رضایت گردشگر و (۱) وفاداری به مقصد) در مدل پیشنهادی با روش لیزرل و با مدل سازی معادلات ساختاری مورد آزمایش قرار گرفتند. و حداکثر روش احتمال تخمین و فرآیند تست دو مرحله ای نیز برای شاخص‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. از ماتریس های همبستگی و انحراف معیار برای آزمون یک مدل فرضی در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در نهایت از راه‌حل‌های کاملا استاندارد در گزارش نتایج استفاده شد. مدل معادلات ساختاری برای ارزیابی اینکه چگونه یک مدل مفهومی پیشنهادی و داده‌های جمع‌آوری‌شده را تشریح می‌کند و شاخص‌های مشاهده‌شده و فرضی با هم مطابقت دارند، و همچنین مدل معادلات ساختاری توانایی اندازه‌گیری یا مشخص کردن روابط علی را در میان مجموعه‌ای از متغیرهای پنهان (مکنون) فراهم و مقدار واریانس بیان نشده را نیز توصیف می‌کند. واضح است که مدل فرضی در این مطالعه برای اندازه‌گیری روابط علی بین شاخص‌های مشاهده نشده طراحی شده است.

قبل از تجزیه و تحلیلLISREL ، از تحلیل عاملی اکتشافی تنها به منظور کاهش تعداد متغیرها در هر دو شاخص انگیزه سفر رانشی و کششی انجام شد. عوامل زمینه‌ای مشتق‌شده از تحلیل عاملی اکتشافی به‌عنوان همبستگی میان مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط به هم نشان داده شد. با استفاده از چرخش واریماکس، از معیار ریشه نهفته ۰/۱ برای گنجاندن عامل استفاده شد و از بار عاملی ۰/٤۰ به‌عنوان معیار برای گنجاندن موارد در یک عامل استفاده شد. سپس عوامل موجود در یک عامل برای ایجاد یک عامل ترکیبی محاسبه شد. تمامی این مراحل با استفاده ازSPSS 24

انجام شد. متعاقباً، این عوامل ترکیبی، به عنوان شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری یک شاخص در نظر گرفته شدند. این روش ممکن است به کاهش همبستگی چند خطی یا واریانس خطا بین شاخص‌ها در تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری کمک کند. در روش های مدل سازی معادلات ساختاری باید تا حد امکان از چنین خطاهایی اجتناب شود.

نتایج تجزیه و تحلیل عاملی اکتشافی عوامل قابل توجهی را تعیین کرد، از جمله هشت عامل انگیزه سفر رانشی و ده انگیزه سفر کششی (جدول۲ و۳) تحلیل‌های عاملی قابل قبول ارائه کردند، زیرا حداقل دو بار معنی‌دار برای هر یک از عوامل بارگذاری شده بود و همچنین همه متغیرها در عوامل گنجانده شده بودند. بنابراین، هیچ شانسی برای از دست دادن اطلاعات در اندازه‌گیری شاخص‌های انگیزه سفر وجود نداشت. از بررسی میانگین نمرات شاخص های ترکیبی، مشخص شد که «ایمنی و سرگرمی» (M=۳/۹٤)، «فرار» (M=۳/٤٦)، «دانش و آموزش» (M=۳/٤۹) و «دستیابی» (M=۳/۷٦) به ترتیب به عنوان عوامل مهم در انگیزه سفر رانشی تلقی شدند. «پاکیزگی و خرید» (M=۳/٥۷)، « لندازه فضا و شرایط آب‌وهوای» (M=۳/٤۱)، «فرهنگ مختلف» (M=۳/٦۲) و «فعالیت‌های آبی» (M=۳/۱۷) به عنوان عوامل مهم در انگیزه کششی در نظر گرفته شدند. در نتیجه، این انگیزه‌های رانشی و کششی سفر در رویه‌های LISREL به کار گرفته شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی (انگیزه رانشی)

عوامل انگیزه رانشی	بارهای عاملی	واریانس تبیین شده	میانگین مرکب
عامل ۱: هیجان‌انگیزی	–	۱٦/٥۸	۳/۰۰
فعالیت فیزیکی	۰/۷٥٤	–	–
ملاقات با افراد	۰/۸۲۲		
هیجان زده شدن	۰/٥۲۰		
کشف کردن خود	۰/٦۱۱		
عامل ۲: دانش/آموزش	–	۱٤/۳۰	۳/٤۹
تجربه سبک زندگی متفاوت	۰/۷۲۷	–	–
امتحان غذای جدید	۰/۷٦۷		
بازدید از مکان تاریخی	۰/۷۹۷		
ملاقات با افراد جدید	۰/٥۳۱		
آزادی احساس	۰/٦۸۷		
عامل ۳: آرامش	–	۸/۱۲	۲/۲۸
هیچ کاری انجام ندادن	۰/٦٤۳	–	–
تغییر از یک شغل شلوغ	۰/۷٦۰		
عامل ٤: دستیابی	–	٥/۱٤	۳/۷٦
رفتن به جایی که دوستان نرفتند	۰/٦٥۷	–	–
صحبت در مورد سفر	۰/٥۳٤		

عوامل انگیزه رانشی	بارهای عاملی	واریانس تبیین شده	میانگین مرکب
تکرار لحظه‌های خوب	۰/۸۰۸		
عامل ۵: با خانواده بودن	–	۵/۰۵	۲/٤۳
بازدید از مکانی که خانواده از انجا آمده اند	۰/٤۷۷	–	–
دیدار دوستان و اقوام	۰/۷٦۸		
در کنار هم بودن به عنوان خانواده	۰/۷۸۳		
عامل ٦: فرار	–	٤/٦۱	۳/٤٦
دور شدن از خواسته های خانه	۰/٦٥٤	–	–
تجربه سبک زندگی ساده تر	۰/٥۱۰		
عامل ۷: ایمنی و سرگرمی	–	٤/٥۷	۳/۹٤
احساس امنیت و امنیت	۰/٥۱۸	–	–
سرگرم شدن و لذت بردن	۰/٥۷۲		
عامل۸: دوری از خانه و دیده شدن	–	٤/٥٦	۲/۸۰
احساس دور از خانه	۰/۸۱۸	–	–
دیده شدن هر چه بیشتر	۰/٦۱۷		
واریانس تبیین شده کل	–	٦۲/۹٥	–

جدول ٤. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی (انگیزه های کششی)

عوامل انگیزه کششی	بارهای عاملی	واریانس تبیین شده	میانگین مرکب
عامل ۱: فعالیت‌ها و فضا	–	۱٥/٥٥	۲/٦۲
شهرهای مدرن	۰/٦۱۱	–	–
فضای عجیب و غریب	۰/۷٥۲		
کارناوال‌های خیابانی	۰/٦۹۷		
تئاترهای زنده / کنسرت	۰/۷۲۱		
هتل های درجه یک	۰/۷۳٤		
عامل ۲: فعالیت‌ها در فضاهای باز	–	۱٥/۳٥	۳/۰۲
اسکان به صرفه در فضا	۰/۸٥۹	–	–
فضاهای باز برای دور شدن از جمعیت	۰/٦٦٥		
دیدن فعالیت های متنوع	۰/۸۲۹		
عامل ۳: اندازه فضا و شرایط آب‌وهوای	–	۹/٤۷	۳/٤۱
اندازه قابل کنترل فضا	۰/٦٤۳	–	–
هوای قابل اعتماد	۰/٤٦٦		
امنیت شخصی	۰/۷۸۲		
عامل ٤: منظره طبیعی	–	٥/۹٦	۲/۹٥
مناظر فوق العاده	۰/٤۲۷	–	–
مناطق کوهستانی	۰/٦۸٦		

عوامل انگیزه کششی	بارهای عاملی	واریانس تبیین شده	میانگین مرکب
عامل ۵: تفاوت فرهنگی	–	۵/۸۳	۲/۸۸
ساحل باکیفیت	۰/۷۶۲	–	–
دوستان جالب و محلی	۰/۵۷۲		
عامل ٦: فرهنگ مختلف	–	۵/۷۱	۳/٦۲
کیفیت ساحل	۰/۸۲٤	–	–
مردم محلی جالب و صمیمی	۰/۵۲۳		
فرهنگ متفاوت	۰/٤۱۸		
شهرهای قدیمی تاریخی	۰/۵۱۹		
عامل ۷: تمیزی و خرید	–	۵/٦۳	۳/۵۷
پاکیزگی	۰/۷۲۷	–	–
خرید کردن	۰/۵۱۷		
حریم خصوصی	۰/۷۳۳		
عامل ۸: زندگی شبانه و غذاهای محلی	–	۵/۵۹	۳/۰۰
زندگی شبانه و سرگرمی	۰/۸۰۸	–	–
غذای محلی	۰/۵۹۲		
عامل ۹: شهر و روستای جالب	–	۵/۳۲	۲/٦۳
شهر/ روستای جالب	۰/۷۹٤	–	–
رستوران با کیفیت بالا	۰/۸۲٤		
عامل ۱۰: فعالیت‌های آبی	–	٤/۸٤	۳/۱۷
کنار دریا	۰/۸۱۷	–	–
ورزش آبی	۰/٤۵٤		
واریانس تبیین شده کل	–	۷۹/۲۹	–

۳. ۱. مدل اندازه‌گیری

ابتدا، یک تحلیل عاملی تأییدی از مدل اندازه‌گیری که نشان‌دهنده روابط مشاهده‌شده با شاخص‌های پنهان را مشخص می‌کند، و با همه شاخص‌ها که اجازه داده شده آزادانه همبسته شوند، مورد آزمایش قرار گرفت. به گفته لندرسون و گربینگ[1] (۱۹۸۸)، مدل‌های اندازه‌گیری تأییدی باید قبل از بررسی همزمان مدل‌های اندازه‌گیری و معادلات ساختاری ارزیابی و دوباره مشخص شوند. بنابراین، قبل از آزمایش مدل اندازه‌گیری به طور کلی، هر شاخص در مدل بطور جداگانه تجزیه و تحلیل شد. از آنجایی که یک آیتم با ضریب آلفای زیر ۰/۳۰ غیرقابل قبول است، توصیه می شود که از تجزیه و تحلیل بیشتر حذف شود (جرسکاگ[2]، ۱۹۹۳). در نتیجه، یک شاخص از نظر ساختار انگیزه سفر ها حذف شد. پس از آن، مجذور کای معنی دار نبود (p<۰/۱۲، Chi Square= ۱۹/۱۲۵)، اما سایر

1. Anderson & Gerbing, 1988
2. Joreskog

شـاخص ها، برازش قابل قبولی را با داده ها نشـان دادند (NFI= ۰/۸۱، CFI=۰/۹۱، GFI=۰/۹). در شـاخص انگیزه سـفر، چهار شـاخص حذف شـد و نتیجه p<۰/٤۲، Chi Square= ۹/۱۵ بود. سـایر شـاخص‌های برازش سـطح قابل قبولی را نشان دادند (GFI=۰/۹۸، CFI=۰۰/۱، NFI= ۹٤/۰).

در مدل اندازه گیری از ۱۲ شـاخص برای متغیرهای برونزا و ۷ شـاخص برای متغیرهای درونزا (٤ شـاخص از رضـایت و ۳ شـاخص از وفاداری مقصـد) اسـتفاده شـد. در آزمون مدل اندازه‌گیری، به گونه‌ای اصـلاح شـده‌اسـت که مدل علّی نظری مورد علاقه در این پژوهش را نشـان داد. شـاخص های دارای ضـریب آلفای کمتر از ۰/۳۰ حذف شـدند و این مدل نظری مورد ارزیابی و بازنگری قرار گرفت تا به یک مدل از لحاظ نظری معنادار و همچنین از نظر آماری قابل قبول دسـت یافت. به طور خاص، یکی از شـاخص‌های وفاداری مقصـد بر روی متغیرهای برونزا با یک شاخص در ساختار انگیزه کششی همبستگی زیادی داشت. بنابراین، پس از بررسی برازش‌های مدل اندازه‌گیری کلی که شـاخص همبسـته را حذف می‌کند، یک شـاخص حذف شـد زیرا مدل بدون این شـاخص، شـاخص‌های برازش بهتری تولید می‌کند. برازش شاخص ها با شاخص و شاخص پایایی و روایی مورد آزمون قرار گرفت. در اینجا اساساً پایایی به ثبات اندازه‌گیری اشـاره دارد، در حالی که اعتبار به میزانی اشـاره دارد که ابزار اندازه‌گیری آن چیزی اسـت که در نظر گرفته شده است.

همانطور که در جدول ٤ نشـان داده شـده اسـت، شـش شـاخص از متغیرهای برونزا برای انگیزه‌های سـفر، سـه شاخص برای رضایت گردشگر و دو شاخص برای وفاداری به مقصد شناسایی شده است. نتایج مدل اندازه‌گیری با چهار شـــاخص و ۱۱ شـــاخص از تحلیل عاملی تأییدی اســـتخراج شـــد. این مدل لندازه‌گیری ماهیت رابطه بین شـاخص‌های پنهان و شـاخص‌های آشـکاری را که آن سـاختارهای پنهان را اندازه‌گیری می‌کنند، توصـیف می‌کند. سـه نوع معیار برازش کلی مدل در این مطالعه مورد اســـتفاده قرار گرفت: معیارهای برازش مطلق (AFM)، معیارهای برازش افزایشـی (IFM)، و معیارهای برازش صـرفه (PFM). یک شـاخص برازش مطلق برای ارزیابی مسـتقیم اینکه مدل نظری پیشین چقدر با داده‌های نمونه برازش می‌کند؛ استفاده شد، و شاخص برازش افزایشی با مقایسه یک مدل هدف با یک مدل پایه نظری را ارزیابی کرد.

جدول ۵. تحلیل عاملی تأییدی کلی برای مدل اندازه گیری اصلاح شده

علائم ساختاری	شاخص و ساختار متغیرها	بارهای عاملی استاندارد (T-Value)	قابلیت اطمینان شاخص	واریانس استخراج شده و واریانس خطا
EX	انگیزه رانشی سفر	–	۰/۷۹	۰/۷۲
F3	آرامش	۰/۵۳ (۵/٦۷)	۰/۲۹	۰/٤۸
F5	با خانواده بودن	۰/٦۹ (٦/۳۷)	۰/٤٤	۰/٦۰
F7	ایمنی و سرگرمی	۰/٦۸ (۷/۳٦)	۰/٤٤	۰/۳۵
EX	انگیزه کششی سفر	–	۰/۸۸	۰/۷۱
F3	اندازه فضا و شرایط آب‌وهوای	۰/۸۷ (۱۰/٤۸)	۰/۸٦	۰/۰۷

علائم ساختاری	شاخص و ساختار متغیرها	بارهای عاملی استاندارد (T-Value)	قابلیت اطمینان شاخص	واریانس استخراج شده و واریانس خطا
F6	تمیزی و خرید	۰/٤۸ (۵/٤۰)	۰/۲٤	۰/۱۹
F7	زندگی شبانه و غذاهای محلی	۰/۸۳ (۹/۸۱)	۰/٦٤	۰/۳۸
ED	رضایت گردشگران	–	۰/۸۰	۰/۷٦
ED1	انتظار– عدم تأیید	۰/۸۳ (۱۰/۰۵)	۰/٦۳	۰/۵۸
ED2	ارزش دوباره دیدن	۰/۸۱ (۹/۷۷)	۰/٦۰	۰/۷۸
ED3	مقایسه با جاهای دیگر	۰/۷۵ (۸/۹۷)	۰/۵۳	۰/۷۹
EDE	وفاداری به مقصد		۰/۸۷	۰/۷۱
EDE1	توصیه به دوستان و بستگان	۰/۸۹ (۱۰/۷۱)	۰/۷۲	۰/۱٦
EDE2	احساس کلی برای بازدید مجدد	۰/۸۰ (۹/٦۳)	۰/٦۰	۰/۱٦

متغیر درونزا =ED؛ متغیر برونزا =EX

برای تشخیص اینکه آیا برازش مدل با برازش بیش از حد داده ها با ضرایب بیش از حد به دست آمده است یا خیر، از یک اندازه گیری برازش اصلاح شده، استفاده شد. در این مطالعه، هر سه نوع شاخص نیکویی برازش نشان داد که مدل اندازه‌گیری کلی از این نظر قابل قبول است که مدل پیشنهادی بر داده‌های جمع‌آوری‌شده با حجم نمونه ۱٦۸ تناسب دارد. شاخص تناسب0.95 = (GFI) ، ریشه میانگین مربع باقیمانده ۰/۰۳ = (RMSR) ، ریشه میانگین مربع خطای تقریب ۰/۰۳ = (RMSEA)، برازش تعدیل شده ۰/۹۱ = (AGFI)، شاخص تناسب غیر هنجاری ۰/۹٦ = (NNFI)، شاخص برازش هنجاردار ۰/۵۹ = (PNFI)، شاخص برازش مقایسه ای ۰/۹۷ = (CFI)، شاخص برازش افزایشی ۰/۹۷۹ = (IFI)، و شاخص برازش نسبی ۰/۸۵ = (RFI) (جدول ۵). پس از ارزیابی مدل کلی، روانسنجی خواص هر شاخص پنهان به طور جداگانه از طریق بررسی بارگذاری کاملا استاندارد شده، واریانس خطا، قابلیت اطمینان شاخص و واریانس استخراج شده مورد ارزیابی قرار گرفت. همانطور که در جدول ٤ مشاهده می شود، T-value مرتبط با هر یک از بارهای استاندارد شده از سطح بحرانی (۲/۵۸، p<0.05) فراتر رفت. پایایی شاخص هر پنج شاخص نزدیک بود و از سطح توصیه شده ۰/۷۰ (۰/٦۹، ۰/۸۸، ۰/۷۰ و ۰/۸۷) فراتر رفت. بنابراین می توان گفت که ویژگی های روانسنجی هر شاخص پنهان مربوطه، به ویژه برای هدف این پژوهش، قابل قبول است.

جدول ٦. شاخص های برازش برای مدل اندازه گیری اصلاح شده

اندازه‌گیری سازگاری قطعی				اندازه گیری سازگاری افزایشی			اقدامات سازگاری اندک			
χ^2	GFI	RMSR	RMSEA	NULL χ^2	AGFI	NNFI	PNFI	CFI	IFI	RFI
٤٣/٨٧ P =٠/١٧	٠/٩٥	٠/٠٣	٠/٠٣	٤٩٠/٤٣ ٥٥df	٠/٩١	٠/٩٦	٠/٥٩	٠/٩٧	٠/٩٧	٠/٨٥

۳. ۲. مدل معادلات ساختاری

پس از ارزیابی مدل اندازه‌گیری با یک مدل نظری اولیه با دو مسیر گاما و یک مسیر بتا مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که مجذور کای به شدت تحت تأثیر حجم نمونه قرار دارد (بولن و لانگ[1]، ۱۹۹۳). شاخص‌های خوبی از برازش برای کمک به ارزیابی مدل پیشنهاد شده‌اند (بیتنر[2]، ۱۹۹۰؛ جورسکوگ و سوربوم[3]، ۱۹۹٦). بررسی مدل نظری اولیه نشان داد که مقدار کای اسکوئر (٦٠/٨٢ با ٣٨ از DF) معنی دار نیست، اما سایر شاخص های برازش سطح کاملا قابل قبولی را نشان می دهد (IFI=٠/٩٤، CFI=٠/٩٣، PNFI=٠/٦٠، NNFI=٠/٩٠، AGFI=٠/٨٨، RMSR=٠/٠٥، GFI=٠/٩٣).

بنابراین، مدل نظری ممکن است کمتر شناسایی شود تا بتوان آن را بهبود بخشید. با بررسی شاخص‌های اصلاح، یک مسیر گامای مستقیم از انگیزه سفر رانشی و کششی تا وفاداری به مقصد شناسایی شد، اگرچه این روابطه در این مطالعه انتظار نمی‌رفت. با توجه به این اصلاح پیشنهادی، یک مسیر جدید برای مشاهده اینکه آیا مدل تجدید نظر شده با داده های مشاهده شده مطابقت دارد یا خیر، اضافه شد.

همانطور که در جدول ٦ ارائه شده است، مدل تجدید نظر شده که با سه مسیر گاما و دو مسیر بتا از چهار شاخص پنهان تخمین زده شده است، یک نتیجه غیرمعنادار آزمون کای اسکوئر را نشان داد (χ^2(٣٧)=٤٣/٨٥، p=٠/٢٠). نتایج شاخص‌های برازش الگوی مشابهی با مدل نظری اولیه نشان می‌دهد و همچنین برازش بهتری را برای همه معیارها نشان می‌دهد (IFI=٠/٩٧، CFI=٠/٩٧، PNFI=٠/٦١، NNFI=٠/٩٦، AGFI=٠/٩١، RMSR=٠/٠٣٠، GFI=٠/٩٥).

در نتیجه، بررسی همبستگی‌های چندگانه مجذور مدل ساختاری تجدیدنظر شده ۱۲ درصد از واریانس رضایت گردشگران را تبیین می‌کند و همچنین واریانس ٢٤ درصدی را در وفاداری مقصد نشان می‌دهد.

پس از ارزیابی مدل تجدید نظر شده،آزمون های متوالی تفاوت کای دو به عنوان آزمون‌های تعقیبی برای ارائه اطلاعات برازش متوالی انجام شد (اندرسون و گربینگ، ۱۹۸۸). نتایج سه آزمون تفاوت کای اسکوئر در جدول ۷ نشان داده شده است. دو آزمون کای اسکوئر انجام شده برای نشان دادن تفاوت بین مدل های اندازه گیری و نظری و همچنین مدل نظری و تجدید نظر شده در سطح ۰/۰۵ معنی دار هستند. آزمون مجذور کای تفاوت بین مدل تجدید

1. Bollen & Long
2. Bitner
3. Joreskog & Sorbom

نظر شـــده و مدل اندازه گیری نتیجه غیر معنی داری را نشـــان داد ($\chi^2(1)$=۰/۰۲، p=۰/۰۵)، که نشـــان می دهد مدل تجدید نظر شـده تفاوتی با مدل اندازه گیری ندارد. در نتیجه، مدل تجدید نظر شـده به عنوان یک مدل صـرفه‌جویی و همچنین بهترین مدل برای آزمایش مدل فرضی پیشنهادی در این مطالعه پذیرفته شد (هال، لن و تدلی[1]، ۱۹۹۱).

جدول ۷. معیارهای برازش مناسب برای مدل معادلات ساختاری

	اندازه‌گیری سازگاری قطعی				اندازه گیری سازگاری افزایشی			اقدامات سازگاری اندک			
	χ^2	GFI	RMSR	RMSEA	NULL χ^2	AGFI	NNFI	PNFI	CFI	IFI	RFI
مدل نظری	٦۰/۸۲ P=۰/۰۰	۰/۹۳	۰/۰۵	۰/۰٦	٤۹۳/٤۳	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/٦۰	۰/۹۳	۰/۹٤	۰/۸۰
مدل تجدید نظر شده	٤۳/۸۵ P=۰/۲۰	۰/۹۵	۰/۰۳	۰/۰۳	٤۹۳/٤۳	۰/۹۱	۰/۹٦	۰/٦۱	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۸۵

۳. ۳. یافته های روابط شاخص‌ها

مدل علّی ساختاری فرضی با مدل‌سازی معادلات ساختاری(SEM) ، که شامل آزمون مدل کلی و همچنین آزمون‌های فردی روابط بین شاخص‌های پنهان بود، مورد آزمایش قرار گرفت. همانطور که در شکل ۳ ارائه شده است، نتایج از رابطه بین رضایت و وفاداری به مقصـد در سـطح معنی داری ۰/۰۵ پشـتیبانی می کند. در نتیجه، وفاداری به مقصـد گردشـگری به طور مثبت تحت تأثیر رضـایت گردشـگران از تجارب آنها قرار می گیرد، همانطور که با ضـریب کاملا اسـتاندارد شـده ۰/٤۳ و ٤/٤۸ =T-value نشان می دهد. جالب توجه است که رضایت تحت تأثیر منفی انگیزه سفر (ضریب کاملاً استاندارد شده = ۰/٤۱- و ۲/۱۷-=t value) اسـت، که برعکس به منظور آزمایش پیشـنهاد شـد. با این حال، رابطه دیگری، که رضـایت گردشـگر تحت تأثیر انگیزه سفر رانشی قرار می‌گیرد، توسط داده‌ها پشتیبانی نمی‌شود که با نمره ضریب کاملاً استاندارد شده ۰/٦۷ و ۲/٥٤ =t-value نشان داده شـده اسـت. در نهایت، رابطه مسیر پیشـنهادی جدید از انگیزه سـفر رانشـی و کشـشـی به ترتیب تا وفاداری به مقصـد، نتیجه قابل‌توجهی را نشان می‌دهد که با ضـریب کاملاً اسـتاندارد شـده ۰/۵۱ و همچنین مقدارT ، ۲/۲۰۵؛ ضـریب کاملاً اسـتاندارد شـده ۰/٦٤ و همچنین مقدار T، ۲/٥٤۲ نشـان داده می‌شـود. بنابراین، انگیزه رانشـی و کشـشـی سـفر رابطه مسـتقیم مثبتی با وفاداری به مقصد دارند.

جدول ۸. آزمون مجذور کای متوالی مقایسه مدل

مقایسه مدل	تفاوت درجه آزادی	تفاوت کای‌دو	P-Value
مدل اندازه گیری در مقابل مدل نظری	۲	۱٦/۹۵	<۰/۰۵
مدل نظری در مقابل مدل تجدید نظر شده	۱	۱٦/۹۷	<۰/۰۵
مدل تجدید نظر شده در مقابل مدل اندازه گیری	۱	۰/۰۲	>۰/۰۵

1. Hull, Lehn, & Tedlie

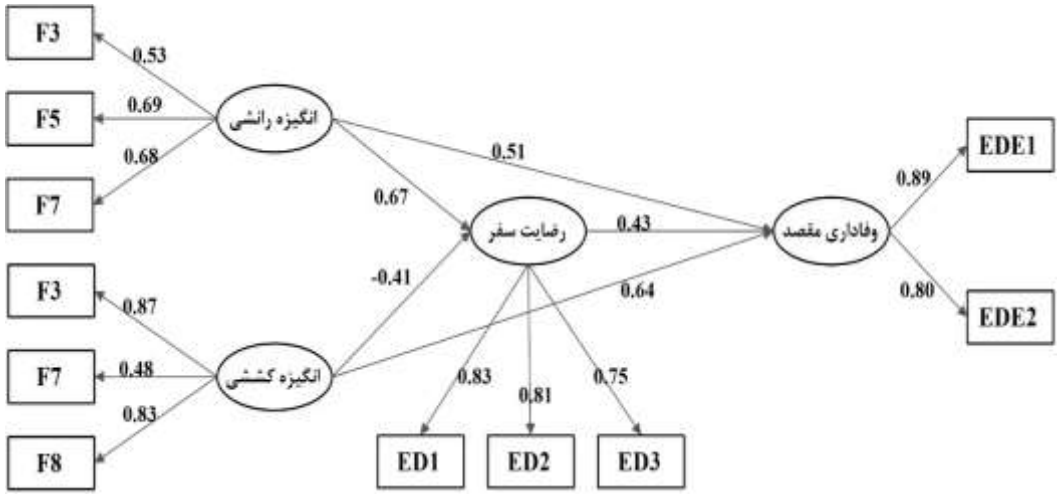

شکل ۲. نتایج آزمون مدل فرضی

٤. بحث

اندازه‌گیری‌های منحصربه‌فرد و اعتبار متمایز رضایت و وفاداری مقصد تأیید شده‌اند. بنابراین می توان گفت که این دو مفهوم متمایز و مستقل از یکدیگر هستند. همچنین می‌توان پیشنهاد کرد که یک رویکرد یکپارچه و/یا همزمان برای اندازه‌گیری رضایت گردشگران با موارد «انتظار- عدم تأیید»، «ارزش دوباره دیدن» و «مقایسه با جاهای دیگر» مطلوب است. در نهلیت، این مطالعه از این لیده حملیت می کند که نظریه کلی وفاداری گردشگر می تولند برای وفاداری گردشگران به مقاصد گردشگری اعمال شود. بنابراین، مدیران مقصد می توانند رفتار گردشگران پس از بازدید را تخمین بزنند و این اطلاعات را در تصمیم گیری خود در نظر بگیرند.

یافته‌های آزمایش مدل پیشنهادی پیامدهایی برای موفقیت مقاصد گردشگری دارد. به منظور بهبود رضایت از تجارب سفر، مدیران مقصد باید انگیزه‌های کششی را که مربوط به منابع خارجی از جمله ویژگی‌های مقصد است، در نظر بگیرند. جاذبه‌ها و فعالیت‌های مقصد مناسب باید تخصیص داده شوند و به گردشگران ارائه شوند، تا رقابت‌پذیری مقصد افزایش یابد. همچنین مدیران مقصد باید نقش انگیزه‌های رانشی و رابطه مثبت آنها با وفاداری به مقصد را در نظر بگیرند. این نشان می دهد که منابع داخلی انگیزه گردشگران بر وفاداری به مقصد آنها تأثیر می‌گذارد، که شامل بازدید مجدد از مقاصد و توصیه آنها به دیگران است. بنابراین، مدیران مقصد باید بیشتر بر احساسات عاطفی گردشگران تمرکز کنند تا وفاداری به مقصد را افزایش دهند. در نهایت، به طور شهودی می‌توان فرض کرد که اگر گردشگران از تجربیات سفر خود راضی باشند، مایلند از مقاصد بازدید کرده و آن‌ها را به افراد دیگر توصیه کنند. این مطالعه شواهد تجربی را در حمایت از این پژوهش ارائه می دهد، به این صورت که رابطه بسیار معنی داری بین این دو شاخص وجود دارد. به عبارت دیگر، رضایت به طور مستقیم بر وفاداری مقصد در جهت مثبت تأثیر می گذارد. همچنین، رضایت به عنوان یک شاخص میانجی بین انگیزه‌های رانشی و کششی سفر و وفاداری به مقصد تعیین شده است.

نتایج تحقیق با سو[1] و همکاران (۲۰۲۰)، که معتقد بودند انگیزه، تأثیرات قابل توجهی بر تعامل بازدیدکننده، تجربه بازدیدکننده و تصویر مقصد داشت که به نوبه خود منجر به رضایت گردشگران شد، همسو می‌باشد. همچنین با تحقیق بایه و سینگ[2] (۲۰۲۰)، که معتقد بودند؛ که هر دو انگیزه رانشی و کششی، پیش‌بینی‌کننده‌های قابل‌توجهی برای رضایت کلی هستند، همسو می‌باشد. در نهایت نتایج تحقیق با تحقیق رامسئوک–منهورون[3] و همکاران (۲۰۱۵)، آزمایش تجربی سازه‌های پژوهش بر رضایت گردشگر تأثیر می‌گذارد و به نوبه خود بر وفاداری گردشگر تأثیر می‌گذارد، همسو می‌باشد.

این پژوهش از منظر بررسی عوامل مرتبط با مقصد گردشگر با تحقیقات مذکور همپوشانی دارد، اما نکته قابل توجه و متفاوت این پژوهش که در هیچ یک از تحقیقات پیشین به آن اشاره نشده است. بررسی تأثیر انگیزه‌های رانشی و کششی مقصد گردشگر به طور همزمان بر روی رضایت و وفاداری گردشگر نسبت به مقصد می‌باشد که با توجه به اینکه شهر رشت یکی از کلان‌شهرهای گردشگرپذیر در شمال کشور در طول سال می‌باشد. بنابراین، پرداختن به این موضوع در پژوهش‌های آتی می‌تواند به بررسی انگیزه گردشگران از سوی مسئولان ذیربط برای برنامه‌ریزی مناسب در جهت جلب توجه گردشگران به منظور انتخاب این شهر به عنوان مقصد گردگشری، مورد توجه قرار گیرد.

۵. نتیجه‌گیری

رضایت و وفاداری مقصد به طور همزمان نیز نتایج قابل قبول ارائه کرده‌اند. اگرچه در ادبیات، شاخص‌ها و مفاهیم فردی قابل‌توجهی از سوی محققان و دست اندرکاران گردشگری ارائه شده است و روابط علی بین شاخص‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است. اعتقاد بر این است که این مطالعه قابلیت قابل توجهی برای ایجاد کاربردهای دقیق‌تری در رابطه با رفتار مقصد، به ویژه در مورد انگیزه، رضایت و وفاداری به مقصد ارائه می‌کند.

یافته‌های اصلی این مطالعه پیامدهای مدیریتی قابل توجهی برای شهر رشت دارد. اول از همه، تجزیه و تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که گردشگران هشت انگیزه مختلف رانشی را دنبال می‌کنند و ده انگیزه کششی متفاوت دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که بازاریابان گردشگری مقصد، پیامدهای عملی متغیرهای انگیزشی را در نظر بگیرند، زیرا می‌توانند عوامل اساسی در افزایش رضایت از خدمات و محصولات مقصد و همچنین افزایش وفاداری مقصد باشند. دوم، تجزیه و تحلیل عامل تأییدی نشان داد؛ اگر هر شاخص ویژگی‌های اصلی خود را حفظ کند، انگیزه‌های رانشی و کششی تا حد زیادی در تعدادی قابل اعتماد و مناسب می‌توانند برای اندازه‌گیری این شاخص‌ها استفاده شوند، کاهش می‌یابد. اگر این یافته‌ها از یک تحقیق تجربی منتج شوند، محققان و متخصصان گردشگری باید بدانند که نیاز به مطالعات بیشتر برای توسعه مقیاس‌های اندازه‌گیری مؤثرتر برای ارزیابی چنین شاخص‌هایی وجود دارد.

1. Su
2. Bayih & Singh
3. Ramseook-Munhurrun

این نشان می‌دهد که، گردشگران ممکن است انگیزه‌های متفاوتی داشته باشند و واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دهند، مقیاس‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری سازگار باید بررسی و اصلاح شوند. این مطالعه نشان می دهد که مدیران مقصد باید به آرامش گردشگران، کنار هم بودن خانواده، و ایمنی و تفریح توجه کنند، تا انگیزه های درونی گردشگران برای سفر به شهر رشت را جلب کنند.

در نتیجه، مدیران مقصد باید سطح رضایت گردشگران بالاتری را برای ایجاد رفتار مثبت گردشگران پس از خرید، به منظور بهبود و حفظ رقابت‌پذیری مقصد ایجاد کنند. همچنین می توان نتیجه گرفت که وفاداری به مقصد گردشگری با انگیزه و رضایت رابطه علّی دارد. علاوه بر این، انگیزه رانشی و انگیزه کششی، وفاداری مقصد را تعیین می‌کنند. این مطالعه وجود رابطه مهم بین انگیزه‌های رانشی/کشش و وفاداری به مقصد را آشکار و تأیید کرد. این یافته نشان می‌دهد که برای مدیران مقصد ارزشمند است که سرمایه گذاری بیشتری در منابع مقصد گردشگری خود انجام دهند تا به افزایش تجارب ادامه دهند. در نهلیت، چندین موضوع مرتبط با محدودیت‌های این مطالعه وجود دارد که باید برای ارائه راهنمایی تحقیقات آتی مورد بحث قرار گیرد. مدل این مطالعه در یک محیط خاص در شهر رشت، مورد بررسی قرار گرفته است. تعمیم مدل، با تکرار این مطالعه؛ که دارای ویژگی های مقصد متفاوتی هستند، پیشنهاد می‌شود. می‌تواند فرصتی برای ارزیابی میزان و جهت انگیزه گردشگران را فراهم کند زیرا بازدیدکنندگان درجاتی از رضایت را به وفاداری مقصد مرتبط می‌دانند. استفاده از مدل در پژوهش‌های دیگر به تولید شاخص‌های قابل اعتماد و اعتبار بیشتر شاخص‌ها کمک می‌کند، بنابراین، مدلی قوی‌تر و پایدارتر تولید می‌کند.

کتاب نامه

۱. پیرس، ف. ل. (۱۳۹۱). رفتار گردشگر: *بن‌مایه‌ها و طرح‌های مفهومی، ترجمه حمید ضرغامی بروجنی (چاپ دوم).* تهرانک مهکامه.

۲. خوارزمی، ا.ع.، و ابراهیمی، ل. (۱۳۹۶). تحلیل تأثیر تصویر مقصد بر وفاداری گردشگران(مطالعهٔ موردی :شهر تبریز). *جغرافیا و توسعه فضای شهری، ٤*(۱)، ۵۷-۷۵.

۳. رنجبریان، ب.، امامی، ع.ر.، و غفاری، م. (۱۳۹۳). *رفتار مصرف‌کننده در گردشگری.* تهران: انتشارات مهکامه.

۴. صفدری، ا.، رمضانزاده لسبوئی، م.، و حسن زال، م. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه بین انگیزه های رانشی شهر تهران و انتخاب مقاصد گردشگری (مطالعه موردی: نواحی روستایی رودبار قصران، تهران). *کنگره ملی مدیریت و برنامه ریزی شهری نوین.*

۵. طیب‌نیا، س.ه. (۱۳۹۹). تحلیل تأثیر عوامل مؤثر بر رضایت گردشگران در شهرهای مرزی غرب ایران (مطالعه موردی :شهر مریوان، استان کردستان). *جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۷*(۲)، ۱۶۹-۱۸۶.

۶. عربشاهی، م.، بهبودی، ا.، و کشفی، م.ا. (۱۳۹۶). تحلیل نقش عوامل رانشی و کششی در توسعه گردشگری مذهبی در شهر مقدس قم. *گردشگری و توسعه، ٦*(۳)، ۵۸-۷۹.

۷. مودودی ارخودی، م.، غلامی، ی. (۱۳۹۸). تبیین مدل انگیزه گردشگران با استفاده از مدلسازی ساختاری در شهر طرقبه. *برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۹(٤)، ٦٧-۸۲.

۸. مودودی‌ارخودی، م.، فردوسی، س.، و نجفی ارخودی، ع. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر وفاداری و ماندگاری گردشگران در هتل‌ها(مطالعه موردی: هتلهای پنج ستاره شهر مشهد). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ٦(۱)، ۲۰۷-۲۲۲.

۹. یعقوب‌زاده، ر. (۱۳۹۳). *گونه شناسی گردشگری، ارائه چارچوبی برای تقسیم بندی انواع گردشگری*. تهران: نشرجامعه شناسان.

10. Abubakar, A. M., Shneikat, B. H. T., & Oday, A. (2014). Motivational factors for educational tourism: A case study in Northern Cyprus. *Tourism Management Perspectives*, *11*, 58-62.
11. Anderson, J., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychological Bulletin*, *13*, 411–423.
12. Baloglu, S. (2001). An investigation of a loyalty typology and the multidestination loyalty of international travelers. *Tourism Analysis*, *6*(1), 41–52.
13. Bastida, U., & Huan, T. C. (2014). Performance evaluation of tourism websites' information quality of four global destination brands: Beijing, Hong Kong, Shanghai, and Taipei. *Journal of Business Research*, *67*(2), 167-170.
14. Battour, M., Ismail, M. N., Battor, M., & Awais, M. (2014). Islamic tourism: an empirical examination of travel motivation and satisfaction in Malaysia. *Current Issues in Tourism*, *20*(1), 50-67.
15. Bernini, C., & Cracolici, M. F. (2015). Demographic change, tourism expenditure and life cycle behaviour. *Tourism Management*, *47*, 191-205.
16. Bitner, M. J. (1990). Evaluating service encounter: The effects of physical surroundings and employee responses. *Journal of Marketing*, *54*, 69–82.
17. Bollen, K. A., & Long, J. S. (1993). *Testing structural equation models*. Newbury Park: Sage Publications, International Education and Professional Publisher.
18. Caber, M., Albayrak, T., (2016). Push or pull? Identifying rock climbing tourists' motivations, Tourism Management, New Zealand, *55*, 74-84.
19. Cai, W., Cohen, S. A., & Tribe, J. (2019). Harmony rules in Chinese backpacker groups. *Annals of Tourism Research*, *75*, 120-130.
20. Crompton, J. L., & McKay, S. L. (1997). Motives of visitors attending festival events. *Annals of tourism research*, *24*(2), 425-439.
21. Dawes, J. (2022). Factors that influence manufacturer and store brand behavioral loyalty. *Journal of Retailing and Consumer Services*, *68*, 10-30.
22. Fodness, D. (1994). Measuring tourist motivation. *Annals of Tourism Research*, 21(3), 555-581.
23. Hair, J., Ringle, C. and Sarstedt, M. (2011) PLS-SEM: Indeed a Silver Bullet. *Journal of Marketing Theory and Practice*, *19*, 139-151.
24. Hernández-Rojas, R. D., Huete-Alcocer, N., Hidalgo-Fernández, A. (2022). Analysis of the impact of traditional gastronomy on loyalty to a world heritage destination. *International Journal of Gastronomy and Food Science*, *30*, 1-15.
25. Hosany, S., & Prayag, G. (2013). Patterns of tourists' emotional responses, satisfaction, and intention to recommend. *Journal of Business Research*, *66*(6), 730– 737.
26. Hsu, C., Lee, W., Chen, W., (2017). How to catch their attention? Taiwanese flashpackers inferring their travel motivation from personal development and travel experience, *Asia Pac. J. Tourism Research, UK*, *22*, 117–130.

27. Hull, J. G., Lehn, D. A., & Tedlie, J. C. (1991). A general approach to testing multifaceted personality construct. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 932–945.
28. Hultman, M., Skarmeas, D., Oghazi, P., & Beheshti, H. M. (2015). Achieving tourist loyalty through destination personality, satisfaction, and identification. *Journal of Business Research, 68*(11), 2227–2231.
29. Joreskog, K., & Sorbom, D. (1996). *LISREL 8: User's reference guide*. Chicago, IL: Scientific Software International.
30. Kim, W. G., Li, J. J., & Brymer, R. A. (2016). The impact of social media reviews on restaurant performance: The moderating role of excellence certificate. International *Journal of Hospitality Management*, *55*, 41-51.
31. Kozak, M., & Rimmington, M. (2000). Tourist satisfaction with Mallorca, Spain, as an offseason holiday destination. *Journal of Travel Research*, *38*(1), 260– 269.
32. Kreiner, N. C., Shmueli, D. F., & Gal, M. B. (2015). Understanding conflicts at religious-tourism sites: The Baha'i World Center, Israel. *Tourism Management Perspectives*, *16*, 228-236.
33. Lee, S., Chua, B., Han, H., (2017). Role of service encounter and physical environment performances, novelty, satisfaction, and affective commitment in generating cruise passenger loyalty, *Asia Pac. J. Tour. Res, UK*, *22*, 131–146.
34. Michels, N., & Bowen, D. (2005). The relevance of retail loyalty, strategy and practice for leisure and tourism. *Journal of Vacation Marketing*, *11*(1), 5–19.
35. Mohamad, M., Ali, N. A. M., Ab Ghani, N. I., Halim, M. S. A., & Loganathan, N. (2015). Effects of the Malaysian Travel Destination Brand Image on Tourist Satisfaction and Destination Loyalty. *American-Eurasian J. Agric. & Environ. Sci.(Tourism & Environment, Social and Management Sciences)*, *15*(nil), 61-72.
36. Oliver, R. L. (1997). *Satisfaction: A behavioral perspective on the consumer*. New York: McGraw-Hill.
37. Oppermann, M. (2000). Tourism destination loyalty. *Journal of Travel Research*, *39*(1), 78–84.
38. Prayag, G. (2009). Tourists' evaluations of destination image, satisfaction, and future behavioral intentions: The case of Mauritius. *Journal of Travel and Tourism Marketing*, *26*(8), 836–853.
39. Prayag, G. (2012). Senior travelers‟ motivations and future behavioral intentions: The case of nice. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, *29*, 665-681.
40. Sangpikul, A. (2008). Travel motivations of Japanese senior travelers to Thailand. *International Journal of Tourism Research*, *10*, 81-94.
41. Shinde, K. A. (2012). Place-making and environmental change in a Hindu pilgrimage site in India. *Geoforum*, *43*, 116-127.
42. Tóth, G., & Dávid, L. (2010). Tourism and accessibility: An integrated approach. *Applied Geography*, *30*, 666-677.
43. Wang, J., Wang, G., Zhang, J., & Wang, X. (2021). Interpreting disaster: How interpretation types predict tourist satisfaction and loyalty to dark tourism sites. *Journal of Destination Marketing & Management*, 22.
44. Wang, W., Chen, J. S., & Huang, K. (2015). Religious Tourist Motivation in Buddhist Mountain: The Case from China. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, *21*(1), 57-72.
45. Yousefi, M., & Marzuki, A. (2015). An Analysis of Push and Pull Motivational Factors of International Tourists to Penang, Malaysia. *International Journal of Hospitality & Tourism Administration*, *16*, 40-56.
46. Zhang, H., Fu, X., Cai, L. A., & Lu, L. (2014). Destination image and tourist loyalty: A meta-analysis. *Tourism Management*, *40*, 213-223.

47. Zou, W., Wei, W., Ding, S., & Xue, J. (2022). The relationship between place attachment and tourist loyalty: A meta-analysis. *Tourism Management Perspectives*, 43.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

سنجش معیارهای اکولوژی شهری در بناهای بلندمرتبه مشهد برپایه استاندارد بین‌المللی HQE[1]

فرزانه رزاقیان (عضو هیات علمی گروه توسعه پایدار شهری و منطقه ای جهاددانشگاهی خراسان رضوی، دانش آموخته دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

razaghian@acecr.ac.ir

محمدرحیم رهنما (دکتری برنامه ریزی شهری، استاد گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

rahnama@ferdowsi.um.ac.ir

محمد اجزاء شکوهی (دکتری برنامه ریزی شهری، دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

shokouhim@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ١٤٠١/١١/٢٣ تاریخ تصویب: ١٤٠٢/٠٣/٢٤

صص ١٣١-١١٣

DOI: 10.22067/jgusd.2023.42583.0

مقالهٔ علمی - پژوهشی

چکیده

روند رو به افزایش و تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش ساخت بلندمرتبه‌ها در کلانشهر مشهد، منجر به ساخت بلندمرتبه‌هایی شده که فاقد هرگونه ضوابط و معیارهای اکولوژیک می‌باشد. این مقاله با هدف بهینه سازی مصرف انرژی و بهبود وضعیت ساخت در بخش بلندمرتبه سازی، بااستفاده از نظریه شهراکولوژیک، شاخص های ساختمان سبز بلندمرتبه را در سه نمونه ساختمان بلندمرتبه در مشهد تعیین می‌نماید. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و اطلاعات مورد نیاز به دو صورت اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌است. لذا ١٤ هدف خرد در قالب چهار گروه اهداف و دو گروه عمده محیط پیرامونی و درونی ارزیابی و امتیاز کسب شده نهایی نشان دهنده وضعیت اکولوژیک بنا می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد اصول طراحی اکولوژیک در هیچ کدام از برج ها رعایت نشده و تنها برخی از موارد استاندارد HQE در این بناها اجرا گردیده، که باتوجه به مصاحبه های انجام گرفته با گروه سازندگان مشخص گردید که با هدف ایجاد تمایز در بنا و گرانتر فروختن برج‌ها می‌باشد، نه به دلیل رعایت اصول اکولوژیک و لذا فرضیه تحقیق تایید گردید. درنهایت آگاه سازی مدیران شهری و گروه سازندگان به ضرورت توجه به اصول شهر اکولوژیک و تصویب قوانین ملاک عمل در ساخت و همچنین اعمال ضابطه های تشویقی برای رعایت کنندگان آیین نامه ها، از پیشنهادات این مقاله می‌باشد.

کلیدواژه ها: تفکر اکولوژیکی، ساختمان بلندمرتبه، شاخص HQE، مشهد.

---

١. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان " تحلیل ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی با تاکید بر نظریه شهر اکولوژیک در حوزه جنوب غرب کلانشهر مشهد" در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

۱. مقدمه

چنانچه بخواهیم نسبت به محیط زیست، فرهنگ و اقتصاد در بلند مدت توجهِ کافی نشان داده، سیستم‌هایی را که سلامت و در نهایت بقای ما به آنها وابسته است به صورت مناسب سر و سامان دهیم باید تغییری اساسی در الگوی برنامه‌ریزی ما صورت گیرد(رهنما و رزاقیان[1]، ۲۰۱۲) لذا مشخصه متمایز برنامه ریزی و طراحی شهری در هزاره سوم میلادی، برنامه ریزی بر مبنای همگامی با طبیعت و رعایت اصول توسعه پایدار در کلیه فعالیتهای مربوط به مسایل شهری است (پیرس[2] و همکاران، ۱۹۸۹)

در این میان نظریه شهر اکولوژیک پاسخی به بسیاری از نیازهای برنامه‌ریزی شهری نوین می‌باشد. دیدگاه ریجیستر در مورد شهر اکولوژیک، پیشنهادی است در مورد ساخت شهر که مانند سیستم زندگی بوسیله الگوی کاربری زمین، کالبد سالم کل شهر را حمایت کند، تنوع زیستی را افزایش دهد، و با بکارگیری الگوهای تکامل و پایداری در نقش‌های شهر تنوع ایجاد کند. راهبردهایی به منظور مدیریت این تعادل که شامل بلندمرتبه سازی به جای گسترش شهر به بیرون، ارائه انگیزه‌های قوی در جهت کاهش استفاده از اتومبیل، بکارگیری انرژی تجدیدپذیر و ابزارهای سبز در جهت ایجاد شهر خودکفا است، بکار گرفته شده‌است. (وونگ و یوئن[3]، ۲۰۱۱). از نمونه شهرهای اکولوژیک می‌توان به شهرهای سینو سنگاپور، شنزن و تیانجین در چین اشاره کرد (کریم زاده و شهریاری، ۱۳۹۰،ص.۳۸).

بنابراین ایده شهر فشرده که از الزامات شهر اکولوژیک است، مستلزم ساخت در ارتفاع و تغییر الگوی ساخت‌وساز شهری می‌باشد (عادلی و سردره، ۱۳۹۰،ص.۵۱). با توجه به این اصول در بحث ساختمان سازی، ساخت بلندمرتبه‌ها با تاکید بر اصول اکولوژیک و به صورت کاربری‌های ترکیبی، توجیه می شود (رزاقیان و توانگر، ۱۳۹۱،ص.۸۵). در همین راستا از مهمترین استانداردهایی که مورد تایید جامعه بین الملل می‌باشد می‌توان به استاندارد بین المللی پایدار HQE[4] به معنای "کیفیت بالای زیست‌محیطی" اشاره کرد (یودلسون[5]، ۲۰۰۹). HQE شاخص بررسی میزان اکولوژیک ساختمان بر اساس استانداردهای فرانسوی است (کوبا[6]، ۲۰۰۹). HQE در واقع استانداردی است اختیاری برای توسعه ساختمان‌های کارا و پایدار که هدف آن ترویج بناهایی است که به لحاظ محیطی پاسخگو و سودمند، و مکانی سالم برای زندگی و کار به شمار آیند (انجمن شهرسازی امریکا، ۱۳۸۷،ص.۳۲۰). شاخصHQE در واقع به دنبال ایجاد تعادل میان تاثیرگازهای گلخانه‌ای و محدودیت منابع از یک سو و خواست کاربران برای آسایش و امنیت از دیگر سو است (قلعه نویی، ۱۳۹۰،ص.۱۲۵).

1. Razzaghian & Rahnama
2. Pearce
3. Wong & Yuen
4. Haute Qualite Environmentale اصطلاح فرانسوی
5. Yudelson
6. Kubba

در همین راستا نهضت اکولوژیک در بسیاری از کشورها از جمله امریکا، سنگاپور، چین، آلمان، انگلستان، کره جنوبی و ترکیه در صدر سیاست گذاری‌ها قرار گرفت (وونگ[1]،۲۰۱۱). از آن جمله می توان به کشور آلمان اشاره کرد که بهره وری انرژی را با استفاده از قانون استفاده از انرژی های تجدید پذیر تا حد بالایی افزایش داده است. مطالعات فراوانی در زمینه نظریه شهر اکولوژیک صورت گرفته، به عنوان مثال وونگ و یوئن در سال ۲۰۱۱ راهبردهایی در زمینه جنبش شهرسازی و شهر اکولوژیک در جهان امروزی ارائه دادند و به دیدگاه‌های مختلف در زمینه شهر اکولوژیک، چگونگی ورود شهرها به عصر اکولوژیک و طراحی پایدار شهری پرداختند. راپوپورت و ورنای در سال ۲۰۱۱ شش پروژه شهر اکولوژیک مختلف را مورد بررسی قرار داده و هدف از این تحقیق را شناسایی کاربردهای گوناگون اصطلاح شهر اکولوژیک بیان داشتند. مایکل بایر و همکاران در سال ۲۰۰۹ ایده اصلی ساختمان سبز را در کل عمر بنا بیان می‌کنند، به عقیده آنها ساختمان سبز از طرح اولیه در ذهن طراح تا آخرین محله اجرا و نظارت توسط سازندگان و سپس توسط بهره برداران، ادامه دار است. رزاقیان و رهنما در مقاله ای در سال ۱۳۹۹، بر اساس یکی از استانداردهای بین المللی ساختمان سبز، کاربری مسکونی در بلندمرتبه‌های مناطق ۹ و ۱۱ شهرداری مشهد را بررسی نموده و نتایج نشان داد این برج‌ها به هیچ عنوان اکولوژیک نبوده و مصرف آب و انرژی بسیار بالایی دارند. عثمان آتمن در سال ۱۳۹۳ در کتاب خود موضوعات ساختمان سبز و اصول ساخت بر پایه سامانه‌های ارزیابی بین‌المللی ساختمان سبز را در قالب مکاتب علمی معماری پاک از جمله معماری پایدار، معماری اکولوژیک و معماری سبز بیان می‌کند. همچنین نمونه‌هایی از ساختمان‌های سبز توضیح داده شده‌اند. محمود قلعه نوی در مقاله‌ای در سال ۱۳۹۰ یک ساختمان سه طبقه مسکونی را در منطقه پنج اصفهان بر پایه یکی از سامانه‌های ارزیابی بین‌المللی ساختمان سبز بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد ساختمان مورد مطالعه فقط در گروه اهداف مربوط به بهداشت، امتیاز بیش از متوسط را به دست آورده و در سه گروه اهداف دیگر امتیاز مطلوبی را به دست نمی‌آورد. در یک گزارش پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ توسط روح اله نمکی انجام گردید، فرایند سبز شدن یک بنا به گونه‌ای مطرح شد که تمامی موضوعات به یکدیگر وابسته بوده و شهر فراتر از مجموعه ساختمان‌هاست، در واقع شهر سیستم‌ها و زیرسیستم‌های در حال تعامل مختلف را در خود جای داده است که با توجه به هر کدام می‌توان آینده شهر را پیش‌بینی نمود.

بانگاهی کلی به تحقیقات انجام گرفته مشخص می‌گردد که معماری پایدار قصد دارد تا با نیازهای آینده روبرو شود. در مورد ساختمان‌ها، طراحی پایدار به کارایی منابع، انرژی حداقل، انعطاف پذیری و عمر طولانی اشاره می‌کند (راجرز[2]،۲۰۰۷).

از سویی سطح وسیع ساخت‌وسازها در انواع ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر مشهد نشان از پویایی، رشد سریع و تمایل به سرمایه‌گذاری داشته و باعث شده شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر کشور پس از تهران در این گونه

1. Wong
2. Rogers

ساخت‌وسازها پیشتاز باشد. موج بلندمرتبه سازی که در دهه اخیر کلانشهرهای ایران از جمله مشهد را فراگرفته، باعث شده در کمتر از یک دهه بیش از ٤٠ ساختمان بلندمرتبه در جای جای شهر مشهد بصورت پراکنده و نه منسجم ساخته شوند که روند ساخت آنها در سالهای اخیر رو به افزایش بوده است.

درخواست افزایش تراکم ساختمانی از سوی سازندگان برای ساخت برج های بلندمرتبه بجای ساخت ساختمان‌های ٦ و ٧ سقف بر اساس طرح‌های تفصیلی ملاک عمل در شهر مشهد، نشان از قیمت بالای زمین و توجیه ساخت اینگونه بناها دارد و بنابراین برج‌های لوکس ساخته‌شده حتی در مواردی تا ٥ برابر قیمت آپارتمان‌های معمولی در همان منطقه به فروش می‌رسند. روند حاکم بر افزایش ساخت و ساز در این بخش می‌تواند مشکلات عدیده‌ای همچون مصرف بی‌رویه انرژی، کمبود زیرساخت مطلوب، ایجاد انواع آلودگی ها و ... ایجاد نماید.

اما سوال اساسی این تحقیق براین اساس است که شاخص های طراحی ساختمان اکولوژیک چیست و چگونه می‌توان روند حاکم بر ساخت این گونه بناها را در شهر مشهد، بر پایه اصول اکولوژیک همراستا نمود. بنابراین در این مقاله با هدف بهینه سازی مصرف انرژی و بهبود وضعیت ساخت در بخش بلندمرتبه سازی، بااستفاده از نظریه شهراکولوژیک، شاخص های ساختمان سبز بلندمرتبه از طریق مقایسهٔ آن با سه ساختمان بلندمرتبه نمونه در شهر مشهدکه همگی از برج های بنام و معروف و در قالب کاربری‌های متفاوت و در مناطق مختلف شهری با طرح های تفصیلی متفاوت هستند، چشم‌انداز تفکر اکولوژیکی را تا حدی در وضع موجود روشن کند. فرضیه اساسی این تحقیق نیز مبنی بر احتمال عدم وجود تفکر و چشم‌انداز اکولوژیک در ساخت بلندمرتبه‌های شهر مشهد می‌باشد.

۲. روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی و هدف آن بهینه سازی مصرف انرژی و بهبود وضعیت ساخت در بخش بلندمرتبه سازی از طریق اصول ساختمان اکولوژیک و بررسی وضعیت موجود این نوع بنا در شهر مشهد می‌باشد. فرضیه تحقیق از نوع کیفی و مبنی بر احتمال عدم رعایت اصول برنامه‌ریزی و طراحی اکولوژیک در بلندمرتبه‌های مشهد است و مقاله به مقایسه وضع موجود با معیارهای ارزیابی استاندارد HQE می‌پردازد.

منابع علمی داخلی و خارجی و مقررات ملی ساختمان، ابزارهای گردآوری اطلاعات بوده و روش مورد استفاده، استاندارد بین المللی HQE به معنای "کیفیت بالای زیست‌محیطی" است

در نهایت پس از دسته بندی دو محیط بیرونی و درونی و ٤ گروه اهداف ساخت اکولوژیک، مدیریت اکولوژیک، اهداف مربوط به آسایش و بهداشت ، ١٤ هدف خرد و ٤٠ شاخص طبق جدول ١ تعیین شده است.

جدول ۱. شاخص‌های ارزیابی ساختمان‌های بلندمرتبه اکولوژیک

دسته بندی	گروه اهداف	اهداف خرد	شاخص ها
دسته اول (کنترل پیامدها مرتبط با محیط پیرامون): فرصتها و تهدیدها	گروه اول: ساخت اکولوژیک	۱. ارتباط هماهنگ (هارمونیک) ساختمان با محیط پیرامون خود	۱. تدابیر جهت بهره‌گیری از انرژی خورشیدی (سطوح فتوولتائیک و ...)
			۲. هماهنگی سبزینگی با اقلیم(سایه اندازی، مصرف آب و ...)
			۳. تناسب فرم ساختمان با اقلیم (بافت فشرده، باز و ...)
			٤. بهره‌گیری از سطوح سبز بیرونی
		۲. انتخاب مصالح و فراورده‌های ساخت متناسب و بومی	۵. استفاده از مصالح بومی
			٦. ضریب نفوذپذیری سطوح در برابر آب
			۷. مصالح قابل بازیافت پس از دوره استفاده از ساختمان
		۳. کارگاه ساختمانی با مزاحمت حداقل	۸. اقدامات انجام شده برای کاهش مزاحمت صوتی در زمان ساخت
			۹. اقدامات انجام شده برای کاهش مزاحمت بصری در زمان ساخت
			۱۰. اقدامات انجام شده برای کاهش مزاحمت کارکردی(ترافیک و ...)
	گروه دوم: مدیریت اکولوژیک	٤. مدیریت انرژی	۱۱. کیفیت در برابر پرت حرارتی
			۱۲. استفاده از کنتور گاز مشترک
			۱۳. استفاده از کنتور برق مشترک
			۱٤. استفاده از پوسته‌های عایق حرارتی
		۵. مدیریت آب	۱۵. استفاده از کنتور آب مشترک
			۱٦. بازیافت آب باران
			۱۷. تفکیک آب تصفیه شده و نشده(جهت آبیاری، شستشوی اتومبیل و ...)
		٦. مدیریت پسماندهای حاصل از فعالیت ها	۱۸. میزان تفکیک زباله
			۱۹. تفکیک زباله های شیمیایی
		۷. مدیریت حفظ و نگهداری ساختمان	۲۰. انعطاف پذیری ساختمان در برابر تغییر کاربری احتمالی
			۲۱. انعطاف پذیری ساختمان برای دگرگونی و تغییرات فنی
			۲۲. مقاومت در برابر زلزله
دسته دوم (آفرینش محیط درونی دلپذیر): قوت‌ها و ضعف‌ها	گروه سوم: مربوط به آسایش	۸. آسایش از لحاظ دما و رطوبت	۲۳. سیستم کنترل رطوبت
			۲٤. دارا بودن سیستم ترموستات برای گرمایش
			۲۵. دارا بودن سیستم هوشمند نشت یابی
		۹. آسایش صوتی	۲٦. استفاده از سیستم عایق صوتی(شیشه دوجداره و ...)
			۲۷. تناسب قرارگیری فضاهای خصوصی و سایر فضاها از نظر صوتی
		۱۰. آسایش بصری	۲۸. رعایت نکات ضروری جهت محرمیت
			۲۹. فراهم سازی چشم‌انداز و دید مناسب برای ساکنان
			۳۰. تعداد فضاهای استفاده کننده از نور طبیعی
		۱۱.آسایش بویایی	۳۱. در نظر گرفتن تدابیر لازم برای جلوگیری از انتشار بو(آشپزی، اتومبیل و ...)

دسته بندی	گروه اهداف	اهداف خرد	شاخص ها
			۳۲. تهویه مناسب فضاهای بهداشتی
	گروه چهارم: مربوط به بهداشت	۱۲. کیفیت بهداشتی فضاها	۳۳. دسترسی مناسب برای اتومبیل جمع‌آوری زباله
			۳٤. دسترسی به محل مناسب برای گردآوری زباله
			۳۵. کیفیت تاسیسات برودتی
			۳٦. کیفیت تاسیسات حرارتی
		۱۳. کیفیت بهداشتی هوا	۳۷. وجود سیستم تهویه مناسب
			۳۸. میزان استفاده از مواد شیمیایی مضر در ساختمان (پشم شیشه، مواد سمی و ...)
		۱٤. کیفیت بهداشتی آب	۳۹. استفاده از مواد غیر فرسودنی و آلاینده در شبکه آبرسانی
			٤۰. شبکه دفع فاضلاب بهداشتی

مأخذ: (دوچن مارولاز[1] و همکاران، ۲۰۱۱)

میانگین بدست آمده در هر هدف، نشان دهنده وضعیت ساختمان در آن هدف می‌باشد. در جهت تعیین امتیازها در هر بنا، از تکمیل پرسشنامه‌ای با تعداد ٦۲ سوال استفاده شده است که توسط ۱۵ نفر از ذینفعان حوزه ساخت از جمله مهندسان، سازندگان و بهره‌برداران، تکمیل گردیده است.

1. Duchene Marullaz

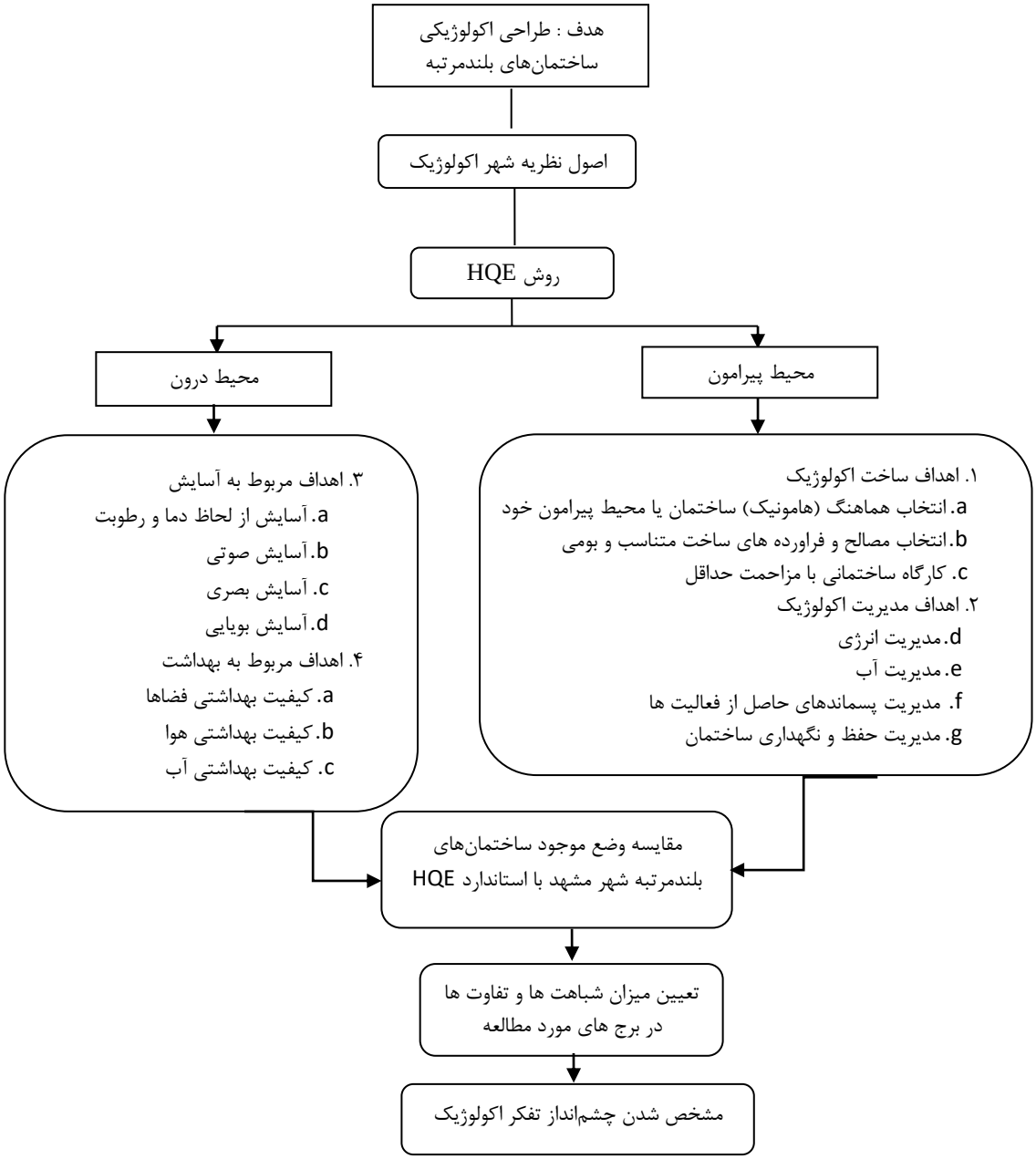

شکل۱. روند انجام مطالعات

۱.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش و جامعه آماری

شهر مشهد در سال ۱۳۹۲، دارای ۱۳ منطقه شهرداری و مساحت تحت پوشش شهر مشهد ۲۵۶۷۵.۶ هکتار و دارای ۲۸۱۸۴۶۱ جمعیت بوده است. در این سال، تعداد ۷۲۱۲ پروانه ساختمانی صادر شده‌است که تعداد ۳۷۲۳

پروانه ساختمان(۵۱.٦٪) به صورت پنج طبقه و بیشتر بوده و نشان از تمایل سازندگان به ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه دارد (شهرداری مشهد، ۱۳۹۲، ص.٥٦).

در این تحقیق سعی شده که ساختمان‌های نمونه انتخاب شده از کاربری‌های متنوع و از برج‌های بنام و شاخص مشهد بوده و در سطح مناطق مختلف شهر با طرح‌های تفصیلی متفاوت، پراکنده باشند. بنابراین از بین ٤٠ برج ساخته شده در شهر مشهد، ساختمان‌های بلندمرتبه معروف مناطق۸، ۹ و ثامن به عنوان نمونه موردی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که اکثر بلندمرتبه‌های شهر مشهد در این سه منطقه ساخته شده‌اند. لذا برج "باران" با کاربری مسکونی در منطقه ۹، برج "آرمیتاژ " با کاربری تجاری، اداری و تفریحی در منطقه ثامن و "هتل پنج ستاره درویشی" با کاربری اقامتی در منطقه ۸ انتخاب شده‌اند(شکل ۲). این ساختمان‌ها وسعت چشمگیری داشته و توانایی توسعه نیز در آنها برای اصلاح برخی از ناهمخوانی‌های اکولوژیکی وجود دارد. از دلایل دیگر انتخاب این برج ها می‌توان به معروفیت، مهم بودن و همچنین الگو قراردادن آنها در سایر ساخت‌وسازها از سوی دیگر سازندگان اشاره کرد. این برج‌ها همگی بیش از ۱۰ طبقه بوده و پس از سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری رسیده اند. سایر مشخصات برج‌های انتخابی در جدول ۲ آمده است.

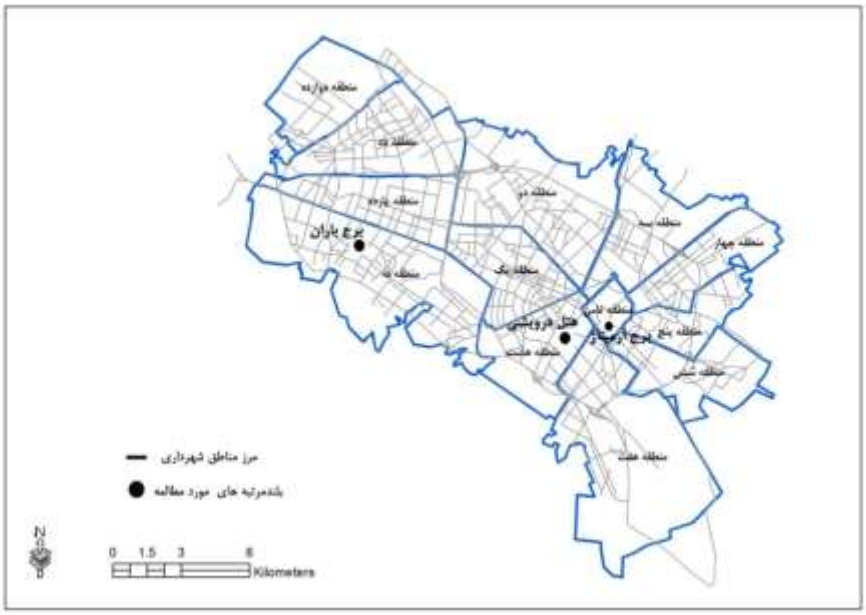

شکل۲. موقعیت قرارگیری بلندمرتبه‌های مورد مطالعه

جدول ۲. مشخصات برج‌های مورد مطالعه

نام برج	آرمیتاژ	باران	هتل درویشی
مساحت زمین	۲۶۰۰	۱۵۰۰	۳۰۰۰
مساحت کل زیربنا	۱۸۰۰۰	۱۶۰۰۰	۳۱۰۰۰
تعداد طبقات	۱۳	۱۸	۲۲
سال ساخت	۹۲	۹۰	۹۰
تعداد واحد	۱۰۰	۳۸	۲۸۰
کاربری	تجاری- اداری- تفریحی	مسکونی	اقامتی

۳. یافته ها

ساختمان سبز ساختمانی است که اصول طراحی اکولوژیکی در تمامی قسمت‌های آن و در تمام مراحل طراحی تا اجرا و بهره‌برداری و نگهداری آن رعایت شود. توجه به مسائلی مانند انرژی و مصرف بهینه آن، بازیافت آب و استفاده مجدد از آنها، بوم آورد بودن مصالح، بهره‌گیری مناسب از اقلیم منطقه و تامین آسایش و بهداشت برای کاربران با حداقل استفاده انرژی از مهمترین مواردی است که در احداث یک ساختمان سبز و اکولوژیک بایستی مورد توجه قرار گیرد. ساختمان‌های انتخابی که برج‌های معروف شهر مشهد بوده و در مناطق مختلف شهری با طرح‌های تفصیلی متفاوت، انتخاب شده‌اند بر اساس پرسشنامه‌های تنظیم شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند و وضعیت موجود برج های مورد مطالعه را در زمینه شاص های طراحی اکولوژیک مشخص نمودند.

۱) ساختمان آرمیتاژ : این مجموعه در زمینی به مساحت ۲۶۰۰ مترمربع و با زیربنای حدود ۱۸۰۰۰مترمربع در ۱۳ طبقه واقع در خیابان طبرسی و در مجاورت حرم مطهر امام رضا(ع) می‌باشد. طبقات این مجتمع مشتمل بر واحدهای تجاری، اقامتی، پارکینگ، مجموعه تفریحی و شهربازی، فودکورت، سینمای ۵ بعدی، کافی‌شاپ، سوپرمارکت، بانک، فروشگاه‌های بزرگ و ... می‌باشد (www.armitaj.com). نوع سازه این بنا اسکلت فلزی با سقف‌های متال دک و نمای آن از نوع سنگ‌های تراورتن است. تراکم ساختمان زیاد و سطح اشغال آن ۱۰۰٪ است. مدت اجرای این بنا با تعداد حدود ۱۰۰ واحد تجاری- اقامتی حدود ۳۰ ماه بوده که در شهریور ماه ۱۳۹۲ به بهره‌برداری رسیده است. بر اساس پرسشنامه پرشده توسط مدیر این بنا و ساکنان و صاحبان واحدهای مختلف این بنا و همچنین مشاهدات میدانی مشخص شد که این بنا در بخش اهداف مربوط به ساخت اکولوژیک امتیاز ۲.۳۲ ، اهداف مدیریت اکولوژیک امتیاز ۲.۰۶، اهداف مربوط به آسایش ۳.۵ و اهداف مربوط به بهداشت ۳.۴۱ را دریافت نموده است. با توجه به جدول ۳ مشخص شد این بنا در بخش بهداشت و آسایش امتیاز مناسب را دریافت نموده درحالی که در بخش‌های ساخت اکولوژیک و مدیریت اکولوژیک در وضعیت متوسط قرار گرفته است که دلیل اصلی آن، عدم دریافت امتیاز مناسب در اهداف "۵. مدیریت آب "و "۲. انتخاب مصالح و فراورده‌های ساخت متناسب و بومی" بوده که امتیازی بین صفر و یک دریافت نموده اند و در وضعیت هشدار قرار گرفته اند.(شکل ۳) علاوه بر این اهداف "۱.ارتباط

هماهنگ ساختمان با محیط پیرامون خود" و" ۷. مدیریت حفظ و نگهداری ساختمان" نیز با امتیازهای بین ۱ و ۲ در وضعیت نامطلوب واقع شده‌اند. این امتیازها نشان دهنده آن است که در این ساختمان به مسائلی همچون استفاده از انرژی‌های نو مانند انرژی‌های خورشیدی و سلول‌های فتوولتائیک و همچنین تدابیری جهت استفاده مجدد از مصالح پس از دوره ساخت ساختمان و مدیریت آب و بازیافت آن و استفاده مجدد در سیکل آبهای مصرفی ساختمان اندیشیده نشده‌است. علاوه بر این سطح اشغال صددرصدی ساختمان نشان از عدم توجه به تامین فضای سبز به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های ساختمان سبز می‌باشد.

۲) برج باران: این برج در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع و با زیربنای حدود ۱۶۰۰۰ مترمربع در ۱۸ طبقه در خیابان هاشمیه مشهد واقع شده‌است. این برج مسکونی دارای امکانات مختلفی همچون کافی‌شاپ، رستوران، استخر، سالن‌های ورزشی، مهدکودک، کارواش و ... است (www.barangroupco.com). سازه و سقف آن بتنی و مدت اجرای این بنا با تعداد ۳۸ واحد مسکونی با مساحت‌های مختلف از ۱۸۰ تا ٦۵۰ مترمربع حدود ۳٦ ماه بوده که در ابتدای سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری رسیده است. تراکم این بنا زیاد و سطح اشغال آن ۷۰٪ است. بر اساس نتایج پرسشنامه مشخص شد که این بنا در بخش اهداف مربوط به ساخت اکولوژیک امتیاز ۲.۰۲ ، اهداف مدیریت اکولوژیک امتیاز ۲.٦٦، اهداف مربوط به آسایش ۳.۳۵ و اهداف مربوط به بهداشت ۳.۵ را دریافت نموده است. همانند ساختمان آرمیتاژ، طبق جدول ۳ مشخص شد این بنا در بخش بهداشت و آسایش امتیاز مناسب را دریافت نموده درحالی که در بخش‌های ساخت اکولوژیک و مدیریت اکولوژیک در وضعیت متوسط قرار گرفته است. دلیل اصلی این امر، عدم دریافت امتیاز مناسب در هدف " ۲. انتخاب مصالح و فراورده‌های ساخت متناسب و بومی" بوده که امتیازی بین صفر و یک دریافت نموده و در وضعیت هشدار قرار گرفته است. (شکل ۳) علاوه بر این اهداف " ۱. ارتباط هماهنگ ساختمان با محیط پیرامون خود" و" ۵. مدیریت آب"نیز با امتیازهای بین ۱ و ۲ در وضعیت نامطلوب واقع شده‌اند. این امتیازها نشان دهنده آن است که در این ساختمان به مسائلی همچون مدیریت آب و بازیافت آن، استفاده از انرژی‌های خورشیدی، بهره‌گیری از سطوح سبز بیرونی، استفاده از مصالح بومی و نفوذ پذیری و جمع‌آوری آب باران توجهی نشده‌است.

۳) هتل درویشی: هتل مجلل درویشی یکی از معروفترین هتل‌های پنج ستاره مشهد، در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع و زیربنای حدود ۳۱۰۰۰ مترمربع در ۲۲ طبقه در خیابان امام رضا(ع) مشهد واقع شده‌است. این برج اقامتی دارای مجموعه آبی، بدنسازی، انواع رستوران‌ها و سوئیت‌های اقامتی متنوع می‌باشد (www.darvishihotel.com). نوع سازه و سقف این بنا بتنی است. مدت اجرای این بنا با تعداد حدود ۲۸۰ واحد اقامتی حدود ٤٦ ماه بوده که در سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری رسیده است. تراکم این بنا زیاد و سطح اشغال آن ۸۵٪ است. بر اساس پرسشنامه مشخص شد که این بنا در بخش اهداف مربوط به ساخت اکولوژیک امتیاز ۱.۹٤ ، اهداف مدیریت اکولوژیک امتیاز ۲.۲۱ ، اهداف مربوط به آسایش ۲.۷ و اهداف مربوط به بهداشت ۳.۵۸ را دریافت نموده‌است. بنابراین طبق جدول ۳ مشخص شد که این بنا در بخش بهداشت امتیاز مناسب را دریافت نموده درحالی که در بخش‌های آسایش و

مدیریت اکولوژیک در وضعیت متوسط قرار دارد، علاوه بر این، برج مذکور در بخش ساخت اکولوژیک در وضعیت نامطلوب واقع شده‌است. دلیل اصلی این امر، عدم دریافت امتیاز مناسب در هدف "۲. انتخاب مصالح و فراورده‌های ساخت متناسب و بومی" بوده که امتیازی بین صفر و یک دریافت نموده و در وضعیت هشدار قرار گرفته است. (شکل ۳) علاوه بر این اهداف " ۱. ارتباط هماهنگ ساختمان با محیط پیرامون خود"، " ۵.مدیریت آب"، "٦. مدیریت پسماندهای حاصل از فعالیت‌ها" و "۸. آسایش از لحاظ دما و رطوبت" نیز با امتیازهای بین ۱ و ۲ در وضعیت نامطلوب واقع شده‌اند. این امتیازها نشان‌دهنده آن است که در این ساختمان نیز به مسائلی همچون مدیریت آب و بازیافت آن، تفکیک زباله‌های شیمیایی، استفاده از انرژی‌های خورشیدی، مصالح قابل بازیافت، استفاده از مصالح بومی و نفوذپذیری و جمع‌آوری آب باران توجهی نشده‌است. همچنین ساختمان از سیستم‌های کنترلی رطوبت و سیستم‌های هوشمند نشت‌یابی که تاثیر بسزایی در بهینه‌سازی مصرف انرژی دارند، بهره‌ای نبرده است.

جدول۳. کمی‌سازی شاخص‌های نمونه جهت ارزیابی ساختمان‌های بلندمرتبه از نظر میزان پایداری

گروه اهداف	اهداف خرد	شاخص ها	امتیاز برج آرمیتاژ	میانگین برج آرمیتاژ		امتیاز برج باران	میانگین برج باران		امتیاز برج درویشی	میانگین هتل درویشی	
ساخت اکولوژیک	۱	تدابیر جهت بهره‌گیری از انرژی خورشیدی	۰	۲	۲/۲۳	۱	۱/۷۵	۲/۰۲	۰	۱/۵	۱/۹٤
		هماهنگی سبزینگی با اقلیم(سایه اندازی، مصرف آب)	۳			۳			۲		
		تناسب فرم ساختمان با اقلیم (بافت فشرده، باز و ...)	۳			۲			۲		
		بهره‌گیری از سطوح سبز بیرونی	۲			۱			۲		
	۲	استفاده از مصالح بومی	٦٥	۰/۷		۲۵	۰/۳۳		۲۵	۰/۳۳	
		ضریب نفوذ پذیری سطوح در برابر آب	۰			۰			۰		
		مصالح قابل بازیافت پس از دوره استفاده از ساختمان	۰			۰			۰		
	۳	اقدامات برای کاهش مزاحمت صوتی در زمان ساخت	٤	٤		٤	٤		٤	٤	
		اقدامات برای کاهش مزاحمت بصری در زمان ساخت	٤			٤			٤		
		اقدامات انجام شده برای کاهش مزاحمت کارکردی	٤			٤			٤		
مدیریت اکولوژیک	٤	کیفیت در برابر پرت حرارتی	۳	۲/۷۵	۲/۰٦	۳	۳/۷۵	۲/٦٦	۳	۳/۷۵	۲/۲۱
		استفاده از کنتور گاز مشترک	٤			٤			٤		
		استفاده از کنتور برق مشترک	۰			٤			٤		

گروه اهداف	اهداف خرد	شاخص ها	امتیاز برج آرمیتاژ	میانگین برج آرمیتاژ	امتیاز برج باران	میانگین برج باران	امتیاز برج درویشی	میانگین هتل درویشی	
		استفاده از پوسته های عایق حرارتی	٤		٤		٤		
	٥	استفاده از کنتور آب مشترک	٠	٠	٤	١/٣	٤	١/٣	
		بازیافت آب باران	٠		٠		٠		
		تفکیک آب تصفیه شده و نشده	٠		٠		٠		
	٦	میزان تفکیک زباله	٣	٣/٥	٢	٣	٣	١/٥	
		تفکیک زباله های شیمیایی	٤		٤		٠		
	٧	انعطاف پذیری ساختمان در برابر تغییر کاربری احتمالی	١	٢	١	٢/٦	١	٢/٣	
		انعطاف پذیری ساختمان برای دگرگونی و تغییرات فنی	٢		٣		٢		
		مقاومت در برابر زلزله	٣		٤		٤		
آسایش	٨	سیستم کنترل رطوبت	٤	٤	٤	٢/٦	٠	١/٣	٢/٧
		دارا بودن سیستم ترموستات برای گرمایش	٤		٤		٤		
		دارا بودن سیستم هوشمند نشت یابی	٤		٠		٠		
	٩	استفاده از سیستم عایق صوتی(شیشه دوجداره و ...)	٤	٣/٥	٤	٣/٥	٤	٣/٥	
		تناسب قرارگیری فضاها از نظر صوتی	٣		٣		٣		
	١٠	رعایت نکات ضروری جهت محرمیت	٣	٣	٣	٣/٣	٣	٣	
		فراهم سازی چشم‌انداز و دید مناسب برای ساکنان	٣		٤		٣		
		تعداد فضاهای استفاده کننده از نور طبیعی	٣		٣		٣		
	١١	در نظر گرفتن تدابیر لازم برای جلوگیری از انتشار بو	٣	٣/٥	٤	٤	٣	٣	
		تهویه مناسب فضاهای بهداشتی	٤		٤		٣		
بهداشت	١٢	دسترسی مناسب برای اتومبیل جمع‌آوری زباله	٣	٣/٢٥	٢	٣/٥	٣	٣/٧٥	٣/٥٨
		دسترسی به محل مناسب برای گردآوری زباله	٤		٤		٤		
		کیفیت تاسیسات برودتی	٣		٤		٤		
		کیفیت تاسیسات حرارتی	٣		٤		٤		
	١٣	وجود سیستم تهویه مناسب	٤	٣/٥	٤	٣/٥	٤	٣/٥	
		میزان استفاده از مواد شیمیایی مضر در	٣		٣		٣		

گروه اهداف	اهداف خرد	شاخص ها	امتیاز برج آرمیتاژ	میانگین برج آرمیتاژ		امتیاز برج باران	میانگین برج باران		امتیاز برج درویشی	میانگین هتل درویشی	
		ساختمان									
	۱٤	استفاده از مواد غیر فرسودنی و آلاینده در شبکه آبرسانی	۳	۳/٥		۳	۳/٥		۳	۳/٥	
		شبکه دفع فاضلاب بهداشتی	٤			٤			٤		

جدول٤ و شکل ۳ نشان می‌دهد که وضعیت برج‌های مورد بررسی در هدف *انتخاب مصالح و فراورده‌های ساخت متناسب و بومی* با امتیازی بین صفر و یک، در وضعیت هشدار می‌باشد. از علل این وضعیت می‌توان به مصالح غیر قابل بازیافت ساختمان و غیر بومی بودن آن اشاره کرد. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته، مشخص گردید که کمتر از ۳۷درصد از مصالح برج‌های ساخته شده بومی می‌باشد و باقی مصالح به صورت وارداتی از شهرها و کشورهای مختلف هستند. همچنین هدف *مدیریت آب* در برج آرمیتاژ در وضعیت هشدار و در دو برج دیگر با امتیازی بین ۱ تا ۲ در وضعیت نامطلوب می‌باشد که از علل آن می‌توان به عدم بازیافت آب باران و تفکیک آب تصفیه شده و نشده و عدم استفاده مجدد از آب‌های خاکستری، جهت استفاده آبیاری، شستشو اتومبیل و ... اشاره کرد. این مسئله در شهری همچون مشهد که کمبود منابع آبی برای آن یکی از بحران‌های حاد زیست‌محیطی است، ضرورت توجه به این مقوله را بیش از پیش بیان می‌نماید.

علاوه براین وضعیت هر سه برج در هدف *ارتباط هماهنگ ساختمان با محیط پیرامون خود* با امتیازی بین ۱ تا ۲، در شرایط نامطلوب بوده که از علل آن می‌توان به عدم بهره‌گیری از انرژی خورشیدی، عدم هماهنگی سبزینگی با اقلیم منطقه و تناسب فرم ساختمان به لحاظ بافت فشرده و باز اشاره کرد.

جدول٤. ارزیابی معیارها در قالب اهداف چهارده گانه

ردیف	اهداف خرد	برج آرمیتاژ	برج باران	برج هتل درویشی
۱	ارتباط هماهنگ (هارمونیک) ساختمان با محیط پیرامون خود	۲	۱/۷٥	۱/٥
۲	انتخاب مصالح و فراورده‌های ساخت متناسب و بومی	۰/۷	۰/۳۳	۰/۳۳
۳	کارگاه ساختمانی با مزاحمت حداقل	٤	٤	٤
٤	مدیریت انرژی	۲/۷٥	۳/۷٥	۳/۷٥
٥	مدیریت آب	۰	۱/۳	۱/۳
٦	مدیریت پسماندهای حاصل از فعالیت‌ها	۳/٥	۳	۱/٥
۷	مدیریت حفظ و نگهداری ساختمان	۲	۲/٦	۲/۳
۸	آسایش از لحاظ دما و رطوبت	٤	۲/٦	۱/۳
۹	آسایش صوتی	۳/٥	۳/٥	۳/٥

ردیف	اهداف خرد	برج آرمیتاژ	برج باران	برج هتل درویشی
۱۰	آسایش بصری	۳	۳/۳	۳
۱۱	آسایش بویایی	۳/۲	٤	۳
۱۲	کیفیت بهداشتی فضاها	۳/۲۵	۳/۵	۳/۷۵
۱۳	کیفیت بهداشتی هوا	۳/۵	۳/۵	۳/۵
۱٤	کیفیت بهداشتی آب	۳/۵	۳/۵	۳/۵
۰-۱ وضعیت هشدار (قرمز) ۱-۲ وضعیت نامطلوب (زرد) ۲-۳ وضعیت متوسط (آبی) ۳-٤ وضعیت مناسب (سبز)				

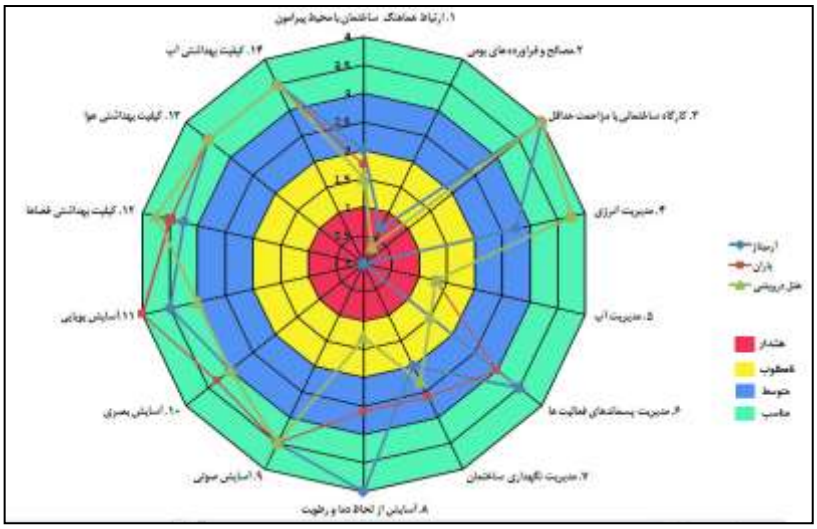

شکل ۳. دیاگرام ارزشیابی معیارها در قالب اهداف چهارده گانه

بنابراین می‌توان گفت که هر سه برج تنها در اهداف مربوط به بهداشت با امتیاز بین ۳ تا ٤ در شرایط مناسب قرار دارند ولی وضعیت آنها در سه گروه اهداف دیگر با یکدیگر متفاوت می‌باشد

٤. بحث

پژوهش حاضر با هدف ارتقاء سطح کیفیت ساخت‌وساز و کاهش مصرف منابع و اتلاف انرژی در بخش عظیم بلندمرتبه سازی در شهر مشهد با استفاده از یکی از سامانه‌های ارزیابی ساختمان اکولوژیک که مورد تایید سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد، وضعیت موجود را مشخص نموده است. قابل به ذکر است که آنچه در ساخت اینگونه بنا، ملاک عمل دستگاه‌های نظارتی همچون شهرداری و سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌باشد، چیزی بسیار بیشتر از ضوابط ملاک عمل در ساختمان‌های کوچکتر می‌باشد. بنابراین با توجه به عدم وجود ضوابط ساخت اکولوژیک و

بهینه‌سازی مصرف انرژی در بناهای بلندمرتبه، می‌توان به این نتیجه رسید که در کل ساختمان‌های شهر هیچگونه ضوابط ساخت اکولوژیک رعایت نمی‌گردد.

همانطور که وونگ و یوئن (۲۰۱۱)، راپوپورت و ورنای (۲۰۱۱)، بایر و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقات خود بیان داشته اند، راهکار اصلی و اولیه برای ورود به زمینه‌های شهرسازی اکولوژیک، طراحی شهر بر پایه اصول پایداری می‌باشد. چیزی که در این تحقیق نیز به آن اشاره شد، و زمانی می‌توان بلندمرتبه‌های اکولوژیک در شهر داشته باشیم، که مدیران و تصمیم‌گیرندگان حوزه‌های شهری به اهمیت بهینه‌سازی مصرف انرژی پی برده و ضوابط آن را از طریق دستگاه‌های نظارتی، برای سازندگان معرفی و آنها را تشویق به رعایت این ضوابط نمایند.

در این راستا معماری سبز با تکیه بر اصول کلی شش گانه خود به تشویق طراحان به حفاظت از انرژی(کوپر و سیمز[1]، ۲۰۰۸)، در نظرگیری ویژگی‌های محلی مکان، کار با کاربران ساختمان و جوامع اطراف (جیسن[2]،۲۰۰۳)، کاهش استفاده از منابع تجدیدپذیر، توجه به اقلیم محل و کل گرایی تاکید داشته (هاپکینز[3] وهمکاران، ۲۰۱۱) و همچنین نحوه اجرای آن در بسیاری از موسسات و انجمن‌های بین‌المللی از جمله «موسسه آمریکایی کمیته معماران در موضوعات مختلف زیست‌محیطی» (www.aia.org.cote) شورای «ساختمان سازی سبز امریکا» (www.usgbc.org) و در اروپا و انگلستان «منازل پایدار » (www.sustainablehome.co.uk) راهنمای کار طراحان در کشورهای پیشرفته شده‌است (گازین[4]، ۲۰۰۲).

شهر مشهد با موقعیت خاص خود به عنوان مرکز استان خراسان رضوی و نیز دومین کلانشهر مذهبی جهان و ورود بیش از ۲۰ میلیون گردشگر و زائر در طی سال و همچنین کمبود منابع آب و انرژی و مواجهه با بحران‌های حاد زیست‌محیطی از قبیل بحران آب و انرژی (همچون بحران قطعی گاز در زمستان ۱۴۰۱)، توجه عمیق‌تری را از سوی مدیریت شهری و بویژه شهرداری به منظور کنترل، هدایت و نظارت بر تهیه طرحها و برنامه‌های شهری در راستای نیل به توسعه پایدار شهری می‌طلبد و بحث طراحی پایدار ساختمان‌های بلندمرتبه، به عنوان موجی جدید در ساختمان‌سازی با روندی رو به رشد در چند سال اخیر، رعایت اصول اکولوژیک را می‌طلبد تا بتواند ساختمان‌هایی پایدار با مصرف بهینه آب و انرژی ارائه دهد. هزینه‌های سنگین و هنگفت برج‌سازی از مرحله طراحی تا اجرا و بهره‌برداری، برج‌سازان را بر آن می‌دارد که تنها به صرفه اقتصادی و زود بازدهی پروژه‌های عظیم سرمایه‌گذاری توجه داشته و مقوله پایداری که صرفه اقتصادی دیر بازده دارد عملا نادیده انگاشته شود.

بررسی وضع موجود در ساخت‌وساز بناهای بلندمرتبه در شهر مشهد نشان می‌دهد که ضوابطی که بر اساس آن ساختمان‌های بلندمرتبه ساخته می‌شوند هیچ بویی از طراحی اکولوژیک نبرده‌اند و عدم تجهیز برج‌ها به تجهیزات با

1. Cooper & Symes
2. Gissen
3. Hopkins
4. Gauzin

بازده انرژی بالا نشان از کمبود منابع مالی سازندگان نداشته، که به دلیل عدم آگاهی و در اولویت قرار نداشتن این موارد برای آن‌هاست.

نقطه تمایز این پژوهش با پژوهش انجام شده رزاقیان و رهنما (۱۳۹۹) در آن است که در این تحقیق سعی شده کل طرح‌های تفصیلی ملاک عمل در شهر مشهد به لحاظ انطباق با شاخص‌های اکولوژیک در مورد کاربری‌های مختلف، مورد محک و ارزیابی قرار گیرند و نگاه کلان‌تری در سطح کل شهر ارائه نماید، چیزی که در پژوهش ذکر شده محدود به یک منطقه شهری و تنها کاربری مسکونی بوده است.

بررسی ارتباط ساختمان در دو محیط بیرون و درون، دو اصل اساسی را مطرح می نماید: نخست این که ساخت، نگهداری و بهره‌برداری از هر ساختمانی آثاری را بر محیط وارد می‌سازد که خود باعث تحمیل هزینه‌ای کلی می‌شود و این روش تلاش دارد تا این هزینه را کاهش داده و سعی بر آن دارد تا کارایی ساختمان را به مرز بیشینه آن برساند. به این ترتیب، این اصل ماهیتی اقتصادی داشته و به طور همزمان بر روی کارکرد و سرمایه‌گذاری متمرکز می‌شود. اصل دوم به اهداف مربوط می‌شود که به دنبال افزایش پیوسته کیفیات محیطی‌اند. به این ترتیب که زمانی به یک هدف دست یافته‌ایم که سطح نسبی کارایی آن برابر با بهترین مورد شناخته شده در زمان خودش باشد. بنابراین در روش HQE بایستی یک ساختمان را در ارتباط کامل با محیط بیرون به صورت کلی و هم در بخش‌های داخلی به صورت جزئی بررسی نمود و این فرایندی است که ساختمان را از زمان شروع به ساخت تا زمان بهره‌برداری نهایی دربرمی‌گیرد.

در این تحقیق، هر چند ایده اولیه طراحی ساختمان‌های مورد مطالعه اکولوژیکی نبوده و تنها با کارکرد مسکونی، تجاری یا اقامتی احداث شده‌اند اما در این مقاله علاوه بر تغییر رویکردها و نگاه اکولوژیکی، مواردی را که می‌توان در راستای تفکر اکولوژیک تغییر داد، معرفی شد و بنابراین مقایسه وضع موجود آنها با شاخص‌های طراحی اکولوژیک و بیان میزان فاصله از این شاخص‌ها می‌تواند سمت و سوی برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت این بلندمرتبه‌ها فراهم کند.

۵. نتیجه‌گیری

سامانه‌های ارزیابی بین‌المللی در زمینه ساختمان سبز یا سیستم‌های رده بندی ساختمان‌های سبز در نتیجه توجهات فزاینده به صنعت و مدیریت ساختمان در موضوعاتی مانند پایداری، کارایی ساختمان، تاثیرات محیطی، انرژی، بازدهی و نگهداری می‌باشد. سیستم‌های رده بندی، ابزارهای کمیتی پیشنهاد می کنند که سطح کارایی زیست‌محیطی ساختمان‌ها را ارزیابی کنند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که اگر چه در کشورهای پیشرفته تأکید طراحی معماری بر وضع استانداردها تا دست یابی به اهداف پایداری است و اصول معماری سبز به عنوان ضوابط طراحی پایدار استفاده می‌شود، اما در کشور ما و شهر مشهد نه فقط نتایج، بلکه استانداردها نیز مورد توجه نبوده و رعایت نشده‌است.

نتایج حاصل از مطالعه ساختمان‌های بلندمرتبه نمونه در شهر مشهد مبین آن است که برج‌های شهر مشهد به لحاظ ابعاد مختلف طراحی اکولوژیک در محورهای عمدهٔ ساخت اکولوژیک و مدیریت اکولوژیک ضعیف عمل کرده‌اند و به شاخص‌های تأمین انرژی مورد نیاز بنا از منابع تجدیدپذیر، بازیافت زباله، آب‌های مصرفی و فاضلاب‌ها، استفاده از مصالح بومی، مدیریت و بازیافت آب باران توجه لازم نشده‌است و موارد محدود موجود نیز فاقد برنامه هدفمند بوده است. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با سازندگان برج‌ها مشخص گردید که عدم رعایت اصول اکولوژیکی در برج‌های مورد بررسی، نه به دلیل کمبود منابع مالی، که به دلیل نبود تفکر اکولوژیکی و عدم آگاهی کافی از این اصول و اولویت نداشتن آنها نزد سازندگان می‌باشد که ضرورت توجه برنامه ریزی شهری در سطوح مدیریتی بالاتر شهر را به اصول اکولوژیک بیان می‌دارد. بناهای بلندمرتبه موجود، ساختمان‌های بسیارلوکس بوده که برای فضاهای خارجی و داخلی آن هزینه‌های هنگفتی شده است و لذا عدم بهره گیری از اصول طراحی اکولوژیک در این فضاها نشان از عدم هدایت سرمایه گذاری در این بخش دارد.

علاوه بر این سطح اشغال بالای این برج‌ها نشان از عدم توجه سازندگان به بهره‌گیری از سطوح سبز دارد و خود نیز نشان‌دهنده صرفه اقتصادی بیشتر یک مترمربع بنا در مقابل یک مترمربع فضای سبز است.[۱] لذا تفکر اکولوژیک در مرحله برنامه‌ریزی و مدیریت طرح های توسعه شهری و سازگاری آنها با محیط زیست بایستی مدنظر مدیران و برنامه‌ریزان قرار گیرد تا در مرحله بهره‌برداری و نگهداری تحقق یابد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگر چه هر سه برج از برج‌های بنام، لوکس و گران شهر مشهد هستند، اما تقریبا در هیچ یک به معماری سبز و اصول طراحی اکولوژیک توجه نشده و مواردی چند نیز که از شاخص HQE در این برج ها اجرا شده، به گفته مدیران و سازندگان برج‌ها، نه به دلیل وجود تفکر اکولوژیک، که به دلیل ایجاد تمایز با سایر بناها و گرانتر ساختن هر مترمربع بنا جهت فروش می‌باشد و فرضیه تحقیق مبنی بر احتمال عدم وجود تفکر و چشم انداز اکولوژیک در ساخت بلندمرتبه‌های شهر مشهد، تایید می‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت بلندمرتبه‌های مورد مطالعه نه فقط به لحاظ مصرف انرژی خودکفا نیستند بلکه به دلیل عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین تولید و مصرف انرژی (خورشیدی)، بازیافت آب و زباله و غیره بسیار پرهزینه‌اند و منجر به مصرف سوء منابع آب و انرژی شهری شده‌اند. مطالعه انجام شده مقایسه و سنجش میزان رعایت شاخص‌های اکولوژیکی با استانداردهای بین المللی بوده بنابراین ضرورت تحلیل آماری عمیق را ایجاب نمی‌کند. بنابراین در جهت تحقق هدف تحقیق که ارتقاء سطح کیفیت ساخت‌وساز و کاهش مصرف منابع و اتلاف انرژی در بخش عظیم بلندمرتبه سازی در شهر مشهد می‌باشد پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- تصویب ضوابط و مقررات طراحی اکولوژیک، از سوی مراجع تصمیم‌گیری و مدیریتی شهر مشهد و تشویق سرمایه‌گذاران و برج‌سازان به رعایت این ضوابط

۱. بر اساس ضابطه بلندمرتبه سازی در شهر مشهد، چنانچه پلاکی دارای شرایط بلندمرتبه سازی باشد،سطح اشغال آن ٤٠٪ خواهد بود.

- اعمال ضابطه‌های تشویقی، تخفیف تخلفات ساختمانی و تخفیفات مالیاتی، برای برج‌سازان در جهت اجرایی نمودن ضوابط و مقررات طراحی اکولوژیک
- راه اندازی و شکل گیری بخش مدیریت اکولوژیک در شهرداری مشهد و بررسی مجوزات قانونی ساخت بناهای بلندمرتبه از طریق این مدیریت
- توجه به معیارهای زیست‌محیطی در جهت کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌های بلندمرتبه در قوانین شهرسازی طرح‌های تفصیلی ملاک عمل
- بازنگری در رویکرد ساخت‌وساز شهری و قوانین مربوط به آن
- توجه به پیامدهای سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و حقوقی در صورت عدم بهره‌گیری از ضوابط ساخت اکولوژیک
- بهره‌گیری از تجربیات جهانی در زمینه برنامه‌ریزی شهری اکولوژیک، معماری سبز، ساختمان سبز و بلندمرتبه‌سازی در ایران

کتاب‌نامه

۱. اتمن، ع. (۱۳۹۰). معماری سبز با مصالح و تکنولوژی پیشرفته.زهری، سارا، مترجم، تهران: انتشارات مهرازان.

۲. انجمن شهرسازی امریکا (۱۳۸۷). مکان‌ها و مکان‌سازی (استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری انجمن شهرسازی امریکا). گیتی اعتماد، مصطفی بهرادفر، ساسان صالحی میلانی، مترجم، تهران: آذرخش.

۳. رزاقیان، ف.، رهنما، م.، توانگر، م.، و آقاجانی، ح. (۱۳۹۱). تحلیل اکولوژیکی پارک‌های شهری (مطالعهٔ موردی: مشهد)، *مجله محیط شناسی*، ۳۸(٤)، ۱۵۵-۱٦۸.

۴. رزاقیان، ف.، و توانگر، م. (۱۳۹۱). راهکارهایی جهت کاربردی کردن ویژگی های توسعه و طراحی پایدار در امر ساخت‌وساز. ابرکوه: اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک.

۵. رهنما، م.، رزاقیان، ف.، توانگر، م.، و آقاجانی، ح. (۱۳۹۰). *پژوهشی پیرامون امکان سنجی ایجاد و مدیریت پایگاه داده های مکانی شهرداری منطقه نه مشهد*. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

۶. شهرداری مشهد. (۱۳۹۲). *سالنامه آماری شهر مشهد*. مشهد: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد.

۷. عادلی، ز.، و سردره، ع. (۱۳۹۰). مکان یابی ساختمان‌های بلند مسکونی در قزوین با استفاده از فرایند سلسله مراتبی. مشهد: سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.

۸. قلعه نویی، م. (۱۳۹۰). ارزیابی زیست‌محیطی ساختمان‌ها از طریق HQE نمونه موردی آپارتمان سه طبقه مسکونی در منطقه پنج اصفهان. *مجله محیط شناسی*، ۳۷(۵۹)، ۱۲۳-۱۳٤.

۹. کریم زاده، ع.، و شهریاری، ش. (۱۳۹۰). شهر اکولوژیک رویکردی نو در توسعه پایدار شهری. همدان: دومین همایش معماری پایدار.

۱۰. گرجی مهلبانی، ی. (۱۳۸۹). معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط زیست. نشریه علمی-پژوهشی انجمن

علمی معماری و شهرسازی ایران، (۱)، ۹۱-۱۰۰.

۱۱. نمکی، ر. (۱۳۹۰). شاخص ها و اصول معماری پایدار در خلق معماری برتر. همدان: دومین همایش معماری پایدار.

۱۲. وونگ، ت.، و یوئن، ب. (۱۳۹۲). *برنامه‌ریزی شهر اکولوژیک*. محمدرحیم رهنما و الهه کریمی، مترجم، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

13. Bauer, M. & Mosle, P. (2009). *Green building: Guide book for sustainable architecture*. London: Springer.
14. Cooper, L. & Symes, M. (2008). *Sustainable urban development volume 4: Changing professional practice*. London: Routledge.
15. Duchene-Marullaz, Ph. (2001). *Definition explicite de la qualite environnementale; referentiels des caracteristiques HQE*. Document 5, Association HQE.
16. Gauzin, D., Muller,S. (2002). *Sustainable architecture and urbanism: concepts, technologies, examples*. Berlin: Springer Science & Business Media
17. Gissen, D. (2003). *Big and green: Toward sustainable architecture in the 21ST century*. Princeton: Princeton Architectural Press
18. Hopkins, G. & Goodwin, C., (2011). *Living architecture: Green roof and walls*. Canberra: Csiro Publishing.
19. Kubba, S. (2009). *LEED practices, certification and accreditation handbook*. Oxford: Butterworth-Heinemann.
20. Pearce, D., Markandya, A., & Babier, E. (1989). *Blueprint for a green economy*. London: Earthscan.
21. Rapoport, E., & Vernay, A. (2011). Defining the eco-city: A discursive approach. *Environmental Science, Sociology*.
22. Razzaghian, F., & Rahnama, M. (2012). Ecological analysis of urban parks (Case study: Mashhad metropolitan). *International Journal of Applied Science and Technology*, *2*(7), 261-267.
23. Rogers. R., Jalal, K.F., & Boyd, J.A. (2007). *An introduction to sustainable development*. London: Routledge.
24. USGBC. (2007). *LEED fact sheet*. Washington, DC:www.usgbc.org.
25. Wines, J. (2000). *Green Architecture: the art of architecture in the age of ecology*. Cologne: Taschen GmbH.
26. Wong, T., & Yuen, B. (2011). Eco-City Planning. *Springer*, 50- 151.
27. www.aia.org.cote
28. www.armitaj.com
29. www.barangroupco.com
30. www.darvishihotel.com
31. www.sustainablehome.co.uk
32. Yudelson, J. (2009). *Green Building Trends: Europe.* Washington, D.C.: Island Press.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

DOI: 10.22067/jgusd.2024.85289.1358
مقالهٔ علمی - پژوهشی

ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه منظر شهری (نمونه موردی: سبزه میدان قزوین)

رضا جعفری‌ها (استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، نویسنده مسئول)
r.jafariha@arc.ikiu.ac.ir
غزاله حیدری (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)
heydaari.ghaazaaleh@gmail.com
زهرا لک (دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران)
zahralak.za94@yahoo.com

تاریخ دریافت: ١٤٠٢/٠٩/٠٨ تاریخ تصویب: ١٤٠٢/١٠/١٩
صص ١٥١-١٣٣

چکیده

منظر شهرها تبلور کالبدی ویژگی‌های ملموس و ناملموس محیط است. درک و شناخت نظام پیچیده‌ی زیبایی‌شناسی ویژگی‌های محیط بر مبنای تعامل میان انسان و محیط پایه‌گذاری می‌شود. این موضوع در میدان‌های شهری به عنوان کانون تجمع عملکردی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به موقعیت قرارگیری سبزه‌میدان قزوین در محدوده تاریخی و فرهنگی شهر و دسترسی مناسب، بررسی و ارزیابی ویژگی‌های محیطی و زیبایی‌شناسی آن مورد توجه است. روش در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این راستا به منظور ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار در زیبایی‌شناسی منظر سبزه‌میدان شهر قزوین در این پژوهش، مجموعه‌ی ٢٥ مؤلفه‌ی شناسایی شده در هر دو بعد عینی و ذهنی با استفاده از روش دلفی، با مشارکت ٢٠ نفر از خبرگان بررسی و تأیید شده است. در ادامه وزن‌دهی مؤلفه‌ها با استفاده از روش انتروپی شانون انجام شده و با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تاپسیس، مؤلفه‌ها رتبه‌بندی و ارزیابی شده‌اند. در نتیجه «سرزندگی»، «خاطرات جمعی»، «حس‌مکان»، «غنای حسی»، «حضورپذیری» و «اصالت و هویت» به‌ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناسایی و رتبه‌بندی شده‌اند. مؤلفه‌های ذهنی از بالاترین درجه اهمیت برخوردار هستند. در دیدگاه زیبایی‌شناسانه منظر، مؤلفه‌های بعد عینی به عنوان عناصر تشکیل دهنده بستر منظر سبزه‌میدان شهر قزین نیز حائز اهمیت هستند. بنابراین در فرآیند ادراک و ارزیابی منظر سبزه‌میدان، همواره دو بعد ذهنی و عینی به صورت مکمل یکدیگر وجود دارند.

کلید واژه‌ها: زیبایی‌شناسی منظر، سبزه میدان، قزوین، منظر، منظر میدان شهری.

۱. مقدمه

شـهر محصـول تعامل انسـان و محیط در فضـاهای بیرونی و عمومی اسـت. تأثیر کلی و جامعی که ناظر به هنگام دیدار و حضـور در فضـا بدسـت می‌آورد. جلوه‌ای از واقعیت فضـای زیسـت انسـان که توسـط اسـتفاده کننده درک می‌شود. منظر را می‌توان به عنوان بخشی از سرمایه ذهنی و فکری (آنتروپ[1]، ۲۰۰٦، ص.۱۸۹) و (منوری و همکاران، ۱۳۹۷، ص.۱۱)، تصـویر ذهنی از شـهر و طرح‌واره‌ای ارزش‌گذاری شـده (وانگ و گو[2]، ۲۰۲۰، ص.۱۰) در ذهن افراد تلقی کرد. معمولا تصور ما از یک شهر بر پایه تصوری است که از سیما و منظر فضاهای عمومی در ذهن خود داریم (تورسـتین–گودوین و باتی[3]، ۲۰۱۲، ص.۲۵۳). در فرآیند تعامل میان انسـان و محیط، ابتدا ویژگی‌های ملموس محیط در معرض حواس پنچگانه قرار می‌گیرد و در نتیجه‌ی ادراک شـهر «منظر عینی شـهر» به‌وجود می‌آید. شـناخت منظر عینی شهر بر اساس طرحواره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات در ذهن فرد ساخته‌شده و به محیط معنا را الصاق می‌کند و «منظر ذهنی شـهر» شـکل می‌گیرد. واکنش‌های عاطفی پس از رخداد تعامل‌های ثانویه و ارزیابانه در محیط موجب خلق «منظر ذهنی–ارزیابانه» می‌شـود (گلکار، ۱۳۸۷، ص.۹۸–۹۷). در نتیجه ادراک بعنوان کنشـی دارای نظام ذهنی اسـت (ایروانی و خداپناهی, ۱۳۷۱, ص. ۲۲). در این راسـتا منظر شـهری یک مفهوم چندبعدی اسـت، از یک طرف با مؤلفه‌های محسـوس و ملموس که عمدتا بصـری هسـتند و از طرف دیگر با مؤلفه‌های ذهنی مثل مؤلفه‌های معنایی، تاریخی و خاطره‌ای تعریف می‌شود (آل‌هاشمی و منصوری، ۱۳۹٦، ص.۳۳).

توجه به فضـاهای عمومی شـهری به عنوان یک ضـرورت اسـاسـی در طراحی و برنامه‌ریزی‌های توسـعه‌ی شـهری تبدیل شـده اسـت (توپچی‌خسـروشـاهی و همکاران، ۱٤۰۰، ص.۱۹۳). این فضـاها در شـهرها به‌عنوان کانونی برای حضور عموم مردم، همواره از اهمیت بالایی برخوردار است. میدان‌ها از اثرگذارترین فضاهای شهری هستند (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص.۸۵). یکی از عوامل تعیین کننده در شـکل گیری منظر میدان‌ها، به کارگیری اقدامات زیبایی‌شـناختی به عنوان سـنگ محک در فرآیند طراحی اسـت (جعفری‌ها[4] و همکاران، ۲۰۲۲، ص.۵). ادراک و ارزیابی زیبایی‌شـناسـی روندی بر مبنای تعامل بین شهروندان و محیط شهر است (امین‌زاده، ۱۳۹٤، ص.۷۸). مطالعات در زمینه زیبایی‌شناسی شـهری در نیمه دوم قرن بیسـتم میلادی رشـد چشـم‌گیری داشـته اسـت (جعفری‌ها، ۱۳۹٦، ص. ٦۸). زیبایی‌شـناسـی منظر به عنوان محصـولی بین ویژگی‌های منظر و واکنش افراد به آن ویژگی‌ها تعریف می‌شـود (کلی و اسـمیت[5]، ۲۰۰٤، ص. ٦٦). ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر در فضاهای شهری و میدان‌ها از یک طرف به شناخت و بررسی اجزا ملموس محیط است (آل‌هاشـمی و منصـوری، ۱۳۹٦، ص.۳۹) و شامل پاسخ‌های مستقیمی می‌شـود که حواس ما به فرم‌ها و ساختارها بدون هیچ‌گونه فعالیت ذهنی و یا با حداقل آن نشان می‌دهد (ناسار[6]، ۲۰۱۱، ص. ۱٦۳) که بصـورت فعال،

1. Antrop
2. Wang & Gu
3. Thurstain-Goodwin and Batty
4. Jafariha
5. Clay & Smith
6. Nasar

عهده‌دار سامان‌دهی معلومات حسی و نیز معنی‌بخشی به آنهاست (بهزادپور، ۱۳۹۹، ص.۷۵). از طرف دیگر عواملی مانند هویت که در حوزه امور ذهنی وابسته است (آل‌هاشمی و منصوری، ۱۳۹٦، ص.۳۹) و در هنگام مواجه فرد به دو صورت می‌تواند نوع کیفیت زیبایی‌شناختی را که مشاهده کرده؛ بیان کند (موسوی‌رکنی، ۱۳۹٤، ص.٥٤). در واقع به برداشت مردم از زیبایی اشاره دارد، به این معنی که زیبایی‌شناسی منظر خروجی اصلی تعامل انسان و منظر است (گلیوتس[1]، ۲۰۱۱، ص.۷). به عبارتی شرح موضوع ذات زیبایی و چگونگی درک ما از آن، به کمیت و کیفیت اشیایی که در محیط دیده می‌شود بستگی دارد که بر احساسات شناختی افرادی که آنها را زیبا و دلپذیر می‌دانند تأثیر می‌گذارد (منـدر[2] و همکـاران، ۲۰۲۲، ص.۲؛ کریمی، ۱۳۹۹، ص.۳٦؛ آیوازیـان، ۱۳۸۱، ص.۲). اهمیـت وجود پـارادایم‌هـای عینیت‌گرا یا ذهنیت‌گرا در منظر باعث ایجاد یک تفاوت اساسی می‌شود، بعد عینی از نظر چشم‌اندازهای فیزیکی قابل اندازه‌گیری و ارزیابی اســت، اما بعد ذهنی باید بر اســاس ارزیابی از ترجیحات چشــم‌اندازی فیزیکی جامعه باشــد (لوتیان[3]، ۱۹۹۹، ص.۱۹۳). درواقع با تأکید و تمرکز بر تفکر، به این موضـوع اشـاره دارد که عینیت در اعماق جنبه‌ی ذهنی بشـر جای دارد و در بعضـی موارد نمی‌توان آنها را از هم جدا دانسـت (کریمی، ۱۳۸۹، ص.۵۸). هدف ذهن‌گرا درک بهتر از پاسخ‌های انسانی به مناظر به عنوان ابزاری برای شناسایی عوامل کلیدی است که به کیفیت آن کمک می‌کند (لوتیان، ۱۹۹۹، ص.۱۸۱). دیدگاه این بعد در زیبایی، متکی بر نظر شاهدان است و با آزمایش فرضیه‌ها و گرایش‌ها به تعیین کیفیت منظر بر مبنای ترجیحات انسان می‌پردازد. از دیدگاه لنگ؛ "ایجاد احساس آرامش، توجه به مقیاس انسانی، معنا بخشــیدن به منظره و محرک‌هایی که در محیط وجود دارد، حفظ اصــالت، ســرزندگی محیط، خلق خاطرات از مؤلفه‌هایی اســت که در ابعاد ذهنی بر درک مفهوم زیبایی تأثیرگذار اســت" (لانگ، ۱۹۸۷). منظر تولنایی خلق احساسات جدید، اشاره به خاطرات گذشته و یادآوری آموخته‌های پیشین را دارد (فتاحی، بمانیان و صارمی،۱٤۰۰، ص.٤۹٦-٤۹٥). اثرات محیط سـاخته‌شـده بر سـاکنان معمولا به دلیل ارزش‌های حیاتی درک معماری اعم از ذهنی و حســی که در طبیعت بیولوژیکی تجســم یافته، مورد توجه قرار می‌گیرد (ســخائی، گو و لوها، ۲۰۲۳، ص.۲). خصوصیات و ویژگی‌هایی که بصورت ذاتی در سرشت یک فضا وجود دارند و به دیدگاه بینندگان وابسته نیستند، در حوزه بعد عینی قرار می‌گیرند (فتاحی، بمانیان و صـارمی،۱٤۰۰، ص.٤۹٦). مقوله عینی بر تجربه تأکید بیشـتری دارد، چراکه تجربه ترکیبی از واکنش‌های دیداری و آزمون و با دخل و تصــرف فرد اســت (یوســفیان، ۱۳۹۷، ص.۱٤۰). فعالیت همزمان حواس با یکدیگر موجب افرودن بخش‌های متنوع به درک یا فهم بصری می‌شود که می‌تواند موجب تضـعیف و یا تقویت داده‌ها شـود (نیجویس، ون-لامرن و هوون[4]، ۲۰۱۱، ص.۲۲). در بعد عینی، زیبایی همان کیفیتی است که در ذات منظر وجود دارد که رویکرد خاصی دارد و خواهان کشف ویژگی‌های کالبدی منظر است. در ارتباط با رویکرد یا بعد عینی، مصـادیق متعدد و گوناگونی بیان شـده که تأثیر تنوع رنگ، جذابیت‌های فرم، بازی با سـایه و

1. Golivets
2. Mundher
3. Lothian
4. Nijhuis, Van-Lammeren & Hoeven

نور، ایجاد هماهنگی و تناسبات معقول از جمله مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد (لانگ، ۱۹۸۷). یعنی منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامونمان است (شعبان‌جولا، زندیه، ۲۰۱۵، ۹۹).

به نظر می‌رسد برای رسیدن به نتیجه مطلوب، بهتر است از رویکردهای تک قطبی عینی و ذهنی در زیبایی‌شناسی منظر پرهیز شود و رویکرد دوقطبی مورد توجه قرار گیرد (جعفری‌ها، ۱۳۹۷، ص.۲۷). با این توضیح به بررسی جداگانه‌ی مؤلفه‌ها در بعد ذهنی و عینی می‌پردازیم. شهود حسی و زیبایی‌شناسی، رعایت تعادل و تناسبات، استفاده از هندسه‌ی متقارن، واضح و آشکار بودن، برقراری توازن، متضاد بودن و متنوع بودن را در راستای نظام‌مند بودن می‌داند و این در حالی است که شناخت زیبایی را امری ذاتی در وجود انسان می‌داند. (ریخته‌گران، ۱۳۸٤، ص.۱۱). سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت همچنین وحدت و خوانایی از شاخصه‌های مهم در زیبایی کالبدی شهر بیان شده‌اند. وجه محسوس فضا، و عواملی مانند چشم‌انداز زیبا در کالبد یا ترکیب‌بندی، کیفیت رنگ و مصالح (وحدت، سجادزاده و کریمی‌مشاور، ۱۳۹۵، ص.۲۲). وحدت فضایی (منتهی شدن به یک کلیت یگانه)، پیوستگی جداره (برای درک حدود فضا و ایجاد محصوریت)، زیبایی خط آسمان (ایجاد ریتم و نقاط عطف) و رنگ و مصالح (تأثیرات روانی رنگ‌ها)، انعطاف‌پذیری، خوانایی و تناسبات بصری (قره‌بگلو، نژادابراهیمی و جاویدمه، ۱۳۹۵، ص.۱۰۹) حقیقت، امنیت، خولنایی، سرزندگی، هویت، وحدت (صلاحی و مضطرزاده، ۲۰۲۳، ص. ٦۲). نقوش و اشکال، تناسبات، ریتم، مقیاس و پیچیدگی، رنگ و ... که به ساختار هندسی فضا مرتبط است (لانگ[1]، ۱۹۸۷) و متغیرهایی مانند انسجام، پیچیدگی، اغتشاش، مقیاس بصری، تصویرپذیری یا طبیعی بودن با کیفیت زیبایی شناختی همپوشانی دارند که می‌تواند برای شناسایی ترجیحات زیبایی شناختی کاربران برای تنظیمات فضای باز مورد استفاده قرار گیرد (لیو و ،۲۰۱۹، ص.۲). همچنین هویت، ساختار، شفافیت، خوانایی و سازگاری معیارها و شاخص‌هایی برای سنجش زیبایی‌شناسی هستند. منظر شهری صرفاً خاطرات و یا صرفاً کالبدی نیست، درواقع پدیده‌ی است عینی–ذهنی که از برایند این دو حاصل می‌شود (آتشین‌بار[2]، ۲۰۰۹، ص.۵۲). اگرچه تجربه زیبایی‌شناختی با درک چندحسی هدایت می شود، اما حس غالب به طور کلی حس بینایی در فضاهای معماری است (ایپک[3]، ۲۰۲۲، ص.۱۰–۹). ریتم یکی از ضروری‌ترین ابزارهای هماهنگی در معماری است زیرا توزیع منظم فرم‌ها و فضاها را تضمین می کند (عبدالحسین، عبدالحسین عباس و حمید حداد[4]، ۲۰۲۳، ص ۱۸–۱۹). ترجیحات ساکنان در رابطه با ساختار چشم انداز پوشش گیاهی به طور مستقیم بر استفاده آنها از فضای سبز تأثیر می گذارد (مائو [5]و همکاران، ۲۰۲۳، ص.۲۳–۲۲). رلف معتقد است "برای ساختن هویت یک محیط به فعالیت، معنا و

1. Lang
2. Atashinbar
3. Ipek
4. Abdulhussain, Abdulhussain & Hameed Haddad
5. Mao

بستر فیزیکی نیازمندیم" درواقع با وجود حس مکان پیوند و ارتباط میان فرد و محیط برقرار می‌شود (رلف[1]، ۱۹۷۶). نظریه‌پردازان معماری، پیچیدگی و نظم را به عنوان عاملی تعیین‌کننده در ارزیابی کیفیت معماری ذکر می‌کنند و تعادل در عناصر معماری می‌تواند عملکرد شناختی را بالا ببرد (سخائی، گو و لوها[2]، ۲۰۲۳، ص.۳).

مسأله‌ی اصلی در پژوهش پیش رو، ارزیابی و بررسی بعد زیبایی‌شناسانه‌ی منظر شهر می‌باشد؛ که در خصوص اجزا و متغیرهای مربوط به این مقوله پژوهش‌های محدودی وجود داشته است. اما بیان جامع و ترکیب‌شده‌ای از ارزیابی و همچنین زیبایی شناسی منظر بر اساس مؤلفه‌های موجود در هر دوجنبه‌ی عینی و ذهنی، دغدغه‌ی اساسی نگارندگان در این پژوهش است. اهمیت پرداختن به موضوع ارزیابی زیبایی‌شناسانه‌ی منظر در سبزه‌میدان قزوین از دو جهت قابل بیان است. اول اینکه این میدان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین میدان شهری با سابقه‌ی چندصد ساله در قزوین است که ارتباط آن با مجموعه‌ی حکومتی دوره شاه طهماسب صفوی در گذشته و ارتباط آن با مراکز تجاری، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی شهر، آن را بعنوان یکی از گره‌های اصلی شهر قزوین بدل کرده است. دوم اینکه وجود پژوهش‌هایی با رویکرد ارزیابی زیبایی‌شناسانه‌ی مناظر شهری، کمک شایانی در حوزه‌ی طراحی و بهسازی مناظر شهری خواهد کرد که این مقوله تاکنون مهجور مانده است.

با توجه به این موضوع که زیبایی منظر شهری دارای ابعاد مختلف و معیارهای متعددی می‌باشد که عقاید و دیدگاه‌های متفاوتی را نیز پوشش می دهد، در مطالعات انجام شده در حوزه زیبایی منظر فضاهای عمومی و میدان‌های شهری و روش‌های ارزیابی آن، پژوهش‌های متفاوت و متنوعی صورت گرفته است؛ در این راستا حقی و همکاران در سال ۱۳۹٦ در پژوهش «ارزیابی کیفیت منظر فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: میدان امام شهر همدان)» اینطور نتیجه‌گیری کردند که، منظر شهری در مقیاسی فراتر از تک‌بنا تعریف می‌شود و یک مشخصه مهم در ارزیابی کیفیت محیط تلقی می‌شود که سایر مؤلفه‌های کیفیت محیط را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (حقی، کریمی‌مشاور و زلفی‌گل، ۱۳۹٦، ص.۵۳۷). آقابزرگ و متدین در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل کالبدی میدان‌های تاریخی ایران» در سال ۱۳۹۳، ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه‌ی میدان‌های شهری ایرانی در یک نظام لایه‌ای هماهنگ با یکدیگر و متشکل از نظام عناصر (شامل نظام‌های عناصر معماری، عناصر طبیعی، عناصر مصنوع ثابت و موقت) و نظام ترکیب (شامل نظام ترکیب عناصر، نظام هندسی، نظام فضایی، نظام رنگ و نور) تعریف می‌کند (آقابزرگ و متدین، ۱۳۹۳، ص.۲۰). در پژوهش «فرآیند طراحی فضای شهری بر مبنای اصول زیبایی‌شناختی ایرانی–اسلامی (نمونه موردی: میدان وحدت اسلامی تهران)» نقی‌زاده، و همکاران در سال ۱۳۹۲، ارزش‌های جامعه، فرهنگ و نیازهای مردم به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های فضای شهری مطلوب و زیبا معرفی می‌کند (نقی‌زاده، ثقه‌الاسلامی و بشیری، ۱۳۹۲، ٤۸). در پژوهشی دیگر مهذب‌طلاب و همکاران تحت عنوان «نگرش‌ها در زیبایی‌شناسی منظر شهری» در سال ۳۹۷ اینطور نتیجه‌گیری کردند که ابعاد مختلف و متنوع از جمله کالبدی، عملکردی، ادراکی، معنایی

1. Ralph
2. Sakhaei, Gu & Looha

و... در ارزیابی زیبایی منظر شهری تأثیر دارد. با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان تمرکز روی یک‌وجه صرفاً ذهنی و یا عینی وجود ندارد بلکه در نظرشان ترکیبی از معیارهای متنوع عینی و ذهنی وجود دارد. بنابراین در ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر نگاهی چندبعدی و توجه همزمان باید وجوه مختلف ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر شهری وجود داشته‌باشد (مهذب‌طلاب، کریمی‌مشارو و سجادزاده، ۱۳۹۷، ص.۱۰۳-۱۰۲). کریمی‌مشاور در پژوهش «رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری» در سال ۱۳۹۲ زیبایی‌شناسی در دو بعد عینی و ذهنی تعریف می‌شود (کریمی‌مشاور، ۱۳۹۲، ص.۵۳). براساس پژوهش‌های انجام شده در این خصوص، بررسی موضوع منظر شهری در یک مفهوم دو بعدی تعریف می‌شود که از یک سو به مؤلفه‌های محسوس (عمدتا بصری) سازنده فضا می‌پردازد و از سوی دیگر شامل مؤلفه‌های ذهنی می‌باشد (قره‌بگلو، نژادابراهیمی و جاویدمه، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵). اسکریوانوا و کالیودا در پژوهش «درک و ارزیابی ارزش‌های زیبایی‌شناختی منظر در جمهوری چک-بررسی ادبیات» سال ۱۳۸۹ دو رویکرد برای ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر تعریف کرده‌است. ارزش زیبایی‌شناختی را می‌توان بر اساس ویژگی‌های عینی چشم‌انداز یا بر اساس نظرات ذهنی ناظران قضاوت کرد. ابزار ایده‌آل برای ارزیابی کیفیات زیبایی‌شناختی چشم‌انداز می‌تواند ترکیبی از ارزیابی مبتنی بر متخصص بر ادراک باشد (اسکریوانوا و کالیودا، ۲۰۱۰، ص. ۲۱۹). حقیریان و همکاران در پژوهش «اولویت بصری میدان‌های شهری از منظر کاربران (نمونه موردی: میدان‌های شهر همدان)» در سال ۱۳۹۵، اینطور نتیجه‌گیری می‌کند که در جهت هرچه بیشتر ادراک زیبایی‌شناسی در میدان‌ها دو بعد عینی و ذهنی صدق می‌کند (حقیریان، سجادزاده و کریمی‌مشاور، ۱۳۹۵، ص.۳۹).

۲. روش‌شناسی

۲. ۱. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و براساس رویکرد آمیخته از روش‌های کیفی و کمی است. از لحاظ نتیجه در فاز کیفی جزء تحقیقات توصیفی و در فاز کمی جزء تحقیقات تحلیلی است. در این راستا به منظور شناسایی و طبقه‌بندی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه‌های موثر بر زیباشناسی منظر میدان شهری به مطالعات به شیوه‌ی مرور سیستماتیک از اسناد کتابخانه‌ای و روش پیمایشی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از تکنیک دلفی به وسیله‌ی پرسشنامه انجام شده است. انتخاب اعضاء و تشکیل پانل خبرگان یک بخش مهم در تکنیک دلفی می‌باشد. پانل دلفی در این پژوهش، به روش نمونه‌گیری هدفمند، از اساتید دانشگاهی و گروه متخصصان فعال در حوزه منظر و برنامه‌ریزی شهری ساکن در شهر قزوین تشکیل شده‌است که در نهایت ۲۰ نفر از اعضاء در پژوهش مشارکت داشته‌اند. بنابراین در گام اول پس از ارسال لیست مؤلفه‌ها برای خبرگان، موافقت جمعی آن‌ها درباره لیست دریافت شد و بدین ترتیب روایی تحقیق مورد تأیید قرار گرفته‌است.

جدول ۱. مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی منظر

بعد	شمارنده	مؤلفه و منابع
عینی	A1	مبلمان (کفسازی، نورپردازی، آذین بندی، تمیزی و نگهداری و....)
	A2	تناسبات بصری و هندسه
	A3	فرم و کالبد
	A4	انسجام و پیوستگی
	A5	خط آسمان / خط زمین
	A6	تنوع (رنگ و مصالح و بافت و اختلاف سطح و...)
	A7	تقارن و تعادل
	A8	نظم
	A9	وحدت
	A10	محصوریت و گشایش مناسب (دسترسی و...)
	A11	ایمنی
	A12	عناصر شاخص / نماد / نشانه
	A13	عناصر طبیعی (پوشش گیاهی ، آب)
	A14	تداوم و سلسله
	A15	دید و چشم انداز
ذهنی	A16	واکنش‌های احساسی و آرامش
	A17	حضورپذیری (کنش های اجتماعی)
	A18	خاطرات جمعی (یادآوری تجارب)
	A19	خوانایی
	A20	حس مکان
	A21	غنای حسی (صدا و آوازها، بوها و رایحه‌ها و...)
	A22	توالی، ریتم و تباین
	A23	امنیت
	A24	سرزندگی
	A25	اصالت و هویت

مأخذ: (آتشینبار، ۲۰۰۹؛ ایپک،۲۰۲۲؛ آقابزرگ و متدین، ۱۳۹۳؛ بنتلی،۱۹۸۵؛ تیبالدز[1]، ۱۹۹۰؛ رالف، ۱۹۷٦؛ ریخته‌گران، ۱۳۸٤؛ سخایی، جی‌یو و عزیزمحما، ۲۰۲۳؛ صلاحی و مرتضی‌زاده ۲۰۲۳؛ عبدالحسین، عبدالحسین و حامید، ۲۰۲۳؛ قره‌بگلو، نژادابراهیمی و جاویدمه، ۱۳۹۵؛ لنگ،۱۹۸۷؛ لیو و اسکروث، ۲۰۱۹؛ مهذب‌طلاب، کریمی‌مشاور و سجادزاده، ۱۳۹۷؛ وحدت، سجادزاده و کریمی‌مشاور، ۱۳۹۵).

1. Tibbalds

در گام بعدی به منظور ارزیابی و تجزیه و تحلیل مؤلفه‌ها، از تکنیک رتبه‌بندی تاپسیس استفاده شده‌است. این تکنیک یکی از روش‌های مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره است که در آن براساس نسبت فاصله با گزینه‌ی ایده‌آل و ضد ایده‌آل به رتبه‌بندی مؤلفه‌ها می‌پردازد. بدین‌منظور در روش تاپسیس نیاز به محاسبه وزن هر مؤلفه وجود دارد. بنابراین در این پژوهش وزن دهی مؤلفه‌ها که در جدول شماره ۱ آورده شده، با استفاده از روش انتروپی شانون انجام شده است.

در مرحله اول ماتریس تصمیم «M »، از معیار «A» در سطر و گزینه «C» در ستون تشکیل شده است. بنابراین مؤلفه‌های معرفی‌شده در «جدول ۱» به عنوان معیار در سطر ماتریس تصمیم و «کیفیت مؤلفه» و «تأثیرگذاری مؤلفه» به ترتیب «C1» و «C2» به‌عنوان گزینه در ستون جاگذاری شده است. هر درایه‌ی ماتریس «M» با «m_{ij}» تعریف می‌شود. در ادامه باید ماتریس «M» نرمالسازی شود. ماتریس تصمیم نرمال شده با «N» و هر درایه‌ی آن «n_{ij}» تعریف می‌شود. در تکنیک انتروپی نرمالسازی به روش خطی انجام شده و پس از طی مراحل مختلف در نهایت اوزان نهایی براساس الگوریتم ذیل محاسبه می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{m_{ij}}{\sum m_{ij}} \quad (1\text{-}1)$$

$$k = \frac{1}{\ln(a)} \quad (2\text{-}1)$$

$$E = -k \sum \left[n_{ij} \ln(n_{ij}) \right] \quad (3\text{-}1)$$

$$D_j = 1 - E_j \quad (4\text{-}1)$$

$$W_j = \frac{D_j}{\sum D_j} \quad (5\text{-}1)$$

در گام بعدی این مطالعه، از تکنیک تاپسیس برای اولویت‌بندی و انتخاب مهم‌ترین مؤلفه‌ها استفاده شده است. در تعریف این روش مفهوم «حل ایده‌آل» یا «شباهت به حل ایده‌آل» مطرح شده است. مفهوم ایده‌آل در این روش به این معنی است که از هر جهت به‌عنوان بهترین گزینه تعریف شده است. به عبارتی در واقعیت بهترین گزینه وجود ندارد ولی در این روش سعی می‌شود تا بهترین و ایده‌آل‌ترین گزینه براساس الگوریتم ارائه شده در ذیل، تعیین شود.

$$n_{ij=} \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_1^m a_{ij}^2}} \quad (6\text{-}1)$$

$$V = N \times W_{n*n} \quad (7\text{-}1)$$

$$V^+ = MAX(C_{ij}) \quad (8\text{-}1)$$

$$V^- = MIN(C_{ij})$$

$$cl_i^* = \frac{di^-}{(di^- + di^+)} \quad (9\text{-}1)$$

۲. ۲. معرفی محدوده مورد مطالعه

سبزه میدان بعنوان یک گره ترافیکی در شهر قزوین با طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه و ۱۰ ثانیه، با ارتفاع ۱۳۰۱ متر از سطح دریا در جنوب این شهر واقع شده‌است. در «تصویر۱» نقشه‌ی محدوده‌ی سبزه‌میدان آورده شده که با توجه به موقعیت قرارگیری این میدان در شمال مجموعه تاریخی فرهنگی باغ سعادت و محور پیاده‌راه سبزه‌میدان و همچنین دسترسی مناسب از سایر نقاط شهر قزوین، از پتانسیل بالایی در جهت ایفای نقش هویتی و معنایی در مقیاس شهر و حتی سطح‌های بالاتر نیز برخوردار است.

ارتباط و نزدیکی سبزه میدان قزوین با مهم‌ترین مراکز تجاری و اقتصادی (شامل بازار سنتی و جدید)، فرهنگی و مذهبی (پیغمبریه، حوزه‌های علمیه، موزه‌ی چهل‌ستون و ...)، تاریخی (پیوستگی به مجموعه‌ی دولت‌خانه‌ی صفوی و کاخ چهل‌ستون«کلاه‌فرنگی»)، همچنین گره اصلی و ارتباط دهنده‌ی شریان‌های شمالی–جنوبی و شرقی–غربی شهر که بار ترافیکی سنگینی را پیرامون خود دارد؛ آن را بعنوان یکی از گره‌های اصلی شهر قزوین بدل کرده است.

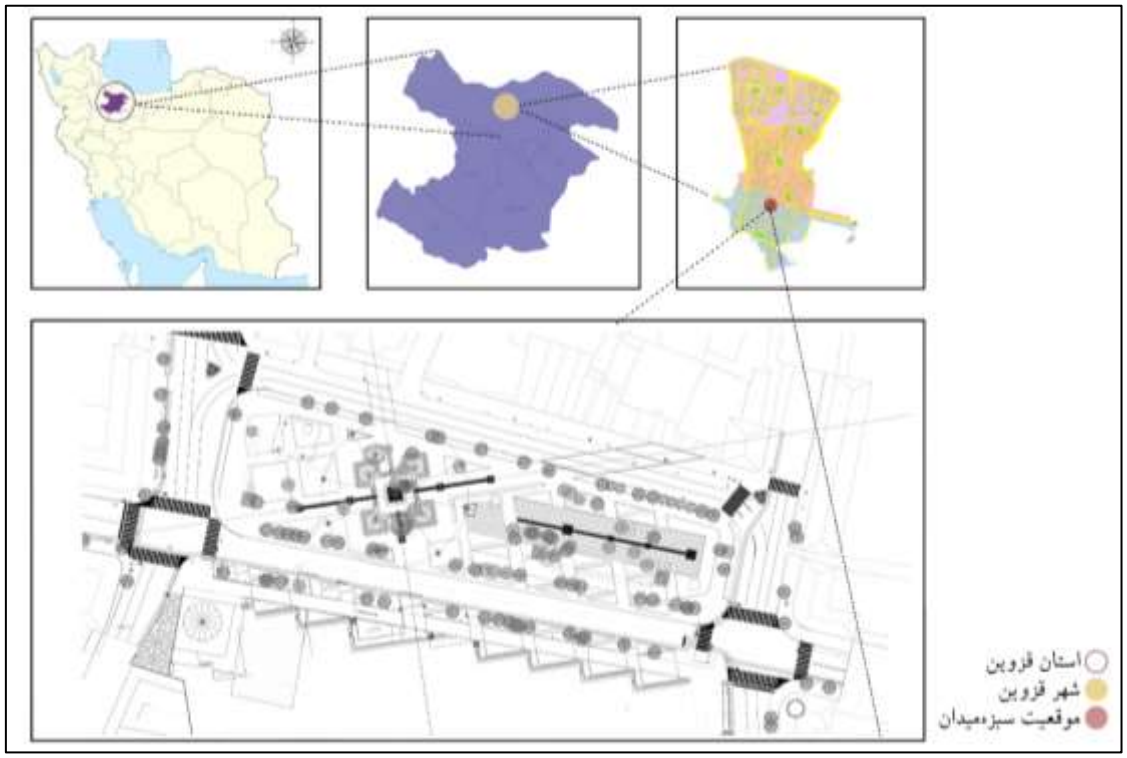

شکل۱. موقعیت سبزه‌میدان در شهر قزوین

۳. یافته‌ها

سبزه میدان در شهر قزوین به عنوان یک فضای شهری نقش یک گره مهم را در ساختار استخوان‌بندی شهر ایفا می‌کند. درواقع یک عنصر ترافیکی است که در اختیار سواره قرار گرفته است. با محدود شدن ترافیک سواره و

تاسیس پیاده راه «آزادی» در ضلع جنوبی میدان در سال‌های اخیر، مفهوم و عملکرد این میدان دچار تغییرات شد و از یک میدان صرفاً ترافیکی به یک میدان با عملکرد پیاده تبدیل شده است. در این راستا اولویت‌های جدیدی در ارزیابی و شناخت منظر و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی آن به وجود می‌آید. بنابراین در تعریف مجدد میدان به عنوان یک فضای شهری زیبا، مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و عوامل مطلوبیت آن حائز توجه است.

در مرحله اول پژوهش، پس از تشریح چارچوب مفهومی پژوهش و لیست مؤلفه‌های زیبایی‌شناسیِ شناسایی شده از مبانی نظری برای مشارکت‌کنندگان، از خبرگان در پانل دلفی خواسته شده تا میزان موافقت خود با طرح کلی پژوهش را در طیف پنج مرحله ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) اعلام کنند. پس از جمع‌آوری نتایج، پاسخ‌ها کدگذاری شدند. به اینصورت که "خیلی زیاد" معادل عدد ٥، "زیاد معادل عدد ٤"، "متوسط" معادل عدد ٣، "کم" معادل عدد ٢ و "خیلی کم" معادل عدد ١، در نظر گرفته شد. در نتیجه میانگین پاسخ‌ها، عدد ٤ حاصل شده است. بنابراین می‌توان اینطور نتیجه‌گیری کرد که اجماع نظر بر روی طرح کلی پژوهش وجود دارد. از این رو مؤلفه‌های دسته‌بندی شده در «جدول ١» مورد بررسی پانل دلفی قرار گرفته و تأیید شده است.

در فرآیند حل مسئله به روش تاپسیس، تعیین اوزان شاخص‌ها یک گام بسیار موثر است. در نتیجه براساس اوزان نهایی شاخص‌ها، می‌توان مؤلفه‌ها را اولویت‌بندی کرد. در این بخش از پژوهش از تکنیک انتروپی شانون برای محاسبه وزن شاخص‌ها استفاده شده است. در اولین مرحله از روش آنتروپی ماتریس تصمیم‌گیری «M» تشکیل می‌شود. . پس از تشکیل ماتریس تصمیم در گام بعدی ماتریس«M» باید نرمالسازی شود. در این راستا با استفاده از فرمول شماره ١-١ ماتریس «M» نرمال‌سازی شده و نتایج آن در «جدول ٢» ارائه شده است. در گام بعدی با استفاده از فرمول‌های ٢-١ و ٣-١ آنتروپی شانون محاسبه می‌شود و در ادامه بر اساس محاسبات انجام شده، وزن نهایی هر یک از مؤلفه‌ها مورد مطالعه محاسبه شده است.

جدول ٢. وزن‌دهی به روش آنتروپی شانون

مؤلفه‌ها			ماتریس تصمیم-M		ماتریس نرمال شده-N	
			C1	C2	C1	C2
بعد عینی	A1	مبلمان	٥/٧٥	٥/١	٠/٠٣٣٩	٠/٠٣٠٠
	A2	تناسبات بصری و هندسه	٥/٨٥	٥/٤	٠/٠٣٤٥	٠/٠٣١٨
	A3	فرم و کالبد	٦/٠٥	٤/٩	٠/٠٣٥٦	٠/٠٢٨٩
	A4	انسجام و پیوستگی	٥/٣	٤/٧	٠/٠٣١٢	٠/٠٢٧٧
	A5	خط آسمان/خط زمین	٦/١٥	٥/٦	٠/٠٣٦٢	٠/٠٣٣٠
	A6	تنوع	٥/٧	٤/٦	٠/٠٣٣٦	٠/٠٢٧١
	A7	تقارن و تعادل	٦/١	٥/٥	٠/٠٣٥٩	٠/٠٣٢٤
	A8	نظم	٥/٦٥	٤/٥	٠/٠٣٣٣	٠/٠٢٦٥
	A9	وحدت	٥/٣٥	٤/٩	٠/٠٣١٥	٠/٠٢٨٩
	A10	محصوریت و گشایش مناسب	٦/٥	٥/٢	٠/٠٣٨٣	٠/٠٣٠٦

مؤلفه‌ها			ماتریس تصمیم-M		ماتریس نرمال شده-N	
			C1	C2	C1	C2
	A11	ایمنی	٦/٦٥	٥/١	٠/٠٣٩٢	٠/٠٣٠٠
	A12	عناصر شاخص/نماد/نشانه	٦/٠٥	٤/٨	٠/٠٣٥٦	٠/٠٢٨٣
	A13	عناطر طبیعی	٧/٣٥	٥/٨	٠/٠٤٣٣	٠/٠٣٤٢
	A14	تداوم و سلسله	٦/٣٥	٤/٦	٠/٠٣٧٤	٠/٠٢٧١
	A15	دید و چشم‌انداز	٦/٥٥	٥/٢	٠/٠٣٨٦	٠/٠٣٠٦
بعد ذهنی	A16	واکنش‌های احساسی و آرامش	٦/٨٥	٥/٤	٠/٠٤٠٤	٠/٠٣١٨
	A17	حضورپذیری	٧/٩	٦	٠/٠٤٦٥	٠/٠٣٥٣
	A18	خاطرات جمعی	٨/٢٥	٥/٩	٠/٠٤٨٦	٠/٠٣٤٨
	A19	خوانایی	٧/٧	٥/٤	٠/٠٤٥٤	٠/٠٣١٨
	A20	حس مکان	٨/٢٥	٥/٩	٠/٠٤٨٦	٠/٠٣٤٨
	A21	غنای حسی	٨/٢٥	٥/٥	٠/٠٤٨٦	٠/٠٣٢٤
	A22	توالی، ریتم‌وتباین	٧	٥/٢	٠/٠٤١٢	٠/٠٣٠٦
	A23	امنیت	٧/٤	٥/١	٠/٠٤٣٦	٠/٠٣٠٠
	A24	سرزندگی	٨/٩٥	٥/٥	٠/٠٥٢٧	٠/٠٣٢٤
	A25	اصالت و هویت	٧/٨٥	٥/٣	٠/٠٤٦٢	٠/٠٣١٢

با توجه به اوزان بدست آمده از این مرحله، معیارهایی که دارای وزن بیشتر هستند نسبت به معیارهای دیگر از اهمیت بیشتری برخوردارند و تأثیر آن در انتخاب گزینه بهینه در مراحل بعدی بیشتر است. در «جدول۳» اوزان نهایی براساس تکنیک آنتروپی شانون آورده شده است.

جدول ۳. اوزان نهایی

W	C1	C2
	٠/٠٢٠٤	٠/٩٧٩٦

این مرحله از پژوهش براساس ماتریس تصمیم «M» که در قبل تشکیل شده است، شروع می‌شود. در ادامه به روش نورم و با استفاده از فرمول ۱-٦ بی‌مقیاس‌سازی ماتریس انجام شده و ماتریس بی‌مقیاس‌شده «N» تشکیل شده است. در مرحله بعد ماتریس بی‌مقیاس‌شده موزون «V» محاسبه می‌شود. بنابراین براساس اوزان نهایی بدست‌آمده از روش آنتروپی که در «جدول ٤»، ماتریس مربعی «W_{n*n}» تشکیل شده است، با استفاده از فرمول ۱-۷ ماتریس بی‌مقیاس‌شده موزون ساخته شده است.

جدول ٤. ماتریس‌های تکنیک TOPSIS

		مؤلفه‌ها	ماتریس تصمیم-M		ماتریس بی‌مقیاس شده-N		ماتریس بی‌مقیاس موزون-V	
			C1	C2	C1	C2	C1	C2
بعد عینی	A1	مبلمان	۵/۷۵	۵/۱	۰/۹۶۳۰	۰/۹۸۸۹	۰/۹٤۳٤	۰/۰۲۰۲
	A2	تناسبات‌بصری و هندسه	۵/۸۵	۵/٤	۰/۹۹٦۸	۱/۱۰۸٦	۰/۹۷٦۵	۰/۰۲۲٦
	A3	فرم و کالبد	٦/۰۵	٤/۹	۱/۰٦٦۱	۰/۹۱۲۸	۱/۰٤٤٤	۰/۰۱۸٦
	A4	انسجام و پیوستگی	۵/۳	٤/۷	۰/۸۱۸۲	۰/۸۳۹۹	۰/۸۰۱۵	۰/۰۱۷۱
	A5	خط آسمان/خط زمین	٦/۱۵	۵/٦	۱/۱۰۱۷	۱/۱۹۲۳	۱/۰۷۹۲	۰/۰۲٤۳
	A6	تنوع	۵/۷	٤/٦	۰/۹٤٦٤	۰/۸۰٤۵	۰/۹۲۷۰	۰/۰۱٦٤
	A7	تقارن و تعادل	٦/۱	۵/۵	۱/۰۸۳۸	۱/۱۵۰۱	۱/۰٦۱۷	۰/۰۲۳۵
	A8	نظم	۵/٦۵	٤/۵	۰/۹۲۹۸	۰/۷٦۹۹	۰/۹۱۰۹	۰/۰۱۵۷
	A9	وحدت	۵/۳۵	٤/۹	۰/۸۳۳۷	۰/۹۱۲۸	۰/۸۱٦۷	۰/۰۱۸٦
	A10	محصوریت و گشایش مناسب	٦/۵	۵/۲	۱/۲۳۰٦	۱/۰۲۸۰	۱/۲۰۵۵	۰/۰۲۱۰
	A11	ایمنی	٦/٦۵	۵/۱	۱/۲۸۸۱	۰/۹۸۸۹	۱/۲٦۱۸	۰/۰۲۰۲
	A12	عناصرشاخص/نماد/نشانه	٦/۰۵	٤/۸	۰/۰٦٦۱	۰/۸۷٦۰	۱/۰٤٤٤	۰/۰۱۷۹
	A13	عناصر طبیعی	۷/۳۵	۵/۸	۱/۵۷۳۵	۱/۲۷۹۰	۰/۵٤۱٤	۱/۰۲٦۱
	A14	تداوم و سلسله	٦/۳۵	٤/٦	۱/۱۷٤۵	۰/۸۰٤۵	۱/۱۵۰۵	۰/۰۱٦٤
	A15	دید و چشم‌انداز	٦/۵۵	۵/۲	۱/۲٤۹٦	۱/۰۲۸۰	۰/۲۲٤۲	۰/۰۲۱۰
بعد ذهنی	A16	واکنش‌های احساسی	٦/۸۵	۵/٤	۱/۳٦٦۷	۱/۱۰۸٦	۱/۳۳۸۹	۰/۰۲۲٦
	A17	حضورپذیری	۷/۹	٦	۱/۸۱۷۹	۱/۳٦۸۷	۱/۷۸۰۸	۰/۰۲۷۹
	A18	خاطرات جمعی	۸/۲۵	۵/۹	۱/۹۸۲۵	۱/۳۲۳۵	۱/۱۹۲۱	۰/۰۲۷۰
	A19	خوانایی	۷/۷	۵/٤	۱/۷۲۷۰	۱/۱۰۸٦	۱/٦۹۱۷	۰/۰۲۲٦
	A20	حس مکان	۸/۲۵	۵/۹	۱/۹۸۲۵	۱/۳۲۳۵	۱/۹٤۲۱	۰/۰۲۷۰
	A21	غنای حسی	۸/۲۵	۵/۵	۱/۹۸۲۵	۱/۱۵۰۱	۱/۹٤۲۱	۰/۰۲۳۵
	A22	توالی تباین و ریتم	۷	۵/۲	۱/٤۲۷۳	۱/۰۲۸۰	۱/۳۹۸۱	۰/۰۲۱۰
	A23	امنیت	۷/٤	۵/۱	۱/۵۹۵۰	۰/۹۸۸۹	۱/۵٦۲۵	۰/۰۲۰۲
	A24	سرزندگی	۸/۹۵	۵/۵	۲/۳۳۳۲	۱/۱۵۰۱	۲/۲۸۵٦	۰/۰۲۳۵
	A25	اصالت و هویت	۷/۸۵	۵/۳	۱/۷۹٤۹	۱/۰٦۸۰	۱/۷۵۸۳	۰/۰۲۱۸

معیارها در روش تاپسیس براساس نسبت فاصله تا «ایده‌آل مثبت» و «ایده‌آل منفی» ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شوند. بنابراین در این مرحله با استفاده از فرمول ۱–۸ ایده‌آل‌ها محاسبه شده‌اند. لازم به ذکر است در این پژوهش همه‌ی معیارها مثبت هستند. در گام بعدی میزان فاصله هر گزینه یا شاخص، به ایده‌آل مثبت و منفی با معیار «d^+» و «d^-» تعریف شده است. در گام آخر بر اساس فرمول ۱–۹، نسبت فاصله که با «Cl» تعریف شده، محاسبه شده است. این مقدار بین صفر و یک است. هرچه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، مؤلفه‌ی مهم‌تری است. نتایج این بخش در

«جدول ۵» ارائه شده است. در این راستا این‌طور نتیجه‌گیری می‌شود که مؤلفه‌ی A24، A18، A20، A21، A17 و A25 به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها هستند و کمترین فاصله تا ایده‌آل مثبت را دارند و همچنین A4، A9، A8، A6، A1 و A2 به ترتیب بیشترین فاصله از ایده‌آل منفی را دارند و از اهمیت کمتری برخوردار هستند.

جدول ۵. ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی

	مؤلفه		d^+	d^-	cl
بعد عینی	A1	مبلمان	۱/۳۴۲۲	۰/۱۴۶۴	۰/۰۹۸۳
	A2	تناسبات بصری و هندسه	۱/۳۰۹۱	۰/۱۸۱۹	۰/۱۲۲۰
	A3	فرم و کالبد	۱/۲۴۱۲	۰/۲۴۵۸	۰/۱۶۵۳
	A4	انسجام و پیوستگی	۱/۴۸۴۱	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۱۰
	A5	خط آسمان/خط زمین	۱/۲۰۶۴	۰/۲۸۶۳	۰/۱۹۱۸
	A6	تنوع	۱/۳۵۸۶	۰/۱۲۶۳	۰/۰۸۵۰
	A7	تقارن و تعادل	۱/۲۲۳۹	۰/۲۶۸۰	۰/۱۷۹۶
	A8	نظم	۱/۳۷۴۸	۰/۱۰۹۴	۰/۰۷۳۷
	A9	وحدت	۱/۸۹/۴۶	۰/۰۱۸۱	۰/۰۱۲۲
	A10	محصوریت و گشایش مناسب	۱/۰۸۰۱	۰/۴۰۹۳	۰/۲۷۴۸
	A11	ایمنی	۱/۰۲۳۸	۰/۴۶۴۸	۰/۳۱۲۲
	A12	عناصر شاخص/نماد/نشانه	۱/۲۴۱۲	۰/۲۴۵۱	۰/۱۶۴۹
	A13	عناصر طبیعی	۰/۷۴۴۲	۰/۷۵۰۳	۰/۵۰۲۱
	A14	تداوم و سلسله	۱/۱۳۵۱	۰/۳۴۹۷	۰/۲۳۵۵
	A15	دید و چشم‌انداز	۱/۰۶۱۵	۰/۴۲۷۹	۰/۲۸۷۳
بعد ذهنی	A16	واکنش‌های احساسی و آرامش	۰/۹۴۶۸	۰/۵۴۴۳	۰/۳۶۵۰
	A17	حضورپذیری	۰/۵۰۴۸	۰/۹۹۱۵	۰/۶۶۲۶
	A18	خاطرات جمعی	۰/۳۴۳۵	۰/۱۵۱۸	۰/۷۷۰۳
	A19	خوانایی	۰/۵۹۳۹	۰/۸۹۷۲	۰/۶۰۱۷
	A20	حس مکان	۰/۳۴۳۵	۰/۱۵۱۸	۰/۷۷۰۳
	A21	غنای حسی	۰/۳۴۳۶	۰/۱۴۸۳	۰/۷۶۹۷
	A22	توالی ریتم و تباین	۰/۸۸۷۵	۰/۶۰۱۹	۰/۴۰۴۱
	A23	امنیت	۰/۷۲۳۱	۰/۷۶۵۵	۰/۵۱۴۲
	A24	سرزندگی	۰/۰۰۴۵	۱/۴۹۱۸	۰/۹۹۷۰
	A25	اصالت و هویت	۰/۵۳۷۳	۰/۹۶۲۹	۰/۴۶۱

با توجه به نتایج ارائه شده در «جدول ۶»، مؤلفه‌های «انسجام و پیوستگی»، «وحدت»، «نظم»، «تنوع» و «تناسبات بصری و هندسه» به ترتیب از کمترین اهمیت و مؤلفه‌های «سرزندگی»، «خاطرات جمعی» ،«حس‌مکان»، «غنای

حسی»، «حضورپذیری» و «اصالت و هویت»، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در زیبایی‌شناسی منظر سبزه میدان شهر قزوین رتبه‌بندی شده‌اند. مؤلفه‌های برترِ شناسایی شده در این پژوهش، مربوط به بعد ذهنی می‌باشند. درواقع این مؤلفه‌ها براساس ذهنیت ناظر پایه‌گذاری شده‌اند و حس زیبایی ایجاد شده در ذهن افراد بر بستر ارتباط و آگاهی از عرصه‌ی عمومی میدان شکل می‌گیرد.

جدول ٦. رتبه‌بندی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی

بعد	شمارنده	مؤلفه	امتیاز
ذهنی	A24	سرزندگی	۰/۹۹۷۰
ذهنی	A18	خاطرات جمعی	۰/۷۷۰۳
ذهنی	A20	حس‌مکان	۰/۷۷۰۳
ذهنی	A21	غنای حسی	۰/۷٦۹۷
ذهنی	A17	حضورپذیری	۰/٦٦۲٦
ذهنی	A25	اصالت و هویت	۰/٦٤٦۱
ذهنی	A19	خوانایی	۰/٦۰۱۷
ذهنی	A23	امنیت	۰/۵۱٤۲
عینی	A13	عناصر طبیعی (پوشش‌گیاهی، آب و ...)	۰/۵۰۲۱
ذهنی	A22	توالی تباین و ریتم	۰/٤۰٤۱
ذهنی	A16	واکنش‌های احساسی و آرامش	۰/۳٦۵۰
عینی	A11	ایمنی	۰/۳۱۲۲
عینی	A15	دید و چشم‌انداز	۰/۲۸۷۳
عینی	A10	محصوریت و گشایش مناسب (دسترسی و...)	۰/۲۷٤۸
عینی	A14	تداوم و سلسله مراتب	۰/۲۳۵۵
عینی	A5	خط آسمان	۰/۱۹۱۸
عینی	A7	تقارن و تعادل	۰/۱۷۹٦
عینی	A3	فرم و کالبد	۰/۱٦۵۳
عینی	A12	عناصر شاخص/نماد/نشانه	۰/۱٦٤۹
عینی	A2	مبلمان شهری	۰/۱۲۲۲۰
عینی	A1	تناسبات بصری و هندسه	۰/۰۹۸۳
عینی	A6	تنوع	۰/۰۸۵۰
عینی	A8	نظم	۰/۰۷۳۷
عینی	A9	وحدت	۰/۰۱۲۲
عینی	A4	انسجام و پیوستگی	۰/۰۰۱۰

پس از بررسی تحلیل‌های ارائه شده در بخش یافته‌ها، اینطور نتیجه‌گیری می‌شود که معیارهای ذهنی سنجش زیبایی‌شناسانه منظر سبزه‌میدان قزوین، در نگاه متخصصان حوزه معماری و شهرسازی، در مقایسه با معیارهای عینی از اولویت بالاتری برخوردار هستند. در این راستا و با توجه به تأیید کلیت روند پژوهش توسط پانل دلفی، می‌توان اذعان کرد که توجه به هر دو جنبه‌ی عینی و ذهنی مؤلفه‌ها امری مهم تلقی می‌شود. بنابراین در این پژوهش مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ذهنی و عینی توسط پانل دلفی تأیید شده و در جریان قرار گرفته است. به این صورت که در کنار تعریف ذهنی منظر سبزه‌میدان، تعریف کالبدی میدان نیز مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، زیبایی‌شناسی منظر سبزه‌میدان یک موضوع پیچیده و چند بعدی تلقی می‌شود که تحلیل و ارزیابی آن در هر دو جنبه باید مورد توجه طراحان منظر و برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

٤. بحث

توجه به هر دو جنبه‌ی عینی و ذهنی در شناسایی، تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه‌ی منظر شهر لازم است. تحلیل و بررسی مطالعات پیشین با نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این موضوع است که در فرآیند ادراک و ارزیابی زیبایی‌شناسانه، سیما و منظر به عنوان واسطه درون و بیرون فضاهای عمومی در اولین مرحله، مستقیما مورد ارزیابی افراد قرار می‌گیرد و کیفیت عوامل سازنده جداره‌های شهری بخش جدایی‌ناپذیر منظر شهری هستند. بنابراین منظر در شهرها یک مشخصه مهم در ارزیابی کیفیت و زیبایی‌شناسی محیط تلقی می‌شود. این موضوع با نتایج پژوهش حقی، کریمی‌مشاور و زلفی‌گل (۱۳۹٦) و اسمعیلی، چاره‌جو و حوریجانی (۱۳۹۹) هم سو است. ابعاد مختلف و متنوع از جمله کیفیت‌های بصری و ابعاد معنایی محیط مصنوع در منظر و جداره‌های شهری از اهمیت بالایی برخوردار است. در نتیجه ابزار ایده‌آل برای ارزیابی کیفیات زیبایی‌شناختی چشم‌انداز می‌تواند ترکیب ابعاد مختلف و متنوع از جمله کالبدی، عملکردی، ادراکی، معنایی و نیازمند توجه همزمان به وجوه مختلف باشد. این اهم در نتایج پژوهش‌های مهذب‌طلاب، کریمی‌مشاور و سجادزاده (۱۳۹۷)، امین‌زاده (۱۳۸۹) و امین‌زاده‌گوهرریزی، شریفی و فروغی‌فر (۱۳۹۳) نیز تأیید شده است.

این پژوهش از نگاهی جامع و کاملی به مؤلفه‌های تأثیرگذار در مفهوم زیبایی‌شناسانه منظر سبزه میدان شهر قزوین برخوردار است که مبتنی بر چارچوب مفهومی، متشکل از ۲۵ مؤلفه تدوین، ارزیابی و تحلیل شده است. در این راستا نوآوری پژوهش حاضر جامع بودن مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه در شهر قزوین است که در سایر پژوهش‌ها، این موضوع به صورت جزئی یا تک بعدی بررسی شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به قائم‌پناه، مولوی، امیدواریان (۱٤۰۲) و منتظرالحجه و همکاران (۱۳۹۷) به عنوان پژوهش‌هایی مبتنی بر بعد صرفاً کالبدی و هلنگ و همکاران (۲۰۲۲) و نامی، بمانیان و انصاری (۱۳۹٤) به عنوان پژوهش‌هایی مبتنی بر بعد صرفاً ذهنی اشاره کرد. این پژوهش را می‌توان از لحاظ به‌کارگیری روش تحقیق مناسب، تأکید بر مؤلفه‌های شاخص ابعاد عینی و ذهنی در زیبایی‌شناسی منظر و روند ارزیابی آن به مثابه رویکردی نو در این مقوله تلقی کرد.

۵. نتیجه‌گیری

منظر شهری عرصه‌ی ملموس ارتباطی انسان با پدیده شهر است. در تعامل بین انسان و شهر، منظر بصری، اجزا و عناصر محیط را به نمایش می‌گذارد. بنابراین منظر در ابتدا یک مفهوم عینی است که به وسیله‌ی عوامل فیزیکی و ویژگی‌های ملموس محیط ظهور و بروز می‌یابد و در ادامه مجموعه‌ای از محرک‌های محیطی که در ادراک انسان ریشه دارند و براساس لایه‌های فرهنگی و اجتماعی فرد و جامعه پایه‌گذاری شده‌اند، در این فرآیند تأثیر می‌گذارند. در نتیجه منظر شهر یک مفهوم عینی و ذهنی است که ارزش‌های تصویری و ذهنی شهر را در معرض نمایش و ادراک قرار داده و زمینه و بستر تجربیات زیبایی‌شناسانه از محیط را فراهم می‌کند و نشان دهنده این موضوع است که تمرکز خاصی بر وجوه ذهنی یا ادراکی و کالبدی یا بصری وجود ندارد؛ درواقع زیبایی‌شناسی منظر را می‌توان به‌وسیله فاکتورهای متنوع در ابعاد عینی و ذهنی تعریف کرد. در این پژوهش با هدف ارزیابی زیبایی‌شناسانه منظر سبزه میدان شهر قزوین، مؤلفه‌های تأثیرگذار در زیبایی‌شناسی به وسیله‌ی روش تاپسیس رتبه‌بندی شده‌اند.

توانایی این فضا در جذب افراد در گروه‌های سنی و جنسیتی مختلف، تنوع عملکردی و فعالیتی محیط را ایجاد می‌کند. در این بستر با استفاده از اهرم‌های کنترل اجتماعی، تعاملات اجتماعی و حضور پذیری، حس تعلق به مکان افراد پایه‌گذاری می‌شود. تجربه ویژگی‌های ملموس از طریق حواس مختلف، خاطرات جمعی حاصل از حضور پذیری در فضا و خلق تجربیات گوناگون، در ارتقاء نگاه زیبایی‌شناسانه به کیفیات محیطی سبزه‌میدان شهر قزوین تأثیرگذار است و هویت و اصالت محیط را زمینه‌سازی می‌کند. در نتیجه براساس کیفیات محیطی مطلوب و زیباشناسانه به عنوان یک فضای زیبا و جذاب تعریف شده‌است.

نگاه زیبایی‌شناسانه منظر سبزه میدان شهر قزوین پیچیده و متشکل از عوامل متعدد و گوناگون است. بنابراین همواره هر دو بعد ذهنی و عینی و مؤلفه‌های مربوطه در بررسی زیبایی‌شناسی منظر سبزه میدان شهر قزوین، موثر هستند و در فرآیند ادراک و ارزیابی محیطی به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. در نهایت موارد ذیل به عنوان پیشنهاد برای تحقیقات آتی برای پژوهشگران، طراحان منظر و مسولان شهری ارائه می‌شود:

- در زمینه‌ی طراحی و ارزیابی منظر شهری به هر دو جنبه‌ی ذهنی و عینی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی توجه توامان شود.
- با توجه به کمبود موارد مشابه در زمینه‌ی ارزیابی زیبایی‌شناسانه‌ی مناظر شهری، پژوهش‌های کاربردی در این حوزه با رویکردهای مختلف خبره محور و مردم محور انجام پذیرد تا نتایج آن راهنمایی برای مسولان و طراحان شهری باشد.
- نظر به نتایج بدست آمده از این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد مؤلفه‌های «انسجام و پیوستگی»، «وحدت»، «نظم»، «تنوع» و «تناسبات بصری و هندسه» در ارتباط با ارزیابی و بهسازی نمونه موردی مذکور (سبزه‌میدان قزوین) نیازمند توجه بیشتر هستند تا ارتقای کیفیت منظر میدان باعث اثرگذاری بیشتر بر فضای شهری شود.

کتاب‌نامه

۱.اسمعیلی، ف.، چاره جو، ف.، و حوریجانی، ن. (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی جداره‌های شهری با تأکید بر زیبایی‌شناسی بصری، با استفاده از روش شبکه‌بندی (نمونهٔ موردی: خیابان انقلاب سنندج). *باغ نظر، ۱۷*(۸۲)، ۶۸-۷۸.

۲.امین زاده، ب. (۱۳۸۹). ارزیابی زیبایی و هویت مکان. *هویت شهر*، ۴(۷)، ۳-۱۴.

۳.امین‌زاده گوهرریزی، ب، شریفی، م.، و فروغی‌فر، م. (۱۳۹۳). مقایسه ادراک زیبایی منظر شهری از نظر متخصصان و کاربران مطالعه موردی: میدان عدل خمینی، مشهد. *فصلنامه مطالعات شهری*، ۳(۱۰)، ۷۳-۸۰.

۴.امین‌زاده، ب. (۱۳۹۴). *ارزش‌ها در طراحی منظر شهری، پایداری، زیبایی و هویت*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۵.ایروانی، م.، و خداپناهی. م.ر. (۱۳۷۱). *روانشناسی احساس و ادراک*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۶.آقابزرگ، ن.، و متدین، ح. (۱۳۹۳). زیبایی شناسی میدان ایرانی - تحلیل کالبدی میدان های تاریخی ایران. *منظر*، ۶(۲۶)، ۲۳-۱۸.

۷.آل‌هاشمی، آ.، و منصوری، س. ا. (۱۳۹۶). منظر؛ مفهومی در حال تغییر (نگاهی به سیر تحول مفهوم منظر از زنسانس تاکنون). *باغ نظر*، ۱۴(۵۷)، ۴۴-۳۳.

۸.آیوازیان، س. (۱۳۸۱). زیبایی شناسی و نقد آن در خواستگاه معماری. *مجله هنرهای زیبا*، ۱۲، ۶۴-۶۹.

۹.بهزادپور، م. (۱۳۹۹). *مکان و لامکان*. تهران: انتشارات طحان.

۱۰.پاکزاد، ج. (۱۳۹۱). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی

۱۱.توپچی خسروشاهی، م.، ثقفی اصل، آ.، ستارزاده، د.، و ستاری ساربانقلی، ح. (۱۴۰۰). ارزیابی تحقق‌پذیری شاخص‌های کیفیت فضاهای عمومی شهری بر مبنای دیدگاه کرمونا (مطالعه موردی: شهر تبریز). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۸(۲)، ۱۷۹-۱۹۶.

۱۲.جعفری‌ها، ر. (۱۳۹۶). *زیبایی‌شناسی منظر شهری، با تکیه بر آراء اندیشمندان اسلامی (مبانی)*. قزوین: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین.

۱۳.حقی، م.، کریمی‌مشاور، م.، و زلفی‌گل، س. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت منظر فضاهای عمومی شهری، (مطالعه موردی: میدان امام شهر همدان). *محیط شناسی*، ۴۳(۳)، ۵۴۱-۵۲۹.

۱۴.حقیریان، ش.، سجادزاده، ح.، و کریمی‌مشاور، م. (۱۳۹۵). اولویت بصری میدان‌ها شهری از منظر کاربران (نمونه موردی: میدان‌های شهر همدان). *آمایش محیط*، ۹(۳۵)، ۲۳-۴۲.

۱۵.ریخته‌گران، م. (۱۳۸۴). *هنر از دیدگاه مارتین هیدگر*. تهران: فرهنگستان هنر.

۱۶.شعبان‌جولا، ا.، و زندیه، م. (۱۳۹۴). ارزیابی نقش منظر شهری در امنیت شهروندان (مطالعه موردی: شهر قزوین). *باغ نظر*، ۱۲(۳۲)، ۹۱-۱۰۲.

۱۷.فتاحی، بمانیان، و صارمی. (۱۴۰۰). ارزیابی مفاهیم زیبایی‌شناسی و منظر شهری در انعطاف‌پذیری مجتمع‌های مسکونی. *فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۳(۲)، ۴۹۰-۵۰۵.

۱۸.قائم پناه، ن.، مولوی، ا.، و امیدواریان، م. (۱٤۰۲). بازشناسی شاخص‌های عینی- کالبدی در زیبایی‌شناسی جداره شهری با اولویت‌بندی ادراکات فردی (مورد پژوهی: پیاده راه ارم شهر قم). *فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای*، *۸*(۲٦)، ۸۷-۱۱٦.

۱۹.قره‌بگلو، م.، نژادابراهیمی، ا.، و جاویدمه، م. (۱۳۹۵). شناسایی معیارهای طراحی منظر شهری با رویکرد پاسخ دهی محیطی(نمونه موردی:سرای محله جمالزاده). *نشریه شهرسازی و معماری هفت‌شهر*، ۱۰۳-۱۱۷.

۲۰.کریمی.، م. (۱۳۸۹). زیبایی برج از نگاه شهروندان؛ بررسی رویکرد زیبایی‌شناسانه شهروندان تهرانی به ساختمان‌های بلند. *منظر ، ۱۱*، ٥٦-٦۱.

۲۱.کریمی، م. (۱۳۹۹). بازشناخت ابعاد عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در دوران معاصر. *مطالعات هنر اسلام*، *۱٦*(۳۷)، ۲٤٥-۲٦۲.

۲۲.کریمی‌مشاور، م. (۱۳۹۲). رویکردها و روش ها در زیبایی شناسی شهری. *باغ نظر*، *۱۰*(۳٤)، ٤۷-٥٦.

۲۳.گلکار، ک. (۱۳۸۷). محیط بصری شهری؛ سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایدار. *فصلنامه علوم محیطی*، *٥*(٤)، ۱۱٤-۹٥.

۲۴.منتظرالحجه، م.، نوکار.، ب.، شریف نژاد، م.، و فتوحی، ز. (۱۳۹۷). سنجش شاخص‌های کالبدی مؤثر بر مؤلفه زیبایی‌شناسی در توسعه‌های شهری معاصر (مطالعه موردی: نواحی آماده‌سازی شده در شهر یزد). *فصلنامه مطالعات شهری*، *۸*(۲۹)، ٥۸-٤٥.

۲٥.منوری، م.، دارایی، س.، زادمهدی، ج. (۱۳۹۷). *ارزیابی اثرات دیداری و منظر*. تهران: تالاب.

۲٦.موسوی‌رکنی، س. (۱۳۹٤). نقد و بررسی عینیت زیبایی‌شناختی از منظر فرانک سیبلی. *فصلنامه کیمیای هنر*، ٥۳-٥٤۱.

۲۷.مهذب‌طلاب، م.، کریمی‌مشاور، م.، و سجادزاده، ح. (۱۳۹۷). نگرش‌ها در زیبایی‌شناسی منظر شهری. *فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای*، *۳*(٦)، ۱۱۱-۸۱.

۲۸.نامی، م، بمانیان م و انصاری، م. (۱۳۹٤، دی). زیبایی شناسی و ادراک در منظر شهری. *کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه شهری*.

۲۹.نقی‌زاده، م.، ثقه‌الاسلامی، ع.، و بشیری، س. (۱۳۹۲). فرآیند طراحی فضای شهری بر مبنای اصول زیبایی شناختی ایرانی – اسلامی (نمونه موردی: میدان وحدت اسلامی تهران. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، *۱۱*، ٥۱-٤۱.

۳۰.وحدت، س.، سجادزاده، ح.، و کریمی‌مشاور، م. (۱۳۹٥). تبیین ابعاد مؤثر بر منظر خیابان به منظور ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: خیابان های بافت مرکزی شهر همدان. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۱۷-۳٦.

۳۱.یوسفیان، ج. (۱۳۷۹). نگاهی به مفهوم زیبایی‌شناسی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۱۳۸-۱٤۲.

32.Abdulhussain, L., Abdulhussain, K., & Hameed Haddad, A. (2023). Rhythm Phenomenology in Architecture and Building Design. *International Journal of Construction Supply Chain Management*, *13*(1), 17-36

33.Antrop, M .(2006). Sustainable landscape contradiction, fiction or Utopia ?. *Landscape and Urban Planning.75, 187-197.*

34.Atashinbar, M. (2009). Continuity of identity in the urban landscape. *Bagh-e Nazar*, 45-56.
35.Bentley, I. (1985). *Responsive Environments.* Architectural Drawing.
36.Clay, G., & Smith, R. (2004). Assessing the validity and reliability of descriptor variables used in scenic analysis .*Landscape and Urban Planning* ,66-239.
37.Golivets, M .(2011). Value of Forest Landscape. Swedish University of Agricultural Sciences.
38.Thurstain -Gowdwin, M., & Batty, M. (2001). The Sustainable Town Center. *Planning for a Sustainable Future*. London: Routledge
39.Hong, X.; Zhang, W.; Chu, Y.; Zhu, W. Study on Subjective Evaluation of Acoustic Environment in Urban Open Space Based on "Effective Characteristics". *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 19, 9231.
40.Ipek, F. (2022). On Atmosphere as a Visual Phenomenon in Architectural Aesthetic .H. R Husain *HERITAGE AND THE CITY: Values and Beyond* 1-11 .Istanbul: Cinius Yayanlari.
41.Jafariha R., Ansari M., & Bemanian M. (2018). Landscape Perception Indicators Based on Islamic Aesthetics (Case Study: Three Instances in Qazvin, Iran). *Naqshejahan*; 7 (4), 11-29.
42.Jafariha, R., Daneshkar Arasteh, M., Pourali, B., & Moulaii, M. (2022). The aesthetical perception of residences in the north and south of the city regarding residential building Facades. *International Journal of Architecture and Urban Development*, *12*(1), 5-18.
43.Lang, J. (1987). *Creating Architecture Theory; the Role of the Behavioal Scinces in Environmental Design.* Van Nostrand Reinhold.
44.Liu, M., & Schroth, O. (2019). Assessment of aesthetic preferences in relation to vegetation-created enclosure in Chinese Urban Parks: A Case Study of Shenzhen Litchi Park. *Sustainability*, *11*, 1809.
45.Lothian, A. (1999). Landscape and the phylosophy of aesthetic: is landscape quality inherent in the landscape or in the eye of the bachelor. *Landscape and urban planning*, 180-198.
46.Mao, Q., Hu, C., Guo, Q., Li, Y., Liu, M. (2023). How does vegetation landscape structure of urban green spaces affect cultural ecosystem services at multiscale: Based on PLS-SEM model. *Forests*, 14, 1401.
47.Mundher, R., Shamsul A. B., Suhardi M., Mohd J. M. Y., Ammar A., Azlizam A., & Hangyu G. (2022). Aesthetic quality assessment of landscapes as a lodel for urban forest areas: A systematic literature review. *Forests* 13, (7), 991.
48.Nasar, J. (2011). Environmental Psychology and Urban Design.*Companion to Urban Design*. London: Routledge.
49.Nijhuis, S., Lammeren, V., & Hoeven, F.V. (2011). *Exploring the Visual Landscape. Advances in Physiognomic Landscape Research in the Netherlands.* IOS press.
50.Ralph, R. (1976). *On Identity of Place. London*. Pion Press.
51.Sakhaei, H., Gu, N., & Looha, M.A. (2023). Assessing the association between subjective evaluation of space qualities and physiological responses through cinematic environments' emotion-eliciting stimuli. *Front. Psychol*, *13*:1012758.
52.Salahi, S., & Moztarzadeh, H. (2023). Providing design solution of urban facade based on the aesthetics principles of colors, case study: Afifabad Street, Shiraz. *Space Ontology International Journal, 12*(1), 61-76.
53.Skrivanova, Z., & Kalivoda, O. (2010). Perception and assessment of landscape aesthetic values in the Czech-Republic – a literature review. *Journal of Landscape Studies, 3*, 211-220.
54.Tibbalds, F. (2000). Making People-friendly towns; improving the public environment towns and cities. USA: Taylor & Francis.
55.Wang, S., & Gu, K. (2020). Pingyao: The historic urban landscape and planning for heritage-led urban changes. *Cities, 97*, 102489.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال یازدهم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠٣، شمارهٔ پیاپی ٢٧

DOI: 10.22067/jgusd.2024.80015.1275
مقالهٔ علمی - پژوهشی

عوامل مؤثر بر مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی

سعید خاتم (فوق دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
s.khatam@modares.ac.ir
زهرا احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)
ahmadyz@modares.ac.ir
مهناز خاتم (دکتری مدیریت دولتی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاداسلامی، سیرجان، ایران)
mahnazkhatam@yahoo.com

تاریخ دریافت: ١٤٠٣/٠١/٢٣ تاریخ تصویب: ١٤٠٣/٠٦/٢٠
صص ١٦٨-١٥٣

چکیده

مدیریت مطلوب شهری فرایندی است که براساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و نهادهای غیررسمی جامعه مدنی و عرصه عمومی از طرف دیگر شکل می‌گیرد و هدف از انجام آن اداره بهتر سرزمین و عرضه خدمات بهتر و بیشتر به شهروندان است. با ایجاد الگوهای رایج مدیریت مطلوب شهری به عنوان جایگزینی برای مدل سنتی مدیریت شهری انتخاب گردید. برای این کار پس از مطالعهٔ ادبیات پژوهش و شناسایی ١٢ عامل نقش‌آفرین در مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی و گنجاندن آن‌ها در پرسشنامهٔ نیمه‌بستهٔ مبتنی بر طیف لیکرت با استفاده از روش نمونه‌گیری نوعی، ٣١ نفر از خبرگان شناسایی و پرسشنامه میان آن‌ها توزیع شد. برای غربالگری داده‌ها از میانگین نظر خبرگان بر پایهٔ منطق فازی استفاده شد. سپس پرسشنامه‌ای با ساختاری ماتریسی برای کشف روابط علّی میان عوامل تهیه شد. پس از حصول اطمینان از عدم وجود رابطهٔ معنادار میان شاخص‌های خبرگی خبرگان و شاخص‌های پیچیدگی و دامنهٔ نقشه‌های شناختی و نیز بررسی تشابه تقشهٔ شناختی خبرگان که نشان می‌داد ویژگی‌های شخصی و عضویت خبرگان در سازمان‌های مختلف نتوانسته است میان نقشه‌های خبرگان تفاوت معناداری ایجاد کند، نسبت به استخراج نقشهٔ مورد اتفاق خبرگان مبتنی بر روابط به نسبت قوی میان عوامل اقدام شد. نتیجهٔ به یک مدل منجر شد که براساس آن عوامل مدیریت مطلوب شهری مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی شامل: پاسخگویی مدیران، مشارکت شهروندان، برنامه‌ریزی، تمرکززدایی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، مدیریت یکپارچه، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، شفافیت، عدالت‌محوری است.

کلیدواژه‌ها: کلان‌شهر تهران، مدیریت مطلوب شهری، نگاشت علّی.

۱. مقدمه

امروزه مدیریت کلان‌شـــهرها، با توجه به رشـــد بی‌رویه آن‌ها که باعث تخریب محیط زیســـت و ایجاد مســـائل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی عدیده‌ای شـده اسـت، که نیاز به باز نگری در سیسـتم‌های مدیریتی و قوانین حاکم بر آن‌ها را دارد (سـیمون[1] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۱۰). کلان‌شـهر در بسـیاری از کشـورهای در حال توسـعه از دید بسیاری از کارشناسان به‌مثابه سیاه چاله‌هایی قلمداد می‌گردند، که باعث بلعیدن انرژی و سرمایه ملی می‌گردد، که باید ضـرورت توجه به مدیریت شـهری واحد را در آن‌ها در اولویت قرار داد (هگازی[2] و همکاران، ۲۰۲۱). کلان شـهر تهران به‌مثابه سیسـتم یکپارچه‌ای اسـت که باید مدیریت آن نیز یکپارچه باشـد، و در اینجا می‌توان از اصـلاح مدیریت واحد و یکپارچه شـهری اسـتفاده کرد، چون که مدیریت واحد صـرفه‌جویی در هزینه‌های شـهری را به دنبال دارد. سرعت و اندازه رشد جمعیت شهری و افزایش تعداد شهرها در کشورهای درحال توسعه به صورتی بوده که عموم شـهرها به ویژه کلان‌شـهرها را گرفتار مسـائل و چالش‌های متعددی نموده اسـت. این چالش‌ها به‌طور عمده، به سـبب تطابق نداشتن نیازهای گسترده و روزافزون شهری با توانایی مدیریت شهری در پاسخگویی و رفع آن‌ها پدید آمده‌اند (شمس و هاشـمی بیستونی، ۱۳۹۹، ص. ٤٥). در این میان، نقش مدیریت شهری به عنوان سکاندار اداره شهرها بیش از پیش نمایان می‌گردد (جعفری فرد و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۳). نقطه بحرانی مسئله آنجاست که خلاءهای ناشی از عدم تدقیق نقش و جایگاه مدیریت شـــهری در دل مجموعه حاکمیتی کشـــور و نیز فقدان یکپارچگی مدیریت شـهری، بر ناکارآمدی‌های متعدد دامن می‌زند (ویتالیسـووا[3] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۱۸). کلان‌شـهر تهران به عنوان پیشرو در شهرنشینی ایران، در کشاکش حساس تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حول ارزشهای دموکراسی در عصر مدرن و پسامدرن، نیاز به تغییرات و تحولاتی را به مجموعه حاکمیتی گوشـزد می‌کند (خاتم، ۱۳۹۷، ص. ۵۹). از همین رو این تغییرات حول محور تعیین‌کننده جایگاه مطلوب مدیریت کلان‌شـــهر تهران در ســـاختار اجتماعی–سـیاسـی و مدیریتی کشـور می‌چرخد. تمرکز جمعیت جهان در کلان‌شـهرها در قرن حاضـر به‌طور مداوم در حال افزایش است (بهروتی و همکاران، ۱٤۰۰، ص. ۷۹). درحالی‌که ۳۰ درصد از جمعیت جهان در سال ۱۹۵۰ در شهرها زندگی می‌کردند، این رقم در سـال ۲۰۲۱ به ۵۹ درصـد افزایش یافت و سـازمان ملل (۲۰۲۱) پیش بینی کرد که در سـال ۲۰۵۰، تا ۷۰ درصـد از جمعیت جهان در شـهرها زندگی خواهند کرد. بنابراین، در دهه گذشـته، کلان‌شـهرها با چالش‌های جدید مرتبط با رشد جمعیت، مانند حمل‌ونقل عمومی، مسکن شهری، مدیریت پسماند و... مواجه شده‌اند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۵). با توجه به شدت این چالش‌ها، لازم است توسعه اجتماعی–اقتصادی و شهری با هدف به حداقل رسـاندن چالش‌ها در نظر گرفته شـود، مدیریت شـهری مبحثی اسـت که با ظهور شـهرهای نوین و افزایش پیچیدگی‌های زندگی شهری شکل جدیدی به خود گرفته است (پارسا و برک‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۸). به‌طور

1. Simone
2. Hegazy
3. Vitalisova

کلی تمرکز توسعه در شهرها به ویژه کلان‌شهرها، توجه به مفاهیم فیزیکی و کالبدی و غفلت از اهداف اجتماعی، شهرها را با چرخه نامطلوبی از نبود تعادل‌های اجتماعی- اقتصادی و زیست‌محیطی روبرو کرده و چالش‌های بی‌سابقه‌ای در کلان‌شهرها ایجاد کرده است (مشکینی و نصرتی‌هشی، ۱٤۰۰، ص. ٦۰). گسترش و توسعه شهری یکی از پیامدهای اصلی دگرگونی‌های ناشی از تجمع جمعیت در مراکز شهری است. بر این اساس، اهداف توسعه پایدار به همراه شاخص‌های مربوطه در نظر گرفته شده است و با این شاخص‌ها می‌توان شاخص‌های مختلفی برای توسعه پایدار شهری از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ایجاد کرد که هدف آن آشکار کردن الگوی فضایی اصلاح‌شده منابع طبیعی و توسعه اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن است (شائو[1] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۲٤۱). تمرکز مردم در مناطق شهری منجر به مشکلات جدیدی از جمله کاهش منابع آب، جنگل‌زدایی، تغییر کاربری اراضی، تخریب محیط زیست، مشکلات بهداشتی است (بروکاردو[2] و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۳٦۷). چنین نگرانی‌هایی اهمیت مدیریت مطلوب شهری را در طول زمان برجسته کرده است و در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن شده است (نزیف[3] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۵۵). افزایش تقاضای خدمات و هجوم جمعیت به مناطق شهری بر حفظ دسترسی به نیازهای اولیه و کیفیت زندگی و خدمات در شهرها مورد توجه مدیران شهری قرار دارد (کارلتون[4]، ۲۰۱٤، ص. ۳۰). نه تنها شهرنشینی و سبک جدید زندگی شهری، تقاضا برای منابع را از دیدگاه انرژی، آب، استفاده از زمین و مصرف محصول افزایش می‌دهد، بلکه شرایط نامطلوب ناشی از تغییرات اقلیمی و قابل مشاهده، شدیدتر خواهد شد (نابر[5] و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۸٤۸۵). افزایش نابرابری‌ها منجر به ایجاد شکاف اجتماعی-اقتصادی تقریباً در همه جای جهان می‌شود. افراد با درآمد بالا به مراکز شهرها یا مناطق ساحلی جذاب نقل مکان می‌کنند، درحالی‌که فقر به‌طور فزاینده‌ای حومه شهر را فرا می‌گیرد (دی گیماراس[6] و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳۰). در نتیجه، جغرافیای شهری نابرابری، سریع تغییر می‌کند. افزایش سطوح نابرابری، چالش‌های بزرگی را برای پایداری اجتماعی آینده کلان‌شهرها ایجاد می‌کند، زیرا شهرها دیگر مکان‌های فرصت برای همه افراد جامعه نیست (ون هام[7]، ۲۰۲۱، ص. ۱٤٦). فرایند برنامه‌ریزی شهری برای مواجهه با این چالش‌ها صورت می‌گیرد که با رفع آن‌ها و برای مدت طولانی ادامه می‌یابد تا برنامه‌ای جامع شکل‌گیرد که شامل تغییرات اساسی در جامعه و همگام با رشد جمعیت و شهرنشینی باشد و در این خصوص برنامه‌ریزی و شکل‌گیری طرح‌های اولیه امری ضروری است (دتوتو[8] و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۸۲). برنامه‌ریزی صحیح و حمایت از آن‌ها با پیگیری و فرایندهای ارزیابی مستمر که از مؤلفه‌های اساسی

1. Shao
2. Broccardo
3. Nazif
4. Carlton
5. Naber
6. De Guimarães
7. Van Ham
8. Detotto

عملیات مدیریت است صورت می‌پذیرد که راه حلی برای کاهش مشکلات و کاستی‌ها در مدیریت شهری است (محمود[1]، ۲۰۲۱، ص. ۲٤۷٦). طراحی و توسعه پلتفرم‌های مدیریت شهروند محور باید در اولویت مدیران شهری قرار گیرد (موریدز[2] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۷۳۳۱). علاوه‌بر گسترش برنامه‌ریزی شهری، بازآفرینی شهری یک استراتژی جدید توسعه شهری است که می‌تواند به‌طور مؤثر محیط فیزیکی شهری را بهبود بخشد و رشد اقتصادی را ارتقا دهد (زی[3] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ٥٤٥).

حکمروایی شهری فرایندی است که طی آن تمامی سطوح دولت‌ها و ذینفعان به‌طور متقابل در مورد چگونگی برنامه‌ریزی، تأمین مالی و مدیریت مناطق شهری توافق دارند. بنابراین، حکمرانی شهری مشارکتی است زیرا نیازمند تلاش‌های مشترک دولت و مردم است (خاتم و احمدی پور[4]، ۲۰۲۲، ص. ۱٤۱۱). حکمرانی شهری برای تعیین فرایندهای قانونی و اداری که زیربنای توسعه هستند و نقش بازیگرانی که مدیریت شهر را تشکیل می‌دهند، بسیار مهم است. با این حال، فقدان حکمرانی و مدیریت مطلوب می‌تواند مردم را در معرض خطر شرایط زندگی دشوار قرار دهد (آکین لابی[5]، ۲۰۲۲، ص. ۱۲). حکمروایی شهری ایده اصلی آن اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه شهری براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (لیم[6] و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۲۰۱). و به یک تکنیک دولتی (محلی، منطقه‌ای و ملی) اشاره دارد که در آن ذینفعان در مورد چگونگی برنامه‌ریزی، تأمین مالی و مدیریت توسعه مناطق شهری تصمیم می‌گیرند (اسکریبانو[7]، ۲۰۲۰، ص. ۱٤۷). ازآنجاکه حکمرانی شهری براساس وضعیت حکومت محلی و ماهیت جامعه در حال متنوع شدن است، دانستن وضعیت حاکمیت محلی به صورت ذهنی، با ترکیب سیاست‌ها و شیوه‌های مبتنی بر ملی، منطقه‌ای و محلی دارای اهمیت است (سابدی[8]، ۲۰۲۱، ص. ۲٦۳). تحقیق حاضر درصدد است تا به این سوال پاسخ دهد که تدوین مدل عوامل مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی چگونه است؟

۲. روش‌شناسی

در این تحقیق باتوجه به اهداف و روش تحقیق که در ادامه بررسی خواهد شد، ۸ منطقه ازمناطق ۲۲گانه کلانشهرتهران برای مطالعه موردی مدنظر قرار گرفته است.این مناطق شامل مناطق ۱۵ تا ۲۲ شهر تهران است که در شکل ۱تفکیک ومشخص شده است.مناطق مورد نظر تقریباً تفکیکی ازمناطق جنوبی وغربی کلانشهر تهران می باشند.

1. Mahmood
2. Muridzi
3. Xie
4. Khatam& Ahmadipour
5. Akinlabi
6. Lim
7. Escribano
8. Subedi

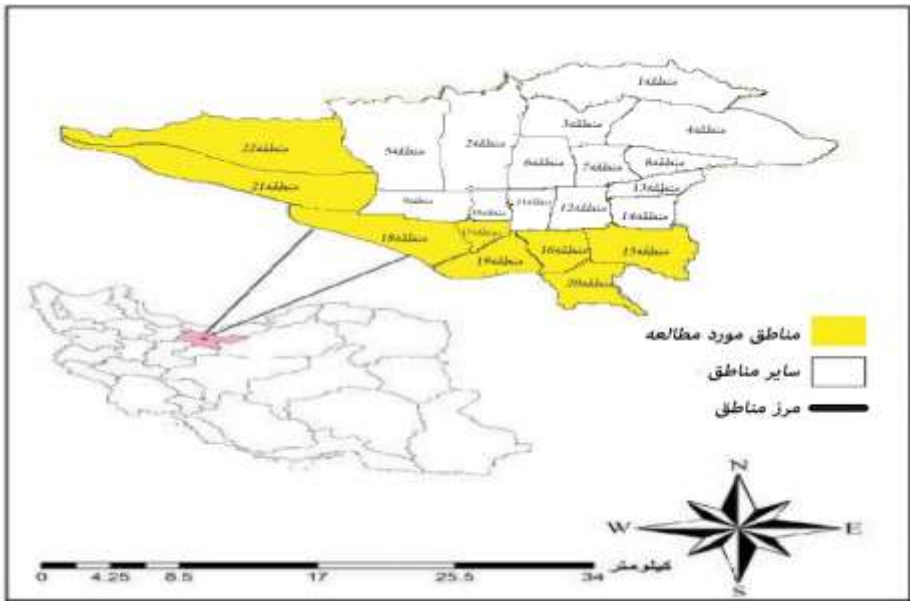

شکل ۱. مناطق ۸ گانه مورد مطالعه شهر تهران

برای تحلیل داده‌های پرسش‌نامه اقدام‌های زیر انجام شد:

برای تجزیه‌وتحلیل، داده‌ها ابتدا با استفاده از نرم‌افزار Cognizer1. 2 وسپس نرم‌افزار SPSS به‌ترتیب آزمون‌های آماری معناداری همبستگی تاو بی‌کندال و کروسکال–والیس تحلیل شدند. بررسی تشابه نقشهٔ شناختی خبرگان با هدف بررسی همبستگی خطی میان نقشه‌های شناختی به‌عنوان مجوز تلفیق نقشه‌ها به این منظور وضعیت تشابه نقشه‌های شناختی خبرگان بررسی شد. همبستگی رویهٔ تخصیص درجهٔ دوم با روش مقیاس‌پردازی برای تقویت بررسی تشابه نقشهٔ شناختی خبرگان، از فنون آماری نیز استفاده شد. از مقیاس‌پردازی چندبعدی با هدف ارائهٔ تحلیل خوش‌های چندبعدی الگوی ترسیمی تشابه و یا تفاوت نقشهٔ شناختی خبرگان و از تحلیل خوشه‌ای برای دسته‌بندی نقشهٔ شناختی خبرگان براساس ویژگی‌های آن‌ها استفاده می‌شود. برای انجام محاسبات از نرم‌افزارهای UciNet6 و Cognizer. 2.1 استفاده شد. برای ادغام نقشه‌های شناختی نقشهٔ مورد اتفاق خبرگان با روابط به نسبت قوی میان عوامل مورد نظر قرار گرفت. برای شناسایی این و برای سنجش قوت روابط از جدول ۲ و محاسبات میانگین نقشه از نرم‌افزار Excell، UciNet 0 استفاده شد. آنگاه با فازی زدایی شدهٔ مربوط به آن در نقطهٔ برش ۰/٦۵ ضریب همبستگی عوامل نقشه‌های ادغامی محاسبه و تحلیل مقیاس‌پردازی چندبعدی انجام شد. در نهایت پس از حذف عوامل واسط (فاقد ورودی و خروجی) نسبت به مدلسازی بلوکی در داده‌های ماتریس همجواری نقشه‌ها با روش UciNetاقدام شد.

زمانی که از دیدگاه چند نفر استفاده می‌شود از میانگین ساده نظرات استفاده می‌شود و M را تشکیل می‌دهیم.

خبرگان باید تأثیر هر شـاخص بر شـاخص دیگر را در قالب ۵ واژه زبانی {بسـیار بالا، بالا، پایین، بسـیار پایین و بدون تأثیر} بیان کنند.

جدول ۱. عوامل مؤثر مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
پاسخگویی مدیران	باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی
	کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها
مشارکت شهروندان	افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها
	بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان، حفظ دمکراسی
برنامه‌ریزی	ایجاد فرصت و امکان برای مردم به‌منظور نشان دادن خواسته‌ها و آمالشان در زندگی،
	اعتلای امنیت، برابری و پایداری
تمرکززدایی	پذیرش و حرکت به سمت نظام باز، کثرت‌گرا و مدنی از طریق تقسیم و انتقال قدرت سیاسی
	توسعه‌نگری مبتنی بر انسان‌محوری و پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی
اثربخشی دولت	مشارکت‌جویی شهروندان و مشارکت‌پذیری سازمان‌ها و مسئولان رسمی
	کارایی و اثربخشی کلیت منطقه کلان‌شهری و اجزای عملکردی و جغرافیایی آن
حاکمیت قانون	کل‌گرایی و نگرش جامع و فراگیر در سطح کل منطقه کلان‌شهر به‌منظور حداکثر استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های موجود و کاهش مشکلات
	اتخاذ راهبرد تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکز در سطح منطقه کلان‌شهری در چارچوب یک سازمان سیاسی و اقتصادی و فضایی مبتنی بر منطقه و منطقه‌گرایی
مبارزه با فساد	پذیرش و به رسمیت شناختن بخش‌ها و عناصر غیررسمی در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی منطقه کلان‌شهری
	تغییرات و الزامات سازمانی (رویه‌ای)
مدیریت یکپارچه	استقرار نظام مدیریت کلان‌شهری چندسطحی با مسئولیت‌ها و اختیارات روشن در لایه‌های مختلف بر مبنای مفاهیم و روابط بین سازمانی و میان قلمرویی و انسجام عمودی و افقی
	استقرار نظام برنامه‌ریزی راهبردی چندسطحی بر مبنای پذیرش هویت و عملکرد مستقل و در عین حال هماهنگ قلمروهای مختلف درون منطقه کلان‌شهری
مسئولیت‌پذیری	ایجاد ظرفیت‌های سازمانی لازم برای پذیرش مشارکت و مداخله مؤثر نهادهای عمومی، غیردولتی و داوطلبانه در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
	برخورداری از محدوده فضایی جامع کل منطقه کلان‌شهری به‌عنوان محدوده مسئولیت
کارایی و اثربخشی	برخورداری از استقلال و مسئولیت گسترده در محدوده مذکور
	عدالت فضایی و اجتماعی در خدمت‌رسانی به تمام ساکنان و همه محدوده منطقه کلان‌شهری

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شفافیت	طراحی ساختار، فرایند و قواعد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (رسمی و غیررسمی) بر مبنای معیارها و ویژگی‌های مدل حکمروایی شهری
	ظرفیت‌سازی و تدوین مکانیزم‌های ضروری برای توزیع و اعمال قدرت متوازن توسط تمام عوامل و کنشگران از حوزه‌های مختلف دولتی، عمومی و خصوصی
عدالت محوری	تدوین و استقرار روش‌ها و مکانیزم‌های تضمین‌کننده شفافیت، اثربخشی و پاسخگویی نظام حکمروایی شهری
	تأکید به برقراری عدالت به عنوان رکن نظام

مأخذ: (زایکو[1]، ۲۰۲۲؛ ویرتادس[2]، ۲۰۱۶؛ آدینک، ۲۰۱۹؛ هیلی، ۲۰۱۵؛ دی اولویریا[3] و همکاران، ۲۰۱۳؛ خاتم و همکاران، ۲۰۲۱؛ ویتالیسووا و همکاران، ۲۰۲۱؛ هگازی و همکاران، ۲۰۲۱؛ تن[4] و همکاران، ۲۰۲۱؛ راغب[5] و همکاران، ۲۰۲۲؛ کاپا[6] و همکاران، ۲۰۲۲؛ وانگ[7]، ۲۰۲۱؛ رابینسون و آتایر[8]، ۲۰۲۱؛ زنجانی و همکاران، ۲۰۲۱؛ چیگبو[9]، ۲۰۲۱؛ ویلسون[10] و همکاران، ۲۰۲۱؛ یانگ، ۲۰۲۱)

۳. یافته‌ها

این پژوهش، مطالعه‌ای موردی در کلان‌شـــهر تهران بود که برای گردآوری داده‌ها 31 نفر از مدیران و معاونان و کارشـــناســـان حوزه مدیریت شـــهری در کلان‌شـــهر تهران به عنوان خبره مشـــارکت کردند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری نوعی (انتخاب واجدان بیشترین شناخت و تجربه دربارهٔ پدیدهٔ مورد مطالعه) بود. ما برای این کار نخست به پرس وجو از اعضـــای ســـازمان مدیریت شـــهری در پی شـــناخت آگاه‌ترین آن‌ها از اوضـــاع و پویایی‌های ســـازمان پرداختیم. آنگاه از میان این دســـته افراد، کســـانی که براســـاس اذعان خود پدیدهٔ مورد مطالعه را در ســـازمان به خوبی می‌شـــناختند به همکاری در پژوهش دعوت کردیم. ۰/۹۰ درصـــد مرد و ۰/۱۰درصـــد مشـــارکت کنندگان بر حســـب جنسیت زن بودند. به لحاظ سابقهٔ کار بین ۱۵ تا ۳۰ سال سابقه خدمت داشتند. تحصیلات خبرگان ٤٠ درصد فوق لیســـانس و ٦٠ درصـــد دکترا بودند. برای گردآوری داده ها، نخســـت پرســـشـــنامه‌ای نیمه بســـته مبتنی بر طیف لیکرت، حاوی ۱۲ عامل فرایندی مدیریت شـــهری در کلان‌شـــهر تهران مســـتخرج از ادبیات پژوهش با روش کتابخانه ای، برای غربال از نظر اهمیت و شـــناســـایی عوامل پیشـــنهادی دیگر به مقتضـــای بوم، میان خبرگان توزیع شـــد؛ گرچه دســـت آخر به

1. Zhuykov
2. Virtudes
3. De Oliveira
4. Tonne
5. Ragheb
6. Cappa
7. Wang
8. Robinson & Attuyer
9. Chigbu
10. Wilson

این عوامل چیزی افزوده نشد. برای غربال‌گری عوامل قابل اعتنا از منطق فازی در میانگین‌گیری که باز نظرات خبرگان استفاده شد.

پس از بررسی تحقیقات انجام‌شده در این حوزه، ۱۲ عامل مؤثر مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران استخراج که در جدول ۱ در ارتباط با مدیریت شهری بیان شده‌اند. نتایج آزمون‌های همبستگی ناپارامتریک نشان داد از آنجا که معناداری آزمون‌ها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، با احتمال ۹۵ درصد میان شاخص‌های خبرگی خبرگان و شاخص‌های پیچیدگی نقشه‌های شناختی رابطهٔ معناداری وجود ندارد. تحلیل مقیاس‌پردازی چندبعدی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۲. متغیرهای زبانی و فازی

مقادیر مقیاس‌های زبانی	اعداد فازی مثلثی
تأثیر بسیار بالا	(۳,۳,٤)
تأثیر بالا	(۲,۳,٤)
تأثیر پایین	(۱,۲,۳)
تأثیر بسیار پایین	(۰,۱,۲)
بدون تأثیر	(۰,۰,۱)

$$Z* = \max(x^1_{max}.x^2_{max}.x^3_{max})$$
$$x^1_m = \frac{L+M+U}{3};\ x^2_m = \frac{L+2M+U}{4};\ x^3_m = \frac{L+4M+U}{6}$$

که در آن Z* میانگین فازی‌زدایی‌شدهٔ دیدگاه‌های خبرگان است. براساس قاعده‌ای داشتند، حذف شدند. سرانگشتی، عواملی که میانگین فازی زدایی شده‌ای کوچک‌تر از ۰/۵۸سپس عوامل باقیمانده وارد پرسشنامهٔ دوم با ساختار ماتریسی متناسب با نگاشت علّی شدند و در اختیار خبرگان قرار گرفتند.

جدول ۳. تحلیل مقیاس‌پردازی چندبعدی نقشهٔ ادغامی

مؤلفه‌ها	پاسخگویی مدیران	مشارکت شهروندان	برنامه ریزی	تمرکززدایی	اثرب خشی دولت	حاکمیت قانون	مبارزه با فساد	مدیریت یکپارچه	مسئولیت پذیری	کارایی و اثرب خشی	شفافیت	عدالت محوری
پاسخگویی مدیران	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۲	۰/۰۰	۰/۸۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
مشارکت شهروندان	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۹	۰/۰۰	۰/٦۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷٤
برنامه‌ریزی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸٤	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۰۰	۰/۸٦	۰/٦۱

مؤلفه‌ها	پاسخگویی مدیران	مشارکت شهروندان	برنامه ریزی	تمرکززدایی	اثرب خشی دولت	حاکمیت قانون	مبارزه با فساد	مدیریت یکپارچه	مسئولیت پذیری	کارایی و اثربخشی	شفافیت	عدالت محوری
تمرکززدایی	۰/۷۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
اثربخشی دولت	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۹	۰/۰۰	۰/۸۳	۰/۰۰	۸/۰۰۰	۰/۰۰
حاکمیت قانون	۰/۶۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۶	۰/۰۰
مبارزه با فساد	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۹۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۶۹	۰/۰۰
مدیریت یکپارچه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۷
مسئولیت‌پذیری	۰/۰۰	۰/۶۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰	۰/۰۰
کارایی و اثربخشی	۰/۶۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۹
شفافیت	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
عدالت محوری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۹۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

براساس برآیند نتایج روش همبستگی رویهٔ تخصیص درجهٔ دوم معلوم شد در این سطح اطمینان میان نقشه‌های شناختی به علاوه‌براساس نتیجهٔ تحلیل ۰/۰۵ > sig خبرگان همبستگی خطی معناداری وجود دارد. خوشه‌ای مبتنی بر داده‌های تشابه مشخص شده ایجاد می‌شوند؛ یعنی ویژگی‌های شخصی و عضویت خبرگان در سازمان‌های مختلف نتوانسته میان نقشه‌های خبرگان تفاوت معناداری ایجاد کند. جدول٤ بلوک‌ها و شاخص‌های نهایی شناختی را نشان داده است.

جدول ٤. بلوک‌ها و شاخص‌های نهایی شناختی

بلوک ها	شاخص‌ها
پاسخگویی مدیران	بازساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی،
	کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها،
مشارکت شهروندان	افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها.
	بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان، حفظ دمکراسی،
برنامه‌ریزی	ایجاد فرصت و امکان برای مردم به‌منظور نشان دادن خواسته‌ها و آمالشان در زندگی،
	اعتلای امنیت، برابری و پایداری
تمرکززدایی	پذیرش و حرکت به سمت نظام باز، کثرت‌گرا و مدنی از طریق تقسیم و انتقال قدرت سیاسی،
	توسعه‌نگری مبتنی بر انسان‌محوری و پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی،

بلوک ها	شاخص‌ها
اثربخشی دولت	مشارکت‌جویی شهروندان و مشارکت‌پذیری سازمان‌ها و مسئولان رسمی،
	کارایی و اثربخشی کلیت منطقه کلان‌شهری و اجزای عملکردی و جغرافیایی آن،
حاکمیت قانون	کل‌گرایی و نگرش جامع و فراگیر در سطح کل منطقه کلان‌شهر به‌منظور حداکثر استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های موجود و کاهش مشکلات،
	اتخاذ راهبرد تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکز در سطح منطقه کلان‌شهری در چارچوب یک سازمان سیاسی و اقتصادی و فضایی مبتنی بر منطقه و منطقه‌گرایی،
مبارزه با فساد	پذیرش و به رسمیت شناختن بخش‌ها و عناصر غیررسمی در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی منطقه کلان‌شهری.
	تغییرات و الزامات سازمانی (رویه‌ای)
مدیریت یکپارچه	استقرار نظام مدیریت کلان‌شهری چندسطحی با مسئولیت‌ها و اختیارات روشن در لایه‌های مختلف بر مبنای مفاهیم و روابط بین سازمانی و میان قلمرویی و انسجام عمودی و افقی،
	استقرار نظام برنامه‌ریزی راهبردی چندسطحی بر مبنای پذیرش هویت و عملکرد مستقل و در عین حال هماهنگ قلمروهای مختلف درون منطقه کلان‌شهری،
مسئولیت‌پذیری	ایجاد ظرفیت‌های سازمانی لازم برای پذیرش مشارکت و مداخله مؤثر نهادهای عمومی، غیردولتی و داوطلبانه در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری،
	برخورداری از محدوده فضایی جامع کل منطقه کلان‌شهری به‌عنوان محدوده مسئولیت،
کارایی و اثربخشی	برخورداری از استقلال و مسئولیت گسترده در محدوده مذکور،
	عدالت فضایی و اجتماعی در خدمت‌رسانی به تمام ساکنان و همه محدوده منطقه کلان‌شهری،
شفافیت	طراحی ساختار، فرایند و قواعد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (رسمی و غیررسمی) بر مبنای معیارها و ویژگی‌های مدل حکمروایی شهری،
	ظرفیت‌سازی و تدوین مکانیزم‌های ضروری برای توزیع و اعمال قدرت متوازن توسط تمام عوامل و کنشگران از حوزه‌های مختلف دولتی، عمومی و خصوصی،
عدالت محوری	تدوین و استقرار روش‌ها و مکانیزم‌های تضمین‌کننده شفافیت، اثربخشی و پاسخگویی نظام حکمروایی شهری
	تأکید به برقراری عدالت به عنوان رکن نظام

در ادامه به‌منظور به دست آوردن ساختار روابط علّی، نگاشت‌های فردی تلفیق و نگاشت جمعی انجام شد. در ادامه نقشهٔ مورد اتفاق خبرگان استخراج و میانگین روابط در آن با استفاده از جدول زیر و فرمول فازی‌زدایی از مقادیر میانگین‌ها محاسبه شد؛ آنگاه مدل‌سازی بلوکی داده‌های ماتریس مجاورت نقشهٔ جمعی واجد روابط به نسبت قوی نقشهٔ تلفیقی شناختی ترسیم شد بلوک‌های نقشهٔ علّی به شرح شکل ۲ و شکل ۳ است.

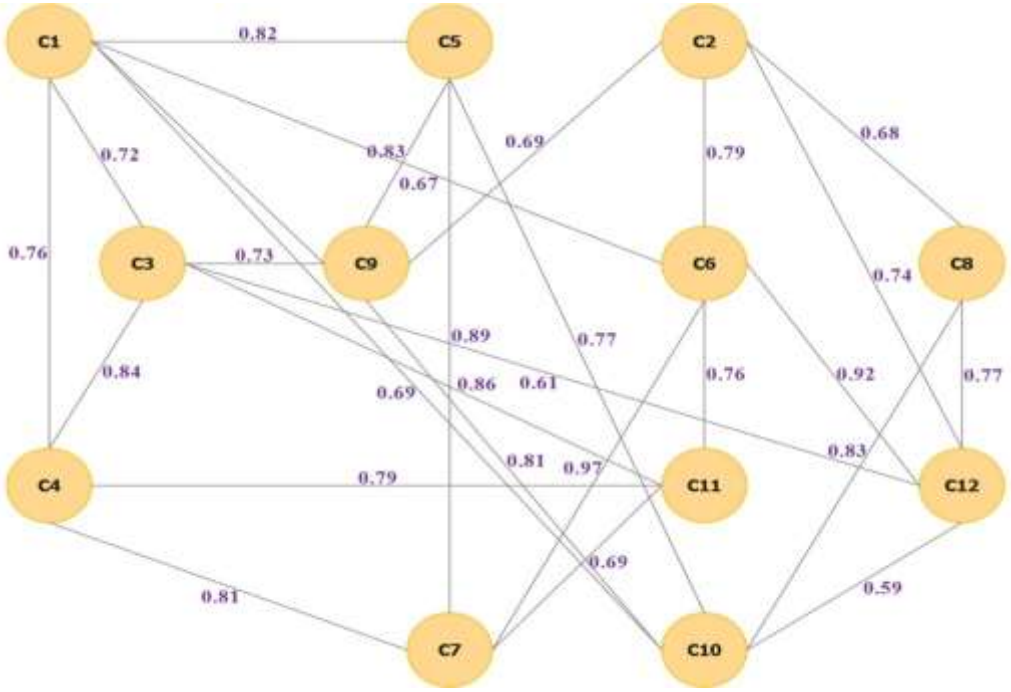

شکل ۲. بلوک‌های نقشهٔ نهایی شناختی

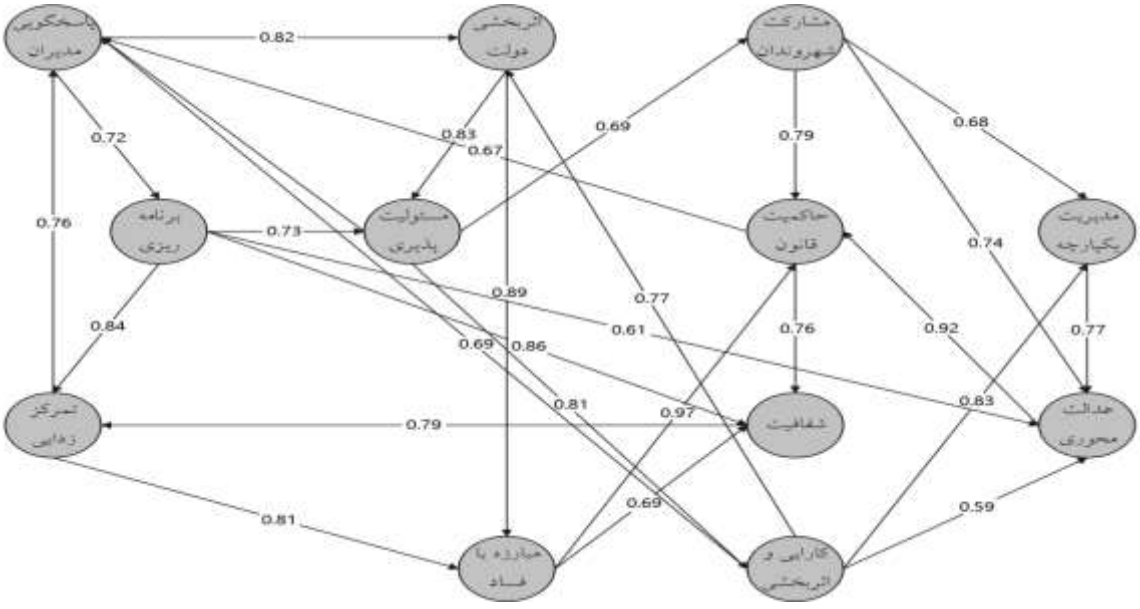

شکل ۳. مدل عوامل مؤثر بر مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران

طبق یافته‌های شکل ۲ و شکل ۳ ضرایب که بین عوامل هستند میزان همبستگی را نشان می‌دهند رابطهٔ بین تمرکززدایی و مبارزه با فساد به میزان ۰/۸۱ است. ارتباط بین پاسخگویی مدیران و برنامه‌ریزی به مقدار ۰/۷۲ و رابطه بین پاسخگویی مدیران و تمرکززدایی به مقدار ۰/۷٦ است میزان رابطه بین مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری به مقدار ۰/٦۹ است مقدار رابطه بین مشارکت شهروندان و حاکمیت قانون ۰/۷۹ است. بین مشارکت شهروندان و مدیریت یکپارچه هم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و میزان این رابطه ۰/٦۸ است. مدیریت یکپارچه به کارایی و اثربخشی منجر می‌شود مقدار ارتباط بین این دو متغیر ۰/۸۳ است. ارتباط حاکمیت قانون و مبارزه با فساد به میزان ۰/۹۷ منجر می‌شود ارتباط بین دو متغیر تمرکززدایی و شفافیت ۰/۷۹ است.

٤. بحث

ازآنجاکه هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی است. نگاهی به بلوک‌های نقشه شناختی و مدل عوامل مؤثر بر مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان موتور محرکه مدیریت شهری است که نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد. این مفهوم بر این اصل بنیادین استوار است که دولت‌ها به جای آنکه به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن برعهده گیرند، باید در کنار شهروندان، بخش خصوصی و مردمی به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. با این تعبیر، حکومت نقش تسهیل کننده و زمینه‌ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و شهری ایفا می‌کند. آن طور که از بخش یافته‌های تحقیق استنباط می‌شود، نتایج این تحقیق با یافته‌های آدینک[1] (۲۰۱۹) که نشان می‌دهد مدیریت مطلوب شهری را می‌توان به عنوان مفهومی چندسطحی دانست که تحت تأثیر پیشرفت‌های حقوقی و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد درحالی‌که ریشه در حقوق اجرایی ملی هم دارد، تطابق داشته و آن را تأیید می‌کند. همچنین یافته‌ها با مطالعات خاتم و همکاران (۱٤۰۰) همسویی دارد. حکمروایی، به عنوان فرایند شناسایی دامنه روابط متقابل پیرامون ما و راه‌هایی برای بهترین پیوند آن‌ها با یکدیگر در فضای شهر، از نظر دستیابی به پایداری یک شهر است. شکاف دائمی بین مرزهای اداری سنتی و کلان شهرها منجر به ارائه رویکردها و پیشنهادات نظری مختلفی برای الگوی ایده‌آل حکمرانی شهری شده است. هر یک از این رویکردها از اشکال جایگزین حکومت در کلان شهرها (اصلاحات نهادی، رقابت بین شهری و ترتیبات انعطاف‌پذیر) با اهداف هنجاری متفاوت (کارآمدی، دموکراسی، برابری و رقابت اقتصادی) در مقیاس‌های مختلف (محلی و کلان شهری) حمایت می‌کند. در زمینه مشارکت نیز باید گفت که یافته‌های این پژوهش با مطالعهٔ هیلی[2] (۲۰۱۵) که در تحقیقات خود به عوامل به وجود آوردن حکمروایی خوب، نظریه حکمروایی در بهبود مدیریتی اشاره

1. Addink
2. Healey

کرده و شاخه حکمروایی خوب شهری را در اداره شهرها مؤثر برشمرده است همسویی دارد و این مطالعات را تأیید می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

هدف این مقاله تدوین فهم مدل علّی مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران با استفاده از رویکرد نگاشت شناختی است. نوآوری و دستاورد پژوهش در تحقیق حاضر این است که عوامل مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد نگاشت علّی شامل: پاسخگویی مدیران، مشارکت شهروندان، برنامه‌ریزی، تمرکززدایی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، مدیریت یکپارچه، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، شفافیت، عدالت محوری است. با افزایش مشارکت شهروندان، مدیریت یکپارچه در شهر حاکم می‌شود و از گسستگی امور جلوگیری می‌گردد. بدون مشارکت فعال شهروندان، حکمروایی شهری در مفهوم واقعی آن تحقق نخواهد یافت و مدیریت شهری در چارچوبی محدود و ایستا و بدون مشارکت شهروندان، با اعمال قدرتی یک سویه و مسلط در تصمیم‌گیری نسبت به مسائل شهر و شهروندان باقی خواهند ماند.

با توجه به یافته‌های تحقیق در جهت مدیریت مطلوب شهری در کلان‌شهر تهران موارد زیر پیشنهاد می‌شود: باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی، کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها، افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها، بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان، حفظ دمکراسی، ایجاد فرصت و امکان برای مردم به‌منظور نشان دادن خواسته‌ها و آمالشان در زندگی، اعتلای امنیت، برابری و پایداری و پذیرش و حرکت به سمت نظام باز، کثرت‌گرا و مدنی از طریق تقسیم و انتقال قدرت سیاسی، توسعه‌نگری مبتنی بر انسان‌محوری و پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، مشارکت‌جویی شهروندان و مشارکت‌پذیری سازمان‌ها و مسئولان رسمی، کارایی و اثربخشی کلیت منطقه کلان‌شهری و اجزای عملکردی و جغرافیایی آن، کل‌گرایی و نگرش جامع و فراگیر در سطح کل منطقه کلان‌شهر به‌منظور حداکثر استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های موجود و کاهش مشکلات، اتخاذ راهبرد تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکز در سطح منطقه کلان‌شهری در چارچوب یک سازمان سیاسی و اقتصادی و فضایی مبتنی بر منطقه و منطقه‌گرایی، پذیرش و به رسمیت شناختن بخش‌ها و عناصر غیررسمی در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی منطقه کلان‌شهری. تغییرات و الزامات سازمانی (رویه‌ای)، استقرار نظام مدیریت کلان‌شهری چندسطحی با مسئولیت‌ها و اختیارات روشن در لایه‌های مختلف بر مبنای مفاهیم و روابط بین سازمانی و میان قلمرویی و انسجام عمودی و افقی، استقرار نظام برنامه‌ریزی راهبردی چندسطحی بر مبنای پذیرش هویت و عملکرد مستقل و در عین حال هماهنگ قلمروهای مختلف درون منطقه کلان‌شهری، ایجاد ظرفیت‌های سازمانی لازم برای پذیرش مشارکت و مداخله مؤثر نهادهای عمومی، غیردولتی و داوطلبانه در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری،

برخورداری از محدوده فضـایی جامع کل منطقه کلان‌شـهری به‌عنوان محدوده مسـئولیت، برخورداری از اسـتقلال و مسـئولیت گسـترده در محدوده مذکور، عدالت فضـایی و اجتماعی در خدمت‌رسـانی به تمام سـاکنان و همه محدوده منطقه کلان‌شـهری، طراحی سـاختار، فرایند و قواعد تصـمیم‌سـازی و تصـمیم‌گیری (رسـمی و غیررسـمی) بر مبنای معیارها و ویژگی‌های مدل حکمروایی شـهری، ظرفیت‌سـازی و تدوین مکانیزم‌های ضـروری برای توزیع و اعمال قدرت متوازن توسـط تمام عوامل و کنشـگران از حوزه‌های مختلف دولتی، عمومی و خصـوصـی، تدوین و اسـتقرار روش‌ها و مکانیزم‌های تضمین‌کننده شفافیت، اثربخشی و پاسخگویی نظام حکمروایی شهری تقویت شود.

٦. تقدیر و تشکر

نگارندگان مقاله، از دانشـــگاه تربیت مدرس و تمامی اســـاتید و خبرگان، به پاس حمایت‌های معنوی از پژوهش حاضر، کمال تشکر را دارند.

۷. تضاد منافع

پژوهش حاضر، ذکر تعارض منافع ندارد.

کتاب‌نامه

۱. بهروتی، ع.، زیاری، ک. ا.، و سلطان زاده، ح. (۱٤۰۰). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در شهر گناوه. *فصلنامه عملی و پژوهشی دانش شهرسازی*، *۵*(۲)، ۹٤-۷۹.

۲. پارسا، ش.، و برک‌پور، ن. (۱۳۹۹). تدوین دستورالعمل شفاف‌سازی عملکرد مدیریت شهری. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، *۷*(۱)، ۲۰۷-۱۸۷.

۳. جعفری فرد، ج.، صابری، ح.، اذانی، م.، و خادم الحسینی، ا. (۱۳۹۸). واکاوی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (مطالعهٔ موردی: شهر کهنوج). *دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری*، *۷*(۱)، ۲۹۱-۲۷۳.

۴. خاتم، م. (۱۳۹۷). *مدیریت بحران شهری*. چاپ دوم، تهران: نشر شب چراغ.

۵. زیاری، ک. ا.، پوراحمد، ا.، حاتمی نژاد، ح.، و باستین، ع. (۱۳۹۷). سنجش و ارزیابی اثرات حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهرها (مطالعه موردی: شهر بوشهر). *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، *۳٤*(۹)، ۱-۱۸.

۶. شمس، م.، و هاشمی بیستونی، م. ر. (۱۳۹۹). اولویت‌بندی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه شهروندان در شهر بیستون. *مجله هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، *۱*، ۹۲-۸۱.

۷. مشکینی، ا.، و نصرتی‌هشی، م. (۱٤۰۰). شناخت عامل‌های اثرگذار بر مسائل شهری ایران با رویکرد عدالت اجتماعی. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، *۸*(۱)، ۵۷-۷٦.

8. Addink, H. (2019). *Good governance: Concept and context*. Illustrated edition (June 18) , Oxford: Oxford University Press.

9. Akinlabi, A. J. (2022). Urban governance: Complexities in land development control and management of Nigerian cities". *Public Policy and International Affair Academic Journal*, *4*(3), 12-21.
10. Broccardo, L., Culasso, F., & Mauro, S. G. (2019). Smart city governance: Exploring the institutional work of multiple actors towards collaboration. *International Journal of Public Sector Management*, *32*(4), 367-387.
11. Cappa, F., Franco, S., & Rosso, F. (2022). Citizens and cities: Leveraging citizen science and big data for sustainable urban development. *Business Strategy and the Environment*, *31*(2), 648-667.
12. Carlton, B. (2014). *A Model for Municipal Institutional Capacity Analysis, FCM (Federation of Canadian Municipalities)*, Retrieved from http://www. cardinalgroup. ca/nua/aif/ aif02. Html.
13. Chigbu, U. E. (2021). The quest for "Good Governance" of urban land in Sub-Saharan Africa: insight into Windhoek, Namibia, In *Land Issues for Urban Governance in Sub-Saharan Africa*. Robert Home, Editor, Zurich: Springer Cham.
14. De Guimarães, J. C. F., Severo, E. A., Júnior, L. A. F., Da Costa, W. P. L. B., & Salmoria, F. T. (2020). Governance and Quality of Life in Smart Cities: Towards Sustainable Development Goals. *Journal of Cleaner Production*, *253*, 1-33.
15. De Oliveira, J. A. P., Doll, C. N., Kurniawan, T. A., Geng, Y., Kapshe, M., & Huisingh, D. (2013). Promoting win-win situations in climate change mitigation, local environmental quality and development in Asian cities through co-benefits. *Journal of Cleaner Production*, *58*, 1-6.
16. Detotto, C., Giannoni, S., & Goavec, C. (2020). Does good governance attract tourists? *Tourism Management, 82.*
17. Escribano, G., Gazquez, J., & San-Martin, E. (2020). The European Union and the good governance of energy resources: Practicing what it preaches? *Energy Policy*, *147.*
18. Healey, P. (2015). Planning theory: the good city and its governance. *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*, *18*, 202-207.
19. Hegazy, I., Helmi, M., Qurnfulah, E., Naji, A., & Samir Ibrahim, H. (2021). Assessment of urban growth of Jeddah: towards a liveable urban management". *International Journal of Low-Carbon Technologies*, *16*(3), 1008-1017.
20. Khatam, S., & Z. Ahmadipour. (2022). Analyzing effective indicators of political management of space in Tehran metropolis. *Geo Journal of Tourism and Geosites* 44, no. 4: 1411-1417.
21. Lim, S. B., Malek, J. A., & Yigitcanlar, T. (2021). Post-materialist values of smart city societies: International comparison of public values for good enough governance. *Future Internet*, *13*(8), 201.
22. Mahmood, H. M. (2021). Using the administration to update and evaluate urban planning for cities. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, *12*(2), 2476-2481.
23. Muridzi, G., Meyer, J. A., & Masengu, R. (2021). Urban governance in Africa–A perspective of e-governance in South Africa urban municipalities. *Global Journal of Scientific and Research Publications*, *1*(10), 6-18.
24. Naber, E., Volk, R., Mörmann, K., Boehnke, D., Lützkendorf, T., & Schultmann, F. (2022). "Namares—A surface inventory and intervention assessment model for urban resource management". *Sustainability*, *14*(14), 8485.

25. Nazif, S., Mohammadpour Khoie, M. M., & Eslamian, S. (2021). Urban disaster management and resilience". In *Handbook of Disaster Risk Reduction for Resilience*. Zurich: Springer Cham.
26. Ragheb, A., Aly, R., & Ahmed, G. (2022). Toward sustainable urban development of historical cities: Case study of Fouh City, Egypt". *Ain Shams Engineering Journal*, *13*(1), 101520.
27. Robinson, J., & Attuyer, K. (2021). "Extracting value, London style: Revisiting the role of the state in urban development. *International Journal of Urban and Regional Research*, *45*(2), 303-331.
28. Shao, Z., Sumari, N. S., Portnov, A., Ujoh, F., Musakwa, W., & Mandela, P. J. (2021). Urban sprawl and its impact on sustainable urban development: a combination of remote sensing and social media data. *Geo-spatial Information Science*, *24*(2), 241-255.
29. Simone, C., Iandolo, F., Fulco, I., & Loia, F. (2021). Rome was not built in a day. Resilience and the eternal city: Insights for urban management. *Cities*, *110*, 103070.
30. Subedi, S. R., & Subedi, S. (2021). The status local governance practice: A case study of local government in Dhangadhi Sub-Metropolitan City, Nepal. *American Journal of Educational Research*, *9*(5), 263-271.
31. Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M., & Adli, M. (2021). Defining pathways to healthy sustainable urban development. *Environment international*, *146*, 106236.
32. Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M., Brelsford, Ch., Dadvand, P., Dimitrova, A., Giles-Corti, B., Heinz, A., Mehran, N., Nieuwenhuijsen, M., Pelletier, F., Ranzani, O., Rodenstein, M., Rybski, D., Samavati, S., Satterthwaite, D., Schöndorf, J., Schreckenberg, D., Stollmann, J., Taubenböck, H., Tiwari, G., Wee, B.V., & Adli, M. (2021). Defining pathways to healthy sustainable urban development. *Environment International*, *146*, 106236.
33. Van Ham, M., Tammaru, T., Ubarevičienė, R., & Janssen, H. (2021). *Urban socio-economic segregation and income inequality: A global perspective.* Berlin: Springer Nature.
34. Virtudes, A. (2016). Good governance principles in spatial planning at local scale. *Procedia Engineering*, *161*, 1710-1714.
35. Vitalisova, K., Murray-Svidronova, M., & Jakus-Muthova, N. (2021). Stakeholder participation in local governance as a key to local strategic development. *Cities*, *118*, 103363.
36. Wang, M. (2021). Polycentric urban development and urban amenities: Evidence from Chinese cities. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, *48*(3), 400-416.
37. Wilson, A., Tewdwr-Jones, M., & Comber, R. (2019). Urban planning, public participation and digital technology: App development as a method of generating citizen involvement in local planning processes. *Environ. Plan. B Urban Anal. City Sci*., *46*, 286–302.
38. Xie, F., Liu, G., & Zhuang, T. (2021). A comprehensive review of urban regeneration governance for developing appropriate governance arrangements. *Land*, *10*(5), 545.
39. Yang, H. (2021). Holistic Governance: An Explanatory Framework, In: *Urban Governance in Transition.* Singapore: Springer Singapore.
40. Zanjani, N. E., Goodarzi, G., & Zanjani, S. E. (2021). The model of good sustainable urban governance based on ESG concepts. *Int. J. Urabn Manage Energy Sustainability*, *2*(4), 11-22.
41. Zhuykov, V. N. (2022). Smart city information base as a promising tool of urban management. *Urban construction and architecture*, *12*(1), 18-33.

experts' cognitive maps based on their characteristics. UciNet6 and Cognizer 1.2 were used to do the calculations. For merging the agreed-upon cognitive map of experts that show relatively strong relationships between the factors. Map average calculations in Excell and UciNet 0 software were used for identifying the issues and measuring the strength of these relationships. Then, the related fuzzification was done at the cut point of 0.65. The correlation coefficient of the factors of the merged maps was calculated and multidimensional scaling analysis was performed. Finally, after removing the intermediate factors that had not any input and output, we did block modeling in the adjacency matrix data of the maps using UciNet method.

3. Results

This case study focused on Tehran metropolis. Thirty-one managers, deputies and experts of urban management in the Tehran metropolis participated in this study. Typical sampling (choosing those had most knowledge and experience on the phenomenon under study) was applied. For this purpose, the members of the urban management organization were asked toward identifying the most knowledgeable experts on the situation and dynamics of the organization. Then, those who knew the subject under study were invited to participate. A semi-closed questionnaire based on the Likert scale (entailing 12 procedural factors of urban management in the Tehran metropolis, extracted from the related literature), was designed and distributed among the experts to be determined in terms of significance and to identify other factors effective in this city, though at the end nothing was added to these factors. For scrutinizing and determining notable factors, fuzzy logic was used. Reviewing the related literature yielded in the identification of 12 effective factors of urban management in the Tehran metropolis. The results of non-parametric correlation tests showed that since the significance of the tests is higher than 0.05 (with a probability of 95%), there is no significant relationship between the expertise indices of these experts and the complexity indices of the cognitive maps.

4. Discussion and Conclusion

This study showed that the participation people is the driving factor of urban management and plays a significant role in solving many urban problems and challenges. This ideas relied on the key principle that governments, instead of solely taking full responsibility of managing their communities, besides citizens and the private sector should be accepted as one of the institutions or agents that are responsible for managing their society. Accordingly, governments play the role of facilitator and make the ground for the development of society at the national, local, and urban levels. Governance as a process of identifying the scope of mutual relations that surround us and the best ways to link them together in the cities, is significant for achieving the sustainability in the cities. The results indicated that the factors of desirable urban management in the Tehran metropolis based on the causal mapping approach are: the accountability of managers, the participation of citizens, planning, decentralization, government efficiency, rule and dominance of law, fighting against corruption, integrated management, responsibility, efficiency, transparency, and justice-centeredness. The increase of citizens' participation enhances integrated management increases and prevents the fragmentation of affairs. In contrast, if citizens do not act and participate in managing the cities, urban governance in its real sense is not crystalized and urban management remains in a limited and static condition. The inactivity will result in a partial dominant power on making decisions about the problems and challenges of city and citizens.

Keywords: Desirable Urban Management, Causal Mapping, Tehran Metropolis

Factors Affecting Desirable Urban Management in Tehran Metropolis based on Causal Mapping Approach

Saeid Khatam
Postdoctoral Researcher in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Zahra Ahmadipor [1]
Professor in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mahnaz Khatam
PhD in Management, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran

Received: 11 April 2024 ***Accepted: 10 September 2024***

Extended Abstract

1. Introduction

The officials of metropolises currently need to reconsider the management systems and the laws governing them, given that the growth of the cities seems to be out of control and have been causing environmental degradation and creating numerous socio-cultural, and economic problems. Tehran metropolis, as a unified system, should follow a unified and integrated management. Here the use of unified and integrated urban management is meaningful, because unified management will result in savings in urban costs. The speed and size of urban population growth and even the increase in the number of cities in developing countries have made many cities of the glove, especially metropolises, entangled in numerous problems and challenges. Mainly these challenges arise from the imbalance between the extensive and ever-increasing urban needs and the ability of urban management in meeting the needs or solving the challenges. Here, urban management as the headquarter of city administration can play significant role. Faced with the sensitive social, economic and political changes on the values of democracy in the modern and postmodern era, Tehran metropolis as a pioneer in urbanization in Iran feels and warns the ruling system of the need for changes. These changes primarily are on the desirable situation of the management of the Tehran metropolis regarding socio-political and managerial structure of Iran. This study aimed to formulate an causal model of desirable urban management in Tehran metropolis, using a cognitive mapping approach. It tried to see: what elements have the model of factors of desirable urban management in Tehran metropolis based on the causal mapping approach?

2. Method

For the data analysis, the data were taken by Cognizer 1.2. Then, the data were analyzed in SPSS through the tau, Kendall, and Kruskal-Wallis correlation tests, respectively. The similarity of experts' cognitive maps was considered to investigate the linear correlation between cognitive maps as a warrant to merge the maps. The second-order allocation procedure correlation with the scaling method was used to strengthen the examination of the similarity of experts' cognitive maps. Multidimensional scaling was used for the multidimensional cluster analysis of similarity or difference patterns of experts' cognitive maps. Cluster analysis was also applied to categorize

1. Corresponding author. Email: ahmadyz@modares.ac.ir

technique was used to prioritize the components and select the most important one. Here, "ideal solution" or "similarity to ideal solution" are raised. The ideal in this method means that it is defined as the best option considering all issues. In reality, the best option does not exist, an attempt is made to determine the best and most ideal.

3. Results

The analysis of the data showed that the subjective criteria for measuring the aesthetic landscape of Sabzeh Meidan of Qazvin from the perspective of architecture and urban planning experts, have a higher priority compared to objective criteria. In this research, a set of subjective and objective components were approved and put into effect by the Delphi panel. Besides the subjective definition of landscape of Sabzeh Meidan, the physical definition of the square was considered. Consequently, "liveliness", "collective memories", "sense of place", "sensory richness", "presence", and "authenticity and identity", respectively, were identified and ranked as the most significant components. Subjective components are of the highest significance. From the aesthetic perspective of the landscape, the components of the objective dimension as the constructing elements of the landscape of Sabzeh Meidan of Qazin are of significance. It should be noted that the process of perception and evaluation of the Sabzeh Meidan landscape, both subjective and objective dimensions always exist as complementary to each other.

4. Discussion and Conclusion

This study comprehensively investigated the components that affect the aesthetic concept of the landscape of Sabzeh Meidan of Qazvin. Considering the conceptual framework, it entails 25 components that were formulated, evaluated, and analyzed. This research should be considered a new one in terms of taking the appropriate method, emphasizing the remarkable components of objective and subjective dimensions for aesthetic study of the landscape and its evaluation.

The city landscape is an objective and subjective concept that shows and perceives the visual and subjective values of the city and makes the ground for aesthetic experiences of the environment. It shows that there is not any particular focus on the subjective or perceptual and physical or visual aspects. Landscape aesthetics can be defined by various factors of objective and subjective dimensions. In this research, with the aim of evaluating the aesthetic landscape of Sabzeh Meidan of Qazvin, the components affecting the aesthetics were ranked using the Topsis technique.

The following suggestions are presented provided for future research, landscape designers, and urban officials:

A) Regarding urban landscape design and evaluation, both the subjective and objective aspects of aesthetic components should be considered simultaneously;

B) Due to the lack of similar cases for aesthetic evaluation of urban landscapes, it is suggested that the applied research in this regard be done taking different expert-oriented and people-oriented approaches so that their results can be a guide for urban officials and designers;

C) Regarding the evaluation and improvement of Sabzeh Meidan of Qazvin, it is suggested that the components of "coherence and continuity", "unity", "order", "diversity", and "visual proportions and geometry" be taken into more consideration so that the quality of the square landscape increases and have a greater impact on the urban space.

Keywords: Landscape, Landscape of Urban Square, Landscape Esthetics, Sabzeh Meidan, Qazvin

Assessment of the Aesthetic Components of the Urban Landscape (Case Study: Sabzeh Meydan of Qazvin)

Reza Jafariha [1]
Assistant Professor in Architecture, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Ghazaleh Heydari
MA in Urban Planning, University of Guilan, Rasht, Iran

Zahra Lak
MSc Student in Landscape Architecture, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Received: 29 November 2023 ***Accepted: 9 January 2024***

Extended Abstract

1. Introduction

Paying attention to urban public spaces as a gathering place for the public has always been of great significance. In this regard, squares are considered to be among the most influential urban spaces. The landscape of cities is the physical manifestation of the tangible and intangible features of environments. Understanding the complicated, aesthetic system of the characteristics of an environment relies on the interaction between man and the environment. This issue is of particular significance in urban squares as a central place of functional gatherings. The main concern of this study was exploring and evaluating the aesthetic dimension of the cities' landscapes. Only a few studies have focused on the elements and variables of this issue. Given that Sabzeh Meidan of Qazvin (a square in Qazvin) is located in the historical and cultural area of this city and it is easily accessible, doing such study that focuses on its subjective and aesthetic characteristics is of great significance.

2. Method

The study employed a descriptive-analytical and mixed methods. In the qualitative phase it is descriptive in quantitative phase it is analytical research. In order to analyze and evaluate the influential components in the aesthetics of the landscape of Sabzeh Meidan of Qazvin, 25 components were identified and categorized into objective and subjective dimensions using the Delphi method. They were scrutinized and approved by 20 experts. Then, the components were weighted using the Shannon entropy method. Moreover, using Topsis technique (a multi-criteria decision-making model), the components were ranked and evaluated.
Data was collected through questionnaire and Delphi technique. Through a purposive sampling, a panel was formed of university professors and a group of specialists active in the field of landscape and urban planning living in Qazvin. Twenty people participated in the research.
Topsis technique was used to analyze and evaluate the components. Topsis is a multi-criteria decision-making technique that ranks the components based on the ratio of distance to the ideal and anti-ideal option. For doing this, the weight of each component is calculated. The weighting of the components was done using the Shannon entropy method. In the next step, the Topsis

1. Corresponding author. Email: r.jafariha@arc.ikiu.ac.ir

required based on renewable sources, garbage recycling, waste water and sewage, use of native materials, rainwater management and recycling. Even the existing limited cases also lack a targeted plan. Therefore, in order to achieve the goal of the research, which is to improve the quality of construction and reduce the consumption of resources and energy waste in the huge part of high-rise construction in the city of Mashhad, the following suggestions are presented:

1. Approval of ecological design rules and regulations by the management authorities of Mashhad and encouraging investors and tower builders to comply with these rules;
2. Application of incentive regulations, discounts on construction violations and tax discounts for tower builders in order to implement ecological design rules and regulations;
3. Setting up and forming the ecological management department in Mashhad municipality and checking the legal permits for the construction of high-rise buildings through this management;
4. Paying attention to environmental criteria in order to reduce energy consumption in high-rise buildings in urban planning laws, detailed plans, and action criteria;
5. Revision of the urban construction approach and related laws;
6. Attention to the negative economic, social, cultural, environmental and legal consequences if ecological construction standards are not used;
7. Additional studies to take advantage of global experiences in order to enrich local literature in the field of ecological urban planning, green architecture, green building and the new trend of high-rise construction in Iran.

Keywords: Ecological thinking, High-rise building, HQE index, Mashhad.

ecological thinking in the current situation by comparing it with three exemplary high-rise buildings in Mashhad city. All of these towers are famous but have different uses and are built in different urban areas with different detailed designs.

2. Method

Using a descriptive-analytical method, this article seeks to identify the principles and criteria related to high-rise construction in the form of ecological design principles and to analyze the status of high-rise buildings in Mashhad. The statistical population consists of three famous and important high-rise buildings out of 40 high-rise buildings in Mashhad. The data required for this research is based on exploratory theoretical foundations and has been collected through both documentary and field studies. The method of this study was HQE (high environmental quality). Therefore, in order to address the issue comprehensively, after categorizing the two external and internal environments, the objectives in four groups were selected for high-rise buildings. The group of goals of ecological construction and ecological management, in the first category, is related to the surrounding environment, and the group of goals related to comfort and health is related to the second category and the internal environment of the building. Within the framework of these four categories of goals, a total of 14 micro-goals were considered. After defining these goals, other micro goals were defined in the form of indicators (40 indicators).

3. Results

The selected buildings, which are the famous towers of Mashhad and were selected from different urban areas with different detailed designs, were examined and analyzed based on the questionnaires. Then, the degree of conformity of the studied buildings with ecological design indicators was checked.
Armitage Tower: This building received a score of 2.32 for ecological construction goals, 2.06 for ecological management goals, 3.5 for comfort goals, and 3.41 for health goals. This building received a good score in the health and comfort section, while it has been in an average condition in the ecological construction and ecological management sections.
Baran Tower: This building received a score of 2.02 for ecological construction goals, 2.66 for ecological management goals, 3.35 for comfort goals, and 3.5 for health goals. Like the Armitage building, this building received a good score for the health and comfort section, while it is in an average position in the ecological construction and ecological management sections.
Darvishi Hotel Tower: This building received a score of 2.02 for ecological construction goals, 2.66 for ecological management goals, 3.35 for comfort goals, and 3.5 for health goals. Like the Armitage building, this building received a good score for the health and comfort, while it is in an average position in the ecological construction and ecological management sections.
Therefore, it can be said that in most of the four main groups of goals related to HQE, all three towers were in a good condition (scores between 3 and 4) only in the group of goals related to health, but in the other groups of goals, the condition of the towers is different.

4. Discussion and Conclusion

Comparing the scores related to the degree of compliance of the studied towers with the defined indicators shows that there is no ecological considerations in the construction of these towers and the lack of equipping the towers with high energy efficiency equipment (such as solar cells, solar water heaters, water purification, and recycling systems and sewage, most of which are expensive and imported equipment) not because of the lack of financial resources, but because of the lack of attention and awareness of the tower builders and the fact that these items are not prioritized for them.
The results of the study of high-rise buildings in the city of Mashhad showed that the towers of the city of Mashhad have performed poorly in terms of various dimensions of ecological design in the main axes of ecological construction and ecological management, and the indicators of energy supply

Measuring of Urban Ecology Criteria in High-Rise Buildings of Mashhad based on HQE International Standard

Farzaneh Razzaghian
Academic Staff of Urban and Regional Planning Research Group of Academic Center for Education, Culture & Research Khorasan Razavi
PhD in Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohamad Rahim Rahnama [1]
Professor, Geography Department, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohamad Ajza Shokohi
Associate Professor, Geography Department, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 12 February 2023 ***Accepted: 14 June 2023***

Extended Abstract

1. Introduction

Ecological city theory is an answer to many needs of modern urban planning. The ecological city usually has a dense texture and one of its most important strategies is building high constructions instead of expanding the city. It requires building at height, changing the pattern of urban construction. High-rise construction is justified by emphasizing ecological principles and in the form of mixed uses. So that in the big cities of the world, famous buildings have been built by observing the principles of ecological design. The ecological design standards are met in these buildings to receive the ecological rating of the building. One of the most important standards approved by the international community is the sustainable international standard HQE, which means "high environmental quality". HQE is an indicator of the evaluation of the ecological level of buildings based on French standards. This approach considers buildings with all their components and throughout their life cycle, and due to its flexibility, it can be used for all buildings; that is, from new buildings and renovations. This approach can be effective in all different climates.

The large number of high-rise buildings in Mashhad shows dynamism, rapid growth, and a willingness to invest, making Mashhad the second largest metropolis in the country after Tehran in terms of this type of construction. The high-rise construction that Iranian metropolises, including Mashhad, have experienced in the last decade has led to the construction of more than 40 high-rise buildings scattered across different parts of Mashhad in less than a decade. This issue has been increasing in recent years. In the future, however, this trend can affect the city of Mashhad, whose population and number of tourists are always increasing, with various problems such as lack of energy (as we saw in the winter of 2022) and favorable infrastructure, congestion, traffic, and various types of pollution. The current towers are built without specific plans and rules, but based on limited criteria that can be implemented in almost all regions. But the question is: What are the criteria of ecological design based on international standards in high-rise buildings and how can the trend of high-rise construction in the city of Mashhad be pushed towards green high-rise buildings? This study was conducted to improve the level of construction quality and reduce the consumption of resources and energy waste in the large part of buildings and high-rise buildings in Mashhad. An attempt was made to clarify the fundamental principles and design criteria of green high-rise buildings and to partially present the perspective of

[1]. Corresponding author. Email: rahnama@ferdowsi.um.ac.ir

alpha reliability coefficient (more than 0.7), and average variance extracted (at least 0.5) were used for the questionnaires.

3. Results

The results of exploratory factor analysis indicated that for each of the factors at least two significant loads were loaded for eight factors of push travel motivation and ten factors of pull travel motivation. The results of the proposed model indicated that destination managers should consider external factors affecting pull motivations. These could be improving satisfaction with the travel experience, enhancing the attractions and activities of destination, and paying attention to the impact of push motivations and a positive relationship with destination loyalty. The aim is to increase the competitiveness of the city. Such internal factors of tourists' motivation as revisiting destinations and recommending to others impacts destination loyalty. Therefore, the of this city should pay more attention on the emotional feelings of tourists to increase destination loyalty. It is assumed that if tourists are satisfied with the traveling experience, they will be willing to revisit the destinations and recommend them to others. The empirical evidence indicated that there is a significant relationship between the two indicators of satisfaction and destination loyalty. Moreover, satisfaction was identified as an intermediary indicator between destination loyalty and push and pull travel motivations.

4. Discussion and Conclusion

The results of this study are in line with the results of Su et al. (2020). They found that motivation leads to tourist satisfaction and exerts a significant impact on the travelers' interaction, experience, and destination image. Moreover, the results confirm the findings of Bayih and Singh (2020). They consider both push and pull motivations as significant predictors of overall satisfaction. Additionally, the results are in line with the results of Ramseook-Munhurrun et al. (2015).

Consequently, the managers of this city should enhance tourists' satisfaction to create positive tourist behavior after purchasing in order to establish and improve destination competitiveness. Moreover, due to the causal relationship between destination loyalty and tourist motivation and satisfaction (push/pull motivation), destination loyalty can be determined. This study confirmed the significant relationship between push/pull motivations and destination loyalty. This finding suggests that destination managers should invest more in their tourism destination resources in order to increase desirable experiences.

There are some limitations that can be considered in future studies. The model was examined in Rasht city. It is suggested to generalizing the research model to the destinations with different features. This may make the ground for evaluating the level and direction of tourists' motivation, since visitors connect satisfaction with destination loyalty. Using the research model applied in this study in other studies will produce more reliable and valid indicators, the end result of which would be a stronger and more stable model.

Keywords: Pull and Push motivations, Motivation Satisfaction, Tourist Satisfaction, Destination Loyalty, Rasht

Evaluating the Factor Affecting on the Loyalty to Visiting Rasht as a Tourism Destination

Hassan Ahmadi
Associate Professor in Urban Planning, University of Guilan, Rasht, Iran

Mehrdad Mehrjou [1]
PhD Candidate in Urban Planning, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: 18 January 2023 ***Accepted: 4 April 2023***

Extended Abstract

1. Introduction

Cai, Cohen and Tribe (2019) believe that motivation plays a significant role in predicting consumers' behavior in tourism marketing. Previous studies have proved that tourists' motivational state exert a significant impact on their tendencies and consuming behavior. Previous studies have focused on and shown the significance of identifying tourist loyalty and the factors affecting it. However, they suffered limitations and gaps that were dealt with in this study. Among these limitations and gaps is examining a wide range of tourism centers instead of a specific place in Rasht city. Despite the availability of many resources that may enhance attracting tourists visiting Rasht, not much attention has been paid to the development of this city. The abundant resources of this city can attract a high percentage of the tourism demand to itself. A tourist who is satisfied with the experience of traveling to Rasht and has a good feeling about it, will probably travel again and do word-of-mouth advertising about the city. The tourist loyalty is considered the fundamental principle and a significant factor of competitive advantage and success in the tourism market. Tourism service providers in Rasht should pay attention to tourism loyalty derived from tourists' satisfaction and motivation. Moreover, focusing on the tourists' loyalty to Rasht will decrease pressure of the presence of too many tourists in this city. Considering the mentioned issues, this study tried to evaluate the impacts of tourists' motivation and satisfaction on destination loyalty. In this regard, it was tried to see: Is there a significant relationship between pull and push motivation with tourist satisfaction? Is there a significant relationship between tourist satisfaction and destination loyalty? Is there a significant relationship between push and pull motivations and destination loyalty?

2. Method

This survey used Structural Equation Model (SEM). The statistical population consists of the domestic tourists visiting Rasht city. The size of sample was determined to be 386 people using Cochran's formula. Cluster sampling and Likert scale questionnaire (having 5 points from strongly agree to strongly disagree) were used to collect the required data. Structural Equation Modeling technique with partial least squares approach and LISRE software were used. To fit the model, the explained variance was used. The rate of explained variance index, more than 0.25, 0.5 and 0.75, respectively, indicates the low, medium, and significant ability of changes. To measure reliability, factor loading coefficients were measured and items whose factor loading was less than 0.7 were removed. Composite reliability coefficient (more than 0.8) and Cronbach's

1 Corresponding author. Email: Mehrjoumehrdad@gmail.com

2. Method

This study, as a scientific approach, aimed to explore the relationship between residential complex environments and self-awareness through a combination of fundamental and exploratory research. It employed a mixed-method approach (qualitative and quantitative). The qualitative research included a descriptive-analytical review of the literature, followed by exploratory interviews conducted using snowball sampling among experts (university faculty members and housing specialists) until theoretical saturation was reached with 33 participants.

The content analysis of the interviews was performed in two levels. At the first level, multiple physical, functional, and symbolic affordances were identified. At the second level, which involved abstracting concepts from the first level, shared themes connecting the findings across all interviews were categorized into specific dimensions. Subsequently, the quantitative research was conducted in four stages: 1) Developing and distributing questionnaires, 2) Assessing data reliability, 3) Evaluating the external model, 4) Empirically testing the operational research model. Given its results, implications, and subject matter, this study is applied research.

3. Results

The results clearly demonstrate that self-awareness originates from three sources: the self, the physical environment, and the social environment. It exists in two types: internal (involving the self and the physical environment) and external (involving the self and the social environment). The integration of the physical and social environments forms five levels of self-awareness. Their significance in residential complexes, in order of importance, includes: 1) Permanence level, 2) Meta level, 3) Differentiation level, 4) Identification level, 5) Situation level. The most influential environmental affordances corresponding to these levels are as follows: Permanence level: Mystical transition; Meta level: Continuity of scenarios; Differentiation level: Functional organization; Identification level: Identity acceptance; and Situation level: Presence of nature. Among these, physical affordances were found to have the greatest influence on achieving levels of self-awareness, while other affordances alone were insufficient to meet the self-awareness levels within residential complexes.

4. Discussion and Conclusion

What distinguishes this research from previous studies, which considered increased self-awareness as inversely related to environmental engagement, is its focus on the environment's potential to enhance self-awareness. This study confirms that the sources of self-awareness (self, physical environment, and social environment) are intertwined with the environment, rather than opposing it. Another distinguishing aspect is its deviation from prior research, which emphasized the influence of the environment on beliefs, tendencies, and lifestyle choices. Instead, this study investigates self-awareness in the environment using mirror pattern theory. This theory has been applied in other contexts, such as Keromnes et al. (2019) offering a novel perspective on body perception, and Xiong (2020) using it for poster design to illustrate child development. However, the present study employs this theory to define levels of self-awareness within the environment, aligns them with environmental affordances, and determines their relative importance.

It is noteworthy that this research specifically focuses on residential complexes. Therefore, the importance of self-awareness levels and the corresponding influential environmental affordances might differ in other housing typologies, making them topics for future research. The varying impact of the environmental affordance of "depth of observation" on different self-awareness levels also warrants further study. Additionally, two excluded items, "providing specific functionality in outdoor spaces" at the situation level and "participatory design" at the identification level, due to internal inconsistencies, are potential areas for further exploration in future research.

Keywords: Quality of Life, Self-awareness, Environmental Affordances, Residential Complex

Environmental Affordances Affecting Self-Awareness in Selected Residential Complexes of Mashhad [1]

Hamed Beyti [2]
Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran

Minoo Gharebaglou
Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran

Elmira Karimipour
PhD Candidate in Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Art, Tabriz, Iran

Received: 30 December 2022 ***Accepted: 24 May 2023***

Extended Abstract

1. Introduction

A good life emerges from living and reflecting on one's own existence. It can therefore be regarded as an educational process aimed at discovering oneself moment by moment, identifying weaknesses, learning from mistakes, and comprehending the quality of experiences in various situations to perform better in the future. If a prescription were to be written for improving the quality of human life, it should be based on self-awareness, which involves familiarity with oneself and one's surroundings. One of the primary sources of self-awareness is the environment. The living environment possesses the capacity to utilize a set of environmental affordances to meet the criteria for self-awareness. In this respect, housing closely tied to the evolving nature of human life and particularly residential complexes, due to the necessity of understanding the thought processes and perception of an integrated whole, gain significance because of their high socializing potential.

Given that Mashhad, as Iran's second-largest metropolis, has experienced recent developments that have disrupted the spatial structure of its neighborhoods, ruined the physical identity and continuous social fabric of its residents, and diminished face-to-face interactions, this city has been chosen as the case study. This study aimed to explore the scientific relationship between the residential environment and self-awareness.

The residential complex, as the physical framework of collective life, highlights the social dimension of housing. Understanding the concept of an integrated whole necessitates self-awareness, encompassing self-evaluation, predicting how others perceive an individual, and acting based on shared beliefs and values. This study tried to answer the following questions: What is the relationship between the environment and self-awareness? What environmental affordances of a residential complex can influence self-awareness?

1. This article is extracted from the Master's thesis entitled *Designing a Residential Complex with a Self-awareness Approach,* supervised by Dr. Hamed Beyti and advised by Dr. Minoo Gharebaglou at Tabriz Islamic Art University.

2. Corresponding author. Email: h.beyti@tabriziau.ac.ir

criteria decision-making models. Therefore, the selected criteria for this study were taken from the findings of previous studies. The development areas of Zanjan were divided into two main categories in the final map. The first category entails the lands with special value, respectively having agricultural, historical and architectural values, as well as valuable natural resources or having excellent views. These are located in the center and south of Zanjan. The second category entails unsettled lands such as barracks and work spaces (ignored in our analyses due to lack of settlement) and inefficient textures on the skirt of the city, such as Eslamabad, Bisim, Trans, Trans, Kouye Fatemieh, Kouye Sayan, and Mahdiyeh. The areas that recorded a higher rank of desirability of development were those areas embracing Golshahr neighborhoods (Phases 1 to 8), Karmandan, Kouye Farhang and Kouchmeshki, due to appropriate average size, people's tendency to reside in, tendency to construction, suitability in terms of matching with criteria of high-rank documents, proximity to local and regional services and commercial centers, proximity to grade 1 and 2 urban allies, regular pieces and checkerboard passages. The significant issue from the perspective of social justice and the power of transferring development rights is that for making the decisions, such issues like investment, development regulations, and the tendencies have been towards Karmandan and Kouchmeshki neighborhoods. The consequence is that social justice is not observed because of environmental and spatial features in the transfer of development rights.

4. Discussion and Conclusion

The application of "the transfer of development rights" in the framework of urban development plans is considered a new method that will yield more successful implementation of these plans in Iran. This may be fulfilled through making an internal connection between development tools and goals. Relying on the results of various studies and experiences at the national and international level, this study showed that transfer of development rights projects necessitates urban and legal infrastructure for appropriate implementation. The success of the implementation of these plans is highly dependent on the correct identification of sending and target areas and the generation of effective connection between the areas in question. The results showed that forecast of the development of this city in future based on zoning regulations is different from the existing situation. The sending development areas are in the center and south of this city. One can jump to the conclusion that implementing the development right transfer project necessitates first of all to specify executive organizations in the city's administration and then to integrating them into urban development plans using a social equality approach. Taking into account the existing policies, the following solutions are suggested for more successful implementation of the development right transfer project:

A) Applying the potentials of such neighborhoods as Kouye Farhang, Azadegan, Rajaee Shahr, Foroudgah, Mosalla, considering the dimensions of the pieces, high-rise construction policies, and providing facilities;

B) Revising the zoning pertaining to the flour limitation, especially in such prone neighborhoods of Zanjan as Kouye Farhang, Azadegan, and Rajaee Shahr;

C) Preventing the disrespect of the rights of areas embracing Bazar, and Hosseinieh and Dabaghler neighborhoods;

D) Transferring administrative uses to the neighborhoods having the potential of transferring development rights (such as Khouye Farhang, Rajaee Shahr) in order for managers and employees observe the condition of these neighborhoods;

E) Making exempt of tolls and using more lands for constructions, especially in central areas of the city, such as Hosseinieh, Dabaghler, and Bazar Paein;

F) Facilitating the access of less desirable areas to the local and regional services and commercial centers in Kouye Farhang, Azadegan, Rajaee Shahr, Foroudgah, and Mosalla neighborhoods.

Keywords: Social equality, development right transfer approach, Zanjan city, multi-criteria decision-making model, VIKOR.

The Application of Transfer of Development Rights (TDR) in Different Areas of Zanjan

Azim AliShae
Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Payam-e Noor University, Tehran, Iran

Saied Najafy [1]
Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Zanjan University, Zanjan, Iran

Mohammad Taghi Heydari
Associate Professor in Geography and Urban Planning, Zanjan University, Zanjan, Iran

Received: 22 December 2022 ***Accepted: 19 April 2023***

Extended Abstract

1. Introduction

The problems originated from the development and spatial expansion of cities and decision-making policies based on traditional approaches has caused many other challenges. The problems not only have deprived the areas potential for the development of having equal rights, but have also led to the destruction of heritage spaces of various cities. The Transfer of Development Rights (TDR) approach provides the ground for legal, socio-economic, and other mechanisms for transferring development rights to other parts of cities. Relying on TDR approach, this study tried to apply this concept of "transfer of development right" to the development of urban spaces in Zanjan. Zanjan has experienced the same challenges and the development trend of this city shows that "the development right" in some neighborhoods is beyond the approved plans. The ending result seems to be making the ground for discrepancies rent-seeking grounds. Accordingly, there seems to be not any solution but to take novel approaches, like the Transfer of Development Rights approach that respects property rights. According to this approach, efforts are made to preserve the valuable lands that are reserved for the development, and to observe the rights pertaining to the areas that have the potential of development but are prone to huge constructions when the cities develop.

2. Method

This applied and developmental study used a descriptive-analytical method. The study tried to identify the areas suitable for the implementation of the Transfer of Development Rights approach in Zanjan city and at the same time consider the factors that influence the implementation, relying on multi-criteria decision-making models. The prioritization of the criteria of implementing the decision-making models was done by experts of urban planning and the elites who are familiar with the features of Zanjan. The size of sample were determined using Delphi method. Twenty questionnaires were completed by university professors, experts of urban planning in the municipality of the city, and PhD students of urban planning. The model was applied using Excel software. Geographic Information System (GIS) was also used for preparing thematic maps.

3. Results

Several studies have investigated the subject matter of this research taking a protective approach to agricultural lands. Moreover, many studies explored its use in urban spaces and ranking using multi-

1. Corresponding author. Email: najafysaied@gmail.com

2. Method

The data collection of this applied and descriptive study was done in late 2021 and early 2022 through a questionnaire. Analytic Hierarchy Process (AHP) was applied to prioritize the key obstacles and the subset of each of the main factors. The statistical population consists of experts, specialists, and senior managers of the public and private sectors active in the tourism industry of Kerman province, as well as the faculty members of Kerman University who were professional in the subject matter. Due to the limited number of members of the mentioned community, the sample was determined to include all members of the statistical population (i.e., 42 people). The questionnaires were delivered in person to all participants (42 experts). Moreover, Expert Choice software was used to prioritize the obstacles and hierarchical analysis of the obtained data.

3. Results

Reviewing the previous studies on the obstacles to tourism development, as well as considering the characteristics and capabilities of the studied area, some obstacles to the tourism development of Kerman province were mentioned by experts of the private and public sectors. At the first stage, the most significant obstacles to tourism development were identified using theoretical foundations. They were classified in four general categories, including infrastructure obstacles, marketing obstacles, socio-cultural obstacles, and managerial and structural obstacles. Twenty sub-criteria were identified for these obstacles. Then, the hierarchy of decision tree was designed. At the next stage, using the opinion of experts and applying the hierarchical analysis process method, the data on the obstacles to tourism development of Kerman province were prioritized.

4. Discussion and Conclusion

From the experts' perspective, the mentioned obstacles are prioritized in the following order: infrastructure obstacles (with a weight of 0.297), marketing obstacles (with a weight of 0.257), socio-cultural obstacles (with a weight of 0.235), and managerial-structural obstacles (with a weight of 0.214). Weak hotel and restaurant services (with a weight of 0.175) holds the first rank among the sub-criteria followed by insufficient use of the potential of provincial broadcasting for introducing the tourism attractions of this province (with a weight of 0.105), and unawareness of the public of the benefits of tourism (with a weight of 0.091). In line with the first rank of infrastructure obstacles to tourism development, the researchers' observations showed that such issues as infrastructure deficiencies like suitable urban and midway accommodations and weakness of the transportation system, are not only significant factors increasing the dissatisfaction of tourists who visit Kerman, but also one of the major causes of unwillingness of Iran's major tourism agencies to send tourists to this province. Given that Kerman province is the largest province of Iran in terms of the land and there are great distances between the cities, access to tourism attractions requires providing extensive accommodation and travel facilities. Considering the results, this study offer some suggestions for further research. First, doing a similar research in other regions of Iran and taking the opinions of more experts in a collaborative decision-making environment. Second, examining the factors that can have a mediating or moderating role on tourism development, including macro-economic factors like inflation. Third, conducting a sociological study, investigating sustainable tourism development in this province. It is noteworthy that the results of this study have been affected by some limitations: A) the limited number of experts and specialists for the survey; B) the difficulty of completing the AHP questionnaire, which despite the detailed instructions, some of respondents had problems. However, to solve the problem more and necessary explanations were provided.

Keywords: Tourism, Tourism, Obstacles to Tourism Development, Private and Public Sector, Experts, Analytic Hierarchy Process, Kerman Province

The Analysis and Prioritization of Tourism Development Obstacles in Kerman Province from the Perspective of Experts of Official and Private Sectors

Mehdy Kazemi [1]
Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management and Economics, University of Shahid Bahonar, Kerman, Iran

Alireza Shakibai
Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Economics, University of Shahid Bahonar, Kerman, Iran

Soudabe Bijari
MSc, Faculty of Management and Economics, University of Shahid Bahonar, Kerman, Iran

Mahboube Barzegarpour
PhD Candidate in Technology Management, University of Malek Ashtar, Faculty of Management, Tehran, Iran

Received: 10 December 2022 ***Accepted: 27 February 2023***

Extended Abstract

1. Introduction

Countries see tourism as one of the most significant sources of foreign income. The phenomenon entails such significant issues as predicting needs and attracting current and future tourists' satisfaction, so that it has made activists of this field seriously compete each other. Due to the significance of tourism and the role that it has played in economic and socio-cultural development over the history, regional and national managers and officials endeavor to make plans for expanding this industry. Moreover, researchers emphasize the significance of examining those factors that may exert an influence on the obstacles to tourism development planning and taking most advantages of the industry towards improving the economy of their own communities. It is noteworthy that some of these factors and obstacles are related to the nature of competitive market and consumers' demands and yet some others are related to the generation of a desirable environment for customers and employees of tourism services. Therefore, it is totally necessary to explore the obstacles to tourism development in order to identify and categorize them.
Holding precious historical background and hundreds of historical monuments and tourism attractions, Kerman province is considered one of tourism hubs of Iran. However, the development of tourism industry in Kerman is not corresponded with its potentials. Some previous research confirm this claim. Considering the above-mentioned issues, this study endeavored to identify and prioritize the ideas of experts of the public and private sectors of Kerman province in the field of tourism regarding the obstacles to its development. Therefore, relying on theoretical foundations and taking the perspective of experts in the public and private sectors of Kerman province, this study tried to see the tourism development obstacles in Kerman province and how experts prioritize these obstacles.

1. Corresponding author. Email: mehdykazemi@uk.ac.ir

and housing dimensions. Regarding "participation", 18 indicators were identified that were categorized into four dimensions: educational, legal, social, and management and planning dimensions. Mental indicators were measured using regression analysis. The highest scores belongs to the extent of doing various activities by children in the physical dimension, child safety facing cars in the transportational dimension, sense of belonging to the neighborhood in the social dimension, the variety of activities of children in the housing dimension, and the variety of activities in the neighborhood in the administrative dimension. Moreover, in the section of participation of children in the management and planning dimension, motivational policies for the participation of children, in the educational dimension, recognizing the abilities and competencies (empowerment) of children, and in the legal dimension, the laws that support children recorded the highest scores. On the contrary, the lowest scores belonged to the attention to children's favorite colors in the physical dimension, ventilation of houses in the housing dimension, the noise pollution in the environmental dimension, the advisory councils in the administrative dimension, the implementation of the ideas of children in the management and planning dimension, the idea of children as trainers of community in the educational dimension, and legal rights of children in the legal dimension recorded the lowest scores. Regarding the dimensions, the physical and environmental dimensions were identified as the most significant. The physical dimension is significant as it is visible and entails all the things about human beings, and the environmental dimension is important as in that children grow up. Therefore, safe and healthy environment is so significant for parents, and this should taken serious by planners of creating child-friendly neighborhoods.

4. Discussion and Conclusion

Considering the results, it can be said that through participating and obtaining children's ideas in various stages of planning, neighborhoods can be places that children like; place in which safety, security, sense of belonging, presence, and social interactions are high.

Accordingly, for enhancing the participation of children, first of all they should be formally educated and empowered to take active roles in the neighborhoods' planning. Then, we should make the infrastructure for children's participation. Local officials should involve children by creating a safe and all-inclusive environments. At first, some groups should be formed that work on the physical, transportational, social, environmental, housing and management and planning issues in the neighborhoods. Then they should inform people of those plans and programs of the neighborhoods and children's participation in the planning process. For better creation of the environment, they can use the ideas of architects, environmental and urban planners, child psychologists, and facilitators to communicate with children and use their ideas in regarding the desired neighborhoods. The ideas can be obtained from children under 12 through drawing, storytelling, recording behavioral patterns, and photographing, and for children of 12 and older through interviews, brainstorming, workshops with the presence of children, visiting different sites with the officials, group discussions, matrix, and theater. Moreover, it should be possible to monitor and revise the plans and programs by children after the implementation. This issue allows children to directly observe the consequences of their participation, which makes them feel a sense of belonging to their neighborhood and feel responsible for them.

Keywords: Children, Child-Friendly Neighborhoods, Participation, South Pounak Neighborhood of Tehran

Planning Children-Friendly Neighborhoods with an Emphasis on Participation (Case Study: South Pounak Neighborhood of Tehran)

Shifteh Farokhi
MA in Urban Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Seyyed Majid Mofidi Shemirani
Assistant Professor in Urban Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Samaneh Jalilisadrabad [1]
Faculty Member of Regional and Urban Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Received: 5 November 2022 ***Accepted: 5 February 2023***

Extended Abstract

1. Introduction

Currently many cities have various challenges. One of the main challenges is ignoring children. In this regard, neighborhoods can act as reliable domains for solving urban problems. Their potentials should be used to increase children acceptance, increase the sense of belonging, enhance the life quality, and boost social capital. The ideas and demands of children (as a vulnerable group of society), regarding their living environment, should be seriously considered by planners and policy makers. The end goal is that children can use the whole parts of neighborhoods when they desire and be more interested in participating and passing time in the neighborhood's environment. Considering the mentioned issues, this study tried to identify planning strategies for creating child-friendly neighborhoods that enhances participation in the South Pounak neighborhood of Tehran. This neighborhood and participation are under-researched. Therefore, this study tried to present the participation indicators in the different dimensions of child-friendly neighborhoods.

2. Method

This applied research enjoyed a descriptive-analytical method. Cochran's method was applied to determine the size of the sample. To observe the principle of equality in selecting the participants, from among the statistical population of 35408 people, 380 questionnaires were distributed among the residents of the neighborhood considering the population of each block and using simple random sampling. For the analysis of the questionnaire, multiple regression analysis and stepwise method were applied to determine the relationship between independent variables and the dependent variable and to see the influence of independent variables on the dependent variable.

3. Results

The findings included 27 indicators regarding "planning of child-friendly neighborhoods". The indicators were categorized into physical, transportational, social, environmental, administrative,

1. Corresponding author. Email: s_jalili@iust.ac.ir

Table of Contents
(Extended Abstracts)

- **Planning Children-Friendly Neighborhoods with an Emphasis on Participation (Case Study: South Pounak Neighborhood of Tehran)** 1
  Shifteh Farokhi, Seyyed Majid Mofidi Shemirani, Samaneh Jalilisadrabad

- **The Analysis and Prioritization of Tourism Development Obstacles in Kerman Province from the Perspective of Experts of Official and Private Sectors** 3
  Mehdy Kazemi, Alireza Shakibai, Soudabe Bijari, Mahboube Barzegarpour

- **The Application of Transfer of Development Rights (TDR) in Different Areas of Zanjan** 5
  Azim AliShae, Saied Najafy, Mohammad Taghi Heydari

- **Environmental Affordances Affecting Self-Awareness in Selected Residential Complexes of Mashhad** 7
  Hamed Beyti, Minoo Gharebaglou, Elmira Karimipour

- **Evaluating the Factor Affecting on the Loyalty to Visiting Rasht as a Tourism Destination** 9
  Hassan Ahmadi, Mehrdad Mehrjou

- **Measuring of Urban Ecology Criteria in High-Rise Buildings of Mashhad based on HQE International Standard** 11
  Farzaneh Razzaghian, Mohamad Rahim Rahnama, Mohamad Ajza Shokohi

- **Assessment of the Aesthetic Components of the Urban Landscape (Case Study: Sabzeh Meydan of Qazvin)** 15
  Reza Jafariha, Ghazaleh Heydari, Zahra Lak

- **Factors Affecting Desirable Urban Management in Tehran Metropolis based on Causal Mapping Approach** 17
  Saeid Khatam, Zahra Ahmadipor, Mahnaz Khatam

Extended Abstract

In the Name of Allah

Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities

Journal of Geography and Urban Space Development

Vol. 11, No. 4, Winter 2025,
Serial Number 27

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahnama, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan, Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editor:
Sh.Sabaghi Abkooh

Typesetting:
E. Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US$ (USA)
20 US$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
http://jgusd.um.ac.ir

Ferdowsi University of Mashhad

Journal of
Geography and Urban Space Development
(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 11, No. 4, Winter 2025, Serial Number 27

- **Planning Children-Friendly Neighborhoods with an Emphasis on Participation (Case Study: South Pounak Neighborhood of Tehran)** 1
  Shifteh Farokhi, Seyyed Majid Mofidi Shemirani, Samaneh Jalilisadrabad
- **The Analysis and Prioritization of Tourism Development Obstacles in Kerman Province from the Perspective of Experts of Official and Private Sectors** 3
  Mehdy Kazemi, Alireza Shakibai, Soudabe Bijari, Mahboube Barzegarpour
- **The Application of Transfer of Development Rights (TDR) in Different Areas of Zanjan** 5
  Azim AliShae, Saied Najafy, Mohammad Taghi Heydari
- **Environmental Affordances Affecting Self-Awareness in Selected Residential Complexes of Mashhad** 7
  Hamed Beyti, Minoo Gharebaglou, Elmira Karimipour
- **Evaluating the Factor Affecting on the Loyalty to Visiting Rasht as a Tourism Destination** 9
  Hassan Ahmadi, Mehrdad Mehrjou
- **Measuring of Urban Ecology Criteria in High-Rise Buildings of Mashhad based on HQE International Standard** 11
  Farzaneh Razzaghian, Mohamad Rahim Rahnama, Mohamad Ajza Shokohi
- **Assessment of the Aesthetic Components of the Urban Landscape (Case Study: Sabzeh Meydan of Qazvin)** 15
  Reza Jafariha, Ghazaleh Heydari, Zahra Lak
- **Factors Affecting Desirable Urban Management in Tehran Metropolis based on Causal Mapping Approach** 17
  Saeid Khatam, Zahra Ahmadipor, Mahnaz Khatam

ISSN: 2538-3531